

# دانشگاه تهران

## دانشکده حقوق و علوم سیاسی

### موضوع

## توسعه پایدار و محیط‌زیست در ایران

نگارش

محمد گلکار

۱۳۸۲ / ۷ / ۲۰

از اطلاعات مدرک در ایران  
توسعه پایدار

استاد راهنما

دکتر سید احمد موثقی

استاد مشاور

دکتر کیومرث اشتریان

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم سیاسی

۱۳۸۲



# فرم ارزشیابی پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده: حقوق و علوم سیاسی گروه: علوم سیاسی

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی مقطع کارشناسی ارشد دانشجویان دانشگاه تهران

به شماره دانشجویی: ۲۱۰۱۷۹۰۰۹ در رشته: علوم سیاسی

آنها: محمد گلکار

پایان نامه خود به ارزش: ۴ واحد راکه در نیمسال اول سال تحصیلی: ۸۰-۸۱-۲ درم

گرایش: علوم سیاسی

اخذ و ثبت نام نموده برد، تحت عنوان: توسعه پایدار و محیط زیست در ایران

داور

به سرپرستی (استاد راهنما): دکتر موثقی استاد مشاور: دکتر اشتریان استاد مشاور دوم (حسب مورد): دکتر آقایی

در تاریخ: ۸۲/۴/۱۶ در حضور هیأت داوران به شرح ذیل با (موفقیت / عدم موفقیت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

اسامی هیأت داوران	مرتبہ علمی	محل اشتغال	امضاء
۱- استاد راهنما: دکتر احمد موثقی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲- استاد مشاور: دکتر کیومرث اشتریان	استادیار	" " "	
۳- استاذ داور: دکتر داود آقایی	استادیار	" " "	
۴- استاذ داور:			
۵- استاذ داور یا استاذ مشاور دوم:			

به عدد	به حروف
۱۹	فوزده و نه

نمره نهایی هیأت داوران:

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.

سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده

با سلام، نظر به اعلام نمره نهایی فوق الذکر از جانب هیأت داوران خواهشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام مقتضی مبذول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: دکتر ابراهیم متقی امضاء و تاریخ:

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیأت داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد. تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

۴۸۷۹۳

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
۱.....	مقدمه
۳.....	طرح موضوع
۵.....	اهمیت موضوع
۶.....	سؤال تحقیق
۷.....	فرضیه تحقیق
۷.....	تعریف مفاهیم
۸.....	ادبیات موضوع
۱۰.....	متدولوژی تحقیق
۱۰.....	سازماندهی پژوهش

## بهره نخست: فصل اول، تئوری‌های توسعه و بحران زیست محیطی

۱۴.....	توسعه
۱۷.....	طبیعت نوسازی و توسعه
۲۰.....	نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه کلاسیک، بن‌بست نظری و فجایع عملی
۲۲.....	مکتب وابستگی
۲۳.....	مکتب اکلا
۲۴.....	تعریف توسعه
۲۶.....	حوزه‌های بحران و مسائل جهانی
۵۰.....	تراژدی زیست محیطی
۵۸.....	الف) روند شکل‌گیری مفهوم توسعه پایدار



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷۱	ب) توسعه پایدار.....
۷۳	پ) تعریف «توسعه پایدار».....
	رویکردها و مکاتب تئوریک زیست محیطی
۷۶	الف) رهیافت محیط زیست گرایي بازار.....
۷۹	ب) رهیافت نوسازی بوم شناسانه.....
۸۳	پ) رهیافت اکوسوسیالیسم.....

## بهره دوم: فصل اول، نگرش و عملکرد زیست محیطی در ایران از گذشته تا حال

۸۷	- تاریخچه نگره زیست محیطی در ایران.....
۹۰	- اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۹۳	- ساختار تشکیلاتی سازمان های اجرایی کشور در ارتباط محیط زیست.....
۱۰۰	وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی ایران.....
۱۰۲	روند اقتصادی ایران.....
۱۰۴	فقر و فقرزدایی (و مسائل محیط زیست).....
۱۰۷	الگوی مصرف و ضرورت تغییر آن.....
۱۰۹	حمل و نقل و ارتباطات.....
۱۱۰	جمعیت و پایداری.....
۱۱۲	حفاظت از جو.....
۱۱۴	استفاده پایدار از منابع زمین، نفت، صنعت و معدن.....
۱۱۷	حفاظت از دریاها و سواحل ایران.....
۱۲۰	وضعیت آب، آب و فاضلاب، برق و انرژی.....

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۲۴	جنگل و مبارزه با جنگل زدایی
۱۲۶	بیابان زدایی و مبارزه با بیابان زدایی
۱۲۸	توسعه پایدار کوهستان
۱۳۰	کشاورزی پایدار
۱۳۳	تنوع زیستی ایران
۱۳۴	مواد شیمیایی زائد و خطرناک و جامد
۱۳۸	زنان و توسعه پایدار
۱۴۰	سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی (NGOS)
۱۴۴	همکاری‌های بین‌المللی
۱۴۷	جمع‌بندی

## بهره دوم: فصل دوم، بررسی و مطالعه برنامه سوم توسعه از حیث نظرگاه زیست محیطی

۱۵۰	مفهوم برنامه و برنامه‌ریزی (به عنوان مسأله بهینه‌سازی تحت محدودیت‌ها)
۱۵۵	مرور تاریخی برنامه‌ریزی توسعه در ایران و محیط‌زیست
۱۶۰	نتایج
	بررسی شکلی جایگاه محیط‌زیست در دل و دامنه برنامه و قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی،
۱۶۳	اجتماعی، فرهنگی کشور
۱۶۶	- فقر و توزیع درآمد در ایران
۱۶۹	- منطق و ذهنیت اقتصادی حاکم بر برنامه سوم توسعه
۱۷۲	مبانی و مستندات سیاست‌ها و قوانین زیست محیطی برنامه سوم توسعه
۱۷۴	- برنامه سوم و توسعه پایدار کشاورزی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷۶	اثرات فعالیت‌ها و آلاینده‌ها بر منابع طبیعی، طبق مستندات برنامه سوم.....
۱۷۹	هوا.....
۱۸۰	خاک.....
۱۸۱	جنگل و مرتع.....
۱۸۶	۳- سیاست‌های اجرایی در ارتباط با (حفظ) محیط‌زیست در برنامه سوم.....
۱۸۹	- مواد قانونی بخش دوم سیاست‌های اجرایی.....
۱۹۴	جمع‌بندی.....
۱۹۷	نتیجه‌گیری و پیشنهاد.....
۲۰۷	فهرست منابع فارسی.....
۲۱۲	فهرست منابع انگلیسی.....

تقدیم به :

پدرم و

رؤیای حج پریده مادرم که تمام وجود نازک خویش از جمله هزینه و شوق  
سفر قبله اش را وقف حقیقت طلبی و علم آموزی این حقیر نمود تا قدرکی و  
اندکی فهم برایم حاصل آید.

خدایش بیامرزد.

## تشکر و قدردانی

اما بعد :

این بی‌مقدار وظیفه خود می‌دانم از اساتید ارجمند آقایان دکتر کیومرث  
اشتریان، بویژه دکتر سید احمد موثقی بخاطر راهنمایی‌ها و ارشاداتشان در  
انجام این پروژه قدردانی نماید.

همچنین از همسر مهربان، و فرزند دل‌بندم خانم رؤیا پورشهباز و  
علیرضا گلکار بخاطر مسئولیت‌پذیری و شوق‌انگیزی‌شان سپاس بی‌پایان  
دارم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین



## چکیده

یکی از آثار تجدد و توسعه در سده اخیر فشار بیش از حد بر منابع طبیعی و تخریب محیط‌زیست بوده است، از دهه ۱۹۸۰ بدنبال بروز کاستی‌های مدل کلاسیک توسعه با پیامدهای فقر فزاینده، بیکاری، فجایع زیست محیطی، عدم مشارکت انسان در تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای بی‌توجهی به زنان، جهت رفع این پیامدها مفهوم «توسعه پایدار» از سوی کارشناسان و نظریه‌پردازان توسعه در سطح جهانی مطرح گردید. یکی از اجزا جدایی‌ناپذیر توسعه پایدار حفظ استانداردهای زیست محیطی و تلاش جهت کاستن مضرات زیست محیطی توسعه است. بدین معنی توسعه پایدار استفاده از منابع طبیعی برای رفع نیاز کنونی بشر بدون لطمه زدن به آیندگان برای رفع نیازهایشان است. تلاش نگارنده این بوده تا با کار بست این مفهوم از توسعه بر مصادیق و اوضاع و احوال اقتصاد و محیط‌زیست ایران، وضعیت و موقعیت کشورمان را در طی مسیر توسعه پایدار مورد سنجش قرار دهد، دو محور اصلی توسعه پایدار که ظاهراً در تناقض با هم قرار می‌گیرند، تلاش برای رفع فقر و گرسنگی و (بیکاری) و جلوگیری از نابودی محیط‌زیست است. ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه از طرفی ضرورت دارد برای رفع فقر و دستیابی به رفاه برنامه‌های توسعه‌ای با رشد بالای شش درصد را اجرا نماید، از طرف دیگر در پی اجرای طرح‌های توسعه‌ای در طی ۳۰ سال اخیر به نحو بی‌سابقه محیط‌زیست با بحران و مصرف روبرو شده است یعنی جمعیت بیش از ۲ برابر، تعداد دام در مراتع ۳ برابر، تخریب پوشش جنگلی ۳۳ درصد، فرسایش خاک ۲/۵ برابر و مصرف آب ۲ برابر شده است.

تحلیل ما اینست که در برنامه سوم توسعه هم این روند تخریب تشدید یابنده است زیرا این برنامه با تأکید بر اقتصاد بازار و خصوصی‌سازی اقتصاد ایران در واقع منابع و اقلام محیط‌زیست را به عنوان سرمایه وارد محاسبات واحدهای صنعتی می‌کند، که این خود منجر به عدم حفاظت از منابع طبیعت و بهره‌برداری هر چه بیشتر از سرمایه‌های طبیعی خواهد گردید. بدون این تضمین که خصوصی‌سازی و تجربه آن در ایران به کار آفرینی و کاهش فقر و بیکاری که از اهداف توسعه پایدار است، بینجامد.



## مقدمه

عارفی کو که کند فهم زبان سوسن      که چرا رفت و چرا باز آمد

تخریب طبیعت، آلودن و نابودی محیط زیست، انقراض گونه‌ها، افسردگی و پریشانی امروز و به پوچی رسیدن او، وارد آمدن صدمات روز افزون به پیکر زمین و افزایش بیماری‌های روحی و روانی انسان ... آیا بین این بیماری‌ها و اختلالات و عوارض، ارتباطی وجود دارد؟

گرگوری باتسون، تقویرسین و صاحب‌نظر شهیر، زمانی تذکر داده بود که «عضلات عمده دنیا به علت وجود تفاوت بین طریقی که طبیعت عمل می‌کند و طریقی که انسان تفکر می‌کند حاصل شده و می‌شود» دکتر مایکل کوهن این گفته را اینگونه تکمیل می‌کند «تحریفات و اشکالات ایجاد شده در طریقی که انسان تفکر می‌کند در اثر از دست رفتن ارتباط انسان با طبیعت است».

انسان امروزه در حالی به هزاره سوم گام نهاده است که هر روز برای دوست و گهواره خود مام زمین خطرناک‌تر می‌شود و جراحی دردناک آلودگی‌های زیست محیطی و تخریب منابع طبیعی، هر لحظه بیش از پیش حیات و بقاء او را مورد تهدید قرار می‌دهد. از اینرو مقابله با آثار مخرب فعالیت‌های نامتوازن اقتصادی و صنعتی بر پیکره محیط زیست رفع و ترمیم آن از دغدغه‌های مهم حیات کنونی است. به مفهوم آرنتی محیط زیست و نابودی آن امروزه به یک «مسئله اجتماعی» تبدیل شده است. از آنجا که این مسئله عمومی و دغدغه‌ای همگانی است در سیاسی بودن موضوع تردیدی وجود ندارد. نگارنده به همین قیاس تعریفی متأخر از سیاست را که سرشتی گفتمانی دارد حفظ نموده نه تعریف دوره کلاسیک علم سیاست از دوورزه، هانتیکتون و بسیاری دیگر که سیاست را «علم و قدرت نزاع بر سر قدرت و ثروت و حیثیت» می‌دانستند. تعریف و تصور ما از سیاست، «هرگونه کردار، پندار و گفتار جمعی است که در حوزه عمومی» مطرح است.

محیط زیست و تخریب آن گرچه یک بحران پیش روی جهانی است، اما در ایران با یک

اقتصاد در حال توسعه به گونه‌ای متفاوت و شدیدتر مسئله‌ساز گردیده است. ایران به عنوان یک کشور دارای تنوع زیستی غنی، منابع سرشار اما شکننده در طول سه دهه اخیر بشدت دچار تحول و تخریب در محیط زیست شده است.

این تخریب و دگرگونی که در طول رساله بطور مشروح و مستند گزارش شده است، در واقع نتیجه تداوم مدل خام اندیشانه توسعه به مفهوم مضیق رشد اقتصادی صرف و به هر قیمت، بدون توجه به تبعات اجتماعی و زیست محیطی آن بوده است، برای ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، پیشرفت اقتصادی و صنعتی سازگار با محیط زیست رویایی دست نیافتنی می‌باشد، که قطعاً هرگونه تلاش خرد و کلان در جهت گشودن گره از این کار فرو بسته قابل تقدیر است.

تلاش نگارنده در این پژوهش، رازگشایی تئوریک و عینی از این معما و تناقض گونه است. اجرای طرح توسعه به مفهوم سنتی آن نه تنها کامیابی اقتصادی برای کشور به ارمغان نیاورده است، بلکه در نتیجه آن روند تخریب طبیعت شدیدتر هم شده است، بدنبال بی‌کفایتی تئوریک و عملی «توسعه» در دهه شصت تلاش‌های عظیم فکری و سازمانی صورت گرفت تا مسیر توسعه را که با ادامه آن روند بنابه مثل سعدی در حکم شاخ‌بن در زیر پای خود بریدن بود، مهار و پایدار نمایند. توسعه پایدار دست کم در مقام تئوریک ادعای حل معجزه‌آمیز در دهه و آلامی شده است که بشریت گریز و گزیری از آن ندارد.

با حجم عظیمی از اطلاعات و آماری که در طی رساله آورده‌ایم روشن و مبرهن می‌شود که در نتیجه کاربست مفهوم توسعه پایدار با واقعیات و شواهد ایران، تا چه حد فاصله کشور تا رسیدن به توسعه پایدار دراز است، این در حالیست که بیش از پنج دهه از تلاش و برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی و پیشرفت می‌گذرد.

متأسفانه در نتیجه اجرای برنامه سوم توسعه (با همه غنا و تکامل آن از حیث برنامه‌ریزی) این دو تناقض و ناسازگاری میان کوشش برای رفع فقر و بیکاری و حفاظت از منابع محیط زیست با توجه به جمعیت بیشتر مملکت در سطح وسیع تری تکرار می‌شود. در کشور ما ۱۰ درصد ثروتمندترین اقشار درآمدی حدود ۳۰ درصد از کل مصرف جامعه را به خود اختصاص

می دهند، این سهم برای ۱۰ درصد فقیرترین حدود ۱/۶ درصد است. یعنی ۱۰ درصد بالاترین سطح درآمدی خانوارها بیش از ۲۰ برابر فقیرترین خانوارها مصرف می کنند، حال آنکه سهم پایین ترین ده درصد در بسیاری کشورها از ۲/۵ درصد پایین تر است.

رابطه و تعامل میان فقر و نابودی محیط زیست در برنامه سوم نیز بطور مثبت برقرار نبوده است، به گونه ای که افزایش فقر موجب تخریب محیط زیست و تخریب طبیعت باعث افزایش فقر خواهد گردید، یعنی این دو تقویت کننده همدیگرند و موجب باز تولید و تشدید یکدیگر می شوند.

البته کوشش سلبی و انتقادی ما با برملا نمودن افسانه نوید به آینده اقتصادی بهتر و حفظ محیط زیست در سیاست های زیست محیطی برنامه سوم به معنای قطعیت و اعتماد به راههای دیگر نیست، گو اینکه ما به لحاظ هستی شناسانه پذیرفته ایم که سلوک در مسیر توسعه با این غایت های دهشت بار اگر هم نخواهیم در «تقدیر» ماست. هر چند به نظر می رسد، تقویت جامعه مدنی و سازمان یابی غیردولتی حرکت های خود جوش بتواند، توسعه را انسانی تر نماید.

القصد کمال جهد می باید کرد در وادی خود تمام می باید بود

## طرح موضوع

امروزه توسعه و توسعه پایدار به مفاهیم پرکاربرد و تعیین کننده ای تبدیل شده اند که در سطح تئوریک و عملی با چالش ها و فرصت های بی شماری عجین شده اند. هر ساله در سطح کشور شاهد برگزاری همایش ها و سمینارهای چندی در ارتباط با توسعه پایدار هستیم، اما متأسفانه بخش عظیم مسائل مطرح در این همایش ها یا فوق العاده عام و انتزاعی اند، و یا اغلب موردی با جزئی نگرند، یعنی یک مورد خاص را در ارتباط با توسعه پایدار می سنجند، از طرفی واقعیت است که هر انسان دارای نیازها و آرزوهایی است که تمام همت خویش را از سپیده دم تاریخ برای رفع آنها بکار برده است، یعنی از همان آغاز به چاره اندیشی جهت رفع مشکل پرداخته

است، تا قبل از دوره مدرن هم انتظارات و هم برآوردن انتظارات محدود بوده با این حال از ۴۰۰ سال پیش بدین سو بود که انسان توانست تمام استعدادهای خود را بروز دهد و به مدد فن و تکنولوژی طبیعت و هر آنچه در آنست را به استخدام خویش درآورد و به رفاه هر چه بیشتر و بهتر نایل است.

اما شدت استفاده از طبیعت و محیط زیست در سده اخیر، همراه با تبعات و زخم‌های بزرگی بر قامت طبیعت شده است که خود از جمله مشکل‌ترین و پرمسئله‌ترین موضوعات پیش پای بشر می‌باشد. انسان اینک خود مقهور و مغلوب دام خود ساخته خویش بنام تکنولوژی از نوع مخرب آن شده است. بشر اکنون به عمق فاجعه پی برده است. علما و متخصصین تنها راه حل معما و مشکل را رسیدن به اهداف مندرج در مفهوم توسعه پایدار دانسته‌اند. ایران و ایرانیان نیز به عنوان یک درصد از جمعیت جهان به شکل خاصی با این بحران جهانی و بی‌مرز درگیر هستند و همینطور دل در گروه دستیابی به توسعه پایدار دارند.

اما اینکه واقعاً ایران در طرح‌های توسعه‌ای و پروژه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی خود چه نسبتی و چه فاصله‌ای با مفاهیم مندرج در توسعه پایدار دارد، حقیقتاً معلوم نیست.

اقتصاد ایران به لحاظ تاریخی بیمار و دچار ضعف ساختاری بغرنجی است که هنوز هم هیچگونه نسخه و تجویزی نتوانسته آنرا درمان نماید. بیش از پنجاه سال است که کشور متکی به درآمدهای فروش نفت خام است. موازنه مثبت تجاری در هیچ دوره از تاریخ معاصر ایران (البته بعضی دوره مصدق را مستثنی می‌دانند) برقرار نبوده است. ارقام تولید سرانه کشور نشان می‌دهد که این متغیر در فاصله سال‌های ۵۶ تا ۷۹ به قیمت ثابت ۳۰ درصد کاهش داشته است. ایران هر سال ۳ الی ۴ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی و حدود ۱۷ الی ۱۸ میلیارد دلار واردات دارد. یعنی با ۱۴ میلیارد دلار کسری نهادینه شده تجارت خارجی روبرو است. به تعبیری سالانه ۳ میلیون شغل از ایران خارج می‌شود. در صورتی می‌توان گفت تراز بین صادرات و واردات برقرار است که ایجاد شغل دوطرفه بوده باشد. بطور خلاصه از سال ۱۳۵۶ تاکنون میزان درآمد سرانه روند نزولی

داشته است.

از حیث مسائل زیست محیطی نیز تهی شدن منابع زمین، جنگل زدایی، فرسایش خاک، انقراض فهرست بلندی از گونه‌های جانوری و گیاهی، انهدام زیستگاه‌های طبیعی، بحران‌های زیست بومی، مصرف بی‌رویه تولید مبتنی بر استفاده اسراف کارانه انرژی (۱۶ برابر سرانه مصرف ژاپن) همگی نشانه‌های عینی سیمای نامتعادل ایران کنونی است.

بحران ناشی از ازدیاد و بی‌رویه جمعیت در دهه ۶۰ افزایش فشار تقاضا بر منابع دوشادوش رکورد اقتصادی در مقاطع مختلفی از تاریخ معاصر کشور، تجاوز به محیط زیست را تشدید کرده است و آثار تلاش مسئولین برای زدودن اثرات تخریبی دخالت‌های ناروا در این خصوص را کم‌رنگ ساخته بگونه‌ای که بجای پیشگیری نقش درمان و مسکن بر خود گرفته است. واقعیت این است که امروزه ایران شاهد دو موج پرتبلیغات و پرطمطراق از تغییرات درون‌زا و برون‌زا در حوزه محیط زیست و مباحث نظری و عملی آن است. رویکرد بین‌المللی به حل معضلات زیست محیطی و پویایی تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در درون مرزها به گسترش مطالباتی منجر شده که پاسخگویی به آنها مستلزم چاره‌اندیشی و برنامه ریزی‌های ساختاری در دو سطح ملی و منطقه‌ای است. اوضاع فاجعه بار زیست محیطی کشور بر این واقعیت صحنه می‌گذارد که بهره‌برداری مستمر از مواهب طبیعی فقط با رعایت تعادل طبیعت ممکن بوده و این امر باید به عنوان وظیفه‌ای همگانی در جامعه شناخته شود، از اینرو لازم است نگاه به مقوله توسعه با توجه به روند تحولات و چالش‌های زیست محیطی موجود، از برخوردهای بازدارنده کلاسیک و قانونی صرف بسری جلب مشارکت همه گروه‌های ذینفع از جمله دولت، مردم و بخش خصوص چرخش یابد.

## اهمیت موضوع

توسعه پایدار یک مفهوم فربه مجوری و تعیین کننده است، که در بسط معنی و خصوصاً انطباق آن با مسائل زیست محیطی کشور هر چه سخن گفته شود کم است. در توسعه پایدار

اکسیروار و معجزه‌آمیز تلاش می‌شود تا میان اجزاء ناهمساز و اهداف ناهمگون توسعه که بعضاً دارای تناقض و تناقی ذاتی است تلائم و سازگاری برقرار گردد.

توسعه پایدار دست کم برای رفع نواقص مفهوم قدیمی توسعه که در ایران طرح‌های توسعه‌ای با آن مفهوم تدوین برنامه‌ریزی و اجرا شده است به مثابه یک آرمان، ایده‌آل و نمونه آرمانی است تا چراغ راه ناهموار توسعه باشد، با معیار شاقول قرارداد این مفهوم که حاصل بازشناسی کاستی‌های زیادی از تجارب قدیم توسعه است و کار بست آن بر وضعیت زیست محیطی و اقتصادی کشور زوایی از واقعیت‌ها و ارزش‌ها در این حوزه از مسائل روشن می‌گردد. که خود می‌تواند جهت ملاحظه آنها در تدوین برنامه‌های توسعه‌ای آتی بکار آید.

حقیقت این است که بسیاری از سلسله مراتب وجود و بقاء مایه و پایه زیستی و فیزیولوژیک دارند اگر طبیعت و حیات صدمه ببیند در واقع بسیاری از عوامل دیگر نیز محتوم و محکوم به مرگ و عدم موضوعیت است.

در مورد توسعه پایدار و همینطور محیط‌زیست تحقیقات و جزوه‌های فراوانی انتشار یافته‌است، با این حال از حیث میان رشته‌ای (Interdisciplinary) یعنی مطالعه محیط زیست ایران با توجه به خصلت نهادی و سیاسی حاکم بر مناسبات آن تاحدی که نگارنده اطلاع دارد، (بصورت منسجم و از حیث انطباق مکاتب سیاسی بزرگ زیست محیطی) تحقیقی صورت نگرفته است. با توجه به این خلأ اگر چه حکایت همچنان باقی است اما این رساله به سهم خود دستاوردی داشته است.

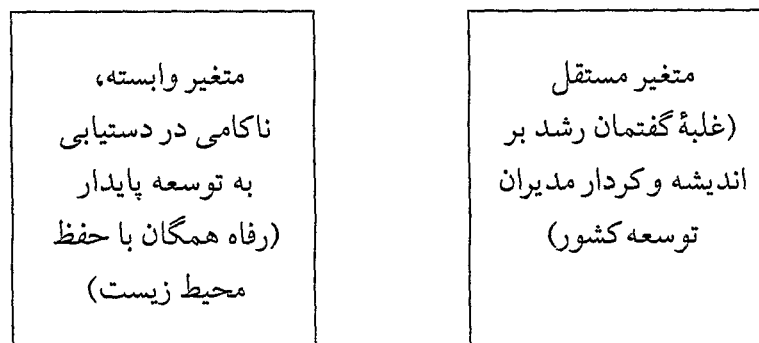
## سؤال تحقیق

آیا سیاست‌ها و تجربه توسعه در ایران مطابق با ملاحظات زیست محیطی بوده و در چارچوب توسعه پایدار اجرا شده یا مبتنی بر نگرش سنتی در راستای رشد اقتصادی متعارف می‌باشد؟



## فرضیه تحقیق

سیاستها و تجربه توسعه در ایران عمدتاً در چارچوب نگرش سنتی و در راستای رشد اقتصادی بوده و مدیران و تصمیم‌گیرندگان و کارگزاران توسعه در کشور با این نگرش، به محیط زیست در راستای ادبیات و نگرش‌های جدید مربوط به توسعه پایدار به طور جدی و اساسی توجه نکرده‌اند و تا این نحوه نگرش سنتی حاکم است ایران به توسعه پایدار نخواهد رسید.



## تعریف مفاهیم

در اینجا لازم است متغیرها و مفاهیم اصلی مندرج در فرضیه را تعریف عملیاتی نماییم. در حوزه متغیر مستقل که در واقع مبنای تحلیل و توضیح معلول است، ما اقتصادگرایی و رشدگرایی را در برنامه‌های توسعه ایران با تلاش برای فقرزدایی در مسائل مختلف، مثل کشاورزی، نیروگاهی، سدها، آب و فاضلاب، منابع زیستی، نفت، صنعت و معدن، انرژی، مواد زاید شیمیایی، مصرف‌گرایی پیگیری نموده‌ایم، یعنی از سر ضرورت دولت منابع عظیم خود را در این بخش‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند، این امر را بصورت عملیاتی، آماری و مستند و البته بطور مواج ارائه نموده‌ایم.

منظور ما از رشدگرایی افزایش هرگونه فعالیت اقتصادی است با هزینه سرمایه‌هایی (نظیر



پول، تجهیزات، نیروی انسانی، اقلام محیط‌زیست) به قصد دستیابی به افزایش سود بیشتر که از طریق ایجاد ارزش افزوده صورت می‌گیرد.

اما در بخش متغیر وابسته ضمن بازکردن پنجره‌های گوناگون به مسائل زیست‌محیطی حجم ناکامی‌ها و ویرانی‌های طبیعت و محیط زیست را که عمدتاً حاصل تلاش جامعه برای دستیابی به ایجاد رفاه بیشتر از طریق اقتصاد مولدتر بوده است بازگو کرده‌ایم.

فهم خشک بودن درخت، بر جای ماندن زمین سوخته، و درک تنفس هوای آلوده انقراض حرث و نسل، از دست رفتن زیبایی‌های حسی حاصل از نگاه به یک گل وحشی، چندان نیاز به انتزاع و مفهوم‌سازی (Conceptualization) ندارد. با این حال مشخصاً فرض ما اینست که این عوارض حال نهادها و نظام‌هایی است که علت وجودی آنها تولید و رشد اقتصادی است که حاصل بلافاصل آن تبعات و مشکلات زیست‌محیطی است.

در تعریف توسعه پایدار نیز تعریف سازمان ملل مبنی بر رفع نیازهای کنونی بشر بدون لطمه‌زدن به آیندگان در برآوردن نیازهایشان به‌عنوان تعریف معیار و مرکزی پذیرفته‌ایم، البته توسعه پایدار دارای مؤلفه‌های گوناگون از جمله پرداختن به فقر زنان، آموزش، انسان، عدالت و غیره است ولی بیشترین تأکید ما بر تعریف فوق از حیث زیست‌محیطی بوده است.

## ادبیات موضوع

در بحث تئوریک مربوطه به توسعه و توسعه پایدار ابتدا در سطحی معرفت‌شناسانه، به جهت شناخت مدرنیته که در واقع توسعه و توسعه یافتگی صورت ملموس‌تر و عینی‌تر آن است، از نویسندگان مطرح داخلی که مأخذ و موضوع عمده مطالعاتشان غرب و غرب‌شناسی به‌عنوان خاستگاه توسعه بوده است استفاده شده است. این صاحب‌نظران عبارتند از دکتر حسین بشیریه، دکتر داریوش شایگان در کتاب‌های «درآمدی بر جامعه‌شناسی تجدد» و «بتهای ذهنی و خاطره ازلی» به‌عنوان شارحان بی‌طرف مدرنیته و دکتر سید حسین نصر در کتاب مهم «انسان، طبیعت و بحران معنوی» و شهریار زرشناس به‌عنوان منتقدان مطرح طرح تجدد از نجله سنت‌گرایان. دکتر

حسین بشیریه و داریوش شایگان در واقع طرفداران منتقد طرح تجدد و توسعه یافتگی به شیوه مدرن‌اند، اما دکتر نصر و زرشناس منتقد سراسری پروژه، تجدیداند که هیچ‌گونه طرح اثباتی و به‌دلیل ارائه ننموده‌اند.

در مباحث مربوط به توسعه و توسعه پایدار نویسندگان بی‌شماری علاوه بر منابع رسمی سازمان‌های تخصصی سازمان ملل به تجزیه و تحلیل موضوع پرداخته‌اند که ما به اندازه‌کفایت از نویسندگانی که توسعه پایدار را از منظر زیست‌محیطی مورد مذاقه و بررسی قرار داده‌اند بهره برده‌ایم از این میان می‌توان اس، اس دیوب، جزوه درسی دکتر موثقی، دکتر مصطفی ازکیا، مایکل تودارو، یان روکس، جان زاتیس، ارنست شوماخر، محمدحسن فطرس، کیث گریفین، کنت وات، نام برد، در میان پایان‌نامه‌ها فقط از پایان‌نامه آقای حسین نصیری، که در سال ۱۳۷۸ به صورت کتاب عرضه گردید، استفاده و افری شده است.

تحلیل‌های ما در مورد اقتصاد سیاسی ایران بیشتر پذیرش رویکرد دیدگاه دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان، و دکتر فقید حسین عظیمی بوده است. کاتوزیان بخوبی اشاره می‌کند که تنها هنر اقتصادی ما از زمان کشف نفت فروش راحت و بی‌زحمت آن در خارک و واردات اشیاء مصرفی بوده است. دکتر حسین عظیمی نیز در مورد برنامه‌ریزی اگر چه به برنامه‌ریزی به شیوه متمرکز ایزادات جدی وارد می‌کند و آنرا مانع پویایی دائمی در پروژه‌ها می‌داند رواج این تفکر را دلیلی برای عدم برنامه‌ریزی به مفهوم رایج نمی‌داند و بلکه آنرا ضروری می‌داند.

مباحث عمده تخصصی زیست‌محیطی را نگارنده از صاحب‌نظران مطرح این موضوع در ایران همچون هنریک مجنونیان در زمینه تنوع زیستی، علی یخشکی در مسائل جنگل، و همچنین در مسایل متنوع توسعه پایدار از آقایان دکتر ناصر محرم‌نژاد، دبیر ملی کمیته توسعه پایدار، دکتر تقی ابتکار، دکتر اسماعیل کهرم و دکتر مجید مخدوم به عنوان ماده‌خام تحلیل اقتباس نموده است، متأسفانه هیچکدام از این بزرگان بصورت برقرار کردن دستگاه فلسفی و استراتژیک به علت یابی واقعه (مصائب زیست‌محیطی) نپرداخته‌اند، بلکه بیشتر به لحاظ علمی و تخصصی بحران زیست‌محیطی را تحلیل نموده‌اند، در صورتیکه بحران محیط زیستی بیش از

آنکه معلول فنی و علمی باشد، نتیجه سیاسی و اجتماعی است. در این میان و در این خلأ کتاب عمده «عدالت، جامعه و طبیعت» آقایان «نیکولاس لو» و «برندان گلیسون» بسیار راه گشای می باشد. از نظرات و آثار دکتر مسعود نیلی و دکتر محمد طبیبیان که در تهیه و تدوین برنامه سوم و تبلیغ اولویت راهبرد اقتصادی خصوصی و بازار نقش تعیین کننده ای داشته اند، بهره برده و «کتاب قانون برنامه سوم توسعه کشور» و سلسله مجلدات «مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی جمهوری اسلامی ایران» مشتمل بر سیاست های زیست محیطی و چندین گزارش رسمی دیگر از سازمان برنامه و بودجه مبنای تحلیل ما در مورد برنامه سوم توسعه بوده است. در میان مصاحبه های مسئولان امر مصاحبه ای از معاون سازمان حفاظت محیط زیست جهت اثبات مدعای این رساله در زمینه برنامه سوم کفایت دارد. وی در پاسخ به اینکه چرا سازمان حفاظت محیط زیست در کشور ما فاقد اختیارات صلاحیت لازم در برابر مراکز قدرت است می فرماید ایران یک کشور در حال توسعه است جمعیت آن در طول ۲۰ سال دو برابر شده است بنابراین تأمین امکانات رفاهی این جمعیت مستلزم افزایش کارخانه ها راه ها، سدها، نیروگاه ها، و ... است و ما نمی توانیم به بهانه حفظ محیط زیست مانع از توسعه کشور شویم، بلکه تنها کاری که می توانیم بکنیم این است که ضرر و زیان به محیط زیست را به حداقل برسانیم (برنامه ۱۳۸۲: ۷).

## متدولوژی تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی جهت بررسی موضوع مورد بحث استفاده شده است، یعنی ضمن بررسی و گردآوری اطلاعات موجود در خصوص موضوع مورد نظر به تحلیل مسأله پرداخته ایم، که عمده تاً نیز از منابع مکتوب و کتابخانه ای استفاده شده است.

## سازماندهی پژوهش

با توجه به مطالب گذشته این پژوهش در یک مقدمه و دو بخش تنظیم و سازماندهی شده است، بخش اول شامل یک فصل بلند و طولانی در باب مسایل و مباحث تئوریک معطوف به

توسعه پایدار و محیط زیست می‌باشد، در این فصل ابتدا پس از معرفی مباحثی در باب توسعه مکاتب عمده مربوط به توسعه و نوسازی را به تلخیص ارائه نموده‌ایم و ضمن بازگو کردن نواقص این مکاتب زمینه را برای ارائه مباحث و تعاریف توسعه پایدار با تأکید بر مسائل محیط زیست فراهم نموده‌ایم، از این رو در سه محور به روند شکل‌گیری، مؤلفه‌ها و تعریف آن پرداخته‌ایم، در ادامه تأکید و تخصیص بر موضوع محیط زیست، سه مکتب عمده زیست محیطی را به عنوان معیار و تئوری تبیین مسائل زیست محیطی ایران ارائه کرده‌ایم و با کاربست آنها بر اوضاع زیست محیطی کشور به توضیح مسائل زیست محیطی ایران پرداخته‌ایم.

بخش دوم، شامل دو فصل و دو نتیجه‌گیری در راستای هم می‌باشد. فصل اول این بخش نیز مشیع و طولانی است که حاوی اطلاعات جامعی در مورد وضعیت زیست محیطی کشور است. در این فصل ابتدا تاریخچه نگرش زیست محیطی در ایران از عهد باستان تا دوره اسلامی را بطور کلی بررسی نموده‌ایم، و نشان داده‌ایم که این نگرش همراه با احترام به طبیعت حاصل دوره متأخر و متأثر از غرب نبوده بلکه ریشه در تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم دارد. آنگاه بدلیل اهمیت اصل پنجاهم قانون اساسی در خصوص مسائل محیط زیست جداگانه به بررسی و اهمیت جایگاه آن پرداخته‌ایم. در این قسمت مقایسه نموده‌ایم که چگونه قانون اساسی ایران با اختصاص یک اصل به محیط زیست و مسائل آن حتی در جهان از این حیث منحصر به فرد است.

در ادامه در طی مطالب مهمی از این فصل به آسیب‌شناسی نهادی ساختار تشکیلاتی سازمان‌های اجرایی کشور در ارتباط با محیط زیست پرداخته‌ایم. وضعیت جغرافیایی و کم‌آبی ایران که بسیاری از صاحب‌نظران آنرا عامل عقب ماندگی ایران و خاور میانه در مقایسه با میانگین باران ۸۰۰ میلی‌متر اروپا، می‌دانند، نیز موضوع گزارش جامعی در این فصل قرار می‌گیرد. سرشت اقتصاد ایران به عنوان یک مبنای پیشبرد بحث نیز در چند صفحه، گزارش شده است، از آن پس بصورت عینی ترو آماری، به متغیرهای معرف وضعیت زیست محیطی ایران می‌پردازیم، با تأمل در آمار و حجم تخریبی که در این فصل آمده است می‌توان به وضعیت اسفبار و عمق بحران زیست محیطی کشور، پی برد، عمده محورهایی که در اینجا به گزارش اطلاعات موجود

می‌پردازیم عبارتند از فقر و فقرزدایی، الگوی مصرف، جمعیت و پایداری، جنگل، بیابان زدایی، کشاورزی پایدار، زنان و توسعه پایدار، سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی، ... در انتها جمع‌بندی فصل را خواهیم دانست.

در فصل سوم به بررسی موردی وضعیت، رویکرد و نگرش برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی از نظرگاه زیست محیطی می‌پردازیم، با اتخاذ قانون و مستندات برنامه سوم به عنوان واحد تحلیل و کالبدشکافی آن نشان می‌دهیم که چگونه با تشدید دیدگاه بازاری در این برنامه و تأکید آن بر خصوصی سازی، روند تخریب محیط زیست نیز تشدید می‌گردد، زیرا با نهایت منطقی خصوصی سازی، طبیعت و محیط زیست نیز به عنوان سرمایه تولید در نظام سرمایه داری قرار می‌گیرند، و از آنجا که سرمایه داری بر اساس رشد هر چه بیشتر مبتنی است برای حفظ نرخ رشد، ناچار طبیعت و هر آنچه در اوست را جهت تولید کالای بیشتر مورد مصرف و استهلاک قرار می‌دهد.

در پایان، یک نتیجه‌گیری جامع ارائه نموده‌ایم، که در واقع پیوند و عصاره تمام مطالب قبل از آن است، با این حال مفید دیدیم که تحقیق مبنا و مولد راهکارهایی نیز باشد، از اینرو در ادامه راه جامعه مدنی را به عنوان بهترین و اساسی‌ترین راه حل ممکن برای مقابله با فجایع زیست محیطی پیشنهاد نموده‌ایم.

بهره

# فصل اول

نخست

چهارچوب نظری: تئوری‌های توسعه و بحران زیست‌محیطی

## توسعه

چنانکه از عنوان کلی موضوع تحقیق برمی آید تمام مباحث پیش روی ما به یک معنا ذیل عنوان کلی تر مفهوم توسعه می گنجد لذا لازم می آید. پیش از هر چیز در بسط این مفهوم و چپستی آن سخن مکفی و وافی گفته آید. غایت نهایی بحث ما اگر چه توسعه پایدار با تأکید بر وجه زیست محیطی آن است، اما چنانکه گفتیم برای پیش بردن منطقی بحث بنظر می رسد که دیباچه ای در باب تاریخ نه چندان دراز توسعه اشاره گردد.

ایده و اندیشه «توسعه» هر چند تاریخی طولانی دارد که اساساً به قرن هجدهم برمی گردد لیکن بطور خاص تا سال ۱۹۴۵ مورد تأیید و اقبال واقع نشد. لذا هنوز عمر مباحث توسعه به شش دهه تمام هم نمی رسد. از نظر لغوی توسعه به معنی خارج شدن از لفاف است. چنانکه دکتر سید احمد موثقی در مقاله موجز ولی جامع خود در باب توسعه آورده است، توسعه در آغاز به زبان فرانسه و انگلیسی (۱۷۵۲) به معنای رسیدن به اهداف یا ایده هایی طبق یک طرح و برنامه بود. سپس طی مراحل مشخص از جمله توالی بیولوژیکی تغییر از یک دانه و تخم گیاه به یک گل به کار رفت، توسعه بدین معنا عبارتست از تغییر مستمر از قوه به فعل و از ساده به پیچیده تا سرحد کمال و بلوغ (موثقی، ۱۳۸۰: ۲) چیزی که فلاسفه از آن به «تشدید وجود» ذکر می کنند. به لحاظ مفهومی معنای توسعه همپای تاریخ آن دارای دو بعد یا دو سرطیف از رشد کمی اقتصادی صرف - عقلانیت ابزاری به تعبیر هابرماس - تا مفهوم چند جانبه، فراگیر، ذوجوانب و جامع الاطرف بودن را - به عقلانیت فرهنگی به تعبیر هابرماس - در برمی گیرد. لذا امروزه به جرأت می توان گفت که یکی از فربه ترین مفاهیم موجود در علوم اجتماعی و اقتصادی است که کمتر اجماعی روی مدلول آن یافت می شود. پس حتی به طنز می توان گفت که توسعه همه چیز است و هیچ چیز نیست. البته مسلم است که میان پژوهشگران اجماع نظری که متضمن ارائه یک تعریف جامع و مانع باشد وجود ندارد. حتی گاه تفاوت دیدگاه و تعاریف آشکارا در تضاد هم قرار دارند. (George, 1982: 2) شاید بهترین راه عملی آن باشد که برجسته ترین نکات مورد توجه نویسندگان مختلف در مجموعه ای بلند کنار هم قرار گیرند. (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۷) توسعه یک

مفهوم سیال<sup>(۱)</sup> کش پذیر و فربه و پرباریست که تمام علما و پژوهشگران فن ایدئولوژی و مفهوم و مراد خود را در ارائه تعریف بر آن بار می کنند و بعضاً واژه هایی چون ترقی، مدرنیته، نوسازی، و غربی سازی<sup>(۲)</sup> را بجای آن می نشانند. چه این دانشواژه ها در پیوند نزدیکی با توسعه قرار دارند.

به لحاظ تاریخی تکوین مفهوم توسعه و مصداق اولیه آن غرب بوده است زیرا پیش از دوره مدرن جهان هیچگاه شاهد یک چنین خیزش و ترقی همه جانبه و فراگیر مثل آنچه در غرب رخ داده است نبوده است. وجدان و تفکر غربی تحت تأثیر تغییرات جامعه شناختی و پیر و فلاسفه بزرگی همچون دکارت و بیکن دستخوش تحول پارادایمی در عین و ذهن گردید، در عصر مدرن دانش قدرت شناخته شد و انسان فرمانروا و مالک جهان گردید (بیکن و دکارت). همانطور که «کیهان مداری<sup>(۳)</sup>» شاخص اندیشه یونانی و خدا - انسان مداری شاخص تفکر مسیحی بود، انسان مداری و اومانیسیم و لذت تن شاخص اندیشه مدرن می باشد. همینطور فلسفه به انسان شناسی تقلیل یافت و از آن زمان به بعد تفکر علمی - تکنیکی که زاده علوم طبیعی بود. مسلط گردید. (شایگان، ۱۳۶۸: ۱۶) انقلاب فکری، فرهنگی و علمی از طریق پروتستانتیسم و جنبش اصلاح طلبی دینی مبتنی بر آن و انقلاب کوپرنیکی و نیوتونی به ظهور جهان بینی های جدید به محوریت انسان، عقل و علم انجامید و رابطه بشر با دنیا و طبیعت و جامعه و دولت متحول گردید. کاربرد علم و تکنولوژی و ماشین و انرژی تحولی عمیق در شیوه تولید و ابزار و حجم تولید در چارچوب نظام سرمایه داری ایجاد نمود و صنعتی شدن و تولید انبوه<sup>(۴)</sup> تمام جهان را تحت الشعاع خود قرار داد. بدلیل کامیابی های اولیه حاصل از دستاوردهای علم و فن انسان غربی با خوشبینی تمام نسبت به توانایی عقل و علم بشر در کشف حقیقت و رفع همه مشکلات برمبنای عقل عصر خود و روشنگری (قرن ۱۷ تا ۱۹) را طی نمود.

فرآیند «نوسازی» که روند اجرایی و صورت عملی ایده مدرنیته است ابتدا به عنوان «غربی سازی» و سپس به عنوان نوسازی و مترادف توسعه بکار رفت. این دو واژه علیرغم پیشینه فکری

1- Fluid

2- Westernization

3- Cosmocentric

4- Mass Production



متفاوت با تعریف دوباره اهداف و همچنین همگرایی<sup>(۱)</sup> نظری و روش شناختی به طور ماهوی به هم نزدیک شده‌اند، نوسازی و توسعه سه موضوع مرجع مشترک دارند. اول اینکه هر دو به اوضاع و احوال جامعه نسبت داده می‌شوند، نظریه پردازان نوسازی بین جوامع سنتی، انتقالی و نوین تمیز قایل می‌شوند، از طرف دیگر نظریه پردازان توسعه از جوامع توسعه یافته و توسعه نیافته سخن می‌گویند. دوم آنکه هر دوی آنها از این نظر که کمال مطلوبشان برنامه‌ای عملی ارائه می‌دهد مجموعه‌ای از اهداف و غایات را بیان می‌کنند و سوم آنکه هر دو مفهوم در رابطه با یک فرآیند، حرکت از سنت به مدرنیته یا از توسعه نیافتگی به توسعه هستند. (اس، سی، دیوب، ۱۳۷۷: ۱۰ و ۱۱)

ایده نوسازی به تجربه‌ای تاریخی اشاره دارد که یکسره از گذشته گسسته و معطوف به آینده‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر است. در دوره مدرن با ظهور «عقل سوژه محور» خود سامان و خود بنیاد خود فهمی و جهان فهمی که بر فراز تاریخ و طبیعت ایستاده و فارغ از هر تقیدی به متن هستی، سنت، و تاریخ، به فهم جهان دست می‌یابد، اندیشه ترقی و پیشرفت بی سابقه و پیش‌بینی‌ناپذیر انسان به شیوه‌ای کاملاً متمایز از اندیشه تغییر و تحولی که پیش از آن متصور بود، غلبه می‌یابد. در عصر ما قبل مدرن، تصور بر آن بود که «عقل» آدمی به کشف حقایق از پیش تعیین شده و مندرج در طبیعت دست می‌یابد، اما عقل مدرن خود به عنوان نیرویی فعال و خلاق تصور می‌شود که به خلق حقیقت دست می‌زند و سرنوشت انسان و طبیعت و جامعه را به دلخواه خود، از نو می‌سازد. در عصر ما قبل مدرن، تصور بر آن بود که هستی اجتماعی همچون طبیعت مشمول قانون‌گذار از قوه به فعل است و در نهایت فراتر از قوانین طبیعت نخواهد رفت در مقابل در عصر مدرن این تصور حاکم شد که ترقی در ورای حدود طبیعت از پیش تعیین شده به حکم عقل خود بنیاد آدمی ممکن است و انسان از طریق قرارداد اجتماعی از عرصه وضع طبیعی خارج می‌شود و به حوزه وضع مدنی پا می‌گذارد. (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۰)

بدین سان مدرنیته وضعی فراطبیعی و بشری است. تجدد یا مدرنیته یک پروژه انقلابی و

## 1- Convergence



ویژگی‌های روند توسعه و نوسازی را که به گفته وی مورد توافق محققان است چنین برمی‌شمارد (دیوب، ۱۳۷۷: ۱۵):

- ۱- نوسازی و همینطور توسعه روندی انقلابی است. پیامدهای تکنولوژیکی و فرهنگی نوسازی همان قدر اهمیت دارد که پیامدهای انقلاب نوسنگی<sup>(۱)</sup> صحرا نشینان شکارچی را به کشاورزی اسکان یافته تبدیل کرد. اکنون تلاش‌هایی برای تبدیل فرهنگ‌های زراعتی روستایی به فرهنگ‌های صنعتی شهری در جریان است و این همان چیزی است که آلوین تافلر (۱۹۸۰ م) از آن به عنوان حرکت از موج اول به سوی موج دوم توصیف می‌کند.
- ۲- توسعه و نوسازی روندهایی پیچیده و چندبعدی‌اند.
- ۳- هر دو روندهایی سیستمی‌اند بطوریکه تغییر در یک بعد به تغییر در ابعاد دیگر می‌انجامد.
- ۴- آن دو روندهایی جهانی‌اند، آرا و عقاید و فنون از مرکز اولیه تولید آن به دیگر قسمت‌های جهان تراوش یافته‌اند.
- ۵- هر دو روند بلندمدت‌اند. زمان در نوسازی و همچنین در توسعه مهم است. هیچگونه روش شناخته شده‌ای برای دستیابی فوری و آنی به اهداف توسعه وجود ندارد.
- ۶- آن دو روند‌هایی مرحله‌ای‌اند که در طی مراحل اصل و فرعی مشخصی به وقوع می‌پیوندند.
- ۷- آنها روندهایی همگون‌ساز و یکسان‌سازند. شیوه زیست آمریکایی یا غربی<sup>(۲)</sup> فراگیر می‌شود، تفاوت میان جوامع کاهش می‌یابد، همه جین می‌پوشند و پیتزا می‌خورند، و در نهایت اندیشه‌ها و عقاید و نهادهای همگانی نوین رواج می‌یابد تا حدیکه ملت‌ها حاضر به تشکیل دولت واحد جهانی می‌گردند.
- ۸- هر دو روندهایی مترقی و تکاملی‌اند. نوسازی و توسعه گریزناپذیر و بل‌گریزناپذیر مطلوب‌اند.

هر چند به لحاظ معناشناختی<sup>(۱)</sup> و تأکیدات میان مفهوم نوسازی و توسعه هنوز تفاوت هایی است لیکن شواهد تردید ناپذیری از حرکت بسوی همگرایی بیشتر نیز موجود است (اس. دی یوب، همان) ایستارهای ذهنی<sup>(۲)</sup> و ساختارهای نهادی<sup>(۳)</sup> دو عنصر کلیدی در مفهوم نوسازی هستند. جیمز اکونل با بیانی شایسته آن را «عقلانیت خلاق»<sup>(۴)</sup> می داند. در مجموع نظریه پردازانی که نوسازی را مترادف با توسعه بکار می برند معنی و محتوای آن را از نظر اقتصادی در صنعتی شدن، شهرسازی، و متحول تکنولوژیکی کشاورزی و از نظر سیاسی در عقلانی سازی اقتدار و رشد یک دستگاه بوروکراتیک عقلانی و از نظر اجتماعی در تضعیف پیوندهای انتسابی و ظهور اکتساب به عنوان مبنای پیشرفت شخصی و از نظر فرهنگی در افسون زدایی<sup>(۵)</sup> از جهان، رشد علم تجربی و دنیوی سازی<sup>(۶)</sup> امور خلاصه می کنند.

از آنجا که نوسازی و توسعه مخلوق جوامع انسانی است بزودی توجه علمای فن به اهمیت و ضرورت وجود گروههای نوسازی در سطح دولت ملی انعکاس یافت. باید گروهی با ائتلاف با طبقات و نیرویهای اجتماعی که جملگی اراده ترقی و توسعه را در سردارند امکانات و منابع جامعه و سیاست را برای رسیدن به امر موعود و مطلوب بسیج نمایند. از اینرو انواع گروههای نوساز در جوامع مختلف مورد بازشناسی قرار گرفت بدین سان به قول «برنشتاین» توجه از دمکراسی به ضرورت حفظ «نظم و ثبات» معطوف گشت. (موثقی، ۱۳۸۰: ۱۵) چنانکه مثلاً از ارتش و نظامیان به عنوان بهترین گروههای نوساز در آمریکای لاتین و پاره ای دیگر از کشورها سخن به میان می آمد. (مور، ۱۳۶۹: ۱۵)

روستو در سالهای حساس اوایل دهه ۶۰ در تلاشی نظری اما شبه سیاسی «یک مانیفست غیرکمونیستی» به قول خود در برابر ۵ مرحله محتوم و مشهور انتقال جوامع در مکتب کمونیسم ارائه داد. که به ترتیب عبارتند از: ۱- مرحله جامعه سنتی ۲- مرحله وجود پیش شرطها برای

1- Semantic

2- Mental Attitudes

3- Institutional Structures

4- Creative Rationality

5- Disenchantment

6- Secularization

توسعه ۳- مرحله خیز ۴- مرحله حرکت بسوی بلوغ ۵- مرحله مصرف انبوده<sup>(۱)</sup>، این اعتقاد به توسعه تک خطی از سوی نمایندگان ایدئولوژیک نظام سرمایه داری تا بدان حد رسید که بعدها فوکویاما با تذکار تجربه تاریخی غرب، منزلگاه غرب را «پایان تاریخ» قلمداد نمود.

برینگتون مور با ادعای اتخاذ شیوه‌ای غیر از شیوه نئومارکسیستی توسعه و دیدگاههای خطی توسعه در کتاب معروف «ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی<sup>(۲)</sup>» بر نقش طبقات زمین‌دار و دهقانان در جوامع مبتنی بر زمین‌داری تأکید کرد. وی در مجموع در جهان معاصر سه راه عمده توسعه را از هم باز می‌شناسد.

۱- راه نوسازی دموکراتیک و سرمایه‌دارانه مثل آنچه در فرانسه، انگلیس و امریکا رخ داد.  
۲- راه نوسازی محافظه‌کارانه از طریق انقلاب از بالا، یا راه نوسازی فاشیستی همچون شیوه دستیابی به توسعه در آلمان، ژاپن و ایتالیا.

۳- راه نوسازی کمونیستی از طریق انقلاب دهقانی مثل تجربه چین و شوروی (همان) دانیل لرنر در کتاب خود تحت عنوان «گذار از جامعه سنتی، نوسازی خاور میانه» به مسائل سنت و تجدد شش کشور خاورمیانه شامل ترکیه، لبنان، ایران، اردن، مصر و سوریه می‌پردازد. وی عمده‌ترین عوامل نوسازی را گسترش رسانه‌های جمعی رشد سوادآموزی و تحصیلات شهرنشینی و مشارکت بالا می‌داند، و بیشترین تأکید را به رسانه‌های گروهی می‌دهد، مطابق نظر لرنر در دهه ۱۹۶۰ ترکیه بیشترین و ایران کمترین توان و ظرفیت را برای تجدد دارند. (ازکیا،

۱۳۷۷: ۱۱۱ و ۱۱۲)

## نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه کلاسیک، بن‌بست نظری و فجایع عملی

نظریه‌های کلاسیک و نوسازی از دو طرف مورد نقد قرار گرفت. از یک سو، نظریه‌پردازان مکتب وابستگی و دیگر مکاتب رقیب، نظیر مارکسیست‌ها، توسعه و نوسازی را به نقد کشیده‌اند

1- Mass Consumption

2- The Social Origins of Dictatorship and Democracy

این گونه نقدها را باید «برون توسعه‌ای» نامید. از طرف دیگر از درون مکتب نوسازی نیز پاره‌ای از علمای فن نظیر بندیکس، آیزنشتاد، هانتیگتن و تیپس مفروضات و مبانی آن را از نو مورد نقد و سنجش قرار داده‌اند. (نصیری، ۱۳۷۹: ۲۸)

بر اساس این انتقادات، پیشرفته، مدرن، سنتی، بدوی و غیره تنها «برچسب‌های ایدئولوژیکی بودند که به منظور توجیه برتری، مغرب زمین بکار گرفته شده‌اند. همچنین نمی‌توان خام اندیشانه به طرد یکسره سنت پرداخت. می‌توان از پاره‌ای عناصر مندرج در دین و سنت برای رسیدن به نوسازی و توسعه بهره برد. نقص دیگر مکتب نوسازی کلاسیک تأکید کاریکاتوری بر رشد اقتصادی و معادل دانستن آن با توسعه بود. روستو داشتن یک ماشین برای چهار نفر را معیار توسعه یافتگی می‌داند. مفهوم توسعه در اقتصاد اولیه، ساده و غیر پیچیده بود. توسعه به معنای ایجاد ظرفیت در اقتصادهای ملی ایستا و حفظ افزایش سالانه تولید ناخالص ملی (GNP) در نرخ‌های ۵ تا ۷ درصد یا بیشتر مورد توجه ویژه بود. معیار GNP هیچگاه نمی‌تواند، دلیل دستیابی به غایات توسعه باشد. اگر عدالت و برابری و سرشکن شدن ثروت از غایات اصلی توسعه است باید به واقعیات توزیع سرانه ثروت نظر کرد. بزودی معلوم شد که مسئله و دغدغه عمده تنها تولید ثروت نیست بلکه باز توزیع آن از عناصر مهم توسعه است زیرا مثلاً در بعضی از کشورهای جهان سوم از جمله ایران، نیجریه و غیره شاهد افزایش ثروت بوده‌ایم. اما بخش عمده ثروت در دست اقلیت بوده است. آمارها حاکی از آنست که شکاف‌ها در سطح جهانی نیز هر روز فزاینده‌تر است بطوریکه ۲۰٪ جمعیت جهان ۸۰٪ منابع جهان را مصرف می‌کنند.

همین واقعیات اقتصاد جهانی باعث شد جان رالز<sup>(۱)</sup> به عنوان بزرگترین فیلسوف سیاسی

عصر و فیلسوف نظریه عدالت با حفظ دغدغه کارآفرینی و تولید در نظام سرمایه‌داری آنرا با ارزش عدالت در کل نظریه خود به هم آمیزد و برای عدالت در نظام سرمایه‌داری لیبرال جایگاه و اهمیت بالایی بشناسد. (موری فورست، مورس کینز و سایرین، ۱۳۸۰: ۲۶۶-۲۴۶)

نیز در مباحث قدیمی‌تر توسعه و نوسازی مطالعات بیشتر خصلت انتزاعی داشت لذا از

نظر روش‌شناسی دچار ضعف عمده بود. به علاوه در این پارادیم بیشتر بر عوامل داخلی توسعه تأکید می‌شد و کمتر به عوامل و موانع بین‌المللی پرداخته می‌شد. و بالاخره اینکه در این نظریات غرب و مدل توسعه غربی به عنوان غایت محتوم و تقدیر دیگر جوامع تلقی می‌شد. غافل از اینکه هر جامعه‌ای راه خاص توسعه خویش را دارد. بعدها در مکتب نوسازی نوین، با رفع ایرادات فوق، مورد جرح و تعدیل قرار گرفت. (همان، ۸)

### مکتب وابستگی<sup>(۱)</sup>

مکتب وابستگی به لحاظ مباحث «برون توسعه‌ای» و نظریه‌ای بدیل، کل پروژه توسعه و نوسازی را رابطه‌ای نابرابر بر اساس مبادله نابرابر می‌داند، این مکتب در واقع صداهای پیرامون مراکز اصلی توسعه را نمایندگی می‌کند. از صاحب‌نظران شاخص این مکتب پل باران<sup>(۲)</sup> است. نظریه‌پردازان وابستگی اگر چه در نقد سرمایه‌داری با مارکسیسم اشتراک داشتند لیکن دستگاه نظری آنان بر مفهوم نظام تولیدی مارکسیسم بنا نشده بود.

طبق نظر باران توسعه نیافتگی نتیجه استثمار ساختاری و سیستمیک کشورهای صنعتی است. با این توضیح که جهان سوم در تجارتی یک طرفه و البته مطلوب برای کشورهای ثروتمند هم تأمین‌کننده مواد اولیه صنایع و هم واردکننده محصولات صنعتی آنها بود. اقتصاد توسعه در کشورهای توسعه نیافته با منافع سلطه‌گرانه کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری عمیقاً در تضاد بود، براساس این منطق هیچگونه پیشرفتی برای جهان سوم بدلیل این مانع و رابطه بیرونی متصور نیست و بلکه موجب باز تولید هم خواهند بود. (باران، ۱۳۵۹: ۱۹ و ۳)

به طور خلاصه مطابق این مکتب توسعه نیافتگی محصول ساخت و یا ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نمی‌باشد، بلکه تا حد زیادی نتیجه تاریخی ارتباط گذشته و مداوم اقتصادی میان کشورهای توسعه نیافته (اقمار و پیرامون) و کشورهای توسعه یافته (مادر. متروپل) می‌باشد. (روکس برو، ۱۳۸۰: ۸۲)

## مکتب اکلا

مباحث «کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین»<sup>(۱)</sup> وابسته به سازمان ملل، در ادبیات توسعه به عنوان مکتب «اکلا» شناخته می‌شود. اندیشمندان این مکتب عمدتاً اقتصاددانان توسعه‌اند که در رأس آنها اقتصاددان آرژانتینی «رائول پربیش»<sup>(۲)</sup> قرار دارد. وی خود برای مدتی مسئول «کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین» بود. «سلسو فورتادو»<sup>(۳)</sup> از آرژانتین و اوسوالدو سونکل<sup>(۴)</sup> از شیلی از دیگر اقتصاددانان معروف این مکتب هستند.

این دیدگاه اگر چه در برابر اندیشه‌های مربوط به دیدگاه‌های توسعه‌گرا که در پی اشاعه نظام سرمایه‌داری بودند قرار می‌گیرد ولی مارکسیستی نیست و بیشتر خصلت ناسیونالیستی و ضد امپریالیستی دارد. «راهبرد توسعه درون‌زا یا بومی»<sup>(۵)</sup> از سوی پاره‌ای روشنفکران آمریکای لاتین در قالب این مکتب ارائه گردید. این مکتب در مجموع با پذیرش فرض پیوند دادن توسعه نیافتگی آمریکای لاتین به نظام اقتصاد بین‌الملل و تقسیم جهان به مرکز و پیرامون برای تشکیل سرمایه ملی و توسعه درون‌زا و مقابله با دخالت بورژوازی بین‌المللی برنامه ذیل را به اقتصاد این کشورها تجویز می‌نماید.

۱- تغییر مسیر توسعه معطوف به خارج به توسعه داخلی که با نوعی اقتصاد محلی و دولتی کنترل می‌شود و وابستگی به تجارت خارجی محدود می‌گردد.

۲- بکارگیری سیاست‌های صنعتی که الیگارش‌ی سنتی را تضعیف نماید و مشارکت طبقه متوسط و پایین جامعه را در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تقویت نماید.

۳- ادغام توده‌های روستایی در سیستم تولیدی جامعه از طریق اصلاحات ارضی

۴- تقویت دولتی توسعه‌گرا و مستقل و قدرتمند از لحاظ سیاسی

۵- تحقیق نوعی ایدئولوژی توسعه‌گرا در قالب الگوی توسعه درون‌زا و اتخاذ راهبرد

1- Economic Commission of Latin America (Ecla)

2- Raul Perbich

3- Celso Furtado

4- Osvaldo Sunkel

5- Endogenous Development



جایگزینی واردات و گسترش صادرات. (فورتادو، سلسو و آندره گوندر فرانک، ۱۳۷۰: ۱۸) پربیش درمانیست اکلا به شدت از واقعیت عدم تناسب در تقسیم بین المللی کار<sup>(۱)</sup> انتقاد می کرد زیرا مطابق این برنامه آمریکای لاتین موظف به تولید مواد خام و وارد کردن کالای صنعتی شده بود.

استراتژی اکلا براین باور خوش بینانه استوار شده بود که فرآیند صنعتی شدن حلال همه مشکلات توسعه است. اما برنامه اکلا موفق نشد و رکود شدید اقتصادی معضلات سیاسی و بی ثباتی در سال های دهه ۱۹۶۰ آمریکای لاتین را فراگرفت.

بطور کلی نظریه پردازان مکتب وابستگی و تئوری نظام جهانی نظیر فرانک سمیرامین و والرشتاین به تشدید توسعه نیافتگی و تعمیق وابستگی کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز تأکید دارند، از این رو با نقد رادیکال خود نویسندگان مکتب نوسازی را به تجدید نظر در نظریات قبلی خود و ادار ساختند.

در ادامه مباحث مربوطه به توسعه و نوسازی منطقاً بایستی به نارسایی ها و انتقادات متأخر که بر آن وارد شده است می پرداختیم لیکن چون از دل این انتقادات مفهوم و پارادایم توسعه پایدار زاییده می شود. ترجیح دادیم پس از ارائه تعریف جامع و فشرده ای ذیل عنوان توسعه بحث را ادامه دهیم.

مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران  
تهیه در رک

## تعریف توسعه

توسعه یک فرآیند جامع الاطرف، ذوجوانب و ذوالوجه است که معمولاً بیانگر تغییر یافتن از یک وضعیت نامطلوب به یک وضعیت مطلوب است. اغلب افزایش کارآمدی اقتصادی، گسترش ظرفیت بهره وری و تولیدی اقتصاد ملی و پیشرفت تکنولوژیکی را به عنوان شرط ضروری توسعه دیرپا که بتواند کشور را در برابر ضربات و تکانه های خارجی به لحاظ صنعتی و اقتصادی انطباق پذیر کند، می دانند. پاره ای دیگر بر اجزاء فوق تحولات و تغییرات ساختارها و



برفرآیند تصمیم‌گیری نظارت و تأثیر داشته باشند. (George, 1988: 3)

ما در واقع با بسط و کاربست دو مفهوم فوق به سراغ مسائل و مباحث توسعه مربوط به ایران خواهیم رفت و به کمک این چاره چوب به جنبه‌های عینی و تجربی توسعه در ایران خواهیم پرداخت.

بدین لحاظ بسط تعریف فوق لاجرم منتج به مفهوم «توسعه پایدار» خواهد بود، اما لازم است قبل از پرداختن به مفهوم توسعه پایدار مقدمات و بسترهایی را که موجب زایش این مفهوم گردید تبیین نماییم.

### حوزه‌های بحران و مسائل جهانی

توسعه گرایی، پیشرفت، ترقی، نوسازی و بطور کلی مدرنیته برخلاف انتظاراتی که در آغاز از آنها می‌رفت نتوانستند تمام مشکلات بشر را حل نمایند، بلکه در موارد عدیده‌ای خود بحران‌زا و مشکل‌زا شدند، این بحران‌ها در سطح فلسفی و انتزاعی منجر به ایجاد موج‌های پست مدرنیسم در انواع گوناگون شدند. و در سطح مباحث اجرایی تر منجر به زایش مفهوم توسعه پایدار شدند. پیش از ارائه مباحث مربوط به توسعه پایدار لازم است بحران‌ها و مسائلی که قبل از ابداع این مفهوم مضاعف بطور کلی در مقیاسی جهانی مبتلا به بشر بوده مطرح گردد. صرف وجود این بحران‌ها و چالش‌ها موجب پویای مفهوم مورد نظر ما نبوده است بلکه مهمتر از آن نشر آگاهی‌ها در سطح جهانی، هشدار دانشمندان خصوصاً به مدد رسانه‌های جمعی وجه مهمتر قضیه را تشکیل می‌دهد. اهم این مسائل عبارتند از:

#### ۱- تک بعدی بودن مدل کلاسیک

در آغاز دهه ۱۹۵۰ توسعه معادل رشد اقتصادی انگاشته می‌شد. توسعه طی مدتی مدید تنها ظرفیت و توانایی اقتصاد ایستا و عقب مانده در ایجاد و حفظ افزایش سالانه GNP با نرخ ۷-۵٪ معنی می‌شد. تا جائیکه روستو امکان وجود یک ماشین برای هر چهار نفر را معیار توسعه و

آرتور لوئیس مفسر و شارح برجسته مدل کلاسیک، به رشد سرانه تولید توجه داشت نه توزیع. (دیوب، ۱۳۷۷: ۶۸) در این مدل حتی توزیع زمانی به حساب مفید بودن برای توسعه تلقی می‌شد، که ثروت تولید شده از رشد مجدداً در خدمت سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه<sup>(۱)</sup> هر چه بیشتر باشد. رشدزدگی<sup>(۲)</sup> ایده مسلط در برنامه‌های توسعه بود، بزودی افسانه رشدگرایی بخاطر محدودیت‌ها و کمبودهایی که داشت برملا گردید، لیکن هنوز هم بواسط ضرورتی که دارد، عنصری از واقعیت است و باز اما تمام واقعیت نیست. تئوری رشد منطقاً براساس فقر پاره‌ای از جمعیت که لازمه توصیه به استثمار است می‌باشد. (دینی، ۱۳۷۰: ۲۹)

## ۲- مسئله فقر

سفره فقر گسترده‌تر می‌شود

«ژرژ خوزه دوکاسترو»

دو تعریف عمده از فقر وجود دارد؛ نخست تعریف معیشتی از فقر و دیگری فقر به مثابه محرومیت نسبی که تعریف اخیر محرومیت را در معنای کلی تری ارزیابی نموده که در مقایسه با تعریف نخست بخش وسیعتری از انسان‌ها را در برمی‌گیرد. در تعریف معروفتری فقر به دو مفهوم مطلق و نسبی تقسیم می‌شود. فقر مطلق<sup>(۳)</sup> حداقل سطح درآمد معیشتی معین<sup>(۴)</sup> است که به منظور ادامه بقا برای تأمین نیازهای اصلی جسمانی، غذا، پوشاک و مسکن ضروری است. (تودارو، ۱۳۷۰: ۷۸)

در اقتصاد سیاسی معیار سنجش نابرابری برپایه تولید ناخالص ملی (G.N.P) معین «مجموعه ارزش کالاها و خدماتی که در طی یک سال تولید می‌شود» اما چنانکه محبوب‌الحق معتقد است رشد GNP غالباً راه را هموار نمی‌کند لذا آنچه مورد نیاز است حمله‌ای مستقیم به

1- Capital Accumlation

2- Growth Mania

3- Absolute Poverty

4- Minimum Subsistence Level

فقر انبوه یا توده‌ای<sup>(۱)</sup> است. (اس، سی دیوب، ۱۳۷۷: ۷۶)

بحث فقر از محورهای اساسی مناظره ما خواهد بود زیرا از اهداف اصلی توسعه ریشه کنی فقر است که خود باعث ضرورت استفاده از منابع و محیط زیست خواهد بود. از طرفی استفاده بی رویه از منابع طبیعی موجب نابودی زیست محیطی و همینطور مولد فقر می گردد بدین سبب بود که تقریباً تمامی مباحث اجلاس اخیر ژوهانسبورگ پیرامون این دو محور بود و کوفی عنان نیز در پیام خود به این اجلاس ضرورت ایجاد تعادل میان دو جنبه فوق یعنی هم تصمیم به رفع فقر و هم حفظ محیط زیست را مورد تأکید قرار داد. چنانکه خواهیم گفت توسعه پایدار علاجی برای حل این معضل و پارادوکس است. مسئله فقر بزرگترین چالش اجلاس جهانی زمین بود، چنانکه «تابوامبکی» در این اجلاس توصیف کرد زمین همچون دهکده ایست که رودخانه‌ای آن را به دو منطقه فقر و ثروت تقسیم می کند و محیط زیست آن به طور مرتب تحلیل رفته و زوال می یابد. رئیس اتحادیه دانشمندان طرفدار محیط زیست طی پیامی به اجلاس زمین گفته است: بهسازی بهره‌وری در کشاورزی به محیط زیست لطمه نمی زند و حتی می تواند تنوع گونه‌های زیستی را حفظ کند با افزایش جمعیتی که انتظار می رود در مناطق حاره‌ای جهان رخ دهد نیاز به مواد غذایی و در نتیجه بهسازی و پیشرفت کشاورزی بیشتر خواهد شد اما این مغایر حفظ محیط زیست نیست و این دو می تواند در یک جا جمع شود. (همشهری، ۱۳۸۱: ۷)

فقر از سپیده دم زندگی اجتماعی انسان مسئله اجتماعی به مفهوم عمیق آن بوده است. شکاف میان داراها و ندارها<sup>(۲)</sup> هر روز بیشتر شده است. اکنون دو میلیارد نفر دچار فقر مطلق هستند یعنی از برآوردن حداقل نیازهای مادی خود نیز ناتوانند ۴۰ سال پیش به طور متوسط فقرا ۲۰ برابر فقیرتر از اغنیا بودند اما این نسبت هم اکنون به ۴۵ برابر رسیده است. از طرفی روزانه ۵۰ هزار نفر در جهان بر اثر گرسنگی می میرند. اکنون در بیش از ۷۰ کشور جهان درآمد سرانه کمتر از ۲۰ سال پیش است. (رامونه، ۱۹۹۸: ۴۵)

بهداشت اولیه و تغذیه برای همه در سال ۱۳ میلیارد دلار هزینه دارد، در حالی که در

آمریکا و اروپا برای تغذیه حیوانات خانگی سالانه ۱۷ میلیارد دلار هزینه می شود. هر سال ۳۵ میلیارد دلار در ژاپن برای سرگرمی خرج می شود. در اروپا هر سال ۵۰ میلیارد دلار دود می شود و هزینه های نظامی در جهان بیش از ۷۸۰ میلیارد دلار است. (UNDP, 1998 : 2)

$\frac{۲}{۳}$  از جمعیتی که در جهان در فقر مطلق به سر می برند زیر پانزده سال سن دارند.

نیز  $\frac{۱}{۳}$  میلیارد تن از مردم کشورهای در حال توسعه با کمتر از ۱ دلار در روز زندگی می کنند و تقریباً در سطح جهانی بیش از ۳ میلیارد نفر یعنی نیمی از جمعیت کره زمین با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی را به سر می آورند. (Ibid : 38)

البته باید خاطر نشان ساخت که تعریف سازمان ملل از فقر مطلق یعنی تعیین یک دلار درآمد در روز بسیار محافظه کارانه است و پاره ای کارشناسان میزان ۲ تا  $\frac{۲}{۵}$  دلار را حداقل هزینه برای رهایی از فقر مطلق پیشنهاد کرده اند.

فقر در میان کشورهای در حال توسعه چهره خشن تری دارد بطوریکه از حدود  $\frac{۴}{۲}$  میلیارد نفر جمعیت این کشورها در حد ۲۵٪ جمعیت در شرایط «فقر غیر قابل تحمل<sup>(۱)</sup>» قرار دارند. (Soto, 1992 : 98) روزنامه معروف لوموند در آستانه روز غذا - ۱۶ اکتبر ۱۹۹۸ - اعلام کرد. این روز را در حالی جشن می گیریم که در جهانی که تولید محصول آن بیش از حد نیاز است ۸۰۰ میلیون نفر قوت لایموت ندارند. (برونل و کلود، ۱۹۹۸ : ۴۴)

دو میلیارد نفر ( $\frac{۱}{۳}$  بشریت) از کمبود گلبول های قرمز رنج می برند که از این جمعیت تنها ۵۵ میلیون نفر در کشورهای صنعتی زندگی می کنند (UNDP, 1998 : 2)

فقر به بی غذایی محدود نمی شود سرپناه اساسی ترین عام مادی، روانی، اجتماعی و اقتصادی برای زندگی حداقلی و متعارف بشر است. نظریه مازلو معروف به هرم نیازها که با اقبال عمومی مواجه شده است نیز نیاز به سرپناه را در لایه های زیرین و اساسی سلسله مراتب نیازها می نشاند. در سطح سیاست های جهانی نیز «راهبرد جهانی اسکان تا سال ۲۰۰۰<sup>(۲)</sup>» که در سال

1- Intolerable Poverty

2- The Global Strategy for Shelter to Year 2000

۱۹۸۸ به تصویب مجمع عمومی رسید «سریانه برای همه» بود. اکنون  $\frac{۱}{۴}$  از جمعیت ۴/۵ میلیاردی کشورهای در حال توسعه از داشتن مسکن محرومند. (UN. 1992 : 41)

در زمینه انرژی و مصرف آن نیز در رأس کشورهای صنعتی آمریکا به تنهایی  $\frac{۱}{۳}$  مصرف سوخت جهان را به خود اختصاص داده است در مجموع کشورهای ثروتمند ۱۴ برابر کشورهای فقیر سوخت مصرف می کنند. از جمله مصرف ۳۲۱ میلیارد تن یا ۷۵٪ زغال سنگ دنیا از آن اغنیا و ۱۰۴ میلیارد تن به وسیله فقرا مصرف می شود. (البته از این حیث ایران وضعیتی کاملاً متفاوت دارد که بعداً به آن خواهیم پرداخت). (شوماخر، ۱۳۶۰ : ۱۸)

### ۳- محیط زیست و فجایع زیست محیطی

حدود ۵ میلیارد سال پیش در عالم خلقت انفجار بزرگ رخ داد و کره زمین به وجود آمد زمین ابتدا کره ای آتشین بود که بتدریج با سرد شدن گازهای متصاعد از دل آن، اتمسفر تشکیل شد اتمسفر به مرور زمان از بخار آب اشباع شد و بدنبال آب و بخار آن پدیده باران بوجود آمد.

سرانجام در حدود ۳/۵ میلیارد سال پیش اولین نشانه های حیات بر روی این کره خاکی پدید آمد و با به وجود آمدن تک سلول ها در آبهای اقیانوس ها حیات جویان یافت. حدود ۲ میلیارد سال پیش اولین سلول های دارای هسته سلولی (یوکاریوت ها) خلق شدند، ۲۰۰ میلیون سال بعد اولین موجودات چند سلولی ظاهر شدند و به تدریج انواع متنوع تری از حیات آفریده شدند. پس از گذشت سال ها، گروهی از موجودات آبی توانایی انجام عمل فتوسنتز را بدست آوردند. و انجام فتوسنتز اکسیژن را وارد حیات کرد. انباشت اکسیژن در اتمسفر و ایجاد لایه ازن امکان زندگی بر روی خشکی را فراهم کرد که این تاریخ به ۴۵۰ میلیون سال پیش باز می گردد. از این زمان به بعد حیات پیچیده تر و تکامل یافته تر شد. انواع گیاهان و نباتات حشرات گوناگون، سخت پوستان و خارپوستان، نرم تنان، ماهی ها، انواع دوزیستان، خزندگان گوناگون و انواع متنوع پرندگان به تدریج در زیستگاه های روی کره زمین انتشار یافتند و بدین ترتیب حیات از اشکال

پایین<sup>(۱)</sup> خود به اشکال بالاتر انواع<sup>(۲)</sup> حرکت کرد. در حدود ۶۵ میلیون سال پیش، نخستین پستانداران پا به عرصه وجود نهادند، در این زمان دایناسورها حاکمان روی زمین بودند. دست کم ۱۰۰ گونه دایناسور حدود ۱۵۰ سال بر کره ما غلبه داشتند. لیکن به دنبال کاهش مواد غذایی و عدم تطابق آنها با شرایط جدید نسل این هیاکل عظیم منقرض گردید. (براون و همکاران، ۱۳۷۰: ۱۵)

حیات در گذشته شاهد پنج انقراض عظیم بوده است. این پنج انقراض انواع به دنبال حوادث طبیعی در اواخر دوران های اردوویسین، دونین، پرمین، تریاس و کرتاسه بوده است. در هر دوره از انقراض گونه های بسیاری قلع و قمع می شدند لیکن مشهورترین انقراض بزرگ تاریخ در آخر دوره کرتاسه رخ داد که طی آن نسل دایناسورها منقرض گشت. این امواج انقراض خصوصاً دوره پنجم آن کرتاسه اگر چه عظیم بودند لیکن خود کرده و ساخته بشر نبوده و مخربترین هم نبود.

گاه صد میلیون سال طول می کشید تا تنوع زیستی دوباره توازن و تعادل خود را باز یابد. سرانجام در حدود سه میلیون سال پیش انسان آفرید شد تا در دامان فراخ و پرگونه طبیعت زیست کند. طبیعتی که آکنده بود از درختان گل ها، پرندگان، خزندگان و هزاران هزار نوع موجود زنده دیگر. در طول خلقت خود انسان با جزء جزء طبیعت انس گرفته بود و شباهت های آنها را با خود می شید و آنها را خویشاوندان خود می دانست. او طبیعت و موجودات را مقدس و محترم می شمرد زیرا می دید که برای خوردن غذا تهیه پوشاک ساخت و سائل تهیه داروی دردهای خویش برای نوشیدن آب و حتی نفس کشیدن به آنها محتاج است و به همین دلیل از این خویشاوندان و دوستان خود چون جان شیرین محافظت می کرد و در یک کلام اینکه با طبیعت سرآشتی و مهر داشت. اما این رابطه دوستانه یکباره به هم خورد و انسان رابطه خود را با طبیعت دچار بحران و فاجعه نمود.

نتیجه و چکیده ارزیابی و بررسی های کارشناسانه انجام شده توسط متخصصان نشان می دهد که بزرگترین و مهمترین چالش های زیست محیطی جهان امروز را می توان به شرح زیر



برشمرد :

## ۳/۱- موج جمعیت

جمعیت جهان اینک به بیش از ۶ میلیارد و یک صد میلیون نفر رسیده است و احتمال می رود این میزان تا سال ۲۰۵۰ با ۵۰ درصد رشد به ۹/۳ میلیارد بالغ گردد. به طوری که ۴۹ کشور از ملل کمتر توسعه یافته جهان سه برابر شدن مجموع جمعیت خود را ۶۶۸ میلیون به ۱/۸۶ نفر شاهد خواهند بود. (درنیک، ۱۳۷۴ : ۲۱)

اگر روند کنونی جمعیت (یک میلیون در هر چهار روز) ادامه یابد تا سال ۲۰۵۰ ذخیره سرانه آب برای مردم جهان به میزان یک سوم کاسته خواهد شد. (همان)

- کشورهای در حال توسعه که در سال ۱۹۵۰ ۷۷٪ افزایش سالانه جمعیت جهان را داشتند در سال ۱۹۹۰ ۹۲٪ و در سال ۲۰۰۰ ۹۵٪ کل افزایش سالانه جمعیت جهان را شاهد بوده اند. (همان)

- جمعیت جهان در حال حاضر در هر دقیقه ۱۷۰ تن افزایش می یابد نتیجه اینکه در چهل سال آینده دو برابر خواهد شد. (ویلنور، ۱۳۷۰ : ۱۷)

- در سال ۲۰۳۰ جمعیت جهان در حدود ۹ میلیارد خواهد بود و جمعیت کشورهایی چون اتیوپی، هند، نیجریه تا این سال ۲ تا ۳ برابر خواهد شد. (براون و همکاران، ۱۳۷۰ : ۲۸)

- جمعیت جهان، حتی اگر در سطح جایگزینی<sup>(۱)</sup> ثابت بماند (یعنی ۲/۰۶ کودک برای هر زن) با توجه به نسبت جوان جمعیت در جهان مسلماً این افزایش پرشتاب باز هم متوقف نخواهد ماند. البته بعد از دهه ۱۹۶۰ که رشد جمعیت جهان بدلیل افزایش بهداشت، تولید و کاهش مرگ و میر ۲٪ درصد بود بعداً بدلیل هشدارها و تبلیغات در این زمینه و رشد و آموزش شیوه های پیش گیری از بارداری در دهه ۹۰ به ۱/۴۸٪ تقلیل پیدا کرد. (UN, 1994 : 13)

- نسبت سالخوردگان (بالای ۶۵) در کشورهای در حال توسعه از ۸٪ در سال ۱۹۵۰ به

## 1- Replacement Level

۱۳٪ در حال حاضر رسیده و تا سال ۲۰۲۰ به ۱۷٪ خواهد رسید. (Ibid : 13)

- جوانان بین ۱۴ تا ۳۰ سال پیش از ۳۰٪ جمعیت جهان را تشکیل می دهند و تقریباً  $\frac{1}{5}$  جمعیت جهان در حال حاضر در گروه سنی ۱۵-۲۴ (جوان) قرار دارند. در «جهان در حال توسعه» این گروه بزودی ۵۰٪ کل جمعیت را تشکیل خواهند داد. (UNDP, 1998 : 60) بر اساس همین برآورد مورد تأیید سازمان ملل در سال ۱۹۹۲،  $\frac{2}{4}$  میلیارد نفر در جهان حاشیه نشین بودند، از این تعداد ۹۰۰ میلیون نفر در کشورهای پیشرفته زندگی می کنند که از آب لوله کشی و خدمات فاضلاب شهری بهره مندند. اما  $\frac{1}{5}$  میلیارد نفر از حاشیه نشینان کشورهای در حال توسعه دسترسی به آب پاکیزه ندارند و در کل ۲ میلیارد نفر در جهان سوم از امکانات آب لوله کشی و فاضلاب محرومند. (Ibid : 34)

شکاف درآمد سرانه کشورهای فقیر و غنی مرتباً عمیق تر شده است و نسبت جمعیت کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته نیز مرتباً افزایش پیدا می کند به صورتیکه در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۸ جمعیت کشورهای صنعتی ۱۵٪ جمعیت کل جهان ذکر شده است در اینجا سخن معروف تودار و راست درمی آید که گفته بود «اغیا غنی تر می شوند در حالیکه فقرا بچه دار می شوند».

در واقع هیچ نسلی در تاریخ بشریت با چنین چرخش و دگرگونی گسترده ای در جمعیت مواجه نبوده است البته به اعتقاد کارشناسان محیط زیست و جمعیت شمار انسانها از نیمه دوم قرن حاضر شروع به کاهش خواهد کرد. زمانی که دیگر منابع بسیار محدود زمین امکان رشد بیشتر را به جمعیت ما نخواهد داد و البته این امکان نیز وجود دارد که دیگر منابع بسیار محدود زمین امکان رشد بیشتر را به جمعیت ما نخواهد داد و البته این امکان نیز وجود دارد که در اثر جنگ ویرانگر، قحطی و یا دیگر بلاهای بزرگ با از میان رفتن تعداد زیادی از انسانها جمعیت بشر اندکی کاهش یابد.

قابل افزودن است که همینطور شهرها که کانون اصلی تخریب محیط زیست به شمار می روند رشد خواهند کرد. طبق گزارش یونسکو رشد شهرها در دنیای در حال توسعه معادل نرخ

رشد ۳٪ می باشد در حالیکه این رقم برای جهان توسعه یافته ۱۵٪ است. (31 : 1996  
(UNESCO,

## ۳/۲- استفاده بی رویه از منابع

«خداوند زمین را همچون بهشت آفرید و  
انسان را خلیفه خود در آن کرد اما وی با  
ناسپاسی تمام آنرا به جهنم تبدیل کرد».

گزارش اخیر صندوق جهانی حیات وحش (WWF) نشان می دهد که انسان در هوا، دریا  
خشکی (منابع اصلی) در حال بلعیدن منابع با سرعتی معادل ۲۰ برابر توانایی منابع مزبور برای  
تجدید و احیا است. به طوری که مصرف بی رویه منابع طبیعی تا سال ۲۰۵۰ به ۲۲۰ درصد کل  
ظرفیت منابع موجود بالغ خواهد شد. این روند به معنای آنست که در نیمه قرن حاضر رفع نیاز  
انسانها مستلزم دو کره زمین خواهد بود. صندوق جهانی حیات وحش در گزارش جامع خود به  
سال ۲۰۰۲ قدرت های ثروتمند جهان نظیر ایالات متحده، کانادا، ژاپن و ۱۹ کشور عضو اتحادیه  
اروپا را مقصران و عوامل اصلی فشار بی امان بر منابع طبیعی زمین معرفی کرده است بر اساس  
گزارش WWF منابع آب، جنگل، اراضی قابل استفاده و انرژی به اندازه ای تحت تهدید هستند  
که ظرف ۱۵۰ سال آینده کل این منابع ته خواهد کشید در این سند که تأکید و توجه ما بدان بدلیل  
پیش درآمد بودن آن برای اجلاس زمین در ژوهانسبورگ است، آمده است «منابع طبیعی را  
نمی توان به قیمت خالی شدن سرمایه طبیعی کره زمین بیش از حد مورد استفاده قرار داد. اما  
مطمئناً این کار بدلیل محدود<sup>(۱)</sup> بودن منابع همیشه ادامه نخواهد یافت». (همشهری، ۱۳۸۱ : ۲۰)

۳/۲/۱- آب

آب حیوان تیره گون شیر خضر فرخ پی کجاست

«سعدی»

آب مایه حیات الفبای آبادانی و توسعه است. در همه جا واژه آب و آبادانی قرین هم‌اند. ۸۵٪ وزن جانوران و گیاهان را تشکیل می‌دهد و حیات بدون آن قابل تصور نخواهد بود. - براساس استانداردهای کارشناسی هر انسان باید حداقل روزانه به ۱۳۵ لیتر آب دسترسی داشته باشد که از این میزان ۴۰ لیتر آن باید آب پاکیزه باشد.

- با افزایش جمعیت و در نتیجه افزایش مصرف، سرانه آب آشامیدنی قابل دسترسی در سطح جهان از ۱۷۰۰۰ مترمکعب در سال ۱۹۵۰ به ۷۳۰۰ مترمکعب در سال ۱۹۹۵ تقلیل یافته است (UNDP : 4)

از آنجا که آب خاک و هوا زنجیره در هم تنیده‌ای هستند آلودگی‌های هر حلقه‌ای از آن به حلقه‌های دیگر این زنجیره تفکیک‌ناپذیر سرایت می‌کند که منشأ اصلی آن پساب‌های شهری و کشاورزی است.

سازمان ملل از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ را «دهه آب» اعلام کرد با این حال در سال ۱۹۹۴ تقریباً ۱/۲ میلیارد نفر در کشورهای در حال توسعه از کمبود آب پاکیزه و ۳ میلیارد نفر از فقدان خدمات آب لوله‌کشی فاضلاب در عذاب بودند. (Ibid : 49)

طبق همین گزارش تقاضا برای آب در بخش کشاورزی نیز از ۵۰ تا ۱۰۰٪ در ۳۰ سال آینده افزوده خواهد شد. (Ibid : 4)

- استخراج کنونی آب، در مقایسه با ۱۳۶۵ کیلومتر مکعب در سال ۱۹۵۰ تقریباً سه برابر شده و به مرز ۳۷۶۰ کیلومتر مکعب در سال رسیده است برداشت بیش از حد آب تبعات عظیمی در تنوع زیستی و حیات نباتات داشته است برداشت آب در شبه جزیره عربی سه برابر میزان آب ذخیره شده در سال است با این نرخ بهره‌برداری، منابع آب، حداکثر تا ۵۰ سال دیگر کلاً تخلیه خواهند شد، در چین و تایلند و بسیاری نقاط دیگر نیز این مسئله مشاهده می‌شود. (Ibid : 55)

- ۷۰٪ آب قابل دسترس در جهان با کمتر از ۵٪ در بعضی کشورهای اروپای شما و تا پیش از ۹۰٪ در بعضی مناطق آفریقا، آمریکای جنوبی و آسیای مرکزی کماکان برای کشاورزی مصرف می شود. (UN, 1991 : 4) این در حالی است که ۵۵٪ از آب آبیاری کشاورزی هدر می رود و به پای محصول نمی رسد. (Ibid : 53)

- ۳۰٪ جمعیت کشورهای در حال توسعه یعنی بیش از ۱/۳ میلیارد نفر از دسترسی به آب تصفیه شده محروم اند و تقریباً ۶۰٪ یا بیش از ۲/۵ میلیارد نفر از آب بهداشتی لوله کشی و شبکه فاضلاب بی بهره اند. بیش از ۹۰٪ فاضلاب در کشورهای در حال توسعه مستقیماً در آب جاری و رو جریان رودخانه های تخلیه می شود به همین دلیل له طور میانگین رودخانه های آسیایی به جهت تخلیه فضولات انسانی ۵۰ برابر بیشتر از کشورهای صنعتی باکتری و آلودگی دارند. (UNDP : 68)

موضوع کمبود آب در جهان اینک به حربه ای سیاسی بین کشورها به ویژه در خاور میانه تبدیل شده است چنانکه ترکیه بدلیل برخوردار بودن از منابع آب بیشتری در این منطقه و کنترل آب سرازیر شونده به عراق و سوریه این کشور را تحت فشار قرار داده است از اینرو برخی کارشناسان دهه آینده را در این منطقه دهه جنگ بر سر آب نامیده اند.

نزاع بر سر آب میان اعراب فلسطین و اردن با اسرائیل نیز تشدید خواهد شد، البته با توجه به شدت منازعه متخصصان مسائل آب اسرائیل به این نتیجه رسیده اند که تولید آب از چانه زنی بر سر آن بسیار آسان تر خواهد بود.

عادل درویش یکی از نویسندگان کتاب «جنگ آب : پیکارهای پیش رو در خاورمیانه» عقیده دارد همانطور که آب می تواند منشأ درگیری و منازعه باشد می تواند به عنوان ابزاری برای بهبود روابط و ارتقای همکاری ها باشد. وی در تأیید اظهارات خود می آورد «در دهه ۱۹۳۰ ایستگاه های پمپاژ معدودی در مرز بین سوریه فلسطین و لبنان وجود داشت و با وجود سه جنگ بزرگ در این منطقه حتی یک گلوله هم بسوی ایستگاه ها شلیک نشد زیرا همه طرف ها به خوبی می دانستند که در اینجا منافع مشترکی دارند»

شاهد دیگری به این نظریه که آب من وجهی می تواند مقوم دوستی و روابط میان کشورها باشد ایجاد «سد دوستی» مشترک در مرز میان ایران و ترکمنستان و همچنین پروژه انتقال آب ایران به حوزه کشورهای خلیج فارس است.

متأسفانه مواردی مثل همکاری های فوق الذکر نادر بوده است. در همین منطقه بدنبال حمله اوت ۱۹۹۱ عراق به کویت و به آتش کشیدن چاههای نفت این کشور بیش از ۲۵۰ هزار تن نفت به خلیج فارس تخلیه شد که آسیب جبران ناپذیری به منابع زیستی و دریایی وارد ساخت که بزرگترین فاجعه نفتی تاریخ لقب گرفت.

لستر براون چه زیبا گفته است که اگر یوهان اشتراوس امروز والس مشهور خود را می ساخت آنرا «دانوب قهوه ای» می نامید. دانوب که از اروپا می گذارد در سال های آخر دهه ۱۹۷۰ چنان آلوده شد که شنا کردن و ماهیگیری در آن ممنوع شد، پس از آن بدنبال صرف میلیاردها دلار برای پاکسازی آن، کماکان کثیف ترین رودخانه جهان است. (زایتس، ۱۳۸۰: ۱۶۷)

آبهای اسیدی یکی از عوامل مهم مرگ ماهی ها هستند. که سه عامل اصلی اسیدی شدن آب رودخانه و دریاچه ها عبارتند از ۱- باران های اسیدی ۲- آلودگی های اسیدی ناشی از پساب های کشاورزی ۳- اسیدیته طبیعی بستر و آب.

### ۳/۲/۱/۱- باران اسیدی

آخرین زمزمه نم نم باران این است که زمین چرکین است

«شفیعی کدکنی»

آیا شاعران هنوز می توانند از باران به عنوان استعاره مثل پاکی برای بیان احساسات خود کمک بگیرند؟ به نظر می رسد در صورت تعمق در مسأله و تذکار باران های اسیدی بخاطر آلودگی کل فضای موجود توسط انسان این موجود دو پای راست اندام ناطقه (?) پاسخ منفی باشد. باران اسیدی چگونه پدیده ای است.

با سوختن سوخت های فسیلی دی اکسید سولفور و اکسید نیتروژن در هوا پخش می شود

با واکنش این گازها در برابر رطوبت و اکسیژن موجود در جو و نور آفتاب دی اکسید تبدیل به اسید سولفوریک (همان ماده ای که در باتری اتومبیل استفاده می شود) و اکسید نیتروژن تبدیل به اسید نیتریک می گردد. این اسید در پایان چرخه خود بصورت باران برف، تگرگ به زمین باز می گردد. (همان: ۱۷۰)

وقتی بدین شکل به زمین باز می گردند باعث مرگ ماهی های رودخانه ها و دریاچه ها، نابودی مجسمه ها و سنگ مزارهای آهکی و پوسیدگی و زنگ زدگی فلزات می شوند و ممکن است برخی درختان را از بین ببرند و موجب کاهش رشد برخی از گیاهان گردند. اکنون دریافته ایم که دودکش های بلند یکی از قوانین بنیادین زیست محیطی را نقض می کنند، قانونی که زیست شناسی به نام «بری کامونر<sup>(۱)</sup>» آنرا قانون «هر چیز باید جایی برود» خوانده است. ماده لایزال است و در طبیعت چیزی بنام «فضولات» وجود ندارد هر آنچه از موجود زنده دفع می گردد غذایی است برای موجود زنده دیگری که آنرا جذب می کند، اما اگر غذا سمی باشد موجود زنده می میرد و نظم تمام اکوسیستم در هم می ریزد. بنابراین بسیاری از انواع جلبک ها، حشرات و گیاهان با وجود آب زلال و زیبای دریاچه ها به خاطر میزان اسید بالا در آنها نابود شده اند. (همان، ۱۷۱)

نکته جالب اینست که در سال ۱۹۸۴ نه کشور اروپایی و کانادا توافق کردند حداقل ۳۰ درصد از انتشار دی اکسید سولفور در دهه آتی آن کاهش دهند، آمریکا، بریتانیا، آلمان شرقی، لهستان و چک اسلواکی از پیوستن به این موافقت نامه خودداری کردند. در آن زمان سیاست ایالات متحده و دولت ریگان بر این بود که پیش از اقدام های عملی پرهزینه بهتر است مطالعات علمی بیشتری انجام شود.

## ۳/۲/۲- تغییر اقلیم زمین و آلودگی

می دانم، سبزه ای را بکنم، خواهم مرد

سهراب سپهری

مصرف نفت، گاز و زغال سنگ موجب انتشار دی اکسید کربن و دیگر گازهای «گلخانه‌ای» می‌شود که حرارت خورشید را در مجاورت سطح زمین به دام انداخته و موجب افزایش دمای هوا سپهر (اتمسفر) می‌شوند. مصرف سوخت‌های فسیلی در دهه ۱۹۹۰ و به ویژه در آسیا و آمریکای شمالی به سیر صعودی خود ادامه داد، به طوری که هم اینک به وضوح می‌توان اثرات ناگوار انباشت گازهای گلخانه‌ای و گرمایش جهانی را در الگوهای اقلیمی زمین مشاهده کرد. بنابر اعلام کارشناسان و متخصصان برجسته سازمان ملل، غلظت کنونی دی اکسید کربن در جو زمین ۳۷۰ واحد در میلیون (PPM) و ۳۰٪ بیشتر سطح آن در سال ۱۷۵۰ است و در صورت تداوم روندهای فعلی این میزان تا سال ۲۱۰۰ ممکن است به ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ واحد در میلیون افزایش یابد. پدیده گرمایش جهانی و اثرات فاجعه‌آمیز آن بر اقلیم زمین طی سالیان اخیر نمایش‌های آشکاری را پیش چشم ناباوران به تصویر کشیده و خشکسالی‌های مکرر و شدید در آسیا و آفریقا تنها بخشی از آن است. (نصیری، ۱۳۷۹: ۹۳).

در قیاس با عمر هزار ساله نظام کشاورزی، جامعه صنعتی همچون لحظه‌ی کوتاه به شمار می‌رود، با اینحال همانگونه که قبلاً نشان دادیم در این دوران کوتاه ضمن مسموم ساختن بی‌سابقه فضای زیست نه فقط انرژی‌های طبیعی و پرارزشی را که طی میلیون‌ها سال ذخیره شده بود در ظرف کمتر از دو قرن از میان برد بلکه دیگر منابع ذخیره شده در کره زمین را نیز به کمک همان انرژی‌ها وام گرفته از طبیعت تبدیل به ضایعاتی مضر و بی‌مصرف ساخت.

### ۳/۲/۲/۱- سرب موجود در هوا

سرب موجود در هوا به خوبی ارتباط بین صنعتی شدن و آلودگی هوا را نمایان می‌سازد طبق یافته‌های کارشناسان از ۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح تا آغاز انقلاب صنعتی در حدود ۱۷۵۰ میزان سرب در هوا پایین بود. پس از ۱۷۵۰ افزایش عمده‌ای دیده می‌شود. اما پس از جنگ دوم جهانی با افزایش مصرف بنزین سرب‌دار میزان سرب موجود در هوا باز هم بیشتر

گردید. (اولریش، ۱۳۷۶: ۵۶)



کودکان بیش از همه در معرض خطر تنفس سرب قرار دارند زیرا یک کودک سه ساله در حال استراحت نسبت به یک بزرگسال، ۲ بار بیشتر اکسیژن مصرف می کند و در نتیجه ۲ برابر آلودگی هوا و سرب آن را وارد بدن خود می سازد. (Elliott : 22)

خوشبختانه در مطالعه ای که در آغاز دهه ۱۹۹۰ در گرینلند انجام گرفت یکی دیگر از اثرات سودمند کاهش سرب در بنزین مصرفی آشکار شده است. بررسی تراکم سرب در برف های گرینلند نشان می دهد که میزان سرب کاهش یافته و نزدیک به سطح موجود در آغاز قرن بیستم یعنی پیش از مصرف گسترده سرب دار رسیده است.

- اقیانوس ها و دریاها بیش از ۷۰٪ سیاره ما را پوشانده اند. هر ساله جمعاً نزدیک ۶۰۰ هزار تن نفت در نتیجه حمل و نقل دریایی، حادثه و یا تخلیه غیرقانونی وارد آبهای اقیانوس ها می شود. (UN, 1992 : 76) این رقم در برخی منابع حساس تر و مستقل تر تا میلیون ها تن ذکر شده است. (Soto, 1992 : 691)

بدلیل رشد تکنولوژی در پتروشیمی جدید از ماده نفت خام ۷ هزار نوع کالا و فرآورده بدست می آید که اکثر آنها تجزیه ناپذیر یا دیر تجزیه پذیر می باشد یعنی به چرخه طبیعی حیات بازمی گردند.

در فاصله ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ مجموعاً ۱۷۵ میلیون ضایعات خطرناک<sup>(۱)</sup> به بازار جهانی عرضه شد. (Elliot : 34) اکنون بیش از ۹۰ هزار ماده شیمیایی در بازار جهانی وجود دارد که حجم هنگفتی از آن را ضایعات تجزیه ناپذیر تشکیل می دهد. (نصیری، ۱۳۷۹ : ۹۵) عمده ترین مناطق دریافت کننده ضایعات خطرناک آمریکای مرکزی و جنوبی و به ویژه غرب آفریقا بوده است.

کشورهای فقیر بدلیل فقر، بیشتر در این زمینه اغوا شده اند. برای مثال شرکت های انگلیسی برای دفن این ضایعات در گینه بیسائو ۱۲۰ میلیون دلار پیشنهاد کردند که این برابر بود با تولید

۱- Hazardous wastes. ضایعات خطرناک به ضایعاتی اطلاق می شود که چنانچه به صورت آزاد رها شوند به

آلودگی شدید زمین، آب و هوا منجر می شود و سلامت انسان و محیط زیست را به مخاطره جدی خواهد افکند.

ناخالص ملی این کشور با توجه به پرسود بودن این بازار، تجارت ضایعات علاوه بر شکل رسمی در حجمی بالا به شکل های غیرقانونی و قاچاق نیز جریان پیدا کرده است. (همان : ۹۶)

- وزیر تجارت گینه بیسائو اعتراف کرد که این کشور با دریافت ۶۰۰ میلیون دلار اجازه داده ۱۵ میلیون تن مواد زائد خطرناک به این کشور انتقال پیدا کند او گفت «ما محتاج پول هستیم».

(همان)

- در سال ۱۹۸۸ سازمان وحدت آفریقای قطعهنامه ای واردات ضایعات خطرناک به این قاره را ممنوع اعلام کرد. (Elliot : 37)

- براساس گزارش سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۵ حدود ۴۸۱ میلیارد مترمکعب ضایعات رادیواکتیو (در سطوح پایین و متوسط) و بیش از ۱۰۰۰۰۰ مترمکعب ضایعات سطح بالا سالانه در جهان تولید می شود که  $\frac{2}{3}$  آن از سوی کشورهای آمریکا، اروپا و ژاپن و  $\frac{1}{3}$  دیگر در اروپای شرقی و کشورهای در حال توسعه تولید می شود. (UN, 1992 : 81)

### ۳/۲/۳- سوراخ ازن (کاهش لایه ازن)

چو تو خود کنی اختر خویش را بد

مدار از فلک چشم نیک ختری را

«حکیم ناصر خسرو»

برای نخستین بار در سال ۱۹۷۴ دو شیمی دان به نام های شروود رولند و ماریو مولینا دریافتند کلروفلوروکربن ها (CFCS) موجب تخریب مولکول های ازن موجود در لایه سپهر (استراتوسفر) می شوند و لایه محافظ زمین در برابر هجوم اشعه ماوراء بنفش خورشید را از بین می برند. در پی کشف مواد شیمیایی مخرب لایه ازن دانشمندان در سال ۱۹۸۵ برای اولین بار حفره بزرگی را بر فراز قطب جنوب یافتند. حفره ای که اشعه مرگبار ماوراء بنفش از آن به راحتی به سوی زیست سپهر (بیوسفر) بی دفاع حمله می کند.

سوراخ ازن جهان را به جنب و جوش انداخت. ۱۹۸۷ نمایندگان حدود ۶۰ ملت در

مونترال کانادا گرد هم آمدند و توافق کردند تا سال ۱۹۹۸ تولید CFCها را به ۵۰٪ یعنی نصف برسانند اما وجود شواهدی که نشان می داد کاهش لایه ازن از آنچه انتظار می رفت سریع تر است. از نو کشورهای جهان را به گرد هم آیی و ادار کرد (یعنی ۱۹۹۰ در لندن). ۹۰ نماینده کشورهای جهان در این همایش توافق کردند، طرح مرحله ای کاهش مواد شیمیایی منهدم کننده ازن را سرعت بخشند، و به تولید CFCها و هالوژن ها تا سال ۲۰۰۰ پایان دهند. این فرصت برای کشورهای کمتر توسعه یافته تال ۲۰۰۱ بود و صندوقی عمدتاً از سوی کشورهای صنعتی تشکیل شد تا به کشورهای فقیر در یافتن جایگزین برای مواد کاهش دهنده ازن کمک بگیرند. (زایتس،

(۱۳۷۹: ۱۷۴ و ۱۷۳)

ترکیب کلرین عمدتاً به عنوان یکی از ترکیبات CFCها وارد جوی می شود و امروزه دانشمندان معتقدند، کلرین است که موجب انهدام لایه ازن می شود. یک اتم کلرین می تواند ۱۰۰ هزار اتم ازن را از بین ببرد. و از آنجا که CFCها بین ۵۰ تا ۱۰۰ سال در جو باقی خواهند ماند. انهدام لایه ازن وضعیت بدتر پیدا خواهد کرد. در آغاز دهه ۹۰ دانشمندان پیش بینی کردند. میزان کلرین موجود در جو تا نخستین دهه قرن ۲۱ به اوج خود رسیده آنگاه کاهش خواهد یافت. (همان)

خوشبختانه ازن بطور طبیعی پیوسته در حال تولید و ساخته شدن است، لذا امید این است احتمالاً بهبود یابد، مشروط به اینکه کشورهای امضا کننده معاهده ازن به تعهدات خود عمل کنند تازه در اینصورت پس از گذشت حدود یک قرن دوباره ترمیم خواهد شد. اما متأسفانه عملاً هنوز هم روند تخریب در جریان است بطوریکه حفره ازن در اکتبر سال ۲۰۰۲ بر فراز قطب جنوب به رکورد ۳۰ میلیون کیلومتر مربع رسیده (همشهری، ۱۳۸۱: ۲۰)

### ۱/۳/۲- دی اکسید کربن

رها شدن دی اکسید کربن در جو، بر اثر سوختن سوخت های فسیلی موجب گرم شدن آب و هوای زمین می شود. این گرم شدن که به اثر گلخانه معروف است، قبلاً مورد بررسی قرار گرفت.

در حال حاضر با هیچ فن آوری نمی توان از انتشار دی اکسید کربن به هنگام سوزاندن سوخت های فسیلی جلوگیری کرد. تخمین زده اند مقدار  $Co^2$  در جو زمین ۲۵٪ افزایش یافته است، علاوه بر صنعت و ماشین هر سال چهل میلیون جریب زمین جنگل های استوایی سوخته می شوند و همین امر موجب انتشار ۱/۷ میلیارد تن  $Co^2$  در جو زمین می شود (Soto, 1992 : 99)

### ۳/۲/۴- انقراض گونه های حیات

و اذا تولی سعی فی الارض لفسد فیها و یهلک الحرث

و النسل والله لایحب و الفساد<sup>(۱)</sup>

«قرآن کریم»

چنانکه پیش از این خبر داده بودیم موج انقراض گونه های زنده<sup>(۲)</sup> در عصر جدید بی سابقه ترین از زمان دایناسورها بوده است. هر ساله حدود ۶ هزار گونه حیوانی از بین می روند و نیمی از گونه های موجودات زنده تا پایان قرن ۲۱ از بین خواهند رفت اکنون هم سالانه ۳۰۰۰۰ گونه حیات اهم از گیاهی و جانوری از دست می دهیم.

و اینک بیش از ۱۱ هزار گونه زنده با خطر انقراض مواجهند به طوریکه در آینده نزدیک یک چهارم پستانداران حدود ۱/۵ دوزیستان، ۳۴٪ از ماهی ها و ۱۲٪ پرندگان برای همیشه از بین خواهند رفت که علت اصلی این نابودی، تخریب وسیع زیستگاه آنان توسط انسان است.

طبق فهرست قرمز (اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی) در سال ۲۰۰۲، ۵۴۵۳ گونه از جانوران، ۵۷۱۴ گونه از گیاهان، در خطر قرار گرفته اند، و از این میان ۱۸۱ گونه از پستانداران، ۱۸۲ گونه از پرندگان، ۵۵ نوع از خزندگان، ۳۰ گونه از دوزیستان ۲۵۷ نوع از ماهیان، ۴۶ گونه از حشرات، ۲۲۲ نوع از نرم تنان، بیش از ۲۲ گونه از گیاهان نهنزاد آوندی، ۱۷ گونه از

۱- آیه شریفه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره «چون از درگاه تو روی گرداند، برای تباهی در زمین به تکاپوی می افتد و بکوشد تا

حاصل مردمان و نسل بشر را قطع کند و خدا تبه کاری را دوست ندارد»

## 2- Living Species

مخروطیان، ۹۲۸ گونه از دولپه‌ای‌ها و ۷۹ گونه از تک لپه‌ای‌ها شرایط بحرانی دارند و به شدت در معرض انقراض می‌باشند (اینترنت به نشانی، [WWW.iucn.org](http://WWW.iucn.org))

گرمایش جهانی یک سوم زیستگاه‌های طبیعی جهان را تا آخر قرن ۲۱ به طور اساسی دچار اختلال می‌کند و تمامی گونه‌هایی که امکان مهاجرت سریع با سرعتی بیش از روند تخریب، را ندارند و زیستگاه‌های آنها منحصر به فرد است، از بین خواهند رفت (اینترنت به نشانی، [WWW.Lenefita.org](http://WWW.Lenefita.org))

طبق آمارهای ارائه شده از سوی IUCN<sup>(۱)</sup> در سال ۲۰۰۲، در حال حاضر ۵۷۱۶ گونه در قاره آسیا ۵۶۴۳ گونه در قاره آمریکا، ۳۸۲۲ گونه در قاره آفریقا، ۱۴۸۳ گونه در اروپا، ۱۶۶۳ گونه در اقیانوسیه و ۲۷ گونه در قطب جنوب مورد تهدید قرار گرفته و در معرض خطر هستند و البته این تعداد از میان گونه‌هایی که مورد شناسایی و آمارگیری قرار گرفته‌اند می‌باشد. در حالیکه گونه‌هایی وجود دارند که آماری از آنها تهیه نشده است و بسیاری از گونه‌ها نیز بدون اینکه حتی شناسایی شده باشند بی‌صدا در حال رخت برستن هستند (همان)

اساساً یک سوم منابع طبیعی زمین در مدتی کوتاه طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۵ نابود شد و به این ترتیب فاجعه‌آمیزترین و غم‌انگیزترین انقراض عظیم تاریخ آفرینش به وقوع پیوست. بالاخره اینکه گرچه انقراض‌های عظیم به طور طبیعی نیز در گذشته رخ داده‌اند ولی انقراض طبیعی چون در مدتی طولانی و در اثر تأثیرات و تغییرات تدریجی اتفاق می‌افتاد امکان ظهور و تکامل گونه‌های منقرض شده می‌گشتند و در کل طبیعت و تنوع زیستی آسیب و اختلال غیرقابل جبرانی رخ نمی‌داد. مثلاً با انقراض دایناسورها گونه‌های بی شماری از پستانداران جایگزین آنها شدند. در صورتیکه انقراض غیرطبیعی که توسط دخالت‌های بی‌رویه انسان در طبیعت پیش آمده است بدون اینکه فرصت دگرگونی‌ها و انشعابات تکاملی و گونه‌زایی را حاصل کند و بدون اینکه امکان تجدید قوا و بازسازی طبیعت و منابع طبیعی را فراهم نماید، باعث نابودی بسیار سریع محیط‌زیست و موجودات زنده می‌شود. تخریب زیستگاه‌های طبیعی،

جزء به جزء کردن آنها، کشتار بی رویه و ناروای جانوران، برداشت بیش از حد از گیاهان و وارد کردن گونه‌های مهاجم بیگانه و غیربومی به زیستگاهها از جمله دخالت‌های انسان‌ها در طبیعت هستند که باعث انقراض گونه‌ها می‌گردند، گونه‌هایی که طی میلیون‌ها سال به تدریج با شرایط محیطی، آب و هوا، عوامل بیماری‌زا و کلیه موانع و بلاهای طبیعی سازگاری حاصل کرده‌اند، در برابر این کردارهای بی‌رحمانه ویرانگر سیر طبیعی تکامل در طبیعت، محکوم به فنا و نابودی هستند.

اگر این پروژه در دست بشر تا نهایت منطقی‌اش - با خصلت آزمندی، دشمنی با طبیعت، تمتع بی‌خردانه بیشتر - پیش برود چنانکه گزارش دادیم انسان تنها بر زمین سوخته‌ای می‌ماند که برای رفع تنهایی خود تنها با پرش خیال خود می‌تواند موجودات زنده تخیلی را بر روی صفحات رایانه‌ای نظاره کند، چنانکه در مورد دایناسورها اینگونه شده است.

### ث) جنگل‌زدایی<sup>(۱)</sup>

صحبت از پژمردن یک برگ نیست

وای! جنگل را بیابان می‌کنند

(ف. مشیری)

جنگل‌ها در گذشته بخش اعظم خشکی‌ها و امروزه  $\frac{۱}{۳}$  از خشکی‌های زمین را پوشانده‌اند، فائو در ضمن گزارش ۱۹۹۱ خود هشدار به انهدام جنگل‌های حاره‌ای با شتاب زیاد داد، طبق این گزارش در سال ۱۹۹۱ ۴۰ میلیون هکتار از جنگل‌ها نابود شدند، یعنی ۴۰٪ بیش از دهه قبل، وسعت این تخریب در سال ۱۹۹۰ به بزرگی ایالت واشینگتن یا چیزی حدود یک هکتار در ثانیه است. (زایتس، ۱۳۸۰: ۱۸۲)

در اغلب کشورهای فقیر با رشد فزاینده جمعیت - که باید آنها را الف‌جایع خواند - و با جنگل‌های قابل توجه و حرص و ولع برای توسعه نابودی جنگل‌ها شتاب بیشتر می‌گیرد. طبق آمار

کشورهای در حال توسعه نزدیک به نیمی از جنگل های خود را در قرن ۲۰ از دست داده اند . همچنین براساس اعلام فائو (FAO) این ثروت های سبز از سال ۱۹۹۰ تا کنون ۲/۴ درصد کاهش یافته اند و این نابودی به سبب معدن کاوی، چوب بری و گسترش مناطق شهری رخ داده است. مطابق پیش بینی مؤسسه جهانی منابع (WRI) طی ۱۰ تا ۲۰ سال آینده ۴۰ درصد از جنگل های کهن از پهنه این سیاره ناپدید خواهند شد. ۱۷ میلیون هکتار جنگل هر ساله نابود می شوند که معادل چهار برابر کشوری مثل سوئیس است. (همان : ۱۸۳)

جنگل ها خصوصاً جنگل های بارانی براستی ریه های زمین لقب گرفته اند، زیرا از یک طرف دی اکسید کربن جذب می کنند و از طرف دیگر اکسیژن رها سازند، جنگل ها، بستر حیات با تمام انواع آن می باشند، تنها زیستگاه مناسب و حافظ مطمئن برای تنوع حیات جنگل می باشد، نابودی جنگل ها مشکل حادی است که می تواند منجر به فرسایش و سخت شدن خاک و از بین رفتن خاک غنی<sup>(۱)</sup> و گیاه خاک، و جاری شدن سیل بیشتر و نامتعادل شدن مخازن آب شود. بیشترین جنگل زدایی در کشورهای در حال توسعه صورت می گیرد. در دهه گذشته، آمریکای لاتین و منطقه کارائیب ۷ میلیون هکتار جنگل های استوایی خود را از دست داده اند آسیا و منطقه زیر صحرا هر کدام ۴ میلیون هکتار در مدت فوق از بین برده اند. عمده این جنگل ها بدلیل استفاده مفرط بخاطر چوب و کاغذ از بین رفته اند. (5 : UNDP)

تا چهل سال قبل، جنگل زدایی به صورت عمده در کشورهای صنعتی بود ولی اکنون کانون آن به کشورهای در حال توسعه انتقال یافته است (Ibid : 52) برخلاف کشورهای در حال توسعه که جنگل های گرمسیری<sup>(۲)</sup> در آن مناطق قرار دارند، جنگل ها در کشورهای توسعه یافته در قرن بیستم عملاً افزایش یافته است در کشورهای صنعتی جنگل ها از حدود ۱۲/۳ میلیون کیلومتر مربع در سال ۱۹۰۰ به نزدیک ۱۲/۸ میلیون کیلومتر مربع در سال ۱۹۸۵ رسیده است. (زایتس، ۱۳۸۰ : ۱۸۲) اما باید بر این خبر امیدوارانه افزود که در واقع جهان محدودی شامل کشورهای صنعتی آباد می شوند تا مناطق عظیمی از کره زمین نابود گردند توضیح آنکه مقصد عمده

محصولات جنگلی آفریقا و آمریکا و آسیا، کشورهای صنعتی این قاره ها می باشند. با توجه به افزایش گرمایش جهانی، وفور جمعیت و پدیده احتراق خودبخود، آتش سوزی جنگل ها<sup>(۱)</sup> نیز یکی از دلایل عمده نابودی آن به شمار می رود چنانکه طبق گزارش برنامه توسعه سازمان ملل در سراسر جهان در سال ۱۹۹۷ جمعاً ۵ میلیون هکتار جنگل در اثر آتش سوزی از بین رفته است (UNDP : 4) در این سال آتش سوزی جنگل های اندونزی به حدی بود که دود برخاسته از آن چندین کشور را دچار آلودگی های شدید کرد. و بیش از ۱/۷ میلیون هکتار جنگل در این کشور از بین رفت (Ibid : 78)

در حال حاضر کمتر از ۱٪ از ۶۰ میلیون مترمکعب الوار مناطق استوایی براساس مناسبات زیست محیطی و توسعه پایدار استحصال می شود از سال ۱۹۵۰ به بعد جهان در حدود ۱/۵ خاک زراعی، ۱/۵ جنگل های استوایی و از گیاهان و جانوران متنوع دهها هزار نوع را از دست داده است (فطرس، ۱۳۷۴ : ۸)

۱/۶ از زمین های دنیا که حدود برابر ۲ میلیون هکتار است بر اثر چرای بیش از حد و زراعت نامناسب ضایع شده است، (UNDP : 4)

خلاصه آنکه زندگی بشر تا بدان حد وابسته به جنگل و درخت است که جان زایتس ضمن روایتی حتی زوال اسرارآمیز شماری از تمدن های بزرگ در گذشته مانند تمدن فمرها در جنوب شرقی و تمدن مایا در آمریکای مرکزی را به دلیل کشت و زرع بیش از اندازه در روی زمین های سست می داند. وی می افزاید «علت فروپاشی تمدن در ایسترلند جایی که ۶۰۰ سرسنگی عظیم از تمدن قدیم در آنجا به جامانده بود، نابودی کامل جنگل ها بود زیرا آنرا با کمبود خاک حاصلخیز و سوخت مواجه کرد» (زایتس، ۱۳۸۰ : ۱۸۲)



## ۳/۲/۶- فرسایش خاک (۱)

جنگل را رهاکن و خاک را بگذار تا با همه گلوش سبر بخواند

(احمد شاملو)

سالیان درازی طول می کشد تا به اثر عوامل طبیعی خاک حاصل گردد. و صدها سال طول می کشد تا گیاه خاک که منبع عظیم مواد غذایی برای گیاهان است تشکیل شود با این حال جمعیت سریع الرشد بشر روز به روز فشار بیشتری بر بخش کشاورزی وارد می آورد که این روند در نهایت به تقاضای فزاینده برای زمین کشاورزی و نابودی زیستگاهها و فرسایش خاک می انجامد. هم اکنون سالانه هزاران میلیارد تن خاک در سطح جهان فرسایش می شود و به دریاها و مناطق پست سرازیر می شود بطوریکه وسعتی از جهان با مساحتی بیش از مجموع ایالات متحده و کشور وسیع بلژیک، به لحاظ فرسایش شد بر خاک به عنوان مناط نابود شده طبقه بندی می شود. این فرسایش بدلیل مصارف زراعی و یا انباشت نمک در نتیجه اعمال مدیریت ضعیف و غیرعلمی در آبیاری به وقوع پیوسته است، لذا عامل انسانی بدترین و شدیدترین نوع فرسایش را موجب شده است.

## ۳/۲/۷- نابودی ذخایر شیلات

تقریباً ۱۳٪ از ذخایر ماهیان جهان هم اکنون به عنوان «تهی شده» درجه بندی می شود. تأمین غذای مورد مصرف جمعیت افسارگسیخته بشر و مصرف بی رویه آن باعث فشار آمدن شدیدی به ذخایر شیلات جهان شده به طوری که اینک برخی از گونه ها به لحاظ تجاری نابود شده، پاره ای دیگر نیز به لحاظ نژادی منقرض شده اند.

حدوداً ۳۴٪ از سواحل جهان به طور شدید و ۱۷٪ با خطر کمتری در معرض نابودی قرار دارند و تقریباً ۲۵٪ از ذخایر ماهی ها بر مبنای آمارهای موجود یا به اتمام رسیده اند و یا بطور

جدی در معرض این خطر قرار دارند. ۴۴٪ دیگر از این نزدیک عبور از حد بیولوژیک<sup>(۱)</sup> قرار دارند. (نصیری، ۱۳۷۹: ۹۰)

در چهار دهه گذشته صید دریایی از ۱۹ میلیون تن در سال ۱۹۵۰ به ۹۱ میلیون تن (چهار برابر) رسیده است این روند در صورت تداوم بحرانی را به وجود خواهد آورد. (همان)

صد میلیون تن از فقیرترین مردم جهان برای تمام یا حداقل بخشی از زندگی خود وابسته به ماهیگیری هستند. (همان)

پرواضح است که جهت حفظ تنوع گونه‌های دریایی محدود کردن ساخت و استفاده از مواد در شیمیایی با میزان پایداری بالا، جلوگیری از صید بی‌رویه، و تخریب دریاها و اقیانوس‌ها به وسیله مواد آلوده کننده نیاز مبرم و فوری است.

\* \* \*

و اینک:

با همین دیدگان اشک آلود

از همین روزن گشوده به دود

به پرستو، به گل، به سبزه، درود

«فریدون مشیری»

غرض از طرح فقرات فوق ارائه مشتی آمار و ارقام صرف و بریده از تحلیل نمی‌باشند این اطلاعات خام که در واقع بصورت خام هم به روشنی گویای همه چیز است خود ماده خام مبحث و مناظره ما خواهد بود و لذا در طول این نوشته پایه و منظور نظر ما می‌باشد.

همچنین غرض از یاد گذشته و فریاد آینده در این مقال «هر چند به لحاظ عینی و آفاقی<sup>(۲)</sup>

چنانکه واقعیت‌ها نشان می‌داد ارائه افقی تیره و تار بود لیکن به لحاظ انفسی<sup>(۱)</sup> هرگز هدف ما تبلیغ نومیدی نیست چه معتقدیم همیشه راهی برای بهتر شدن وجود دارد. نیز ممکن است ما در انتخاب داده‌های مربوطه تنها به گردآوری داده‌هایی پرداخته باشیم که به کار بحث و استدلال ما بیاید. چنین چیزی غیرممکن نیست زیرا هر محقق برای پیش بردن بحث خود و به اقتضای شأن مطلب دست به چنین کاری بطور طبیعی و حتی ناخودآگاه خواهد زد. چنین کاری را نوآم چامسکی<sup>(۲)</sup> مطلوب‌سازی داده‌ها<sup>(۳)</sup> نام می‌نهد. (باطنی، ۱۳۷۶: ۳) اما باز چنانکه در سطحی بالاتر همچون ریمون آرون معتقدیم وظیفه و موضوع علم سیاست برخلاف دیگر شاخه‌های علوم تألیف و سازگاری میان موضوعات متضاد است. (دورژه، ۱۳۷۲: ۱۵) سیاست (مدیریت کلان) چه در شاخه نظری آن و خواه بصورت حکمت عملی وظیفه دارد میان شوون و شقوق مباحثه در گرفته میان شاخه‌های گوناگون علم که بعضاً چه به لحاظ روش و چه از نظر غایت<sup>(۴)</sup> در تضاد همنند سازگاری<sup>(۵)</sup> و اولویت‌بندی کند و هر یک را در جایگاه و مرتبت خویش بنشانند و قدر بنشانند. انتظار رهبری عملکرد<sup>(۶)</sup> و چنین کارکرد خطیری از علم سیاست به یک معنا تفسیر سخن پدر علم سیاست ارسطوست که آنرا «اشرف علوم»<sup>(۷)</sup> می‌دانست.

## تراژدی زیست محیطی

جای گرفته در برزخ که نه اینست و نه آن  
باشنده‌ای با خرد مرموز و عظمتی نامنتظر  
با دانشی بسیار برای شک و ناباوری

### 1- Subuective

- معادل دو واژه فوق را از استاد مصطفی ملکیان وام گرفته‌ام. (ملکیان، مصطفی سیری در سپهرجان، مقالات و مقولاتی

و معنویت. تهران، نگاه معاصر ۲۲)

### 2- N. Chamski

### 3- Idiealization of the Data

### 4- Telos

### 5- Consistency

### 6- Porformance Leadership

### 7- The Master of Sciences

اما ناتوان برای درک غرور ناشی از استغنا  
 در تردید است که دست بکار شود یا دست نگه دارد  
 در تردید میان اینکه خود را خدا بپندارد یا حیوان  
 در تردید آنکه جسمش بهتر است یا ذهنش  
 به دنیا می آید اما می میرد می اندیشد اما خطا می کند

«الکساندر پاپ»

با تأمل در وضعیتی که انسان و کیهان در آن گرفتار آمده چه می توان گفت؟ و آنگاه چه می توان کرد؟ چگونه و از کجا باید دردشناسی و آسیب شناسی کرد تا سپس به درمانگری پرداخت؟

زمانی انگلس دستیار مارکس «منچستر را شهر «خون و دود» می دانست و زمانی جولیس نایرره اندیشمند و سیاستمدار آفریقایی گفته بود «گاو مقدار محدودی شیر دارد، اگر دوشیدن را تا رسیدن به خون ادامه دهید حتماً گرفتار خواهید شد». آیا اینک جهان در فقدان صلح پایدار و توسعه پایدار دهکده خون و دود نشده است؟

نظام صنعتی جدید با همه پیچیدگی ها و ظرافت های معنویتش درست آن بنیادی را مصرف کند که بر آن استوار گردیده است یعنی خود را بر سرمایه جانشین ناپذیر حیات استوار ساخته است که خرسندانه آن را درآمدی انگارد اهم این سرمایه ها عبارتند از:

الف) سوخت های سنگواره ای (ب) حد و تحمل طبیعت (پ) جوهر و وجود آدمی  
 (شوماخر، ۱۳۸۱: ۱۵)

در طول تاریخ دراز و پر رمز و راز خلقت این همه آسیب به طبیعت ارمغان علمی و صنعتی بشر از قرن هجدهم یعنی دویست سال اخیر است از آن زمان بود که برای انسان جدید طبیعت به صورت امری تقدس زدایی شده<sup>(۱)</sup> درآمد. در واقع نزد انسان متجدد طبیعت به عوض اینکه مثل همسری باشد که از آن لذت ببرد متأسفانه به شکل فاحشه ای درآمد است که فقط از وی تمتع و

تلذذ جنسی می کنند اما نسبت به او هیچ وظیفه و مسئولیتی احساس نمی کنند. اما باز مشکل در این است که شرایط این طبیعت فاحشه گون، کم کم به صورتی درمی آید که دیگر هیچ بهره برداری و تلذذی از آن مقدور نیست و در حقیقت به همین علت است که خیلی ها شروع به ابزار نگرانی در مورد آن کرده اند (نصر، ۱۳۷۹ : ۹)

رابطه محیط زیست و توسعه رابطه مطلوبی نبوده است و میان این دو شعبه از وجود و ضرورت تاکنون دشمنی برقرار بوده است حال آنکه ما همسفریم. مسافران یک سفینه فضایی کوچک سفینه ای که به منابع آسیب پذیر هوا و خاک خود وابسته است. همه سلامتی و راحتی ما در گروه امنیت و آرامش در این سفینه است تنها با مراقبت تلاش و کوشش می خواهیم بگویم عشق است که می توانیم این مرکب (زمین) را از نابودی حفظ کنیم.

ای کاش مطابق آنچه در تاریخ ادیان آسمانی آمده است نوحی ناجی می شد و در کشتی غول پیکر خود از تمام موجودات جفتی برمی گزید و کلکسیونی برای بقای حیات تشکیل می داد. تا از این سیلاب فتنای تخریب زیست کره ما را خلاص و رها می کرد تا حیات باقی بماند آیا دجال آخرالزمان این همه بلا بر سر زمین آورده است؟

در دوره مدرن طبیعت و محیط زیست رو به نابودی و وخامت نهاد انسان نوین خویش را همچون بخشی از طبیعت تجربه نمی کند، و خود را برآمده از خاکدان و زهدان دایه مهربان خود زمین نمی داند بلکه خود را به عنوان یک نیروی خارجی تلقی می کند که رسالت چیرگی و غلبه بر طبیعت را عهده دار است. وی حتی سخن از پیکار با طبیعت می گوید و فراموش می کند در صورت پیروزی در این نبرد خود را در جناح بازنده خواهد یافت.

انقلاب علمی حاصل از رنسانس علمی را خلق کرد که به قول فراسیس بیکن<sup>(۱)</sup> (یکی از برجسته ترین حامیان آن) نقش آن این بود که بر طبیعت سلطه قهریه پیدا کند و بر آن حاکم شود. و آن را مجبور سازد تا برای فراهم آوردن قدرت و ثروت مادی بشر خود را فدا کند. (همان، ۱۲)

علم باوری<sup>(۱)</sup> جدید انسان به ویژه مولد را سیونالیسم و اومانیزم می‌باشد. علم جدید با روش پژوهش مشاهده شواهد<sup>(۲)</sup> آزمون و نتیجه‌گیری دارای خصلت کمیت‌گرایانه است و بنحوی آرمانی در صدد است همه کیفیات به کمیات تقلیل یابند، و غایت و هدف اصلی و عملی آن نیز استخدام و تسلط بر عالم خارج و طبیعت است (زرشناس، ۱۳۷۹: ۲۷۰) قدرت تکنولوژیک که نتیجه ملموس علم‌گرایی بود، موجب شد بال‌های پرواز بشر غول‌آسا و سنگین گردد و باعث سقوط و هبوط در دام خود انداخته گردد. چرا که طبیعت اگر هم غیریت و دشمن باشد در صورت نابودی آن هویت و موجودیت انسان نیز نابود می‌گردد.

البته علم فی‌نفسه امری مشروع است و در حالت متعادل می‌تواند بسیاری از مشکلات بشر را برای زندگی بهتر حل نماید. اما چنانکه دکتر سید حسین نصر قایل است نقش عملکرد و شیوه انطباق و کاربرد آن به خاطر فقدان صورت بالاتری از معرفت که بتوان علم را درون آن جای داد و نیز تخریب ارزش قدسی و معنوی طبیعت در فراتر از برد و شأن خود که جایز روا و پذیرفته است، به صورت امری نامشروع و حتی بخاطر تبعات زیست محیطی آن خطرناک شده است. (نصر، ۱۳۷۹: ۳) اگر یکی از ایرادات اصلی ما بر توسعه کلاسیک عدم سازگاری توسعه رشدگرا با سایر واقعیت‌ها و وساحت‌ها بود. اکنون نیز به شیوه اولی‌تر و انتزاعی‌تر می‌توان استدلال نمود که میان علم و دیگر شاخه‌های دانش و معرفت عدم سازگاری امتناع‌گفتگو و فقدان یک زمینه مشترک خصوصاً با فلسفه و کلام<sup>(۳)</sup> برقرار است. در گذشته تک ایراداتی که به علم زندگی می‌شد به دلیل سلطه گفتمان علم‌گروی شنیده نمی‌شد. اما اینک خوشبختانه یا بدبختانه صدای محیط‌زیست‌گرایان شنیده می‌شود. می‌گوییم بدبختانه زیرا با یک نگاه سطحی و فوری<sup>(۴)</sup> به تبعات و مضرات تکنولوژی خوب می‌توان حکم نمود و احساس کرد که به آخرالزمان رسیده‌ایم. شاید برای حفظ زمین راهی جز پیوند با آسمان و دست به آسمان بالا بردن نداشته باشیم نصر با طرح پرسش فوق در کتاب «انسان و طبیعت» خود بلافاصله پاسخ می‌دهد. آموزه

1- Scientism

2- Facts

3- Theology

4- An Immediate Glance

متافیزیکی یا آن شناخت و معرفتی که تنها آن می تواند محل ملاقات علم و دین باشد به دست فراموشی سپرده شده است. در نتیجه مراتب و مدارج دانش به صورت مجموعه درهم و برهمی درآمده که قطعات آن دیگر از وحدت ارگانیک برخوردار نیستند. (نصر، ۱۳۷۹: ۳۶ و ۳۷)

آنگاه که انسان به حجم وسیع تخریب و قتل عام حرث و نسلی که انسان مدرن به ارمغان آورده بنگرد، نمی تواند با افراطیون بنیادگرا که اومانیسیم را تحقق خواستن تمامی هوی و هوس های انسان بریده از عقل (عقل کلی) و دین می دانند همداستان نشود. انسان در گذشته اگر غار خود را پر از دود می کرد، می توانست به غار دیگری پناه ببرد، اما متأسفانه امروزه تمام کره زمین و فضا و شعاع آن در معرض آلودگی و نابسامانی جدی قرار گرفته است.

انسان بهره مند از علم امروز بی بهره از خرد است شاید عقل جزوی یا تاکتیکی یا به تعبیری عقل ابزاری داشته باشد اما از عقل کلی و راهبردی که مجموعه مصالح را بصورت یکپارچه در نظر آورد و آخوری و آخرینی را توأمان داشته باشد کم بهره است.

(در نظر بیاوریم که ریشه Rationalism خردگرایی از Ratio بمعنای خرد و جز در یونانی

است).

دستیابی به پیچیده ترین علوم هرگز نتوانسته به نایل شدن به «خرد» بینجامد و علم گرچه شرط لازم سعادت است. اما شرط کافی خرد است که اکنون فراهم نیست. علم ابزاری برای دستیابی به اهداف مادی است که خرد کنترل کننده و هدایت گر این ابزار است و باز طرفه و نکته این که دانشگاهها و مدارس امروزی علم می آموزند و از آموزش حکمت و خرد خبری نیست. شاید تشنگی و لاغری کویر جان های ابناء بشر امروزی بخاطر همین فقدان حکمت و خرد است. نتیجه گذشته از تبعات حاصله مشتی «عالمان بی خرد» جهانی است پر از تکنیک که البته به

بی راهه می رود (گریفین، ۱۳۷۵: ۲۷۳، ۲۷۴)

بنابر مطالعات علمی صورت گرفته میزان تخریب آب، خاک، جنگل ها، هوا، دریاها و جز آن جهان را در آستانه نابودی قرار داده است بحران زیست محیطی به صورتی بی سابقه بدون تردید اضمحلال کل فضای زیستی کره زمین را بدنبال دارد. این در حالیست که بشر جدید با تمام

جدیت بدنبال نشانه های حیات در کره مریخ و اثبات این مسئله است که آیا در کرات دیگر آثاری از حیات وجود دارد یا حیات فقط در قلمرو زمین وجود دارد، آیا گوهر آدمی بار دیگر آنچه را خود دارد در کمال نسیان و فراموشی از بیگانه طلب می کند.

واقعیت این است که ما جزئی از طبیعت و حیات هستیم و بقای ما با طبیعت و تنوع زیستی آن گره خورده است. نابود کردن طبیعت و زیست محیط حرکتی جنون آمیز است و هیچگاه تسلط بر آن و مهار طبیعت نخواهد بود. استفاده نامناسب امروز تکنولوژی حکم تیغ دادن در کف زندگی مست پیدا کرده است حال آنکه انسان می توانست در تداوم گذشته خود با فرمانبرداری از طبیعت چنانکه فرانسیس بیکن بدین نکته تظن داشته بر آن فرمانروایی کند و سلطه و تمتع واقعی و مانا (پایدار) داشته باشد.

کوفی عنان در مقدمه پیام خود به «اجلاس زمین» در ژوهانسبورگ چنین آورده است آینده ای را تصور کنید از توفان ها و سیلاب های بی امان، از به زیر آب رفتن جزایر و مناطق ساحلی پر جمعیت بر اثر افزایش سطح دریا، از بایر شدن خاک های حاصلخیز و زاینده بر اثر خشکسالی و پیشروی بیابان، از مهاجرت انبوه پناهجویان زیست محیطی و از مناقشه های مسلحانه بر سر آب و سایر منابع ارزشمند طبیعی.

آنگاه باز بیاندیشید چرا که شاید انسان تصویری امید بخش تر را آسان تر مجسم نماید. فن آوری های پاک و سبز، شهرهای مناسب زندگی منازل وفور حمل و نقل آسان و صنایع بی زیان بهینه سازی سوخت و ارتقای معیارهای زیستی همه مردم دنیا و نه فقط اقلیت نیکبخت.

انتخاب بین این دو تصویر ضد هم بر عهده و در اختیار ماست ... (همشهری، ۱۳۸۱: ۱۶)  
تو هم قدرت نامحدود که از دستاوردهای حیرت آور علمی و تکنولوژیکی مایه می گیرد این توهم است که دیگر زمانه وفور است<sup>(۱)</sup> و مسئله تغذیه و تولید حل شده است اما چنانکه نشان دادیم فقر و فلاکت کنونی بشر بی سابقه و فزاینده بوده است.

۱- از جمله قائلین جامعه وفور با شگفتی تمام موریس دورژه است که در کتاب کلاسیک آموزشی خود به نام

جامعه شناسی سیاسی به این نظر اشاره دارد.



همه اقتصاددانان و بازرگانان در تمام محاسبات خود سخت رعایت منطق و حساب سود و زیان در سرمایه و سود خود را دارند، اما سرمایه عظیم تر و جانشین ناپذیرتر طبیعت را به عنوان بستر و زیرساخت این سود و زیان های سطحی هیچکس در محاسبات نمی آورد. چنانکه گفتیم مهمترین و آشکارترین نوع ثروت و سرمایه طبیعی سوخت های فسیلی تجدیدناپذیر است و هیچکس منکر نیست که ما به آنها همچون اقلام و موضوع درآمد رفتار می کنیم اگر پذیرفته بودیم آنها کالاهای سرمایه ای اند صندوق مخصوصی تأسیس می کردیم تا انحصاراً در راه تکامل روش های تولید و الگوهای زندگی به کار رود روش ها و الگوهایی که بر سوخت های فسیلی به هیچ وجه متکی نباشد و یا در حد بسیار ناچیز وابسته باشد. انسان هیچگاه نمی تواند با (دست خالی و زمین سوخته و برهنه) سوخت های فسیلی بسازد همینکه از بین رفتند برای همیشه از بین رفته اند.



اکنون با تبیینی که برای طبیعت و رفتار انسان با او کردیم و با در نظر گرفتن اوضاع حاکم بر جهان توسعه بحران وام ها، فقر فزاینده، بحران مصرف انبوه، هر انسان مسئول و حساسی از خود می پرسد چه باید کرد؟ با این وضعیت انسان مدرن که هرگز گشایش صدها گره پیش روی انسان گذاشته است چگونه می توان پاسخ گفت؟ مستقیم بگوییم آیا معماران جهان مدرن و نظریه پردازان توسعه خشت اول نظامات و مناسبات و الگوی رفتار ما با طبیعت را از اساس کج نهاده اند، به گونه ای که بنای رفیع آن هر چه رفیع تر گردد. با نمونه عینی کشور آمریکا - ویرانگری و مصرف آن بیشتر خواهد شد؟ آیا این همه خروار شواهد که توسعه در غایت منطقی خود گره گشا و راهگشا نیست (زیرا حتی با منطق اعلامی نسخه پیچان آن رفاه اکثریت، همچنین توسعه تمام جهان و کشورها، محال است) آیا امکان بازگشت به جامعه سنتی است؟ یعنی بگوییم عطای توسعه را به لقای آن بخشیدیم و به پاک کردن این نسخه و صورت مسئله پردازیم. با آنکه توسعه با

تمام سیئات آن حسناتی هم داشته است یا آنکه همچون هایدگر فیلسوف آلمانی ضمن رد آن بدلیل وفور شرور و بدی های آن، رفتن بدان سورا در «تقدیر تاریخی» خود بدانیم. اکنون که با این شواهد افسون و جادوی مشتتهای توسعه باز و برملا شده است، چه می توان کرد.

ما از حقیقت و نعمت خداداده طبیعت بیگانه ایم، حتی مارکس در نظریه معروف خود «نظریه ارزش کار»<sup>(۱)</sup> به این خطای به شدت سیاسی بودن و بریده بودن از طبیعت گرفتار شد. چرا که طبیعت را که ظرف تحقق سیاست است از نظر دور داشت. طبیعت واقعاً بی دفاع و بی کس است و ما با سرعتی هراس آور به مصرف نوعی سرمایه جانشین ناپذیر با نگاه در آمدی و ابزار انگارانه مشغولیم. (شوماخر، ۱۳۶۰: ۱۵)

الگوهای غلط توسعه علی رغم وعده های بسیار پس از هزینه های فراوان ناکام و عقیم مانده اند، آیا باید منتظر ظهور مسیحای تازه ای از آسمان برای زمین بود؟

اگر بخواهیم احساس یک انسان سلیم را از پژمردگی گل ها، مرگ ماهیان، نابودی جنگل ها خشکیدن جویبار و پیشروی بیابان بیان کنیم شاید بهترین زبان، زبان گویا و دردمندانه شاعری باشد که هنوز با طبیعت آمیزش و سروسری دارد. زبان خشن فنی و تکنولوژیک توان همدلی<sup>(۲)</sup> با طبیعت را بدلیل ماهیت و هدف آن ندارد. شاید تنها این زبان می تواند ترجمان دردها و فجایع حاصل از نگاه به نابودی طبیعت باشد.

از اینرو بود که من فرازهایی از شاعران را نه بخاطر تزیین و زیور صفحات بلکه بخاطر نصب العین بودن بر تارک فقرات سخن خود قرار داده ام.

ناله های نوستالژیک مندرج در فقرات فوق بیشتر ناشی از احساسات تراژیک منفعلانه<sup>(۳)</sup> است و طبیعی است که انسان امید مند به بهبود وضعیت بلافاصله از خود بپرسد فعالیت<sup>(۴)</sup> انسان در سیاست گذار بهای خود - که غایت سیاست به مفهوم حکمت عملی آن بوده است - چه بوده و چه می تواند باشد. و بالاخره اینکه چه باید کرد؟

1- Value Theory of Labour

2- Sympathy

3- Passiveness

4- Activeness

به نظر می‌رسد نظریه پردازان و پیشنهاد دهندگان پارادایم «توسعه پایدار» با طرح این مفهوم در پی پاسخ به این پرسش اساسی باشند.

و اساساً سطح انتقاد ما به توسعه تا چه اندازه است؟

مسلم است که پیشه‌ها در خدمت اندیشه‌هاست و تئوری‌ها همچون چراغ و نورافکنی هستند که پیش روی انسان را برای عمل روشن می‌کنند. از اینرو لازم است ابتدا در این باره به غایت بیاندیشیم. مثلاً آیا به لحاظ نظری به تمام تجدد نقد سراسری داشته (مثل فوکو و دیگران) یا اینکه مدرنیته را دارای ظرفیتی بدانیم که هنوز امکان خودترمیمی و دستیابی به کمال مطلوب دارد (مثل هابرماس و سایرین)

در سطح عملی، پرداختن و پاسخ به پرسش‌های فوق لاجرم پنجره‌ای مشتعل بر «توسعه پایدار» پیش رویمان می‌گشاید که مفهوم پردازان آن با وسعت بارمعنایی که در آن مندرج است مدعی پاسخ به این پرسش‌ها به همراه حل معضلات و تناقضات رویکرد قدیمی‌تر توسعه می‌باشند.

### الف) روند شکل‌گیری مفهوم توسعه پایدار

تقریباً از آغاز دهه ۱۹۷۰، مفروضات و مدعیات پارادایم توسعه کلاسیک مورد تردید جدی قرار گرفتند، فجایع زیست محیطی، فقر فزاینده، قربانی شدن جوهر آدمیان، تبعیض و ستم با زنان و اخلاق حاکم بر الگوهای پیشین توسعه مسائلی بودند که در آغاز مورد توجه آگاهان و متخصصان امر قرار گرفت آنگاه به مدد رسانه‌های جمعی بزودی مورد توجه همگان قرار گرفت. با پرتوافکنی‌هایی که بر تلقی‌های ایدئولوژیک و اقتدارگرایانه صورت گرفت بزودی افسانه امیدهای واهی که توسعه به مردمان نوید می‌داد برملا گشت و در سال‌های دهه ۱۹۸۰ پارادایم‌های توسعه از تسلط گفتمانی فر و غلتیدند و عملاً به بن‌بست رسیدند. برخی از پژوهشگران این روند را نشان «ظهور دوران جدید» دانستند دورانی که از تحلیل‌های یک سویه و تک عاملی تعمیم‌های بی‌مورد و فرضیه‌های انتزاعی فارغ از زمان و مکان و واقعیت‌های ملموس

خبری نیست و فرهنگ، اقتصاد، سیاست، اجتماع، طبیعت و جز آن باید بطور یکپارچه و بسان اجزاء یک اندام در کنار هم قرار گیرند. (رحمانی، ۱۳۷۲: ۱۷)

حتی آنچه ذیل عنوان توسعه یافتگی و توسعه انجام گرفته بود با عنوان بد توسعه یافتگی<sup>(۱)</sup> مورد اشاره قرار گرفت. اندیشه های شالوده شکن، به ویژه در عرصه و حلقه محافل آکادمیک قالب های تنگ را به باد رد و انتقاد گرفتند. تحرک فکری جدید چشم انداز تازه ای به جهان گشود و آمال و اهداف نوینی پیرامون تداوم حیات بشر و بقای کره خاکی را نه فقط طرح کرد بلکه به کمک و پشتوانه جنبش های گسترده اجتماعی آنرا فریاد هم کرد. این پشتیبانی های اجتماعی خاصه از دل و کانون اروپا بروز و ظهور یافت از اینرو تعیین کننده بود.

به لحاظ سیاسی حقیقتاً قدرت تخریبی سلاح ها در اردوگاه های شرق و غرب و اصولاً زرادخانه های سلاح های پیچیده بودجه های عظیمی عدم استقرار صلح پایدار، جهان را با خطر مواجه کرده بوده و آینده ای مبهم و آکنده از تهدید کره خاکی را دربر گرفته بود، این مسئله در اشکال مختلف هنر و ادبیات بروز ویژه ای داشت. (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۱۰)

دفاع از حقوق بشر نیز از مسائل مورد توجه جدی جهانیان در این سالها بود، که طبعاً تأکید بر آن در تضاد قربانی های ذاتی و جانبی اجرای پروژه توسعه قرار گرفت. مناظره عظیمی<sup>(۲)</sup> چه در حوزه عمومی و چه در محافل تخصصی بر سر ابزارها، اهداف غایات و مجریان طرح توسعه و مقصد کاروان عظیم بشری صورت گرفته بود که از اهم این مسائل در سال های پایانی قرن بیستم مشخصاً مسئله حفاظت از محیط زیست بود که در اندیشه و کردار آثار عمیق و وسیعی را در عرصه جهانی بدنبال داشت و محیط زیست گرایی<sup>(۳)</sup> بدلیل اندراج علایق جهانی به نهضتی فراملیتی و جهانی تبدیل شد از آنجا که محافل روشنفکری و کانون های پژوهشی به ویژه دانشگاهی گروه های مرجع روزگار ما هستند طبعاً به عنوان یک قاعده می بایست خطر زیست بوم ابتدا در این محافل مدتی در انتظار می ماند آنگاه به بدنه اجتماعات سرایت می کرد اما انصافاً باید

1- Maldevelopment

2- The Great Debate

3- Environmentalism

گفت که زمان انتقال آگاهی و احساس خطر از گروههای متخصص به عامه توده‌ها در کمترین زمان صورت گرفت و دلیل آنهم ساده است زیرا اینجا خطر متوجه نیازهای مشترک بشر رشد بود، به تعبیر اگزستانسیالیست‌ها بشر اینجا درگیری وجودی منتهی از نوع ذهنی و روانی<sup>(۱)</sup> بلکه از حیث فیزیولوژیک وجود خود را در خطر می‌دید.

به لحاظ تبارشناسی محیط زیست‌گرایی اگر چه در آغاز مولود بیم انسان اروپایی بود ولی به دلیل ماهیت، یکپارچگی، جهانگیر بودن، با درآمیختن با ضرورت‌های اساسی دیگر به خصوص توسعه در ظرفیت‌های بسیار گسترده جهانی مطرح شد.

توسعه پایدار فی الواقع مولود مسعور نقد همه جانبه توسعه است این نقدها از جنبه‌ها و طرف‌های گوناگون صورت گرفته است. اما آنچه همه طرف‌های منتقد در مورد توسعه پیش فرض تلقی می‌کردند نخست عبارتست از این فرض که توسعه چیزی شبیه آنچه در کشورهای توسعه یافته وجود دارد می‌باشد، کشورهای توسعه یافته در جغرافیای ذهن و عین جایی بین ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن قرار دارند، این کشورها کامل نیستند، اما هیچ کس نمی‌تواند مشخصات آنها را خصوصاً از لحاظ اقتصادی مثل صنعتی بودن استفاده از فن‌آوری با بهره‌وری بالا و مدرن، سطح بالای اشتغال و کارآفرینی با کارگرانی که روزانه هشت ساعت کار می‌کنند، میانگین بالای معیارهای زندگی، کارآیی و کارآمدی، وقت‌شناسی، طول عمر، ریشه کن کردن مرگ‌های ناشی از امراض مسری، مورد چون و چرا قرار دهد، (Robborts and Hite, 2000, 328,329)

فرض دوم: اینکه ارتباط نزدیک و ضروری میان رشد اقتصادی به ویژه افزایش تولید و بهره‌وری و رفع نیازهای اساسی آدمی یا رفاه و خوشی انسان برقرار است. و این باور که رشد اقتصادی و تولید بالا خودبه خود خصلت برابری بخش دارد و نیازی هم به باز توزیع نیست زیرا وفور نعمت موجب سرریز کردن<sup>(۲)</sup> نعمت از اغنیا به فقرا می‌شود پس توسعه امر مطلوبی است.

1- Mentally

2- Trickle Down

فرض سوم: این فرض که محدوده جغرافیایی و بستر اجرای طرح توسعه کشورها یا ملت‌ها هستند، به همین دلیل است که آنچه در بالا به عنوان خصوصیات و علائم توسعه یافتگی ذکر کردیم اغلب مؤلفه و متشکله ساختار اقتصادی ملی هر کشوری خواهند بود و رفاه آدمی خرده محصولی از توسعه ملی است.

۳- فرض چهارم: که از مسلمات پروژه توسعه فرض می‌شد این بود که موانع عالم‌گیر شدن توسعه موانع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی (داخلی یا بین‌المللی) هستند نه «طبیعی» هیچکدام از طرف‌های درگیر در این مناظره بزرگ اشاره نمی‌کردند که رسیدن به سطح توسعه اروپا، ژاپن و ایالات متحده به لحاظ مواد خام طبیعی برای همه عالم امکان‌پذیر نیست در آن هنگام اگر کسی هم نظری داشت در مورد ارتباط میان توسعه و رفاه بود نه در زمینه توسعه با محیط زیست و مصالح مادی و فیزیکی (Ibid : 330).

### تردید جدی درباره غایات توسعه

در چنین خلأ و فضایی بود که محیط زیست‌گرایی بروز کرد بزودی همگان دریافتند که اگر قرار است توسعه با تبعات جبران‌ناپذیر خود به فضای حیات، شاخ‌بن را ببرد باید غایت آن را مورد تردید جوی قرارداد، برخلاف اقتصاددان‌ها که اغلب روی ابزارهای توسعه تفکر می‌کنند. مردم آگاه شدند که توسعه بدین شکل و با آن غایت زیرپای خود را خالی می‌کند و دیری نخواهد پایید. همه این مضرات نیز به خود انسان برمی‌گردد، لذا انسان مرکز توجه قرار گرفت. مسیر و هدف ماشین توسعه فارغ از نحوه ساخت و راننده آن نباید ما را به ناکجا آباد و «خراب آباد»<sup>(۱)</sup> هدایت کند. فروض چهارگانه فوق هم از طرف اقتصاددانان و نظریه پردازان توسعه و هم از سوی

### (ادامه پاورقی از صفحه قبل)

\* جوزف نای در تئوری خود برای این معنا اصطلاح Spill over «سرریز کردن» را بکار می‌برد.

۱- جالب است که جان میلتون شاعر انگلیسی قرن نوزدهم در اثر خود به همین نام (Wasteland) خبر از حرکت انسان به سوی این مقصد داده بود و باز جالب آنکه امروزه در انگلیسی برای زمین‌های تباه شده در اثر ضایعات صنعتی همین صفت بکار می‌رود.

زیست‌شناسان و متخصصان و محیط زیست مورد طعن و رد جدی قرار گرفت.

### وجوه مشترک نقدهای توسعه

بطور کلی توسعه واقعاً موجود و برگزار شده از دو دیدگاه مورد انتقاد قرار گرفته است:

(۱) نقد توسعه از حیث مسئله رفاه<sup>(۱)</sup>

(۲) نقد توسعه از منظر مسائل زیست محیطی<sup>(۲)</sup> (Sutcliffe, 2000 : 330)

این دو دیدگاه در پاره‌ای از استنادات و انتقادات خود اشتراکاتی دارند که می‌توان آنرا به

شرح ذیل خلاصه نمود:

۱- هر دو، به شیوه‌های مختلف، فرآیند توسعه واقعاً موجود را متناقض گونه یا متنافی‌الاجزاء می‌دانند، رفاه‌گرایان وجود رابطه مثبت میان توسعه و رفاه را زیر سؤال رادیکال می‌برند و حتی معتقدند توسعه واقعاً موجود تبعات منفی برای رفاه آدمی دارد پس مطلوب نمی‌باشد.

محیط زیست‌گرایان حتی شدیدتر تمام پروژه توسعه را دارای ناسازگاری و تناقض می‌بینند با این توضیح که توسعه محتملاً با این روند مصرف و مضرات خود بنیاد و زیراب خویش را خواهد زد. بدینسان پدیده‌ای که تعمیم جهانی آن بطور بدیهی ممکن و مطلوب تلقی می‌شد بدلیل اینکه چیزهای خوبی دارد اما بدی‌های آن بیشتر است و در نهایت راه را بر آن خوبی‌ها نیز می‌بندد نه ممکن است و نه مطلوب. (Ibid : 331)

۲- انتقاد دوم این دو نحله که در واقع زاینده انتقاد اول است اینست که هر دو رایج‌ترین

متغیرهای توسعه مخصوصاً تولید ناخالص ملی (GNP) یا درآمد ملی را رد می‌نمایند.

چنانکه قبلاً هم گفتیم معیار GNP برای نشان دادن سطح رفاه و توسعه مورد انتقادهای

بسیاری قرار گرفته است با این حال همچنان خصوصاً در آمارهای اقتصادی مورد استفاده قرار

می‌گیرد. (میکسل، ۱۳۷۶: ۳۷)

اصحاب نظریه رفاه در نقد GNP به دو مورد اشاره می کنند نخست اذعان می دارند که ارزش معادل یک دلار بهای محصول از تسلیحات یا هزینه آگهی های کاذب در یک طرف برابر ارزش یک دلار محصول دارو یا یک اثر ادبی در طرف دیگر می باشد. این بدین معنی است با این معیار فعالیت هایی که واقعاً در جهت رفاه آدمیان است، نمره ارزش نسبتاً کمی می گیرند، دوم اینکه می گویند ارزش یک دلار درآمد یک میلیونر در بازار بورس با یک دلار درآمد یک فقیر مطابق این معیار برابر است حال اینکه در واقعیت یک دلار اخیر با ارزش تر است.

اصحاب انتقاد به توسعه از منظر زیست محیطی نیز دو انتقاد عمده بر محاسبه درآمد یا تولید ملی بدین شیوه دارند، اولی به آلودگی و اثرات آن اشاره دارد یعنی در جدول محاسبات درآمد ملی هیچ اشاره ای به «برونداهای منفی» آلودگی نمی شود. مطابق این الگو اگر اقدامی و هزینه ای برای رفع آثار بد آلودگی (مثلاً هزینه برای پاک کردن آب یک رودخانه که در اثر ضایعات صنعتی آلوده شده است) شود. این قبیل هزینه ها در جدول محاسبات درآمد ملی به عنوان یک اثر مثبت در نظر گرفته می شود. به عبارت دیگر ممکن است هزینه رفع درآمدگی به عنوان یک سو در درآمد ملی نه یک بار حتی دوبار هم خود را نمایش دهد.

دومین انتقاد محیط زیست گرایان به مسئله تبدیل درآمد ملی با تولید ملی از «ناخالص» به «خالص» است تا از این طریق میزان سرمایه ای را که مصروف فرآیند تولید شده است نشان دهند، با این خطا که فقط سرمایه ایجاد شده توسط انسان را بحساب می آورند و منابع طبیعی صرف شده را محاسبه نمی نمایند.

حاصل و نتیجه همه این انتقادات اینست که در محاسبات درآمد ملی سهم تلاش های اقتصادی انسان در تولید یک کالا و محصول زیاده از حد محاسبه می شود و منابع طبیعی مورد غفلت قرار می گیرد.

با این حال با مطالعه بیشتر در میان مباحث دو مکتب می توان انتقادات مشترک دیگری نیز

بر فهرست فوق اضافه کرد.

هر دو مکتب به رد این تفکر توسعه اولیه که توسعه فرآیندی است که طی آن «توسعه



نیافته» اجباراً به سمت وضعیت «توسعه یافته» حرکت می‌کند می‌پردازند.

همچنین هر دو تفکر تأکید می‌کنند که توسعه مشکل تعدادی کشور توسعه نیافته تنها نیست، بلکه یک مسئله جهانی است در این میان اصحاب نظریه زیست بوم، بر به هم پیوستگی و درهم تنیدگی جهان فراتر از مرزها تأکید می‌کنند. اما طرفداران نظریه رفاه خود را به عدم اهتمام در تأمین نیازها هم در کشورهای ثروتمند و هم در کشورهای فقیر معطوف می‌دارند. به عنوان آخرین انتقاد مشترک از سوی این دو نحله به توسعه (کلاسیک) اینکه هر دو نحله دغدغه برابری و باز توزیع دارند، در توسعه کلاسیک تأکید بر اینست که قبل از هر چیز باید کیککی باشد تا بعد بر سر تقسیم آن بحث کرد، اما بعداً آشکار شد که نابرابری لزوماً بدلیل عدم توسعه یافتگی و کمبود درآمد سرانه نبوده است بلکه در بعضی کشورها از جمله پاره‌ای کشورهای جهان سوم بحران و کمبود تولید نبوده است اما نابرابری میان یک الیت ثروتمند و توده مردم فقیر شدید بوده است. البته رفاه‌گرایان به برابری میان فقرا و اغنیاء چه در میان کشورها و چه در داخل کشورها بین شهروندان یک کشور، نظر دارند. اما محیط‌زیست‌گرایان به عدالت و توازن میان حال و آینده یا نسل کنونی و نسل‌های آتی نظر دارند.

انتقادات سلبی اینچنین از توسعه سنتی<sup>(۱)</sup> و کوشش‌هایی که برای پاسخ ایجابی به این رده‌ها و تناقضات صورت گرفت به لحاظ تئوریک، سهم عمده‌ای در تولد مفهوم توسعه پایدار داشتند. مفهوم توسعه پایدار یک مفهوم عام و تمام‌پردازی<sup>(۲)</sup> است که همه معضلات<sup>(۳)</sup> و مشکلات توسعه را یکجا و در تلائم هم در نظر می‌آورد و عمدتاً مبتنی بر دو محور رفع فقر و ایجاد برابری اقتصادی و رفاهی و ضرورت حفظ منابع طبیعی و کاهش ضایعات آن است که در بادی نظر<sup>(۴)</sup> - و شاید حقیقتاً - رابطه معکوس دارند و ظاهراً در تضاد هم‌اند.

بدینسان محور دوم توسعه پایدار رفع فقر و نابرابری از طریق باز توزیع است.

1- Traditional Development

2- All-Including

3- Dilema

4- Prima Faci

بطور خاص در توسعه انسانی<sup>(۱)</sup> هدف رفع فقر و نابرابری و مشارکت فقرا در تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاسی است. اما در توسعه پایدار به معنای خاص هدف پایداری و حفظ منابع جهت حفظ تداوم بشر و خود توسعه و طبیعت است. به یک معنا هر دو خواهان مشارکت گروه‌های محذوفی مثلاً فقرا در توسعه انسانی و<sup>(۲)</sup> نسل آینده یا انواع دیگر در توسعه پایدار هستند اکنون مسئله اینست که در توسعه انسانی محض بدون توجه به پایداری مسئله توزیع در حال حاضر به قیمت عدم رعایت عامل توزیع میان حال و آینده بهبود می‌یابد یعنی فقرا از سهم آیندگان می‌خورند. همچنین اگر تنها پایداری منابع بدون توسعه انسانی در پیش گرفته شود، وضعیت داراها دست نخورده باقی می‌ماند و امکانات زندگی فقرا کاهش می‌یابد و وضعیت برابری و توزیع منابع نابسامان خواهد شد یعنی آیندگان و اغنیا از سهم فقرا روزی می‌گیرند. پس هر نظر متضمن تناقض است. (Jacob, 1991 : 33) در توسعه پایدار اینگونه اندیشیده شده که راه برون رفت از این بن‌بست و تناقض باز توزیع در زمان حال است. (Bubcliff, 2000 : 331) اگر اثرات منفی زیست‌محیطی حاصل از کردار آدمیان که بیشترین گناه آن برگردن اغنیا است کاهش یابد هر تغییری در جهت بهبود اوضاع فقرا به پایداری بیشتر می‌انجامد. به بیان دیگر ضایعات زیست‌محیطی کاهش نمی‌یابد مگر آنکه به توسعه انسانی توأمان گردد و توسعه انسانی صورت نمی‌گیرد مگر آنکه اغنیا (از ملت‌ها، طبقات و افراد) از منابع در اختیار خود و تولید ضایعات تا حدود قابل ملاحظه‌ای دست بکشند.

تعارض و نزاع میان فقیران امروز و آیندگان فردا محصول انحصار بخش اعظم قدرت و ثروت در دست اغنیا است مطابق این خط اندیشه بدون باز توزیع توسعه انسانی غیر پایدار<sup>(۳)</sup> و هر توسعه پایدار که قرین باز توزیع و برابری نباشد، ضد انسانی است. (Ibid : 333)

توسعه پایدار و توسعه انسانی هر کدام شرط دیگری می‌باشد، یعنی تقویت‌کننده همدیگرند توسعه پایدار از ثروتمندان بخاطر نجات آینده و آیندگان کاهش ضایعات صنعتی را

1- Human Development

2- Redistribution

3- Un Sustainable Human Development

می خواهد و توسعه انسانی نیز از اغنیا بخاطر رفع فقر و گرسنگی تقسیم عادلانه امکانات و منابع را طلب می نماید. لذا از تلفیق این دو «توسعه پایدار انسانی»<sup>(۱)</sup> متولد می شود، که همزمان و توأمان هر دو را شامل می گردد.

نظریه های توسعه پایدار اگر چه منتزع از واقعیات است لیکن تا زمان کاربست<sup>(۲)</sup> و اجرای آن راه درازی در پیش است، چنانکه گفتیم طبق گزارش سازمان ملل فاصله فقرا و اغنیا هر روز بیشتر شده است انتقال ثروت از فقرا به اغنیا عمدتاً در سال های اخیر به دو طریق بوده است از قبل بدهی ها و سود حاصل از آن در دهه هشتاد و بازگشت سود حاصل از تجارت کالاهای اولیه از نیمه دهه هفتاد. (Webster, 1991 : 97)

البته اجرا نشدن توصیه های مندرج در مفهوم توسعه پایدار انسانی در پروژه توسعه واقعاً موجود<sup>(۳)</sup> بدلیل انتزاعی بودن با نمونه مثالی و نوع آرمانی<sup>(۴)</sup> و بری نیست. بلکه دلایل عمده ای دارد که به وضعیت حاکم به نظام بین الملل، سیستم اجتماعی، اقتصادی ملت ها، و فرهنگ حاکم بر افراد و جوامع برمی گردد.

همانگونه که قبلاً اشاره ای داشتیم پروژه توسعه با پیش فرض های دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به بن بست رشد و طرح آن عقیم مانند. (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۱۹) رشد بی رویه جمعیت و تهدیدهای ناشی از آن در سال های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توجه صاحب نظران بسیاری را به خود جلب کرده نظریه مالتوسی های جدید در دهه ۱۹۶۰، به ویژه در دهه ۱۹۷۰ نظر مسلط بوده انتشار کتاب هایی نظیر بمب جمعیت از پل ارلیش در سال ۱۹۷۲ و محدودیت های رشد<sup>(۵)</sup> از سوی باشگاه رم<sup>(۶)</sup> در همین سال، «طرحی برای بقا» در مجله اکونومیست و آثار دیگری از این دست جهان را تکان داد. در این دوره بقا داعیه نوین حکومت ها و مردم شده بود.

- |                                  |                 |
|----------------------------------|-----------------|
| 1- Sustainable Human Development | 2- Applyment    |
| 3- Actually Exising Development  | 4- Ideal Type   |
| 5- Limits of Grwth               | 6- Club of Rome |

توماس مالتوس در ۱۷۹۸ در مقاله‌ای تحت عنوان «در باب اصول جمعیت»<sup>(۱)</sup> نظریه معروف خود را ارائه داد براساس این نظریه در حالی که رشد جمعیت برحسب «تصاعد هندسی» بالا می‌رود تولید مواد غذایی بر مبنای «تصاعد حسابی» افزایش می‌یابد. پس بدنبال رشد جمعیت با این حساب، رشد جمعیت بالاتر از تولید صورت می‌گیرد در نتیجه خطر قحطی و گرسنگی در پیش است. البته این نظریه بعدها مورد انتقاد قرار گرفت اما زنگ خطری به گوش همگان بود.

بدلیل رشد جمعیت و مصرف انبوه<sup>(۲)</sup> اقتصاددانان کلاسیک قرن نوزدهم هم از جمله مالتوس و ریکاردو هنوز مسحور قدرت بهره‌وری صنعتی نشده بودند و نسبت به رشد اقتصادی بلندمدت بدبین بودند. همچنین نومالتوسی‌ها و نویسندگان «محدودیت‌های رشد» معتقد بودند که اگر جهان توسعه یافته بخواند منابع طبیعی کافی برای بقا و رشد خود داشته باشد، باید رشد خود را متوقف کند. بنیاد داک‌ها مرشولد. در نیمه دهه ۱۹۷۰ با ارائه گزارشی از «توسعه‌ای دیگر» سخن به میان آورد. با این تلقی که اگر بعد از چند دهه توسعه بهبود قابل ملاحظه‌ای در وضعیت فقرای جهان بوجود نیامده به این دلیل است که کسانی که موضوع این «توسعه» هستند در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکتی ندارند.

بعدها به لحاظ متدولوژیک فرانک تمام مطالعات پیشین را «اروپا محور»<sup>(۳)</sup> خواند، در مناظره توسعه پایدار مسائل زیست‌محیطی به نحو بارزی جایگاه عمده به خود اختصاص داده‌اند، از این رو تأکید مضاعف می‌طلبد. گو اینکه موظفیم تأکیدمان در این نوشته معطوف به محیط‌زیست باشد.

فی الواقع توجه جدی به مسائل زیست‌محیطی با «کنفرانس سازمان ملل پیرامون محیط‌زیست انسانی»<sup>(۴)</sup> در سال ۱۹۷۲ در استکهلم آغاز شد. دستور کار آن هم از سوی

1- Essay on The Principle of Population 2- Mass Consumption

3- Euro - Centric

4- United Nations Conference on the Human Environment (UNCHE)

کشورهای توسعه یافته پیرامون آلودگی هوا و بهره‌برداری از منابع بود که عمدتاً علایق این کشورها را دربرمی‌گرفت.

اجلاس فونکس (سوسیسی) نیز با دستور کاری زیست محیطی جهت ایجاد ارتباط بین توسعه و محیط زیست در ژوئن ۱۹۷۱ تشکیل شد: (همان: ۱۱۹)

پس از آن «اعلامیه کوکویوک» (مکزیک) در سال ۱۹۷۴ تفسیر جامع‌تر و مفصل‌تری در مورد توسعه ارائه داد.

در گزارش فونکس آمده است «مسائل زیست محیطی ریشه در فقر و فرایند صنعتی شدن دارد.

با تبدیل محیط زیست به عنوان یک گفتمان مطرح تعداد کشورهای در حال توسعه محیط زیست از ۱۱ کشور در سال ۱۹۷۲ به ۱۰۲ کشور در سال ۱۹۸۰ رسید.

از دهه ۸۰ به بعد توسعه به عنوان مفهوم چند بعدی<sup>(۱)</sup> و با توجه به پایداری فرمول‌بندی و تعریف شد. (وات ۱۳۷۴: ۱۱۰)

مهمترین اجلاس توسعه که به «اجلاس زمین» معروف شد. با شرکت ۱۷۶ کشور و دهها بین‌المللی، ۳۵ نهاد منطقه‌ای و بیش از ۱۵۰۰ گروه و سازمان غیردولتی (NGOS) در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو (برزیل) برگزار شد. دستور کار این اجلاس به دستور کار<sup>(۲)</sup> «۲۱» معروف است. طبق اعلامیه ریو:

- در توسعه پایدار انسان مرکز توجه است و انسان‌ها، هماهنگ با طبیعت، شایسته حیاتی همراه با سلامت و سازندگی هستند.

- توسعه حقیقی است که باید به صورت مساوی، نسل‌های کنونی و آینده از آن برخوردار باشند.

- حفاظت از محیط زیست جزء تفکیک‌ناپذیر توسعه است و نباید جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

- همه کشورها، در یک حرکت جمعی، باید از سلامت و تمامیت نظام طبیعی کره زمین حراست نمایند.

- با توجه به سهم تفاوت در آلودگی محیط زیست، کشورها، مسئولیت مشترک ولی متفاوت در این زمینه دارند. (UN, 1994 : 9-11)

دستورکار ۲۱ در واقع اولین منشور جامع و بسیار مفصلی بود که توسط مجمع عمومی در زمینه توسعه و زمین تصویب شد.

از اجلاس ریو به بعد به توسعه پایدار به عنوان اساسی‌ترین، حیاتی‌ترین، و محوری‌ترین مناظره پیش روی قرن ۲۱ تأکید بسیار شد.

بطور خلاصه کارشناسان دستاوردهای اجلاس اول زمین (۱۹۹۲) را ناچیز ارزیابی می‌کنند.

-گردهمایی ژوهانسبورگ (۲۷-اگوست ۲۰۰۲)

شایسته بود برای پرداختن به کنفرانس ژوهانسبورگ مدخل بالا بلندی گشوده شود چه این اجلاس بزرگترین اجلاس تاریخ بود که با شرکت ۶۵ هزار نفر از جمله ۴ هزار نماینده دولتی و حدود ۳ هزار نماینده غیردولتی و ۲ هزار روزنامه‌نگار و ۱۰۳ رئیس دولت (بوش رئیس جمهور آمریکا ا غایبان بزرگ سران دولت‌ها بود که بجای وی کالین پاول وزیر خارجه این کشور در اجلاس حضور یافت) جمعاً از ۱۹۳ کشور تشکیل شد.

وظیفه عام این اجلاس بررسی چالش‌های بزرگ بشر در هزاره سوم همچون بهبود سطح زندگی و منابع سیاره زمین که با رشد روزافزون جمعیت انسان مواجه است. بود، مقرر شده بوده که کلیه تصمیم‌گیری‌ها با دو محور فقرزدایی و حفظ محیط زیست انجام گیرد.

در ژوهانسبورگ از همان روز اول اجلاس که به مدت ۱۰ روز ادامه داشت، هرکس دیگری را متهم به تخریب و آلودگی زمین می‌کرد. کشورهای توسعه نیافته ثروتمندان صنعتی را متهم می‌کردند که عامل بیشترین مصرف و نابودی منابع تجدیدناپذیرند. برای آنها غرور انگیز بود که بگویند هند با متوسط ۱۱ درصد رشد سالانه یکی از موفق‌ترین این کشورهاست در حالیکه یک

مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران  
تهران

شهروند آمریکایی هفتاد برابر یک هندی انرژی مصرف کرده و صد برابر او زیاده تولید می کند و بالعکس کشورهای توسعه یافته جهان سوم را منطقه ای می دانند که به دلیل استانداردهای پایین زیست محیطی توجهی به هنجارهای توسعه پایدار ندارد. (www.iucn.org)

این اجلاس در نهایت نتوانست برآورنده انتظارات دلمشغولان توسعه پایدار و هواداران محیط زیست باشد. به اعتقاد ناظران بین المللی ژوهانسبورگ شکست خورد و آمریکا زمین را خشمگین کرد. گزارش ها حاکی است سران حاضر در ژوهانسبورگ حتی نتوانستند به توافقاتی در حد اجلاس ریو دست یابند و مقصر اصلی هم دولت آمریکا بود که مشخصاً تحت فشارهای غول نفتی و اگزان به معاهده تأمین آب پاک برای سراسر جهان را که در چارچوب این اجلاس قرار بود تصویب شود رأی مثبت ندارد و امضای آنرا را مشروط به تغییر معاهده کاهش مصرف سوخت فسیلی به نفع این کشور دانست. بدین ترتیب هیئت آمریکایی تحت فشار این کمپانی مانع از تصویب دو توافقنامه فوق شد. حتی صلح سبز مدعی شد اگزان برخی وعده های مالی به شماری از نمایندگان کشورها داده است تا معاهده کاهش مصرف نتواند رأی بیاورد. (ایران سال هشتم، شنبه ۹ شهریور ۱۳۸۱: صفحه ۴)

اگزان در انتخابات دوره پیشین ریاست جمهوری آمریکا حامی اصلی جرج بوش و دیک چنی بود اگر معاهده پیش گفته به امضا می رسید آمریکا به عنوان بزرگترین مصرف کننده سوخت های فسیلی و عامل اصلی افزایش اثر گلخانه ای زمین ناچار می شد مصرف این گونه سوخت تجدیدناپذیر و آلوده زارا تا حد قابل توجهی کاهش دهد که این موضوع کمپانی های نفتی بزرگ بویژه اگزان را دچار ضرر و زیان می کرد. اکنون این ریه های زمین و مردمان جهانند که باید زیان های مربوطه بپردازند.

بدین سان بزرگترین کارشکنی ها از سوی آمریکا صورت گرفت که اساساً به عنوان سرکرده سرمایه داری جهانی چندان به مبانی سیاسی «توسعه پایدار» پایبند نیست. (همشهری، سال دهم، شماره ۲۰۰۲ پنجشنبه ۱۴ شهریور ص ۳)

اما در نقطه مقابل چین، اردوگاه پایدار سوسیالیسم، اطمینان داد که به توافقات

ژوهانسبورگ وفادار بماند و خبر داد که طرح ملی توسعه پنج ساله آنها نزدیک به هشت میلیارد دلار هزینه دارد. صد دانشمند حاضر در این اجلاس که ۳۰ نفر از آنها برنده جایزه نوبل بودند نسبت به فاجعه‌ای قریب‌الوقوع در زمین هشدار دادند و وضعیت کنونی آنرا نوعی خودکشی دانستند.

نیز یکی از موضوعات جالب توجه اجلاس ژوهانسبورگ تأکید بر عدم توان تحمل‌الگوی توسعه غربی برای کره زمین و اصولاً عدم امکان تحقق چنین‌الگویی در جهان بود. (همان)

یکی دیگر از مصوبات اجلاس سران توافق‌نامه کاهش فقر است که شامل ۶۰ برنامه اقدام می‌شود اما جالب است که برای اجرای فاز اول این توافق‌نامه ۲۳۰ میلیون دلار اعتبار پیش‌بینی شد. و این حتی کمتر از ۲ درصد هزینه‌ای است که آمریکایی‌ها و یا اروپایی‌ها سالانه برای تغذیه حیوانات خانگی خود می‌پردازند. (همان)

### ب) توسعه پایدار

مؤلفه‌های مفهوم توسعه پایدار بطور عمده عبارتند از انسان، کودکان، زنان، فرهنگ، آموزش، اخلاق و محیط‌زیست. در تشکیل سازه و قامت توسعه پایدار هر یک از مؤلفه‌های فوق سهم شایسته‌ای دارند که هر کدام مدخلی وافی می‌طلبد، که طبعاً در حوصله این مقال نیست با این حال لازم است سخنی از محیط‌زیست به مثابه یک ستون عمده از ساختمان مفهومی توسعه پایدار سخنی به میان آید.

چنانکه قبلاً نشان دادیم بشر از اعصار گذشته با طبیعت رابطه مسالمت‌آمیز و الفت داشته است. طبیعت در ذهن و زبان انسان قدیم جایگاه محترمی داشته که در اساطیر، مذاهب و یادگارهای آنان جلوه خاصی دارد.

تنها در یکی دو قرن اخیر بود که به ناگاه گسست عمیقی در این روابط سازگار با محیط و طبیعت رخ داد. رابطه و تعادل منطقی و هم‌سنخ با طبیعت از طرف انسان به زیان طبیعت برهم خورد. طبیعت به پای دراز دستی انسان به مدد تکنولوژی قربانی شد. این فرآیند در اواخر قرن ۲۰



از مرز فاجعه و رسوایی هم گذشت.

پس از رسیدن کارد به استخوان موج بیداری انسانیت را دربرگرفت و انسان مصمم به آشتی دوباره با محیط زیست خود شد و نگاه دوباره به طبیعت انداخت. الگوهای توسعه که عمر آن بیش از شش دهه بالغ نمی گردد نیز تابعی از این فضای کلی حاکم می باشند.

همچنان که «باب سات کلیف» یکی از صاحب نظران توسعه خاطر نشان می کند در نظر آوردن و به حساب آوردن زیست سپهر به عنوان یک عامل تأثیرگذار در تدوین الگوهای توسعه از عمر خود توسعه کوتاه تر است تا همین اواخر متون توسعه دارای سرشتی اقتدارگرا<sup>(۱)</sup> بودند که در آن هیچگونه اشاره ای به محیط زیست نمی رفت. حتی هنوز هم پاره ای از کسانی که به اهمیت مسائل زیست محیطی در طرح توسعه ایمان دارند، در همان چارچوب روش شناسی<sup>(۲)</sup> متقدم توسعه این عامل را به حساب می آورند. (کسانی مثل مایکسل ۱۹۹۲ و پیرس، باریرو مارکاندیا ۱۹۹۰) اما برخی دیگر در دیدگاه و نگاه خود به توسعه به دنبال تغییر بنیادی در روش شناسی حاکم هستند. برخی نیز همچون بانک جهانی مؤلفه محیط زیست را مؤیدی بر نیاز هر چه بیشتر برای رشد اقتصادی سریع می دانند در حالیکه پاره ای از علما و کارشناسان مسائل زیست محیطی را دلیل و مؤیدی بر ضرورت توقف رشد سازماندهی مجدد و بنیاد زندگی اجتماعی انسان می دانند. (دالی ۱۹۹۱ ترینر ۱۹۸۵). (Sutcliffe, 2000 : 330)

بدینسان با حضور مؤلفه زیست محیطی در مناظره بزرگ توسعه، جهت مباحثه از ابزار<sup>(۳)</sup> (ماشین و مرکب) رسیدن به توسعه به «مسئیر<sup>(۴)</sup>» رفتن و سفر به توسعه تغییر کرد. به تعبیری در اینجا دیگر سخن تنها در باب امکان<sup>(۵)</sup> دستیابی به مقصد نیست بلکه مطلوب بودن<sup>(۶)</sup> مقصد هم مهم خواهد بود. در نقدهای رفاهی توسعه با فرض مطلوبیت آن سخن بر سر شیوه ها و مرکب رسیدن به این مقصد است. در حالیکه در نقد زیست محیطی بر توسعه با تردید در غایات توسعه

1- Authoritative Texts

2- Methodology

3- Means

4- Route

5- Possibility

6- Desirability

قیل و قال درباره ابزارهای رسیدن به توسعه چندان محل توجه نیست. (همان)

در این زمینه یک جریان نیرومند مطالعاتی (دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰) در هراس از پیامدهای ناگوار توسعه تحت تأثیر جنبش سبزه‌ها تلاش کرد نشان دهد بشریت جز با «توقف رشد» نمی‌تواند از فاجعه زیست محیطی جلوگیری کند، طرفداران این جریان از آن رو که نرخ «رشد صفر» را پیشنهاد می‌کردند. به «صفرگرایان» معروف شدند.

این پیشنهاد رادیکال از سر سرگشتگی صفرگرایان بود زیرا همانطور که اینیاسی زاکس در این زمینه می‌گوید «در حقیقت تنها یک بی‌نظمی و آشفتگی وسیع می‌توان مقوله عدم رشد را به عنوان یک مزیت مطرح کند». (زاکس، ۱۳۷۳: ۵۵) صفرگرایان علاج را نه در مبارزه که در فرار تعریف کردند. چاره آن بود که راه کارهای نوین جست و جو شود راهکارهایی که در عین مبارزه با ویرانگری‌های زیست محیطی، تداوم حیات و بقای طبیعت را تأمین کند. در این شرایط زمینه برای طرح «توسعه مبتنی بوم‌شناسی»<sup>(۱)</sup> فراهم آمد، که کاملاً با هر چه فربه‌تر شدن آن «به توسعه پایدار» معروف گشت. از چشم‌انداز زیست محیطی آنگونه که مان بیان می‌کند «توسعه تنها زمانی پایدار است که برشالوده اصول بوم‌شناختی استوار باشد». (Munn, 1993 : 70)

### ب) تعریف «توسعه پایدار»

توسعه پایدار در واقع بلوغ تجربه‌های پیشین بود که دو ضرورت را توأمان مدنظر قرارداد. الف) بهبود معیشت انسان ب) بهبود وضع زیست بوم. بر همین اساس رند دوبو<sup>(۲)</sup> توسعه پایدار را «رابطه متقابل انسان و زمین» تعریف کرد از دو مبارزه همزمان سخن به میان آورد:

۱- مبارزه با آنان که براساس سنت کلاسیک توسعه را بدون توجه به بوم‌مداری دنبال

می‌کنند.

۲- مبارزه با کسانی که براساس دیدگاه رادیکال هرگونه دخل و تصرف در طبیعت را ممنوع

می‌دانند. (زاکس، ۱۳۷۳: ۲۹)

بطور کلی توسعه پایدار عبارتست از توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را تأمین کند، بدون آن‌که توانایی نسل‌های آتی را دربرآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند. و اینکه توسعه پایدار در «رابطه متقابل انسان‌ها و طبیعت در سراسر جهان است»: (UNESCO, 1997 : 13) با این حال از توسعه پایدار تعاریف و توصیف‌های گوناگونی چه از سوی کارشناسان و چه از سوی موسسات مسئول ارائه شده است. بنابراین «مفهومی قوام یافته نیست بلکه بیشتر فرآیند دگرگونی رابطه سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی و مراحل آن را بیان می‌کند». (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۱۴) با توجه به آنکه هر صاحب‌نظری از چشم‌اندازی خاص به این مفهوم می‌نگرد طیف وسیعی از تعاریف وجود دارد. با وجود دارد. با وجود این تعاریفی بیشتر توفیق یافته‌اند که از یک سو بر رابطه بین مؤلفه‌های توسعه‌های اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی و از سوی دیگر بر ضرورت‌های زیست‌محیطی تأکید می‌کنند مثلاً تعریف توسعه پایدار به شرایط بهتر زندگی برای تمام مردم جهان در محدوده ظرفیت‌های بالقوه محیط‌زیست هر چند کلی است لیکن موسع و جامع دغدغه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است.

در واقع پایداری و توسعه پایدار فراخوانی عمومی برای هماهنگی و موازنه پویا<sup>(۱)</sup> میان عوامل مؤثر فراوان نظیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مورد نیاز بشر و لزوم حفاظت از محیط‌زیست طبیعی که بشریت بخشی از آنست می‌باشد. در تلاش برای رسیدن به توسعه پایدار امنیت واقعی انسانی برای همه مردم باید فراهم شود.

چنانکه بارها گفته‌ایم مفهوم توسعه پایدار مفهومی فراگیر<sup>(۲)</sup>، یکپارچه، ذوجوانب و کلی‌نگر است و همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سایر نیازهای بشری را در برمی‌گیرد. یعنی مهمترین خصلت توسعه پایدار جامع‌نگری و کل‌نگری آنست.

به همین دلیل توسعه پایدار نمی‌تواند از طریق تمرکز به اجزا حل شود. بحران‌های توسعه، محیط‌زیست، بحران انرژی و جز آن همه یک کل به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند. این حوزه‌ها همچون حوضچه‌های آب به هم پیوسته است که تغییر در هر کدام موجب تغییر آب

دیگر حوضچه‌ها می‌گردد.

به تعبیری پایداری یعنی ایجاد تعادل میان ضرورت‌های زیست محیطی و نیازهای توسعه موازنه از دو طرف می‌تواند تحصیل گردد: با «کاستن از فشارها» و یا «افزودن بر ظرفیت‌های موجود». بوم‌شناسان اغلب بر جنبه نخست تأکید دارند و اقتصاددانان بر مفهوم دوم کاملاً روشن است که سیاستمداران و تصمیم‌گیران در مواجهه با بحران باید هر دو امکان را به فراخور مورد بررسی دقیق قرار دهند.

با توجه به همین نکته است که اینیاسی زاکس می‌نویسد «دستور کار همواره یکی است صرفه جویی در منابع کمیاب و تدبیر بسیار در استفاده از منابع فراوان». (زاکس، ۱۳۷۳: ۳۵)

کمسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه<sup>(۱)</sup> نیز آنرا اینگونه تعریف می‌کند:

«توسعه پایدار فرآیند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییر نهادی که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد.

(UNESCO, 1997 : 13)

توسعه پایدار فرایندی مستمر از دگرگونی، انطباق و سازگاری است که طی آن بهره‌کشی از منابع جهت سرمایه‌گذاری‌ها، جهت‌گیری توسعه تکنولوژیک و دگرگونی نهادینه همگی در هماهنگی با هم در برگیرنده نیازهای بالقوه و بالفعل انسان می‌شوند.

با توجه به آنکه توسعه پایدار برآورنده نیازها و آرمان‌های انسان‌ها نه فقط در یک کشور و یک منطقه که تمامی مردم در سراسر جهان و در حال و آینده است. (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۱۵)

روشن است که در آن انسان در مرکز توجه خواهد بود.

برخی از نویسندگان در سطحی عمیق‌تر توسعه پایدار را دگرگونی اساسی در شیوه تفکر زندگی تولید مصرف و در حقیقت دگرگونی ذهنی بنیادی می‌دانند.

توسعه پایدار به تعبیری یک مفهوم اخلاقی است و به تعبیر دیگر یک مفهوم علمی اگر چه کاملاً با علوم زیستی و اقتصاد درآمیخته است اما شاید بیشتر برآمده از فرهنگ و ارزش‌های

انسانی و در پاسخ به یک نیاز حیاتی باشد. در واقع می‌تواند بنای بنیانی جدید برای روابط انسانی و تداوم حیات بشری تلقی و تصور گردد.

کاملاً آشکار است که توسعه پایدار در سال‌های اخیر به صورت روزافزون حامل بسیاری از آمال و آرزوهای بشر شده است و تصور می‌شود به عنوان پارادایم جدید بسیاری از اهداف جهانی برای قرن بیست و یکم در چارچوب این مفهوم جهانگیر برنامه‌ریزی شود.

## رویکردها و مکاتب تئوریک به برنامه‌های زیست‌محیطی

### الف) رهیافت محیط‌زیست‌گرایی بازار<sup>(۱)</sup>

از سال ۱۹۶۰ به بعد با توجه به بروز تناقض میان نظریه اقتصاد رشد و حجم عظیم تخریب و نابودی فرآیند محیط‌زیست ناشی از رشد اقتصادی، پاره‌ای از علمای اقتصاد بازار در صدد رفع این ناسازگاری برآمدند. به لحاظ معرفت‌شناسی این نظریه مبتنی بر فردگرایی، تک‌انگاری<sup>(۲)</sup> و انسان‌گرایی است، طبق این مکتب بازار بهترین مکانیزم ساماندهی و برقراری توازن زیست‌محیطی و اجتماعی است، لذا در برنامه و طرح سیاسی خود مقررات‌زدایی از هرگونه دخالت مستقیم دولت در امور زیست‌محیطی و اجتماعی را گنجانده است، گسترش روابط بازاری و کالایی بر تمام جوانب جامعه و محیط‌زیست از تعلیمات اصلی این نظریه است.

از آنجا که عمده نظریه پردازان این مکتب اقتصاددانان (کلاسیک بازار) بوده‌اند می‌توان آنرا نظریه اقتصادی محیط‌زیست نامید. زیرا مطابق این دیدگاه مسئله مصرف و بهره‌برداری از طبیعت را بایستی به همان شیوه و منطق مصرف کالاها و خدمات تحلیل و تبیین نمود. محیط‌زیست (هوای پاک، آب پاک و خاک بارور) منابع نادر و کمیابی‌اند که در تولید کالا و خدمت توسط بخش صنایع و بهره‌برداری عمومی دولت بکارگرفته و مصرف می‌شوند. پس چاره کار اینست که با آنها به شیوه اقتصادی رفتار نمود. بدین معنی که تنها تا نقطه‌ای استفاده شوند که هزینه‌های اجتماعی آن توسط فواید اجتماعی شان پوشش داده شوند، چنانکه در مورد نیروی کار، تجهیزات و

سرمایه در امر تولید این منطق حاکم است.

خواست عمده باید این باشد که بخش صنایع یا دولت هر چه اقتصادی تر، کارآمدتر در مصرف هزینه ها (از جمله اقلام محیط زیست به عنوان یک داده و سرمایه) که منطقاً به حفظ و اهمیت آن منجر می شود بپردازند، تا با سود بیشتر از هزینه بتوان به جبران داده های سیستم از جمله کالاهای زیست محیطی پرداخت. (دابسون، ۱۳۷۷: ۵۳)

قیمت گذاری و نرخ گذاری براساس نظام ارزش بازاری روی منابع و اقلام طبیعت بجای دخالت دولت نخستین بار توسط «بکرمان»<sup>(۱)</sup> ارائه گردید پیش فرض ضروری این مکتب اهتمام جدی به حقوق مالکیت است.

مطابق استدلال این رویکرد مسائل زیست محیطی تنها برخاسته از عدم تخصیص کافی منابع است که خود ناشی از فقدان حقوق روشن مالکیت و دارایی خصوصی است. پس با امکان نرخ گذاری منابع طبیعی و تقویت مالکیت خصوصی، اهتمام آدمیان به حفظ محیط زیست بطور خودجوش خواهد انجامید.

کالایی کردن مناسبات حاکم بر محیط زیست خود، مستلزم پولی کردن یا قیمت گذاری منابع زیست محیطی است و آنگاه که پول (تنها) معیار ارزش ها گردید هر ارزشی قیمتی دارد که این خود باعث عدالت و توزیع مناسب منابع میان ارزش های متفاوت از جمله محیط زیست به عنوان یکی از اقلام و کالاهای ارزشی خواهد گردید.

اقتصادگرایان در رأس کشورهای مبلغ گفتمان جهانی سازی اقتصاد بازار، پاسداران و کارگزاران بین المللی این گفتمان یعنی بانک جهانی، اتحادیه اروپا و سازمان جهانی تجارت را مسئول تحقق آرمان های فوق می دانند.

طرفداران این نظریه به عنوان یک گفتمان غالب بیشتر شامل اقتصاددانان کلاسیک در کشورهای غربی تثولیرال می شوند که خود را به عنوان مخازن اندیشگی مؤسسات پژوهشی خصوصی قلمداد می کنند. (Low and Gleeson, 1998 : 162)

بن مایه و اساس این تفکر این است که نباید محیط زیست را به عنوان یک ارزش مطلق و مقدس تلقی نمود که به هر قیمت و هزینه ای باید حفظ گردد، بلکه اگر ارزش بازار می دارد پس خود به خود حفظ خواهد شد. اگر حتی طبیعت به قیمت تولید کالاها و خدماتی که مایه رفاه آدمی است مصرف (و نابود) گردد. هیچ باکی نیست زیرا غایت علم اقتصاد و توسعه رفع نیازهای انسان به وسیله تولید کالا و خدمات است. چنانکه گفتیم این اندیشه بدلیل نشأت انسان محوری (البته به مفهوم مضیق از انسان) این دیدگاه است. غافل از این اصل که انسان در حقیقت جزئی از طبیعت است که نابودی آن نابودی خود اوست.

روشن است که وقتی مصرف طبیعت در حوزه منطق هزینه و فایده اجتماعی درآید اساساً پرسش از ارزش های انسانی نمی تواند وارد تصمیم گیری و سیاست گذاری گردد.

دفاع نظریه پردازان اقتصاد بازار از رشد بی وقفه، خود ناقص سرمایه داری است اگر منطق درونی و پویایی (حرکت بالنده) سرمایه داری انباشت بی حد و حصر ثروت و سرمایه است و در آن صورت ماده خام اولیه آن طبیعت باشد پایان پذیر و اغلب تجدیدنپذیر است، از طرفی چون سرمایه داری بدون انباشت مداوم محتوم و محکوم به شکست است نظریه و نظام سرمایه داری گرفتار تناقض و ناسازگاری عظیمی است چنانکه بعداً خواهیم گفت به استناد همین سرشت ثروت اندوزی و مال اندوزی سرمایه داری اکوسوسیالیست ها بر این عقیده اند که رواج این نظام منشأ بحران و تباهی زیست محیطی است. (Ibid : 163)

مطابق استدلال این مکتب بار خسران استفاده از طبیعت بوسیله تخصیص منابع به ویژه از طریق مالیات آلودگی<sup>(۱)</sup> بر همگان به تناسب استفاده تقسیم خواهد شد. اما باید اذعان کرد که نظام مدیریتی و سیاسی در هیچ یک از نظام های سرمایه داری این بار را بخاطر خصلت ماشین سیاسی بر همگان بطور عادلانه و یکسان تقسیم نکرده است. چنانکه آمار و ارقام حاکی است آمریکا به عنوان یکه تاز جهان سرمایه داری به تنهایی  $\frac{1}{4}$  انرژی جهان را مصرف می نماید. و حتی در سوئیس به عنوان کشوری که مقررات زیست محیطی شدید است تولید سرانه زیاده یک

شهروند آن ۴۰ برابر تولید زیاله یک سومالیایی است. حتی آمار فقر فزاینده که قبلاً ارائه نمودیم شاهدهی بر اینست که ادعای تراوش نعمت از اغنیاء به فقرا و سرریز کردن ثروت از کانون های ثروت از سوی نظریه پردازان نظم سرمایه داری، ادعای گزافی بوده است.

این مکتب به راحتی با ذره گونه کردن فرد و انزوای او از اجتماع همبستگی فرد با اجتماع و افق وسیع تر دید او به جامعه و حس همکاری را از روی می ستاند.

مبهرن است که دولت در جامعه سرمایه داری دارای نقشی کلیدی برای تضمین مالکیت و نظام بازاری قیمت گذاری<sup>(۱)</sup> است تا به مصرف اقلام طبیعت انتظام بخشد، حتی تشدید حقوق مالیکت خصوصی خود نیازمند تلاش و کنترل دولت جهت حفظ آن از طریق ایجاد مجموعه های حقوقی است.

پس بطور خلاصه مطابق نظر فوق بهترین راه حفاظت از منابع زیست محیطی مکانیزم بازار است که آشکارا مخالف هر گونه فعالیت و برنامه ریزی متمرکز انتظام بخش مدیریتی و سیاسی است. (دایسون، ۱۳۷۷ : ۵۴) و چنانکه گفتیم تناقضات نظام سرمایه داری از همین جا ناشی می شود.

### ب) نوسازی بوم شناسانه

همانطور که پیش از این گفتیم مکتب زیست محیطی بازار دو فرض اساسی را که توسط دیگر مکاتب زیست محیطی به قوت پذیرفته شده است رد می نماید. این دو فرض عبارتند از: تبعات زیست محیطی در سطح جهانی به نقطه بحرانی رسیده است تا بدان حد که حیات انسانی و غیر انسانی در خطر است. و اینکه بازار و ساز و کار آن در وضعیت کنونی حداقل در این بحران سهمیم اند. نوسازی بوم شناسانه برخلاف نظریه قبلی این دو مقدمه را قبول دارد. (Low and

Gleeson, 1998 : 164)

طبق این نظریه مصائب زیست محیطی اگرچه باید فاجعه و مصیبت تلقی شوند اما می توان



داری هیچ موضعی نمی گیرد. علت این است که اساساً این تئوری بر تجربه صنعتی غرب مبتنی است همینطور میزان عظیم فجایع زیست محیطی بین المللی برخاسته از حاکمیت نظام سرمایه داری و شرکت های چند ملیتی (مثلاً زیان های حاصل از مقررات زدایی گات) را نادیده می گیرد و حساسیتی در برابر آنها نشان نمی دهد. جهانی شدن اقتصاد مورد دفاع این نظریه از لحاظ زمانی و مکانی یکسان نبوده است هنوز بسیاری از کشورهای جهان سومی دارای اقتصاد معیشتی اند که چنانکه گفتیم بسیاری از صاحب نظران با آمار و ارقام نشان داده اند که بسیاری از اقتصادهای معیشتی ضرر و زیان کمتری متوجه طبیعت کرده اند.

در مقابل طرفداران نظریه نوسازی بوم شناسانه کاهش مصرف سرانه انرژی در کشورهای پیشرفته اروپا را علامتی دال بر عدم ضروری بودن رابطه رشد اقتصادی و تخریب زیست محیطی می دانند اما همانطور که یکی از کارشناسان اظهار کرده است این مسئله باید به گونه دیگر توضیح داده شود. وی علت را در سه عامل جستجو می کند. گران شدن بهای انرژی، رشد اقتصادی بیشتر و سریعتر در بخش خدمات و استقرار صنایع انرژی بر (با مصرف بالای انرژی) در کشورهای در حال توسعه. (Ibid : 166)

متأسفانه اگر هم مدل نوسازی بوم شناسانه در چندین کشور پیشرفته موفق بوده است باز هم در مقایسه عوارض حاصله زیست محیطی آن برای سایر مناطق جهان این موفقیت ناچیز بوده است.

نوسازی بوم شناسانه غلیظ بر تغییرات اجتماعی، نهادی وسیعی جهت جلوگیری از تخریب محیط زیست تأکید دارد. اما نوسازی بوم شناسانه رقیق تنها نیم نگاهی به راه حل های مبتنی بر اقتصاد بازار و پیشرفت تکنولوژیکی دارد. (دایسون، ۱۳۷۷ : ۲۸۸)

فی الواقع در نوسازی بوم شناسانه برخلاف مکتب اقتصاد بازار سرمایه داری با نقاب سبزی به پیش می آید و نقاب واقعی سرخ صنعتی خود را دست کم در مقام ایدئولوژی و ادعا به یک سو می افکند، هرچند پاره ای از کارشناسان معتقدند که در نوع غلیظ این مکتب مسائل و دغدغه های زیست بر مسائل اقتصاد رشد غلبه دارد و همینطور تغییرات دمکراتیک بر

راهبردهای تکنوکراتیک نیز ارجحیت برخوردارند.

اگر قرار باشد با ایجاد مقررات وجه صنعتی شدن لگام گسیخته از مدرنیته رخت بریند آنگاه چیزی از مدرنیته باقی نمی ماند و تعریف مدرنیته باید چیز دیگر شود. همانگونه که اکوسوسیالیست ها (که متعاقباً توضیح داده خواهد شد) معتقدند بازار و قضیه انباشت از اوصاف ذاتی و ضروری مدرنیته نیستند. لذا فروریختن هر یک از ستون های نهادی مدرنیته مستلزم ایجاد یک صورت بندی اجتماعی جدیدی است.

بطور خلاصه نوسازی بوم شناسانه یک مکتب سیاسی زیست محیطی نامکنفی در عصر بحران زیست محیطی در سطح جهان است. در صورت کاربست تئوری بوم شناسانه غلیظ سرمایه داری از بن و اساس دچار تغییر ساختاری خواهد گردید که در این صورت بستر تغییرات دیگر در چارچوب سرمایه داری نخواهد بود.

البته باید یادآور شویم که در مقایسه با مکتب بازار، نوسازی بوم شناسانه اجازه ورود و موضوعیت مبحث عدالت زیست محیطی را به دستگاه منطقی خود می دهد. موضوع عدالت زیست محیطی تقسیم متناسب یا یکسان منابع و آلودگی های زیست محیطی میان ملت ها و افراد و همچنین نسل کنونی و نسل آینده از طرف دیگر می باشد.

اشکال محافظه کارانه تر تئوری نوسازی بوم شناسانه همزمان موافق حفظ روابط بازار و هدایت انواع فعالیت های صنعتی بسوی یک صنعت «پاکتر» است. جدا از خامی سیاسی و شوونیسم فرهنگی اشکال فوق نتیجه روشن آنها تأکید به نیاز به نهادهای جدید جهانی جهت حفظ محیط زیست است. مثل عقد موافقتنامه های بین المللی در حیطه امروز زیست محیطی و ایجاد یک سازمان جهانی حفاظت از محیط زیست که بتواند فعالیت های صنعتی سرمایه داری را به مسیرهای توسعه پایدار زهنمون گردد.

اما نوسازی بوم شناسانه غلیظ با آگاهی از فرار مالیاتی و مقرراتی نظام صنعتی اساساً خوستار

دمکراتیک کردن صنایع و مناسبات تولید علم و کالا و تغییر تکنولوژیکی است. (Ibid : 169)

پ) اکوسوسیالیسم<sup>(۱)</sup>

اکوسوسیالیسم یکی دیگر از گفتمان‌های سیاسی نهادی زیست محیطی معاصر است که کمتر بصورت یک مکتب منسجم تعریف و شناسایی شده است، در عین حال به راحتی از مکاتب بازار و نوسازی بوم شناسانه قابل تفکیک و حتی چنانکه ذیلاً توضیح می‌دهیم در مقابل آنها قرار می‌گیرد، طرفداران این نظریه طیف وسیعی از نظریه پردازان مارکسیستی در غرب و کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهد.

این مکتب دو مشخصه بارز دارد. اول اینکه قضایای تحلیلی آن ریشه در اقتصاد سیاسی و مارکسی (که خود محل نزاع و تفسیرهای فراوان است زیرا شامل تفاسیر ماتریالیسم تاریخی ارتدکس تا تفسیرهای لیبرالی نظریه اقتصادی می‌گردد) دارند. دوم اعتقاد جدی به اینکه عامل عمده بحران زیست محیطی در سطح جهان شیوه تولید سرمایه‌داری است.

این دیدگاه اگر چه از سوی طرفداران آن تصریحاً بیان نشده است یک پروژه بنیان برافکانه و رادیکال علیه نظام سرمایه‌داری است اما در همین جا باید گفت بدلیل اینکه از حیث جدال سنت و مدرنیته در دل مدرنیته قرار می‌گیرد، انسان محور<sup>(۲)</sup> است و به لحاظ معرفت‌شناسی طبیعت محور نیست.

مدعای اصلی این گفتمان این است که فقدان عدالت اجتماعی و شکاف فزاینده میان فقرا و اغنیا مهمترین عامل عوارض زیست محیطی است یعنی در مسائل زیست محیطی نیز ام‌الفساد را در فقدان عدالت اجتماعی می‌بینند با توجه به اینکه از نظر سوسیالیست‌ها یکی از پیش فرض‌های سعادت اجتماعی حل بحران زیست محیطی است، توانسته‌اند به جنبش سبزه‌ها نزدیک شوند و حتی متحد گردند. از نظر سوسیالیست‌های بوم‌گرا مادامیکه جریان و جنبش سبزه‌ها در مقابل آرمان عدالت اجتماعی قرار نگیرند مرفقی تلقی می‌گردند اما از آنجا که جنبش سبزه‌ها خصلت طبقاتی بورژوازی در غرب داشت در بعضی مواضع خود علیه چپ سازمان یافته و طبقه کارگر موضع گرفت که این در واقع مرز میان آنها و سوسیالیست‌های بوم‌گرا را روشن

می‌نمود. مرز دیگری نیز می‌توان میان سبزه‌ها و سوسیالیست‌های بوم‌گرا ترسیم نمود بدین لحاظ که اکوسوسیالیست‌ها برای وضعیت سیاسی اجتماعی و سخت دولت برنامه روشن و سیاسی دارند اما جنبش سبزه‌ها اساساً دارای مرامی آنارشیستی بوده است. یله بودن و رها بودن از نظم سیاسی جنبش سبزه‌ها را به لیبرالیسم و پست مدرن بیشتر نزدیک می‌کند تا به اکوسوسیالیست‌ها. (دایسون، ۱۳۷۷: ۲۸۶، ۲۸۷)

نظریه سوسیالیستی بوم‌گرا در واقع یک دیدگاه دیالکتیکی میان جامعه و طبیعت است اما این نزاع مثل آنچه میان مکتب بوم‌گرایی و فن‌گرایی برقرار است نمی‌باشد زیرا با هر دو مخالف است استراتژی سبزه‌سوسیالیست‌ها دارای سرشتی ماتریالیستی تاریخی نسبت به تحول اجتماعی است.

همانگونه که گفتیم این مکتب زیست‌محیطی «انسان محور» است و بوم محور<sup>(۱)</sup> نیست لذا در مسئله عدالت زیست‌محیطی و حقوق برابری زیست‌محیطی به این عقیده است که عدالت بیولوژیک میان افراد و ملت‌ها بدون حقوق بشر و عدالت سیاسی پوچ و مهمل است. بنظر آنها نقطه عزیمت بسوی تعادل محیط زیست باید عدالت اجتماعی (میان انسان‌ها) باشد نه جای دیگر.

برخلاف دو مکتب قبلی که توضیح دادیم این مکتب در حوزه نقد و مقاومت قرار می‌گیرد؛ از اینرو در مخالفت با مناسبات حاکم بر جهان و عرصه سیاست بین‌الملل است. بموجب این دیدگاه فقر و تخریب محیط زیست خصلت ذاتی و ضروری سرمایه‌داری بین‌الملل است.

پرسش اساسی اکوسوسیالیست‌ها اینست که آیا کاپیتالیسم می‌تواند به مفهوم معناداری با پایداری عجین باشد؟ جواب فزری آنها به این سؤال منفی است حتی به اعتقاد آنها سرمایه‌داری سبز که وعده حفظ محیط زیست از طریق دستیابی به صنعت و فن‌آوری سبزتر می‌دهد، رؤیایی بیش نیست، در همین جهت شوارتزن استدلالت می‌کند که «اگر ایده پایداری زیست‌محیطی در سرمایه‌داری به طور کامل تحقق یابد در آنصورت فقر بیداد خواهد کرد. زیرا در منطق

سرمایه داری ایندو در تضاد هم قرار دارند». (Low and Gleeson, 1998 : 170)

کارل مارکس نیز می نویسد «تولید به شیوه سرمایه داری موجب رشد تکنولوژی می گردد، خوراک و سوخت موتور سرمایه داری نیز ثروت و منابع طبیعت (از جمله خاک و کارگر) است بدین سان هر دو باعث تباهی طبیعت می گردند» (Ibid) پاره ای از اکوسوسیالیست ها اخیراً جهت تأیید این نظریه مارکس از مفهوم انتروپی در علم ترمودینامیک بهره گرفته اند آلتواتر، لویتی و شوارتزمن همگی از این تمثیل بهره گرفته اند.

طبق این تمثیل منطق مفهومی و عملی یا ذهنیت و عینیت سرمایه داری با خصلت بلعیدن ثروت هر چه بیشتر منجر به انتروپی (میل به از دست رفتن انرژی و فساد درونی) در جهان می گردد. آلتواتر استدلال می کند که بازار تمام منابع طبیعی را در فرصت اندکی به مقدار کالایی کمتر از درونداد که از نظر کیفی نیز قابل تجدید نیست تبدیل می کند، که پس از چند صباحی مصرف می شوند. در واقع قانون ارزش سرمایه داری اقتضای انتروپی فزاینده به این معنا دارد یعنی تولید مقداری کالا به قیمت ایجاد فساد عظیم در اثر تولید ضایعات خطرناک و تباهی طبیعت. (Ibid : 172)

مارکس همچنین طبیعت را یک هدیه مفت و مجانی به سرمایه داری می دانست. اکوسوسیالیست ها بر این نکته مارکس می افزایند که سرمایه داری با حاکم کردن روابط بازاری و کالایی خود بر جهان از طریق «قیمت گذاری بر این هدیه طبیعت» موجب تخریب هر چه بیشتر آن می گردند. حتی فراتر از این بیگانگی معروف هم حاصل همین کالا کردن هر چیز و کالا دانستن تمام وجود است که سرمایه داری بر آن مبتنی است. (Ibid)

بطور خلاصه اکوسوسیالیست ها سرمایه داری و اقتصاد بازار را اساساً مخرب و در غیریت و دشمنی با طبیعت تلقی می نمایند و برای حفظ طبیعت خواهان ایجاد تغییرات رادیکالی و انقلاب در صورتبندی ساختار اجتماعی و سیاسی موجود می باشند.

اما واقعیت آنست که پیروزی اقتصاد بازار همه جا عالم گیر بوده است و چپ ها تقریباً در

اکثر دنیا متحمل شکست شده اند.

بهره

# فصل دوم

دوم

نگرش و عملکرد زیست محیطی در ایران از گذشته تا حال

## تاریخچه نگره زیست‌محیطی در ایران

چنانکه در فصل قبل بصورت مفصل گفتیم در جهان کنونی دیر زمانی است که انسان پی برده که برای نیل به توسعه‌های صنعتی و عمرانی تنها توجه به ملاحظات اکونومیستی و فنی کافی نبوده و مطالعات زیست‌محیطی و پارامترهای متنوع مربوط می‌بایستی بعنوان عوامل تعیین‌کننده در مراحل آغازین طرح‌های عمرانی مورد ملاحظه قرار گیرند. تا بحال جوامع بین‌المللی با دو مقوله محیط‌زیست و توسعه با نگرانی مواجه می‌گردیدند. تجارت تلخ گذشته مؤید این نظریه است که پیشرفت‌های صنعتی و توسعه عمرانی پیوسته به بهای از دست رفتن منابع طبیعی، تخریب و دگرگونی محیط‌زیست بدست آمده‌اند.

اکنون پاره‌ای از نظریه پردازان و کارگزاران توسعه از جمله ایران بر این باورند که میان توسعه و محیط‌زیست رابطه معکوس و متضاد برقرار نبوده و با برنامه‌ریزی صحیح و نیز استفاده از علوم بوم‌شناسی جهت انجام ارزیابی‌های زیست‌محیطی می‌توان از طبیعت به نحو معقول بهره‌برد و توسعه پایدار حاوی این پیام است.

بطور سنتی و غیرسازمان یافته توجه به محیط‌زیست در ایران از سابقه‌ای تاریخی برخوردار بوده است و لزوم احترام به آن همچون تابعی از کلیت فرهنگ باستانی بشر در فرهنگ گفتاری و نوشتاری به شکل‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفته است ارزش‌های مذهبی ملهم از تعالیم مذهبی همواره بر به کارگیری تدبیر آدمی در مواجهه با ثروت‌های طبیعی تأکید داشته است. تورق تاریخ ایران نشان می‌دهد که طبیعت در زندگی ایرانیان همواره نقش مهمی داشته است از مثال‌های زیر پیداست که ایرانیان به وسیله رهبران سیاسی و مذهبی خود به حفظ و نگهداری از طبیعت تشویق می‌شدند.

درخت و جنگل در اسطوره‌شناسی ایرانیان اهمیت زیادی دارد، در اسطوره‌های ایرانی، درختان انسان‌های خوبی بودند که پس از مرگ تبدیل به درخت می‌شدند و زندگی جاودانه می‌یافتند به همین دلیل قطع درختان قطور کاری ناصواب بود ایرانیان می‌گفتند هرکس درخت

که‌نسال یا درخت میوه‌ای را قطع کند در همان سال یکی از خویشاوندان خود را از دست خواهد داد.

- در اوستا، «زرتشت» به روشنی از حمایت حیوانات صحبت می‌کند و آزار آنان را گناه کبیره می‌داند. وی در ارتباط با طبیعت از «اهورامزدا» می‌پرسد چه قومی خوشبخت‌تر است؟ در پاسخ می‌شنود. ملتی که درخت مثمر بکارد و زمین‌های لم‌بزرع را به زمین‌های کشاورزی تبدیل کند.

- از میان درختانی که در ایران یافت می‌شوند چنار، سرو، کنار و انار، نخل و زیتون نزد ایرانیان محبوبیت بیشتری داشتند. درخت عظیم چنار سایه وسیعی دارد و مردم معتقد بودند که این درخت از شیوع تب و بیماری‌های عفونی جلوگیری می‌کند. امروزه علم ثابت کرده است که بعضی از درختان با متصاعد کردن انواع اسانس در هوا، باعث نابودی بسیاری از میکروب‌ها و جانوران ریز مضر می‌شوند (فیتونسید). (یخکشی، ۱۳۸۱: ۳۰)

ایرانیان حتی امروز بر برخی از این نوع درختان دخیل می‌بندند و امید شفاء و درمان از آنها دارند.

- رهبران سیاسی و مذهبی نیز در آشنا کردن مردم با اهمیت حیاتی جنگل و طبیعت نقش مهمی داشتند. حفاظت و جلوگیری از آلودگی عناصر چهارگانه: آتش، خاک، آب و هوا مورد توجه «هخامنشیان» بود آنها براساس آیین زرتشت در این مورد قوانین تدوین کردند. مثلاً استحمام و شست و شوی لباس در آب روان ممنوع بود.

- «کوروش» و «داریوش» در فرامین خود به فرمانداران ایالات حفظ و حمایت از جنگل و کشت درختان مثمر را توصیه می‌کردند.

داریوش در نامه‌ای به حاکم «گوداتس»<sup>(۱)</sup> نوشته است: من نیت شما را در بهبود بخشیدن کشورم از طریق انتقال و کشت درختان میوه‌دار آن سوی فرات در بخش علیای آسیا تقدیر می‌کنم، داریوش و کوروش خود نیز در روز درختکاری شرکت می‌کردند و درخت می‌کاشتند. (حجازی، ۱۳۴۰: ۱۸ تا ۲۶)



«خشایار شاه» در لشکرکشی خود به آسیای صغیر حفاظت منطقه‌ای از جنگل‌های سرورا به گارد سلطنتی خویش سپرد و با این عمل اولین منطقه حفاظت شده دنیا را در چند صد سال قبل از میلاد مسیح ایجاد کرد. (همان) بر همین اساس «اشپربر<sup>(۱)</sup>» معتقد است که ایرانیان اولین قومی بودند که سازمان جنگل‌داری داشتند. (یخکشی، ۱۳۸۱: ۳۲)

معروف است که دهقانی پیر و دانا در ۱۴ قرن پیش کلماتی بس پرمعنی به انوشیروان گفت و به خاطر آن کیسه‌ای زر جایزه گرفت «دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما بکاریم تا دیگران بخورند» پرواضح است که تعریف اصل توسعه پایدار بر همین ایده و فکر بکر ایرانی استوار است. با توجه به اینکه هویت ایرانی از سه لایه تمدنی ایرانی، اسلامی و غربی (انسانی) تشکیل یافته است قابل ذکر است که حفظ و حمایت از طبیعت و محیط زیست در دین مبین اسلام هم توصیه شده است روستاییان مسلمان ایرانی هنوز هم آب را مهریه «فاطمه» (س) دختر پیامبر (ص) می‌دانند و آلوده کردن آنرا گناه می‌دانند.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «رنجانیدن چهارپایان به هیچ آیین معقول و پسندیده نیست حق ندارید شتران شیرده را از بیچگان شیرخوارشان جدا کنید تا از فشار شیر پستان مادرش آماس کند و دل دردمندش از ستم شما به فریاد آید...». (فاضل، ۱۳۵۱: ۷۷)

در فقه اسلامی برای ذبح حیوانات کفاره تعیین شده است، و جالب است که شیعیان ایران امام هشتم (ص) را «ضامن آهو» می‌نامند.

با توجه به موارد و حقایق فوق می‌توان ادعا کرد که عقیده حفظ و حمایت از حیوانات و از دیرزمان در ایران وجود داشته است و مبتکر آن سازمان ملل و یا کشور دیگری نیست. ولی متأسفانه حمله مغول به ایران این همبستگی را به کلی از هم گسیخت.

در آغاز شاید از بین بردن جنگل‌ها کارآسانی برای ایرانیان نبود و قلب‌شان حاضر به انجام چنین کاری نمی‌شد، ولی به مرور و به اجبار با این کار خو گرفتند، تا حدی که امروز، دیگر هیچ از همبستگی و آشتی بین مردم و طبیعت دیده نمی‌شود.

امروزه ایران به رغم وجود قوانین مدرن مؤسسات آموزشی و سازمان‌های اجرایی مربوطه، جنگل‌ها را نابود کرده و بر اثر فقر و نداشتن فرهنگ زیست‌محیطی کمتر به محیط‌زیست خود توجه می‌کند.

بطور خلاصه از سپیده دم تاریخ کشورمان شرایط زیست‌محیطی و تنوع فراوان منابع طبیعی از عوامل عمده‌ای بودند که باعث شدند تا تمدن‌هایی بزرگ و شکوفا در کشور ایران کهن پدید آیند و امروزه براساس این میراث و دیرینه است که بازم ایران در میان ملل باستانی از جایگاه شایسته‌ای برخوردار است. اما از سوی دیگر امروز ایران وارث قرن‌ها بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی حاصل از تحقیق مدرنیته ناتمام و علاوه بر آن اثرات تخریبی هشت سال جنگ تحمیلی بر محیط‌زیست کشور است.

### اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

منصفانه است اگر بگوییم قانون اساسی ایران در زمره نادرترین قوانین اساسی جهان است که به مشکلات جهان شمول زیست‌محیطی مصرحاً و مشخصاً توجه دارد. اصل ۵۰ قانون اساسی که این موارد مهم را دربردارد دارای ابعاد گسترده‌ای است که اهم آن عبارتست از ملاحظات توسعه پایدار و همچنین ملاحظات جامعه مدنی.

#### اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.

با توجه به طرح جامعه مدنی و قانون‌گرایی، بررسی ابعاد مترقی قانون اساسی یک ضرورت اجتماعی است، اصل پنجاه قانون اساسی که در کادر فوق آمده است بر توسعه پایدار با تمام تفصیلی که در فصل اول گذشت تأکید دارد به علاوه یک بعد مهم آنقابل بحث در جامعه مدنی است (علیخانی، ۱۳۷۶: ۱۱، ۱۲)

پیش از پرداختن به این دو محور جا دارد از شادروان دکتر تقی ابتکار که از افتخارات دانش و مدیریت زیست محیط کشور بودند، به بهانه نقش مستقیم‌شان در کمک به گنج‌انده شدن اصل پنجاه در قانون اساسی ذکر خیر شود. (ابتکار، ۱۳۸۰: ۴۱، ۵۰)

چنانکه در تعاریف گوناگون از توسعه پایدار ذکر شد تلاش‌های صنعتی و رشد اقتصادی که اساس توسعه را تشکیل می‌دهد، نباید موجب صدمه جبران‌ناپذیر به محیط زیست شود. زیرا در غیر این صورت هدف مهم توسعه که عبارتست از راحتی و آسایش بیشتر انسان سخت مورد تهدید قرار می‌گیرد. در دو قسمت از اصل پنجاهم، توسعه پایدار مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است.

از طرفی از مشخصات توسعه ناپایدار مصارف بی‌رویه انرژی مخصوصاً سوخت‌های سنگواره‌ای (فسیلی) و غارت آن است. بطوریکه برای آیندگان فقط مخازن تخلیه شده عظیم زیرزمینی به ارث می‌رسد. قانون اساسی مصرحاً این ناهنجاری‌های اقتصادی را ممنوع اعلام کرده است و این دستاورد قانونی در زمانی که هنوز مسئله توسعه پایدار مانند امروز مطرح نبود یک توفیق بزرگ است. (همان: ۴۴) همچنین چنانکه قبلاً گفتیم نگرانی برای حفاظت کره مسکون در اجلاس زمین و بیانیه ۲۱ در ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ به اوج خود رسید، اصل پنجاهم قانون اساسی حدود ۱۲ سال قبل از اجلاس سران در ریو، موضوع رشد و توسعه موافق با محیط زیست را مطرح نموده است. (همان) در جمله دوم تأکید مجدد و مهمی در قانون اساسی وجود دارد و غیرقانونی بودن فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن را که موجب آلودگی محیط‌زیست و تخریب غیرقابل جبران آن می‌شود. مطرح می‌کند.

البته باید توجه داشت که تنها محک آزمایش پایداری توسعه و طرح‌های توسعه‌ای

ماشین‌زمان است. یعنی فقط پس از گذشت زمان ناپایداری و اثرات زیانبار زیست‌محیطی طرح به صورت تخریب غیرقابل جبران خود را با منظره زشت نشان می‌دهد. تجربیات گذشته و ارزیابی‌های زیست‌محیطی (چنانکه بعداً خواهیم آورد) ابزار مهمی است که مهندسان و طراحان با کمک برنامه‌های کامپیوتری و شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای امروزه می‌توانند قبل از اجرای برنامه‌های توسعه پایداری و یا ناپایداری آنها را پیش‌بینی کنند.

بنابراین فقره فوق درخواست پایدار بودن فعالیت‌های اقتصادی و توسعه‌ای به طور قطع از مواضع بسیار ریشه‌ای و اصولی قانون اساسی می‌باشد.

مطلب دیگر رابطه این اصل قانون اساسی با ایدئولوژی جامعه مدنی است و وظیفه عمومی تلقی کردن حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار وابسته به آن بعد پراهمیت دیگری را مورد تأکید قرار داده است. اصل پنجاهم همراه برخی از اصول دیگر قانون اساسی دربرگیرنده وظایف و تکالیف افراد در مقابل یکدیگر است. چنانچه می‌توان نتیجه‌گیری کرد تلاش برای به وجود آمدن یک جامعه مدنی در ایران از این حیث غیرسیاسی که جناح‌های مختلف در آن می‌توانند به راحتی اجماع داشته باشند یک ضرورت و نه حتی یک انتخاب محسوب می‌شود و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد جامعه مدنی در ایران را مورد توجه قرار داده است.

اصول قانون اساسی به سه بخش قابل تقسیم است:

- بخش اول مربوط به افراد جامعه،

- بخش دوم مربوط به روابط افراد با نظام و دولت جمهوری اسلامی (حقوق اساسی)

- بخش سوم مربوط به روابط بین افراد

چنانکه ملاحظه می‌شود اصل پنجاهم قانون اساسی مربوط به بخش سوم فوق‌الذکر است

که روابط بین افراد جامعه را در زمینه زیست‌محیطی یادآور می‌شود،

نتیجتاً این که اصل پنجاهم قانون اساسی دارای ابعاد وسیعی است که عبارت است از لزوم

توسعه و رشد اقتصادی در کشور و حفاظت از محیط زیست بطور همزمان، منع قانونی

فعالیت‌های اقتصادی که منجر به تخریب غیرقابل جبران محیط‌زیست می‌شود، یعنی تأکید بر

توسعه پایدار. بالاخره وظیفه عمومی پاسداری از محیط‌زیست به عنوان مهمترین پایه‌های جامعه مدنی می‌باشد. اعطای یک کشور توسعه یافته همراه با محیط زیست پاک، به نسل‌های آینده ضمن برخورداری نسل کنونی از طریق توسعه صنعتی و رشد اقتصادی از اهداف مهم، خطیر و شاید متناقض نما (پارادوکسیکان) یا متناقض‌الاجزاء این اصل باشد.

### ساختار تشکیلاتی سازمان‌های اجرایی کشور در ارتباط محیط‌زیست

در ایران سازمان‌های متفاوت و متنوعی در زمینه حفظ، احیاء، توسعه منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست فعالیت دارند که عبارتند از سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها، و مراتع کشور.

نظر به اینکه این دو سازمان در یک وزارتخانه مستقر نیستند در اجرای برنامه‌ها و اهداف آنها هماهنگی کاملی وجود ندارد. این در حالیست که هر دو یک هدف مهم یعنی حفظ، احیاء و توسعه منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست را دنبال می‌کنند سازمان حفاظت محیط زیست در سطح معاونت وابسته به تشکیلات ریاست جمهوری بوده و سازمان جنگل‌ها و مراتع در سطح معاونت وابسته به وزارت کشاورزی است. از آنجا که مسئله ادغام برخی از وزارتخانه‌ها از جمله ادغام وزارت کشاورزی و زات جهاد سازندی به یک وزارت با نام جهاد کشاورزی صورت گرفته است شاید بجا باشد تا جایگاه واقعی سازمان‌های حفاظت محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور را کمی بیشتر بررسی کنیم.

### الف) سازمان حفاظت محیط‌زیست

نگاهی گذرا به تاریخ تشکیل و تکامل سازمان حفاظت محیط‌زیست در جهان نشان می‌دهد که الگویی معین و ثابت برای این سازمان وجود ندارد. مثلاً در آلمان وزارت محیط‌زیست و راکتورهای اتمی در سطح فدرال وجود دارد. البته تشکیل وزارت محیط‌زیست در یک کشور مهم صنعتی جهان قابل درک است. این سازمان در

«کانون شکار» را به وجود آوردند. این کانون شعبی به وجود آورد که تمامی اعضای آن به طور افتخاری خدمت می‌کردند. کانون بعدها توسعه یافت و پس از تصویب دو مجلس سنا و شورا و تدوین قانون صید و شکار در ۱۳۴۶ به سازمان شکاربانی و نظارت بر صید تشکیل شد. (بیخکشی، ۱۳۸۱: ۳۶۸، ۳۶۹)

سازمان شکاربانی و نظارت بر صید به عنوان دستگاه مستقل دولتی زیر نظر شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید مرکب از وزرای کشاورزی کشور، دارایی، جنگ و شش نفر از اشخاص دارای صلاحیت اداره می‌شد. در سال ۱۳۵۰ بر اساس ماده ۴ قانون تجدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان‌های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و انحلال وزارت منابع طبیعی (مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۱۲) نام سازمان شکاربانی و نظارت بر صید به «سازمان حفاظت محیط زیست» و نام شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید به «شورای عالی حفاظت محیط زیست» تغییر کرد. در سال ۱۳۵۳ با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست این سازمان وابسته به نخست‌وزیری شد و زیر نظر شورای عالی حفاظت محیط زیست انجام وظیفه کرد. (شاحیدر، ۱۳۷۳: ۴)

با استقرار نظام جمهوری اصل پنجاهم قانون اساسی به حفاظت از محیط زیست اختصاص یافت. آخرین تحول قانونی در این خصوص به سال ۱۳۶۸ باز می‌گردد که طی آن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازنگری و متعاقب آن قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در سال ۱۳۷۱ اصلاح شد. در نتیجه با تغییر در ترکیب اعضای شورای عالی حفاظت محیط زیست رئیس جمهور در صدر این شورای عالی قرار گرفته است و رئیس سازمان با عنوان معاون رئیس جمهور ادای وظیفه می‌نماید (فتحی، ۱۳۸۱: ۱۲۷)

اعضای شورای عالی محیط زیست که بالاترین رکن سازمانی تلقی می‌شود عبارتند از:

۱- رئیس جمهور

۲- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۳- وزیر صنایع

۴- وزیر جهاد کشاورزی

۵- وزیر کشور

۶- وزیر مسکن و شهرسازی

۷- معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (مدیریت و برنامه‌ریزی)

۸- معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست

۹- چهار نفر از مقامات ذیصلاح که بتابد پیشنهاد رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و

تصویب رئیس‌جمهور برای مدت ۳ سال منصوب می‌شوند.

این سازمان مستقیماً زیر نظر ریاست جمهوری فعالیت می‌کند و در سراسر کشور دارای واحدهای تابعه بوده و در هر یک از استان‌ها اداره‌کل حفاظت محیط زیست به انجام فعالیت‌های مربوطه مشغول است.

بر اساس شرح وظایف قانونی سازمان حفاظت محیط زیست عهده‌دار رسالت و وظایف

زیر است:

۱- مطالعه عوامل مخرب و آلاینده‌های مختلف محیط زیست

۲- به کارگیری فن‌آوری‌های سازگار با محیط زیست و ارائه دستورالعمل‌های زیست‌محیطی برای مکان‌یابی محل استقرار واحدهای بزرگ صنعتی کشاورزی و سکونتگاه‌های انسانی و ...

۳- گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه محیط زیست

۴- تهیه و تدوین ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی برای مدیریت و بهره‌برداری از منابع آب، خاک، هوا، مدیریت پسماندها و زباله‌های شهری، روستایی، صنعتی و کشاورزی، کنترل دخالت در اکوسیستم‌ها مطابق ظرفیت‌های طبیعی آنها

۵- گسترش آگاهی‌های زیست‌محیطی

۶- جمع‌آوری، نگهداری، و نمایش گونه‌های گیاهی و جانورای از طریق ایجاد موزه‌ها و نمایشگاه‌های مختلف.

۷- اعمال نظارت و دخالت‌های قانونی برای پیشگیری و منع ورود آلاینده‌ها به منابع

زیست محیطی (همان)

**ب) سازمان جنگل‌ها و مراتع**

مطالعه تاریخی جنگلبانی ایران نشان می‌دهد که این سازمان از بدو تأسیس خود در سال ۱۲۹۹ شمسی تاکنون تغییرات زیادی می‌کرده است. و از «دایره جنگلبانی» به صورت «وزارت منابع طبیعی» تکامل یافته است. اکنون این سؤال پیش می‌آید که سازمان جنگلبانی ایران در واقع باید به چه صورتی اداره شود. تا بتواند با توجه به شرایط کشور وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد از آنجا که این بی‌مقدار از میان صاحب‌نظران امور جنگل‌ها و مراتع ایران جناب آقای پروفیسور علی یخکشی به عنوان صاحب نظر اصلح در این زمینه تشخیص داد، نظرات آن استاد را پذیرفت که خلاصه آنرا ذیلأ به عرض می‌رسانم: (یخکشی، ۱۳۸۱: ۳۶۷ تا ۳۷۱)

یک سازمان جنگلبانی می‌تواند به صورت‌های زیر اداره شود.

۱- سازمان جنگلبانی غیرمستقل متعلق به یک وزارتخانه.

۲- سازمان جنگلبانی مستقل وابسته به یک وزارتخانه.

۳- وزارت جنگلبانی.

**سازمان جنگلبانی غیرمستقل متعلق به یک وزارتخانه**

این روش قدیمی‌ترین شکل سازمان جنگلبانی است که حتی امروزه در بعضی از کشورهای پیشرفته جهان دیده می‌شود. سازمان جنگلبانی غیرمستقل می‌تواند وابسته به وزارت دارایی، اقتصادی و کشاورزی باشد.

در ایران از سال ۱۲۰۹ تا ۱۳۲۷ سازمان جنگلبانی غیرمستقل و وابسته به وزارت فلاح و فواید عامه و بعدها «وزارت کشاورزی» بوده ولی حاصلی در بر نداشته، سازمان جنگلبانی غیرمستقل وابسته به وزارت کشاورزی به دلیل زیر مناسب نیست.

۱- چون خط‌مشی سازمان جنگلبانی به طور مستقل از طرف آن سازمان تعیین نمی‌شود

مسئولان مجبورند در بسیاری موارد فواید برنامه‌های کشاورزی را در نظر بگیرند.

۲- وزارت کشاورزی بی‌میل نیست برای توسعه سطح زمین‌های کشاورزی جنگل‌های



- مخروبه ولی قابل احیا را به زمین زراعتی تبدیل کند این اتفاق در دهه ۵۰ رخ داده است.
- ۳- زمین‌های بایر در درجه اول به زمین‌های زراعتی تبدیل می‌شوند. در چنین مواقعی، توسعه جنگل همیشه در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد.
- ۴- برای تولید بیشتر فرآورده‌های حیوانی، تعلیف دام در جنگل توسعه داده می‌شود.

### سازمان مستقل جنگلبانی وابسته به یک وزارتخانه

قبل از تشکیل وزارت منابع طبیعی سازمان جنگلبانی ایران مؤسسه‌ای مستقل ولی وابسته به وزارت کشاورزی بود رئیس سازمان نیز سمت معاونت وزارت کشاورزی را برعهده داشت.

برتری این روش نسبت به سازمان‌های قبلی در این است که می‌توان با هزینه و نیروی انسانی کمتر به همان اهدافی رسید که وزارتخانه‌ای مستقل برای رسیدن به آن می‌کوشد در آمریکا سازمان جنگلبانی جزو وزارت کشاورزی است. در این کشور جنگل‌ها را به ۱۰ منطقه تقسیم کرده‌اند که به وسیله ۱۷۳ سرچنگلداری اداره می‌شوند سرچنگلداری‌ها نیز به ۸۲۰ جنگلداری تقسیم شده‌اند که هر یک به وسیله یک مهندس جنگل اداره می‌شود.

سازمان جنگلبانی آمریکا به صورت صف و ستاد اداره می‌شود. در هر سرچنگلداری یک مؤسسه بررسی‌های علمی وجود دارد که به طور مستقیم زیر نظر سازمان مرکزی واشنگتن کار می‌کند.

در ایران سازمان جنگل‌ها زمانی غیرمستقل بوده و به وزارت کشاورزی وابسته بود و در واقع بصورت سازمانی مستقل اداره می‌شد. در وزارت منابع طبیعی بصورت یک سازمان مستقل در سطح معاونت عمل می‌کرد. هم اکنون با چنین اختیاراتی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی است.

### وزارت جنگلبانی

وزارت جنگلبانی برای اولین بار در جهان، به دستور «فردریک کبیر» در ۱۷۷۰ در آلمان

تشکیل شد و در ۱۷۹۸ به علت هزینه زیاد منحل شد. جنگل‌های اتحاد جماهیر شوروی نیز به وسیله جنگلبانی اشاره می‌شود.

تشکیل این وزارتخانه در ایران اگر چه ممکن است باعث پیشرفت بیشتر کارها شود اما به دلیل محدودیت سطح جنگل‌های کشور، اقتصاد نیست و باعث بالارفتن هزینه‌ها می‌شود.

با توجه به این استدلال مناسبترین شکل سازمان، ایجاد وزارتخانه‌ای از رشته‌های مختلف منابع طبیعی قابل احیای کشور است. (یخکشی، ۱۳۸۱: ۳۷۲)

تشکیل وزارت منابع طبیعی در ایران گام بزرگی در راه پیشبرد مقاصد ملی شدن جنگل‌ها، مراتع، خاک و آب بود. با این اقدام، جنگل که از منابع زرخیز (طلای سبز) طبیعی در سطح ملی است، مانند دیگر رشته‌های منابع طبیعی کشور نظیر: آب، مرتع و غیره در یک سطح قرار گرفت و همه با هم بدون اینکه یکی بر دیگری اولویت داشته و یا سیاست‌های آن سدی در برابر پیشرفت هدف‌های سازمانی دیگر باشد. می‌توانستند با هزینه پرسنلی کمتر، در راه حفظ، توسعه و بهره‌برداری صحیح‌تر از منابع کشور همکاری کنند. اکنون که وزارت جهاد و وزارت کشاورزی در هم ادغام شده‌اند، برای استفاده صحیح‌تر از شعب اقتصاد منابع طبیعی بهتر است سازمان‌هایی مانند سازمان جنگل‌ها و مراتع صنایع چوب، آب و خاک، آمایش سرزمین و محیط‌زیست طبیعی در یک وزارتخانه به فعالیت پردازند. رؤسای هر یک از این سازمان‌ها در سطح معاون و زیر باشد و در شورای هماهنگی که با ریاست وزیر تشکیل می‌شود باید بین هدف و برنامه‌های سازمان‌های فوق با توجه به اصل هم‌ترازی سازمان‌ها و موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور تعادل برقرار شود. وظایف حفاظت محیط‌زیست داخل شهری را می‌توان به وزارت کشور یا شورای شهر محول کرد. ادغام وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی اگر در همین سطح و به همین صورت فعلی باقی بماند، نه فقط مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه مشکلات جدیدی را نیز به وجود می‌آورد. وزارت جهاد کشاورزی که زاییده انقلاب است و در تب انقلاب به وجود آمد. همانند یک موزاییک یا سنگ کنگلو مراست که شعبات مختلف گاهی ناهماهنگ با اقتصاد کشور، در این وزارتخانه به هم چسبیده‌اند. به دلیل بزرگی و اهداف مختلف این وزارتخانه کنترل آن آسان



و عرض آن از «سرخس» در شرق تا مصب رودخانه الوند در غرب نزدیک به ۱۴۰۰ کیلومتر است. در حالیکه سواحل دریای خزر تا ۲۸ متر زیر سطح دریاهاى آزاد قرار دارند فلات مرکزی ایران به طور متوسط هزار متر از سطح دریا ارتفاع داشته و از هر طرف به وسیله کوههای مرتفع محصور شده است. این کوهها که مرتفع‌ترین قله آن در شمال بیش از ۵ هزار متر در غرب بیش از ۴ هزار متر ارتفاع دارد، مانع ورود ابرهای بارانزای دریای خزر در شمال و دریای سیاه در شمال غربی به منطقه مرکزی می‌شوند. به همین علت قسمت جنوبی سلسله جبال البرز و بخش شرقی زاگرس نیمه‌خشک بوده و هر چه به مرکز ایران نزدیک شویم اقلیم آن به نیمه بیابانی و بیابانی تبدیل می‌شود. (همان: ۱۷)

به علت همین وسعت زیاد و موقعیت خاص جغرافیایی آب و هوای متفاوتی بر نقاط مختلف کشور حکمفرماست در تابستان هوا در فلات مرکزی ایران بسیار گرم است و از آنجا که بسیاری از کوهها و مناطق اطراف شهرها فاقد پوشش گیاهی هستند و بیشتر ساختمان‌ها از آهن و بتن ساخته شده‌اند. گرمای هواگاه به ۵۰ درجه سانتی‌گراد بالای صفر می‌رسد و بسیار طاقت‌فرسا می‌شود. در منطقه جنوبی کشور به علت بالا بودن گرما و رطوبت نسبی هواگاهی این وضع بخصوص برای افراد مریض و پیر بسیار خطرناک بوده و حتی به مرگ انسان‌ها می‌انجامد شمال ایران دارای آب و هوایی ملایم است و تابستان‌های این منطقه برعکس منطقه مرکزی زیاد گرم نمی‌شود و غیر از منطقه کوهستانی اصولاً در قسمت جلگه‌ای دمای هوا در زمستان چندان پایین نمی‌آید.

با اینکه ایران سرزمینی وسیع است تنها قسمتی از خاک آن قابل استفاده و بهره‌برداری است. چراکه سطح وسیعی از مملکت را کوه‌های عظیم فاقد گیاه و مناطق نیمه‌بیابانی تشکیل می‌دهند. از قسمت قابل استفاده متأسفانه بهره‌برداری اصولی صورت نمی‌پذیرد.

اساساً هرگاه نقشه فلات ایران را به دقت بررسی کنیم از لحاظ اندک بودن تعداد رودخانه‌های دائمی می‌توان به روشنی به فقر آب این فلات پی‌برد بسیاری از رودخانه‌های ترسیم شده در نقشه‌های موجود رودخانه‌های فصلی هستند، یعنی در زمستان و هنگام بارندگی و

آب شدن برف‌ها مقداری آب در آنها جریان می‌یابد ولی در فصل‌های خشک حتی یک قطره آب نیز در مسیر آنها دیده نمی‌شود، رودخانه‌های دائمی اصولاً از کوه‌های مرتفع سرچشمه می‌گیرند مایه‌های برفی هستند، از نزول ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد مترمکعب سالانه برگستره ایران زمین تنها ۸۴ میلیارد مترمکعب آن مهار و مورد استفاده قرار می‌گیرند. و بقیه آن هدر می‌روند و در راه خود تخریب و فرسایش خاک را نیز موجب می‌گردند یعنی ۸۰٪ آن هدر می‌رود. (همان)

این مسئله کم‌آبی فلات ایران تا بدان حد اهمیت دارد که پاره‌ای از صاحب‌نظران از جمله خانم آن لمپتون و صادق زیباکلام بی‌آبی یا کم‌آبی را - در قیاس با اروپای غربی - علت اصلی عدم توسعه ایران می‌دانند. (زیباکلام، ۱۳۷۷: ۵)

با وجود کمی نزولات آسمانی در فلات مرکزی ایران که مشکل اصلی دست کم توسعه فضای سبز در این منطقه به شمار می‌آید به علت وجود سفره‌های وسیع آب زیرزمینی چشمه‌سارهای زیاد در کوه‌های زاگرس و البرز وجود دارد که باید به نحوی از آنها استفاده بهتری شود.

## روند اقتصادی ایران

با ورود ایران به بازارهای اقتصادی جهان که پس از جنگ جهانی دوم و از طریق عرضه نفت و صادرات آن صورت گرفت نفت منبع درآمد ملی کسب ارزشهای خارجی و نیز عامل مهم تغییرات اقتصادی فراوان گردید. (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۱۵)

درآمدهای نفتی ایران و بطور کلی اقتصاد متکی به درآمد نفت دو تأثیر عمده و پایا در جامعه ایران برجای گذاشت که هر دو اثرات مهمی بر محیط زیست اعمال نموده‌اند:

الف) رشد صنعت و خدمات در بخش اقتصادی

ب) مهاجرت روستاییان به شهرها

قبل از جنگ جهانی تنها ۲۵٪ جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کردند ولی توسعه تدریجی راه‌ها بهبود وسائط نقلیه و امن شدن راه‌ها موجب مهاجرت مردم و سهولت مسافرت و

حمل و نقل گردید. چنانکه در سال ۱۳۳۹ حدود ۳۴٪ از مردم در شهرها ساکن گردیدند، تا قبل از سال ۱۳۳۹ منبع آلودگی‌ها در ایران بسیار ابتدایی بوده در حد جوامع کوچک نیمه سنتی مواد آلوده کننده تولید می‌گردید و فقط در برخی از نقاط (مثلاً منطقه آبادان بخاطر پالایشگاه آبادان) میزان آلودگی از حد آروز خارج بود. در تهران در سال ۱۳۴۴ مسئله زیست محیطی اصلی کیفیت آب آشامیدنی بود.

خلاصه آنکه از سال ۱۳۳۹ تاکنون ایران سیاست واردات متکی به درآمد نفت را اتخاذ نموده است و مانند بسیاری از جوامع این سیاست منجر به رشد شهرنشینی و بخش خدمات گردیده است. همزمان با رشد صنعت و رشد واردات صنعت کشاورزی رو به افول نهاده است و سرمایه‌گذاری بسوی فعالیت‌های ساختمان‌سازی متمرکز گردیده‌اند مناطق صنعتی از نظر تعداد افزایش یافته و مانند نگینی اطراف شهرها را فرا گرفته است. طبیعی است که در ایران نیز همچون سایر کشورهای جهان سوم اکثر این صنایع در اطراف پایتخت و شهرهای بزرگ استقرار یافته باشند. نتیجه آنکه شهرها آمادگی هجوم روستاییان و صنایع را نداشته و از نظر خانه و مسکن وسایل بهداشتی و تأمین آسایش و رفاه مشکلات عدیده‌ای سر راه، مهاجرین بوجود آمد. (کهرم، ۱۳۷۴: ۱۹۰)

رشد سریع جمعیت شهر به سه علت در ایران اتفاق افتاد

۱- رشد سریع ۳/۵ تا ۴ درصدی جمعیت کشور

۲- سیاست‌های اقتصادی

۳- مسایلی که وابسته به رشد درآمد سرانه و جمعیت می‌باشد.

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۵ با توجه به ماهیت حکومت طبعاً توجه بیشتر به بخش کشاورزی معطوف گشت و بودجه عظیمی صرف توسعه و برق‌رسانی به مناطق روستایی شد که البته باید گفت بخش قابل توجهی از پروژه‌های کشاورزی و خصوصاً برق‌رسانی به روستاها و کوره دهات فاقد توجیه اقتصادی بود مع الوصف گرایش به شهرنشینی هنوز ادامه دارد.

خوشبختانه با توجه به اقدامات عظیمی که دولت در زمینه کنترل جمعیت انجام

داده‌هاست اکنون نرخ رشد جمعیت به ۱/۴ کاهش یافته است و گرنه با نرخ رشد نزدیک ۴ درصد جمعیت اکنون می‌بایست جمعیت ایران نزدیک به صد میلیون نفر می‌شد. (همشهری، دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۸۲: ۱۲ سال باز هم شماره ۳۰۱۶)

### فقر و فقرزدایی (و مسائل محیط‌زیست)

طی دو دهه گذشته بدلیل ماهیت طبقاتی نظام حاصل از انقلاب اسلامی مبارزه با فقر و بی‌عدالتی دست کم در سطح شعار و ارزش‌گذاری در کانون توجه جمهوری اسلامی بوده است. و در تدوین سیاست‌های کلان برنامه اول، دوم و سوم توسعه کشور فقرزدایی و برخورداری عموم از حداقل معیشتی از اولویت‌های خاصی برخوردار بوده است که فارغ از شکاف فزاینده میان عده‌ای اندک از ثروتمندان جامعه و اتخاذ دیدگاهی مثبت می‌توان نتیجه آنرا بصورت ذیل خلاصه بیان نمود:

۱- حمایت از مصرف‌کنندگان به ویژه اقشار کم درآمد در جهت کاهش هزینه خانوار و تأمین حداقل نیازهای اساسی مردم از طریق نظام سهمیه‌بندی کالاهای اساسی شامل آرد، برنج، قند و شکر که خصوصاً توسط دولت میرحسین موسوی در دوره ریاضت اقتصادی کشور در زمان جنگ تأسیس شد و تاکنون به رغم همه آزاد سازی‌های اقتصادی ادامه دارد. و همچنین تعیین و تثبیت قیمت نسبی کالاهای اساسی غذایی و ضروری و تنظیم برنامه سالانه اجرایی برای توزیع آنها.

۲- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند از طریق تعمیم، گسترش، و بهبود نظام تأمین اجتماعی، فراهم سازی و نهادینه کردن امنیت غذایی و تعیین سبد مطلوب غذایی و متمرکز کردن فعالیت‌های رشد و توسعه اقتصادی به سمت عدالت اجتماعی به منظور بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مشتمل بر بهبود توزیع درآمد ثروت.

۳- سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه ایران در آموزش، بهداشت و درمان آموزش فنی و حرفه‌ای، ارائه خدمات حمایتی برای فقرای شهری و روستایی باعث بهبود شاخص‌ها از جمله

شاخص‌های آموزش (شامل میزان ثبت‌نام دانش‌آموزان) میزان باسوادی، شاخص‌های بهداشتی (شامل امید به زندگی، مرگ و میر کودکان و نوزادان مراقبت از مادران، پوشش کامل واکسیناسیون کودکان، تنظیم خانواده) شاخص‌های توسعه روستایی (شامل برخورداری از خدمات بهداشتی، درمانی، آب آشامیدنی سالم، برق و ارتباطات) و شاخص‌های توسعه اجتماعی یا برابر (شامل برابری دختران و پسران در دسترسی به فرصت‌های آموزشی و شغلی حمایت از زنان و کودکان بی سرپرست افزایش سهم و مشارکت زنان در مدیریت کشور) شده است. مطابق گزارش ملی توسعه پایدار بهبود در این شاخص‌ها مورد تأیید نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. (محرّم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲)

البته ارائه داورى فوق بمعنى رفع محدودیت‌ها و کمبودها در این زمینه نیست به طور کلی می‌توان کمبودهای عمده در برنامه‌های دولت برای مبارزه با فقر بدین گونه خلاصه نمود:

- ۱- فقدان نگرش یکپارچه در استراتژی‌های مبارزه با فقر
  - ۲- نبود اطلاعات لازم درباره گروه‌های ذی‌نفع و توزیع یارانه کالاهای اساسی در بین همه گروه اعم از دارا و ندار، حتی بعضاً ثروتمندان از برخی کالاهای یارانه‌ای مثل بنزین بهره بیشتری می‌برند.
  - ۳- فقدان رابطه منسجم بین فعالیت‌های دولت و مؤسسات خیریه و محلی و مشخص نبودن نقش‌ها و حد و مسئولیت‌های هر یک.
- متأسفانه دولت با وجود آنکه در برنامه سوم توسعه کشور سیاست و مواد قانونی لازم برای ساماندهی نظام غذا و تغذیه و هدفمندسازی یارانه‌ها انجام داده است. ولی تاکنون در اجرای بایسته‌های علمی و کارشناسی در این ارتباط موفق نبوده و احتمالاً از ترس نارضایتی و شورش فقرا قصد دارد در طی یک برنامه ۱۰ ساله به حذف یارانه‌ها پردازد که این زمان بسیار طولانی، محافظه کارانه و محتاطانه است.
- از تلاش‌های دیگر دولت در جهت رفع محدودیت‌های فوق‌الذکر تلاش در جهت تمرکززدایی از فعالیت‌ها در دولت و افزایش سهم بخش غیردولتی در ارائه فعالیت‌ها از طریق



تقویت بنیه مالی مؤسسات خیریه و واگذاری وظایف به نهادهای ملی و مؤسسات غیردولتی بوده است.

در حال حاضر چالش عمده برنامه مبارزه با فقر در ارتباط با توسعه پایدار تداوم الگوی مصرف کالاهای خانگی مازاد بر نیاز است که علاوه بر زیان‌های بهداشتی به دلیل فشار بیش از حد به محیط زیست تخریب منابع طبیعی را به دنبال خواهد داشت.

هم اکنون بیش از ۵۰۰ سازمان و جمعیت خیریه در سراسر کشور در خدمت رسانی به فقرا فعال‌اند و فعالیت‌های آنها بیش از ۵۰ هزار خانوار را تحت پوشش قرار می‌دهد. مضافاً تشکل‌های مردمی برخاسته از سنن و عقاید مردم در تأمین بخشی از منابع مالی مورد نیاز سهمیم بوده‌اند. (همان: ۵)

بطور کلی ایران در تدوین و تنظیم سیاست‌های ناظر بر توسعه پایدار مشکلی ندارد و قوانین و مقررات مصوب اغلب از نظر تأمین هدف‌های زیست‌محیطی کفایت دارند. اما آنچه مشکل‌ساز است به اجرا درآوردن سیاست‌های مرتبط با فقرزدایی در سطح ملی است که باید مورد توجه و تأکید بیشتر قرار گیرد. (مکنون، ۱۳۷۴: ۷)

هدفمندسازی یارانه انرژی، علاوه بر تأمین منابع مالی قابل توجه برای برنامه مبارزه با فقر و حمایت هدفمند از نیازمندان، مصرف بیش از اندازه از فرآورده‌های نفتی و به ویژه بنزین را متوقف یا کمتر می‌کند که در نتیجه آن آلودگی شدید هوای شهرهای بزرگ کاهش می‌یابد. آلودگی علاوه بر تهدید فضاها، سبز و تخریب منابع طبیعی شهری سبب ضایعات سنگین انسانی نیز می‌شود.

در تازه‌ترین گزارش یک منبع رسمی رویکردهای استراتژی ملی برای مبارزه با فقر بصورت

زیر اعلام شده است: (محرم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۷)

- تقدیم لایحه فقرزدایی به مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵ و بازپس‌گیری آن در

سال ۱۳۷۶ برای تکمیل و اصلاح

- تنظیم طرح «مبارزه با فقر» در سال ۱۳۷۹ و تقدیم آن به هیأت دولت این طرح خود

مشمول بر راهبردهایی به شرح زیر است :

- الف) یکپارچگی برنامه‌های فقرزدایی با برنامه‌های توسعه
- ب) توانمندسازی فقرا برای خروج طبیعی آنها از گردونه فقر از طریق ایجاد اشتغال
- پ) سیاستگذاری برای افزایش درآمد خانوارهای فقیر و کم‌درآمد از طریق توسعه اشتغال ساده و هدفمند کردن رایانه‌ها؛
- ت) اعمال حمایت مستقیم از نیازمندان فاقد توان کار و اشتغال؛
- ث) اولویت دادن به فقرای روستایی از طریق تأمین زیربناها و زمینه‌های توسعه؛
- ج) استقرار نظام شناسایی خانوارهای هدف

## الگوی مصرف و ضرورت تغییر آن

به طور کلی می‌توان حکم نمود که الگوی مصرف در ایران چه قبل از انقلاب چه بعد از انقلاب تا همین اواخر چه در سطح دولت و چه در سطح ملت (فرهنگ) غلط بوده است. در سال ۱۳۵۵ هنگامیکه رسانه‌های غربی بالا بودن مصرف سرانه گوشت را در ایران انعکاس می‌کردند، شاه ایران در واکنش به آنها شخصاً در تلویزیون ظاهر شد و ادعا نمود که «ما می‌توانیم شما نیز اگر می‌توانید بیشتر بخورید» این سخن ساده و سفیهانه مبین عدم درک صحیح از الگوی مصرف است. در پس از انقلاب هم جناح سنتی و محافظه کار باز استفاده از عناصر سنت و دین در برابر اصلاحات جهت تغییر الگوی مصرف مقاومت می‌کردند، مثلاً محافظه کاران در راستای حفظ سنت و جلوگیری از مدرنیزاسیون در بخش مسکن در مخالفت با طرح انبوه سازی مسکن دولت نسبتاً اصلاح طلب هاشمی رفسنجانی و شهردار مقتدر وی در تهران، استدلال می‌کردند که در احادیث آمده است که «من سعادة المرء سعة داره» از خوش بختی‌های مرد اینست که خانه‌اش وسیع باشد و همچنین انبوه‌سازی را از لحاظ فرهنگی بدلیل مشرف شدن بر خانه‌های اطراف به لحاظ اخلاقی و فرهنگی محکوم می‌کردند.

در ایران میانگین الگوی مصرف برای مسکن بیش از ۳۰۰ متر است حال آنکه این رقم در

انگلستان از ۶۰ متر هم تجاوز نمی‌کند. تنها به تازگی از سوی وزیر مسکن میزان ۷۵ متر به عنوان مناسبترین الگوی مصرف برای مسکن اعلام شده است که تا رسیدن به اجرای آن به طور فراگیر سائل‌ها فاصله است. (مکنون، ۱۳۷۴: ۳۷)

میرهن است که روش‌های اسراف‌گونه در الگوی‌های مصرف سبب وارد آمدن فشارهای عظیمی و مخاطره‌آمیز بر محیط‌زیست می‌شود. چنانکه این اتفاق در بخش‌های ثروتمندتر جهان خصوصاً ایالات متحده روی داده است.

دستور کار ۲۱ درباره الگوی مصرف که چراغ فراروی مسئولان امر در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد اهداف زیر را تشویق می‌نماید.

۱- پیشبرد نوعی از الگوی مصرف و تولید که فشار بر محیط‌زیست را به حداقل رساند و در عین حال نیازهای اولیه بشری را برآورده سازد.

۲- ایجاد ادراک بهتر از نقش مصرف و چگونگی دستیابی به الگوهای عقلانی‌تر.

تلاش بر این است تا بر پایه آموزه‌های دینی و اعتقادی و سوابق تاریخی و فرهنگی از اسراف و تبذیر<sup>(۱)</sup> پرهیز و قناعت در مصرف در بین ترویج گردد. چنانکه در سال ۱۳۶۸ - چهار سال پیش از اجلاس ریو - «شورای عالی بررسی و تعیین الگوی مصرف» به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و با عضویت چند تن از وزیران تشکیل شد. این شورا که دارای کمیته‌های کاردائمی و گروه‌های کارشناسی در زمینه آب، انرژی، حمل و نقل و ارتباطات دارو، خوراک و پوشاک و مسکن است الگوی مطابق مصرف، اشاعه فرهنگ صحیح از منابع ساده زیستی و مبارزه با اسراف را دنبال می‌کند. مفید آنکه مصوبات این شورا برای دستگاه‌های ذی‌ربط لازم‌الاجراست. بعضی توصیه‌های مصوب و اجرا شده این شورا که نتایج خوبی در پی داشته‌اند عبارتند از:

## آب

اعمال نرخ تصاعدی آب بهاء جلوگیری از اتلاف آب در شبکه‌های آبیاری، توسعه سیستم

۱- قرآن کریم مبذرین را برادران شیاطین خطاب می‌نماید.

آبیاری تحت فشار (که البته هنوز پاره‌ای از کارشناسان نسبت به کارآمدی آن تردید و قیل و قال دارند) بازیافت آب از تصفیه فاضلاب، کوشش در جهت جداسازی آب شرب از آب سایر مصارف.

## انرژی

اعمال مدیریت انرژی در طرح‌های بزرگ و مهم، توسعه نیروگاههای آبی، تغییر سوخت نیروگاهها با استفاده از گاز طبیعی که و توسعه شبکه گازی شهری (استفاده و جایگزینی گاز طبیعی با سایر سوخت‌ها در روسیه، ایران و سایر مناطق جهان موجب کاهش اثرات باران‌های اسیدی در این مناطق شده است).

بهره‌وری از انرژی‌های نو (بادی، خورشیدی، زمین گرمایی، بیوگاز و غیره که البته اغلب این موارد هنوز اقتصادی نیست) برقی کردن چاه‌های کشاورزی، یکپارچه کردن اراضی زراعی که منجر به کاهش مصرف انرژی می‌شود. بهره‌برداری از اتوبوس برقی و توسعه وسائط نقلیه عمومی و خصوصی گازسوز، بهبود الگوی پالایش مواد نفتی. (محرّم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۸)

## حمل و نقل و ارتباطات

توسعه شبکه ریلی راه‌اندازی قطارهای سنگین، بهسازی خطوط حمل و نقل توسعه امکانات حمل و نقل فله‌ای سیمان و گندم و عمومی شهری و بین شهری، راه‌اندازی مترو، اتوبوس برقی و توسعه شبکه‌های مخابراتی درون شهری، بین شهری و تلفن همراه با هدف کاهش سفرهای زائد.

## مسکن

ایجاد تسهیلات برای ساخت واحدهای مسکونی انبوه و کوچک و متناسب با الگوی

مصرف بهینه.

## دارو

تشکیل شورای بررسی و تدوین داروهای گیاهی

## کشاورزی و غذا

تولید و تکثیر بزره‌های اصلاح شده، بهینه کردن مصرف سموم و کود، بکارگیری روش مبارزه تلفیقی با آفات در جهت کاهش مصرف شیمیایی از جمله مبارزه بیولوژیک، توسعه صنایع تبدیلی، نگهداری و بسته‌بندی محصولات در جهت عرضه بهداشتی مواد غذایی و کاهش ضایعات، توسعه انبارهای محلی چندمنظوره و سیلوهای غلات، توسعه واحدهای تولید نان ماشینی و نان حجیم، نیمه حجیم و ایجاد تنوع و ترکیب مناسب و استانداردسازی گندم و آرد مصرفی واحدهای تولید نان و توسعه صنعت ماکارونی. (همان: ۱۰)

راهبردهای اصلی دولت در تغییر الگوی مصرف عباتند از:

- توجه به تغییر الگوی مصرف در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه کشور و تشکیل

شورای «بررسی و تعیین الگوی مصرف» در سال ۱۳۶۸ چنانکه قبلاً نیز اشاره شد)

- افزایش نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها در جهت دستیابی به اهداف تغییر الگوی مصرف از

طریق تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا و سازمان‌های غیردولتی.

- گسترش آموزش‌های عمومی و جلب مشارکت مردم و به ویژه زنان برای اجرای طرح‌های

صرفه جویی عمومی و بهینه کردن مصارف و تغییر الگو از طریق مباحث در نشست علمی رادیو و

تلویزیون، مطبوعاتی، و انتشار در نشریات علمی و تخصصی.

## جمعیت و پایداری

جمعیت ایران به صورتی نامتعادل در گستره این سرزمین استقرار یافته است. بیش از دو

سوم جمعیت ایران در نیمه شمالی و غربی کشور با تراکمی بیش از ۹۰ نفر در کیلومتر مربع و یک

در نواحی شرقی و جنوب با تراکمی در حدود ۵ نفر در کیلومتر مربع اسکان یافته‌اند.

بررسی های آماری نشانگر مهاجرت وسیع جمعیت روستایی به شهرها از یک سو و مهاجرت جمعیت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ از سوی دیگر است به طوری که جمعیت روستایی ایران از دو برابر جمعیت شهری بودن در سال ۱۳۳۵ به نسبت بالعکس یعنی نزدیک به دو برابر بودن جمعیت شهری در سال ۱۳۷۵ رسیده است (محرم نژاد، ۱۳۸۱: ۱۲)

رشد جمعیت نیز چنانکه گفتیم در طول جنگ با عراق بدلیل عدم تلاش برای جلوگیری از تا ۳/۵٪ و بیشتر هم رسید، یعنی برنامه اول توسعه بر مبنای رشد جمعیت بالاتر از ۳٪ تنظیم گردید. ولی خوشبختانه با اتخاذ تدابیر لازم این روند کاهش چشمگیری یافت به گونه ای که در سال ۱۳۷۸ یعنی طی ده سال از شروع برنامه اول توسعه در سال ۱۳۶۸ به نرخ رشد ۱/۴۱ کاهش یابد. (همان)

که چنین کاهشی در چنین فاصله ای کوتاه در دنیا کم نظیر است.

با این همه جمعیت کشور تا سال ۱۴۰۰ حداقل به ۹۲ میلیون نفر خواهد رسید که برآورد می شود از این تعداد جمعیت حدود ۶۷ میلیون نفر (۷۳ درصد) شهرنشین و حدود ۲۵ میلیون نفر (۲۷ درصد) روستانشین خواهند بود.

تا سال ۱۳۶۸ شاید بدلیل جنگ و پندار قدیمی ضرورت از دیار نفوس مسلمین و شیعیان و تداوم آن در ذهنیت فقهای این دوره، هیچ اقدامی جهت کنترل جمعیت صورت نگرفت و حتی ائمه جماعات جلوگیری از باروری را همچون سقط جنین حرام می دانستند، تا کار به جایی رسید که رشد جمعیت ایران به نرخ رشد جمعیت بالاتر از ۳ درصد کشورهای آفریقایی فزونی یافت که زمانی منوچهری شاعر قرن ششم هجری زیادی زایمان را به آنان نسبت می داد

به کردار زنی زنگی که هر شب      بزاید کودکی بلغاری آن زن

خوشبختانه بعد از پایان جنگ و شروع دوران سازندگی سیاست های دولت در این زمینه دچار یک تغییر رادیکال گردید و هدف کاهش جمعیت و جبهه همت مسئولان خصوصاً توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفت. که مجموعاً طبق گزارش های رسمی دولت نتایج و دستاوردهای زیر را در پی داشته است :

- تدوین و تصویب قانون تنظیم خانواده در سال ۱۳۷۲ با اهداف زیر: (کهرم، ۱۳۷۴: ۲۹)

۱- کاهش هزینه رفاه عمومی ایجاد تعادل بین توسعه اقتصادی و رشد جمعیت به منظور

کاهش فقر

۲- ارتقای سطح اقتصاد، بهداشت، فرهنگ و بهداشت روانی

۳- کاهش میزان حاملگی پرخطر زیر ۲۰ سال و بالای ۳۵ سال و حاملگی های پشت سر هم.

برنامه های دولت در زمینه جمعیت و پایداری آن عمدتاً پیرامون محورهای زیر قرار گرفته

است:

- کمک به خانواده ها برای داشتن درک بهتر از برنامه های کنترل جمعیت جهت جلوگیری از

حاملگی های ناخواسته

- برنامه ریزی ملی با توجه به منابع موجود و بهره گیری از تجربه کشورهای پیشرفته

- بالا بردن سطح دانش و مشارکت کلیه کارکنان بخش جمعیت در جهت اجرای وسیع و

گسترده برنامه های جمعیت

در نتیجه سیاست های دولت و مشارکت مردمی و همکاری با سازمان های غیردولتی

بخصوص سازمان های مربوط به زنان و «انجمن تنظیم خانواده ایران» که نقش عمده ای در

برنامه های بهداشت باروری داشته است دولت در زمینه کنترل جمعیت توانسته است مشخصاً به

نتایج زیر دست یابد.

الف) کاهش رشد جمعیت از  $\frac{3}{2}$  به  $\frac{1}{4}$  درصد

ب) کاهش میزان باروری کلی به  $\frac{2}{6}$  فرزند

پ) کاهش میزان مواد خام به  $\frac{17}{7}$  به ازای ۱۰۰۰ نفر سالیانه

ت) افزایش استفاده کنندگان از وسایل پیشگیری از بارداری به ۵۵٪

## حفاظت از جو

دولت ایران کنوانسیون وین و پروتکل مونترال، اصلاحیه های لندن، کپنهاک و مونترال را

پذیرفته است. در سال ۱۳۶۴ نیز به تأسیس دفتر حفاظت لایه ازن اقدام نموده است و در جهت نیل به اهداف کنوانسیون و پروتکل یاد شده تلاش‌های زیادی کرده است که مهمترین دستاوردهای آن عبارتند از:

- شناسایی واحدهای مصرف‌کننده مخرب لایه ازن
- دریافت منابع مالی لازم از صندوق چند جانبه پروتکل مونترال
- به انجام رساندن اولین تعهد دولت در برابر پروتکل مونترال مبنی بر تثبیت میزان فریون‌ها در سال ۱۳۷۷ و بر مبنای متوسط مصرف ۱۳۷۵-۱۳۷۳
- جذب مبلغ حدود ۳۰ میلیون دلار برای تجهیز صنایع سردسازی به فناوری‌های جدید که در حال حاضر به تولید محصولات جدید با مواد سازگار با لایه ازن مشغول‌اند
- تشویق صنایع مصرف‌کننده مواد مخرب لایه ازن برای تبدیل خط تولید به استفاده از فناوری سازگار با آن و حمایت از این نوع صنایع
- تشکیل کمیته ملی ازن و تدوین برنامه‌های کشوری برای حذف مواد مخرب لایه ازن و جذب مشارکت سایر دستگاه‌ها در قالب «چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی» به عنوان سیاست نوین صندوق چندجانبه پروتکل مونترال.
- بررسی طرح شناسایی راههای اجرایی طرح‌های پروتکل مونترال به صورت ملی
- برگزاری همایش‌ها و کارگاههای آموزشی در جهت آشنایی صنعت‌گران با اهداف و امکانات پروتکل مونترال و چاپ گزارش در روزنامه‌های
- بهره‌برداری از مشارکت علمی سازمان هواشناسی کشور در سنجش ازن پایه ایستگاه بین‌المللی ازن‌سنجی اصفهان و امین‌آباد فیروزکوه. (فتحی، ۱۳۸۱: ۱۰۲)
- متأسفانه با وجود همه تلاش‌ها و دستاوردهای فوق‌الذکر کمبودها و محدودیت‌های عمده‌ای در این زمینه وجود دارد. در سنجش تولید اسفنج نه تنها فناوری‌های توصیه شده نیازهای کشور را تأمین نکرده بلکه در مواردی فناوری‌های معرفی شده در کشور مبدأ نیز جدید و تکامل نیافته بوده و اجرای طرح در ایران با مشکلات عمده مواجه کرده است.



بر مبنای توصیه‌های فنی و اقتصادی (TEAP) صندوق چندجانبه پروتکل مونترال و سازمان‌های اجرایی آن در خصوص جایگزین‌ها تاکنون اقداماتی شده است ولی در مورد بعضی از جایگزین‌ها مانند HCFC.IHIB که به عنوان ماده میان مدت از سوی صندوق معرفی و سقف منابع مالی اعطایی نیز متناسب با میزان مصرف آنها تعیین شده است ایران نتوانسته به فناوری بلند مدت دسترسی یابد و از اینرو برخی واحدهای تبدیل شده در آینده نزدیک با مشکل تأمین مواد اولیه و پیامدهای نامطلوب آن روبه رو خواهند شد. (شریعت، ۱۳۷۵: ۲) کمبود منابع مالی برای اجرای طرح‌ها و همکاری غیرفعال واحدهای تولیدی به دلیل ناکافی بود آگاهی‌های فنی شان نیز مزید به کمبودهای فوق است.

## استفاده پایدار از منابع زمینی

### نفت

صنعت نفت ماهیتاً با آلاینده‌ها سروکار دارد. نفت خام ترکیبی از مواد شیمیایی مختلف است که هر یک به تنهایی آلاینده مهمی به شمار می‌آید. از طرفی بخش نفت از جایگاهی ویژه در تأمین ارز مورد نیاز کشور (حداقل ۱۶ میلیارد دلار فروش سالانه) افزایش تولید و اشتغال و نیز تأمین منابع ریالی برای دولت در جهت سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات برخوردار است با توجه به امکان تخریب عظیم زیست محیطی حاصل از منابع نفت، وزارت نفت ایران طی سالیان اخیر با توجه به توان مالی و علمی خود نسبت به سایر بخش‌ها، کوشش‌ها و جدیت‌هایی به عمل آورده تا از تخریب عظیم زیست محیطی به میزانی کاسته شود و در پاره‌ای از موارد به نسبت پیشگام و دوست محیط‌زیست باشد.

افزایش سهم گاز در سبد مصرف انرژی در داخل کشور، با جایگزین مصرف فرآورده‌های نفتی مایع با گاز طبیعی و اتخاذ سیاست صرفه‌جویی و بهینه‌سازی در مصرف انرژی که طبیعتاً دارای آثار مثبت زیست محیطی است، از راهبردهای اصلی صنعت نفت کشور بوده است با استفاده از این رویکردها طبق گزارش ملی توسعه پایدار دستاوردهای صنعت نفت به قرار زیر

می باشد. (محرّم نژاد، ۱۳۸۱: ۳۶ و ۳۷)

- بهینه سازی مصرف سوخت خودروهای تولیدی جدید، خودروهای موجود، بخاری ها، مشعل ها، ساختمان ها به همراه توسعه استفاده از گاز فشرده طبیعی.

- حذف تدریجی بنزین سرب دار در سراسر کشور و حذف کامل آن در بنزین مصرف کنندگان تهرانی بطوریکه تأثیر عظیمی در جلوگیری از آلودگی هوای تهران نموده است.

- توزیع نفت گاز کم گوگرد و در حد استاندارد اروپایی در چهار شهر تهران، اصفهان، شیراز و کرج و برنامه ریزی برای توزیع تدریجی آن در سراسر کشور

- گسترش استفاده از گاز طبیعی به عنوان سوخت پاک و جایگزین فرآورده های نفتی به طوری که مصرف آن از ۴۱/۶ میلیارد متر مکعب در سال ۱۳۷۵ به ۶۷/۸ میلیارد متر مکعب در سال ۱۳۸۰ رسیده و اکنون ۳۷ میلیون نفر از ۴۲ میلیون نفر جمعیت شهرنشین از سوخت گاز طبیعی برخوردارند و پیش بینی شده است تا اوایل سال ۱۳۸۳ بیش از ۹۰ درصد جمعیت شهرنشین کشور تحت پوشش گاز طبیعی قرار گیرند.

- اجرای طرح تبدیل سوخت ۲۵ هزار دستگاه مینی بوس و ۱۵ هزار دستگاه اتوبوس به

#### گاز طبیعی

- اجرای طرح گازسوز شدن تاکسی های تقریباً تمام شهرهای بزرگ کشور که البته بخش عمده صاحبان تاکسی ها استقبال نکرده اند.

- همکاری با صنایع خودروسازی و همیاری با آنها برای ارتقای بازدهی سوخت در موتورهای دیزلی و بنزینی به عنوان عامل مهم در کاهش سوخت و بهبود محیط زیست.

- سرمایه گذاری برای استفاده از نفتکش های پهن پیکر دو جداره سازگار با محیط زیست

- سرمایه گذاری در ایجاد تسهیلات بسیار فراورش نفت خام به منظور جلوگیری از آلودگی

محیط زیست، این اقدام مشکلات زیست محیطی را در مرحله به مدار در آوردن چاه های جدید حفاری شده مرتفع خواهد ساخت.

- ایجاد فضای سبز در اطراف تأسیسات نفتی کشور به میزان ۲۰٪ وسعت تأسیسات

پالایشی و ۱۰ درصد سایر تأسیسات

- برق دار کردن موتور تلمبه‌های چاههای آب کشاورزی

- دریافت گواهینامه مدیریت زیست محیطی «ایزو ۱۴۰۰۱» توسط مجتمع‌های پتروشیمی

اصفهان، اراک، خراسان، تبریز و ارومیه

- دریافت گواهینامه زیست محیطی «ایزو ۱۴۰۰۱» توسط پالایشگاههای نفت اراک،

اصفهان، بندرعباس، تبریز، تهران، شیراز و کرمانشاه.

### (ب) صنعت و معدن

از نقطه نظر علم اقتصاد کشورها برای توسعه پایدار اقتصادی به زمینه‌های مزیت نسبی ایران نیز در بخش‌های منابع طبیعی، انرژی، نیروی انسانی و بازار داخلی از برتری نسبی برخوردار است. در دوران سازندگی با توجه به قرار گرفتن بخش اعظم صنایع و معادن در استان اصفهان و کرمان، و قوی بود حلقه کرمانی و اصفهانی در دولت هاشمی رفسنجانی و زود بازده بودن این بخش از اقتصاد توجه زیاد به رشد این بخش خصوصاً در نواحی یاد شده به همراه دو استان آذربایجان شرقی و غربی شد که در نتیجه رشد متوسط آن همواره از ۱۱ درصد بالاتر بوده است.

وزارت صنایع و معادن براساس استفاده بهینه از مزیت‌های نسبی، برخی از مطالعات طرح‌های جامع، بخش صنایع و معادن را در جهت توسعه اقتصادی کشور و در قالب توسعه پایدار تهیه کرده است و عمده‌ترین اهداف آن عبارتند از:

- شناسایی روش‌های نوین بهره‌برداری از مواد اولیه و فراوری و تولید آن با روش‌های

منطبق بر ملاحظات

- ارتقای سطح تکنولوژی، دانش فنی و مهارت و تکیه بر خلاقیت و نوآوری در حوزه

مهندسی و ساخت و مدیریت زیست محیطی همگام با توسعه صنعتی، و معدنی

- فعال‌سازی بخش کنترل آلودگی تا مرحله تولید نهایی خصوصاً در صنایعی مانند

## خودروسازی

- ایجاد زیرساخت‌های زیست‌محیطی در شهرک‌های صنعتی به عنوان کانون بخش

صنعت (همان، ۴۰۰)

## حفاظت از دریاها و سواحل ایران

وجه مشخصه اصلی جغرافیایی ایران هم مرز بودن با آبهای حیاتی خلیج فارس و دریای خزر است. دریای خزر از حیث اقتصادی اهمیت فراوان داد که دارای اکوسیستمی منحصر و شکننده است که علاوه بر این چهار کشور آسیای میانه نیز در ساحل آن قرار گرفته‌اند که همین امر موجب رقابت مخرب میان پنج کشور ساحلی جهت بهره‌برداری منابع زیستی و منابع فسیلی زیر بستر آن شده است، ۱۲٪ از ساحل آن هم مرز ایران است اما به لحاظ سیاسی موضع ایران جهت تعیین رژیم حقوقی ادعای ۲۰٪ از دریای خزر است.

خلیج فارس یکی از پرترددترین معبرهای نفتکش و یکی از مناطق سوق‌الجیشی جهان است که همواره به طور جدی در معرض آلودگی‌های گوناگون قرار دارد چنانکه در جنگ او آمریکا با عراق و به آتش کشیده شدن چاهای نفت کویت و نفتکش‌ها مقادیر عظیمی نفت به دریا سرازیر گشت.

ایران قبل از برگزاری کنفرانس ریو و انتشار دستور کار ۲۱، با حضور در چند گشت دریایی منطقه‌ای و بین‌المللی جهت حفظ سلامت محیط زیست این دریا اقدام کرده است و در «کنفرانسیون منطقه‌ای کویت» برای همکاری دربارهٔ حمایت و توسعه محیط‌زیست دریایی و نواحی ساحلی در برابر آلودگی عضویت یافت که به تشکیل یک سازمان منطقه‌ای (ROPME) با مشارکت هشت کشور ساحلی ایران، عراق، کویت، عربستان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) انجامد.

دولت جمهوری اسلامی ایران پس از اجلاس ریو، و با فارغ شدن از جنگ تحمیلی که مستقیم و غیرمستقیم باعث تخریب‌های زیست‌محیطی عظیمی گردید، به دو اقدام اساسی

دست زد، یکی الزام قانونی دستگاهها به ارزیابی پیامدهای توسعه و رعایت ملاحظات زیست محیطی در طرح‌های عمرانی در طرح‌های عمرانی و در برنامه دوم اقتصادی اجتماعی کشور و برنامه سوم، و دیگری ایجاد نهادی مسئول و پی‌گیر به نام «دفتر محیط زیست دریایی» در سازمان حفاظت محیط‌زیست که بر اهداف مندرج در برنامه «دستور کار ۲۱ در محیط زیست دریایی کشور نظارت می‌کند تشکیل این نهاد در ده سال گذشته دستاوردهای چشم‌گیری در پی داشته است.

دفتر محیط زیست دریایی با گذار از مسیر تحول و تکامل، تحت نظارت مستقیم معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان مرجع ملی کشور در ROPME و برنامه محیط‌زیست دریای خزر همچنان فعال است.

لازم به توضیح است که هر سال بیش از ۱۰ هزار شناور از منطقه دریایی خلیج فارس عبور می‌کنند که بیش از ۷۵ درصد آنها دارای محمولات نفتی هستند. این شناورها، مواد زائد متفاوتی - از آب شستشوی موتورها و مخازن تا فاضلاب، زباله و آب توازن خود را به دلیل نبود تسهیلات دریافت کننده در بنادر حاشیه خلیج فارس - به دریا می‌ریزند که رهاسازی آلاینده‌های مختلفی را سبب می‌شود. متأسفانه هنوز در این زمینه اقدامات مؤثر و چشم‌گیری صورت نگرفته است.

استراتژی حفاظت از محیط زیست دریایی ایران مبتنی بر پیش‌گیری از تخریب زیست‌گاهها و جلوگیری از فقر منابع زیستی، کنترل و محدود کردن آلاینده‌های تهدید کننده حمایت از راهکارهای دولت بر مبنای مردم سالاری و کاهش تصدی‌گری دولت است بر این اساس بهره‌گیری از توان تخصصی موجود کشور در دانشگاه‌ها، مراکز مطالعاتی، و بخش‌های مشاوره‌ای استقبال از مشارکت مردم به ویژه تشکل‌های مردمی زیست‌محیطی نیز مورد توجه جدی دارد. (محرم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۹۱)

- چالش‌های عمده در زمینه حفظ محیط‌زیست دریایی

- مرزی بودن محیط‌های دریایی کشور که برنامه‌ریزی مراقبتی و حفاظتی از منابع

بیوفیزیکی زیست محیطی آن را با برنامه‌ریزی منطقه‌ای و هماهنگی توأم کرده است.

- نامعلوم بودن وضعیت رژیم حقوقی دریای خزر که این امر مسئولیت دولت‌های منطقه در مراقبت از محیط زیست این دریا را که دچار افت و خیز کرده است.

- توسعه نیافتگی کشورهای همسایه در دریای خزر و خلیج فارس که منافع اقتصادی را نسبت به ملاحظات زیست محیطی در اولویت قرار داده‌اند.

- عدم حمایت مالی بایسته از جانب سازمان‌های زیست محیطی جهانی گاه تحت تأثیر رویکردهای سیاسی دیگر کشورها، که البته ایران نیز تا بیش از دوم خرداد ۷۶ و پیش گرفتن سیاست تنش زدایی از سوی دولت سید محمد خاتمی دست کمی در انزوای منطقه از دیگر کشورها نداشت.

- قرار گرفتن دولت در مرحله گذار از بحران‌های اقتصادی که به واسطه آن محیط زیست نمی‌تواند به راحتی محدود کننده توسعه باشد.

- مداخله مستقیم و غیرمستقیم دولت‌های خارجی تأثیر در منطقه به ویژه آمریکا و اسرائیل، برای بحران آفرینی در منطقه و ایجاد رعب و وحشت در کشورهای همسایه با اهداف سودجویانه که بدین ترتیب توسط به راهکارهای هماهنگ در مراقبت از محیط زیست دریایی را دچار رکود کرده است (تأثیر آمریکا بر امارات متحده عربی و آذربایجان و حمله نظامی به عراق و ویران نمودن تأسیسات زیربنایی و محیط زیست این کشور نمونه‌های آشکار است)

#### - ارزیابی کلی از رویکردهای سیاستی

در اثر رویکردهای سیاستی و اقدامات انجام شده نسبت به تحولات زیست محیطی به ویژه محیط‌های دریایی، در مردم حساسیت کافی ایجاد شده است.

توجه به سازهای منطقه‌ای و بین‌المللی زیست محیطی به اقدامات ایران در محیط زیست دریایی اندکی منطقه و ایران را از این حیث از انزوا خارج کرده است.

توجه به نهادهای مدنی جامعه (پارلمان، رسانه‌ها و تشکل‌های مردمی) به مقوله محیط زیست و تصویب قوانین و آیین نامه‌های حمایت کننده محیط زیست ساحلی و دریایی جلب شده است.

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران  
تهیه مدارک

به لحاظ سیاسی تقویت همگرایی کشورها و منطقه‌گرایی در رفع تهدیدات محیط‌زیست دریایی فارغ از مرزبندی‌های جغرافیایی بالاترین اولویت در این سطح می‌تواند باشد.

## وضعیت آب، آب و فاضلاب، برق و انرژی

در جمهوری اسلامی وزارت نیز مشخصاً متولی بخش‌های عمده‌ای از فعالیت‌های توسعه و بهره‌برداری کشور است و موظف به پیگیری اهداف زیر است: تأمین و توزیع نیروی برق برای مصارف سبک و سنگین، تأمین و بهینه‌سازی مصارف انرژی، تأمین و توزیع آب برای کلیه سطوح جامعه دفع فاضلاب شهری، حفاظت کمی و کیفی از منابع آب اجرای طرح‌های توسعه و مهندسی رودخانه‌ها و سواحل.

وزارت نیروی در وظایف محوله خود و دستاوردها و پیشرفت‌هایی داشته است که بطور خلاصه و موجز، ذیلاً توضیح خواهیم داد:

### بخش برق

اصلاح ساختار اداری و تشکیل شرکت‌های تولید، بهره‌برداری، و توزیع در ۲۵ استان و راه اندازی شرکت‌های تخصصی مادر واگذاری فعالیت‌های بخش‌های امانی، مشاوره‌ای، خدماتی به بخش خصوص، راه‌اندازی شرکت‌های غیردولتی مانند فرآب و مپنا (مدیریت پروژه‌های نیروگاهی). رفع کمبود برق دهه‌های گذشته و دسترسی به ذخیره تولید در حد استانداردهای بین‌المللی، تهیه طرح دیسپاچینگ ملی در پایتخت و شش منطقه دیگر، اعمال تغییر در ساعت رسمی کشور و کاهش مصرف برق، اقدامات ترویجی - تبلیغی برای کاهش مصارف برق و انرژی، ترغیب بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های خارجی البته در نقد پروژه برق‌رسانی به روستاها که دولت انقلاب به واسطه ماهیت طبقاتی انقلاب ولع عظیمی به توصیه رهبر انقلاب داشت باید بیان کرد که مخالف سرمایه‌گذاری‌ها برای برق‌رسانی به روستاها فاقد توجیه اقتصادی و حتی توسعه‌ای بوده است. یعنی مثلاً پاره‌ای از روستاهای کشور را به راحتی می‌توان در مناطق اقتصادی‌تر با صرف بودجه‌ای کمتر از برق‌رسانی اسکان داد، که متأسفانه در

اینجا نیز توجه به ابزار و وسیله مسئولین را از هدف غافل می ساخت.

### بخش آب و آب و فاضلاب

اصلاح ساختار بخش آب، خصوصی سازی و تشکیل شرکت های بهره برداری از شبکه های آبیاری و زهکشی، تشکیل سازمان مدیریت منابع آب ایران، برقراری ارتباط با مراکز علمی جهان مانند شورای جهانی آب، کمیته ملی اقیانوس شناسی، کمیته ملی آبیاری و زهکشی و کمیته ملی سدهای بزرگ، تشکیل مرکز منطقه ای مدیریت آب شهری، همکاری با یونسکو، ایجاد زمینه برای آبی پروری، تهیه و به کارگیری الگوی مصرف بهینه آب برای محصولات زراعی، اعمال نگرش اقتصادی به آب در کشور، مقابله با خشکسالی، تهیه سند ملی آب و جلوگیری از اختلالات آب های آلوده با آب های سالم ایجاد مراکز کنترل کیفی و ایجاد مراکز جدید و استفاده از ظرفیت های تأسیسات و تسهیلات شهری با ملاحظات زیست محیطی و راهکارهای اجرایی آن، تأمین آب کافی برای کشاورزی، شرب، و صنعت با ایجاد ظرفیت های جدید از طریق ایجاد سدهای مخزنی (بالغ بر ۴۰ مورد سد، ۱۵ مورد شبکه آبیاری و آبرسانی به بیش از ۵۰۰ شهر) ایجاد ظرفیت های جدید از طریق احداث سدهای انحرافی و ایستگاههای پمپاژ، به کارگیری تکنولوژی های نو مانند باروری ابرها، تأسیس موزه ملی آب، اصلاح ساختار اداری و ایجاد سیستم مدیریتی غیرمتمرکز و واحدهای مستقل (تشکیل شرکت های آب و فاضلاب در ۲۸ استان و ۱۵ منطقه)، رشد خصلت های بنگاهداری اقتصادی برای آب در این شرکت ها، خود تکایی مالی و خودکفایی صنایع پشتیبانی، ساخت لوله های آب و فاضلاب، ایجاد قابلیت های مقابله با بحران، توسعه علمی و تحقیقاتی بخش، افزایش طول شبکه های جمع آوری فاضلاب، افزایش تعداد مشترکین و تصفیه خانه های فاضلاب شهرها و ... (همان، ۹۷)

امروزه وزارت نیرو با توجه به استفاده سازمان هواشناسی کشور در پیش بینی هوای کشور از ماهواره در سنجش نزولات جوی، توانسته است در منابع آب و الگوی مصرف آن در بخش شهری، کشاورزی نیز سودمند باشد.

### بخش برق و انرژی



- اصلاح و بهینه‌سازی ساختار اداری و تشکیلات بخش آب، تجهیز و توسعه منابع انسانی و افزایش بهره‌وری از عوامل و منابع تولید در بخش آب، ایجاد شورای ملی آب در سطوح محلی، ایجاد مرکز منطقه‌ای مدیریت آب شهری؛

- ارتقای امنیت و سرمایه و توسعه سرمایه‌گذاری در این بخش شفافیت و ثبات سیاست‌های حمایتی تولیدی در بخش آب، اولویت به تحقیقات و آموزش و ترویج و اصلاح قانون توزیع عادلانه آب و تدوین قانون جامع آب کشور، توسعه صادرات آب (در همینجا لازم است به عرض برسانم نگارنده در پی عقد قرارداد ۲ میلیارد دلاری اجرای پروژه آبرسانی به کشورهای حاشیه خلیج فارس از رودخانه خیرآباد و سد کوثر بهبهان واقع در شرق خوزستان، با نخبگان و کارشناسان منطقه مصاحبه‌هایی داشت که همگی با توجه به خشک و خالی بودن دشت‌های مستعد کشاورزی و نیز مستعد توسعه صنایع جانبی آن، این طرح را ستم به مردم منطقه و حراج منابع کشور می‌دانستند البته کارشناسان دولتی استدلال می‌کنند منابعی که هرز به دریا می‌رود چه بهتر که منفعتی برای کشور حاصل آورد، اما نگارنده اعتقاد دارد که طول زمان قرارداد به بیش از دو دهه یک بی‌عدالتی زیست‌محیطی مضاعف با نسل‌های آینده است زیرا قطعاً طبق قانون تکامل ما همیشه اینگونه ناتوان و عقب‌مانده نیستیم و همین الان هم توان استفاده از آب و نیروهای جوان و جویای کار جهت آباد کردن دشت‌های خود داریم، و چه خوب بود که این آبها بصورت محصولات فرآوری شده همچون رب گوجه، انواع کنسروها، گندم و مواد غذایی به بازارهای عربی می‌رفت.

- تجهیز و توسعه و بهره‌برداری از تأسیسات زیربنایی آب به منظور بهره‌مندی کلیه مراکز جمعیتی فعال، تجهیز و توسعه و بهره‌برداری از تأسیسات فاضلاب مراکز جمعیتی و فعالیتی و اولویت با مراکز بحران زیست محیطی

- آموزش همگانی و نهادینه کردن فرهنگ صرفه‌جویی با تأکید بر نقش کلیدی زنان،

همانگی و همکاری با شوراهای شهر و روستا

- نگرش جامع به پارچه‌خانی آب در محدوده‌های استقرار جمعیت شامل تأمین،

جمع‌آوری تصفیه آبهای سطحی و فاضلاب‌های شهری به منظور جلب بیشتر مشارکت مردمی در ایجاد و بهره‌برداری از طرح‌های زیربنایی.

- تهیه برنامه جامع ملی حفاظت کمی و کیفی منابع آب کشور به منظور جلوگیری از ورود آبهای آلوده به چرخه طبیعی آب‌های پذیرنده تعیین حریم بهداشتی و زیستی محیطی برای منابع تأمین‌کننده آب شرب، ایجاد ارتباط ساختاری بین خدمات زیربنایی و مراکز علمی برای استفاده از تکنولوژی‌های نوین

- توسعه کاربرد انرژی‌های نو (از جمله استفاده از انرژی بادی که البته تولید برق آن در سطح کنونی ناچیز است) بهینه‌سازی مصرف انرژی، توسعه استفاده‌ها از گار طبیعی، (جالب است به اطلاع برسانیم که به تازگی شورای عالی حفاظت از محیط‌زیست تصویب کرده است که تمام اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌های دیزلی گازسوز شوند و مطابق آن از تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱ تردد اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌های دیزلی ممنوع می‌باشد. همچنین شماره‌گذاری اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌های دیزلی از ابتدای سال ۱۳۸۰ در تهران ممنوع شده است). (حجت، یوسف، برنامه شماره پانزدهم، شعبه ۱۳۸۱/۱۲/۲۴)

- اولویت، حمایت پشتیبانی مالی از ساخت تجهیزات انرژی‌های نو در داخل کشور، مدیریت مصرف انرژی و طراحی و توسعه فناوری‌های صرفه‌جویی انرژی، استفاده از منابع مختلف انرژی کشور با توجه به مزیت نسبی و ملاحظات اقتصادی و زیست محیطی و تغییر ساعات کار اصناف، صنایع و کارخانه‌ها در فصول اوج مصرف برق و انجام مطالعات امکان‌سنجی برای احداث نیروگاههای خورشیدی و بهینه‌سازی انرژی صنایع سیمان و سایر صنایع بزرگ.

#### بخش آب و آب و فاضلاب

ایجاد نظام جامع مدیریت در کل چرخه آب براساس توسعه پایدار و آمایش سرزمین در حوزه آبریز ارتقای بهره‌وری و توجه به انرژی اقتصادی، امنیتی، و سیاسی آب و استحصال، عرضه، نگهداری و مصرف، افزایش میزان استحصال و به حداقل رساندن ضایعات طبیعی و

غیرطبیعی آب در کشور.

تدوین برنامه جامع به منظور رعایت تناسب در اجرای طرح‌ها، سدها، آبخیزداری، شبکه‌های آبیاری و زهکشی، تسطیح اراضی، حفظ کیفیت آب‌ها، مقابله با خشکسالی‌ها پیشگیری از سیلاب‌ها، بازچرخانی و استفاده از آب‌های غیرمتعارف و ارتقاء دانش و فنون و تقویت مردم در استحصال و بهره‌وری.

البته در اینجا لازم است که یادآور شویم که جدای از اقدامات سازنده و مثبت فوق بی‌تجربگی‌ها و بی‌دانشی‌هایی نیز در کارنامه دولت بوده است که از جمله باید به مسئله سد ۱۵ خرداد اشاره نمود. سد ۱۵ خرداد با ارتفاع ۵۴/۳ متر از کف رودخانه در ۱۲ کیلومتری شمال دلیجان با هدف تأمین آب کشاورزی پایین دست و شرب شهر قم احداث گردید. پس از گذشت ۲ سال بهره‌برداری از شدت شوری آب مخزن رو به افزایش گذاشت بطوریکه اثرات مخربی بر آبهای زیرزمینی دشت‌های پایین دست، وضعیت کشاورزی و شرایط اجتماعی داشته است. (نشریه آب و فاضلاب، شماره ۳۸، سال ۱۳۸۰: ۴۷)

این طرح صرفاً با هدف تأمین آب و به دلیل حساسیت‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی ایجاد شد. در سال ۱۳۶۸ اقدام جدی اما بی‌مطالعه جهت اجرای آن صورت گرفت که به عقیده نگارنده همچون طرح جنات و حرم تا حرم به دلیل حاکمیت تلقی مذهب سیاسی بر فضای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی هیچگونه توجیه اقتصادی و زیست‌محیطی نداشته است، در حالیکه کشور ایران در شمال و جنوب غربی خود دارای مناطق مستعد سدزنی و کشاورزی است که منابع خدادادی آن به هرز می‌رود و کشور اسلامی با کمبود سرمایه روبرو است، اجرای این طرح‌ها جز ضرر و زیان چیزی عاید انسان مسلمان ایرانی و طبیعت خدادادی نکرده است.

## جنگل و مبارزه با جنگل زدایی

از ۱۶۴ میلیون هکتار مساحت کشور، جنگل‌ها با مساحت حدود، ۱۲/۴ میلیون هکتار، ۷/۶ سطح ایران را می‌پوشانند (خاوری، ۱۳۶۵: ۲۶) ایران براساس تعریف سازمان خوار و بار

کشاورزی ملل متحد (فائو) در زمره کشورهای با سطح پوشش کم جنگل<sup>(۱)</sup> محسوب می‌شود.  
(خاوری، ۱۳۶۵: ۲۶)

سهم سرانه هر ایرانی از جنگل ۰/۲ هکتار است با توجه به سهم سرانه جهانی که ۰/۸ هکتار است بسیار ناچیز و نشانگر فقر و کمبود شدید کشور ما در این زمینه است از این روست که ایران در مجموع کشوری خشک محسوب می‌گردد. (همان)

با توجه به اینکه ایران روی کمربند جهانی قرار گرفته است تعداد گونه‌های درختی و درختچه‌ای آن بسیار محدود است به طوری که تعداد گونه‌های درختی پهن برگ در حدود ۷۰ تا ۱۰۰ گونه و گونه‌های سوزنی برگ نیز از ۴ گونه تجاوز نمی‌کند.

سرعت تخریب جنگل در سه دهه گذشته سالانه ۲۰۰ هزار هکتار و مجموع برداشت چوب از جنگل‌های شمال کشور برای بهره‌برداری صنعتی، سنتی و غیرمجاز حدود ۵ میلیون متر مکعب در سال تخمین زده می‌شود.

حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار از جنگل‌های کشور تحت حفاظت سازمان حفاظت محیط‌زیست قرار دارد.

ایران در بین ۵۶ کشور دارای جنگل در جهان در مقام چهل و پنجم قرار دارد.

اکوسیستم‌های جنگلی ایران، عمده‌ترین اهداف بخش جنگل در دهه گذشته را تشکیل می‌داده و با الهام از دستور کار ۲۱ طرح‌های عمده‌ای از قبیل خروج دام از جنگل‌ها، توسعه جنگل کاری، توسعه پارک‌ها و ذخیره گاهها تدوین و اجرای طرح‌های جنگلداری پیدا شده است. (محرم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۶)

آقای دکتر ناصر محرم‌نژاد دبیر ملی کمیته توسعه پایدار ساز، حفاظت محیط زیست دستاورد ایران در زمینه حفاظت از جنگل از را به شرح زیر احصاء نموده است: (محرم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۱۹)

- پذیرش «تفکر جنگلداری نزدیک به طبیعت» با تأکید بر برداشت حفره‌ای و تک‌گزینی در

بهره‌برداری‌ها.

- کاهش میزان برداشت از جنگل‌ها، به میزان ۵۰٪ برنامه پیش بینی شده

- توسعه مناطق حفاظت شده، پارک و ذخیره گاهها

- تدوین و اجرای طرح ملی توسعه جنگل‌های ایران در سطح ۴/۵ میلیون هکتار در قالب

احیاء جنگل‌های مخروبه، توسعه جنگل و توسعه زراعت چوب در ۲۰ سال آینده پی‌گیری خواهد شد.

- تصویب قانون حفاظت از ذخیره گاههای جنگلی شامل گونه‌های نادر در حال انقراض

مورد تهدید و دارای صفات ژنتیکی برتر در سال ۱۳۷۱ و ابلاغ آن به دولت جهت اجرا

- افزایش سطح مناطق حفاظت شده جنگلی از ۵ درصد به ۱۰ درصد کل عرصه با تصویب

شورای عالی محیط‌زیست

- انجام یک دوه تحقیق ۵ ساله درباره وضعیت گونه‌های گیاهی در جنگل‌ها از نقطه نظر

خطر انقراض

- تهیه کتاب «گونه‌های در معرض خطر ایران»<sup>(۱)</sup>

## بیابان زدایی و مبارزه با بیابان‌زایی

از ۱۶۴ میلیون هکتار مساحت کشور، ۳۴ میلیون هکتار بیابان است، ۱۲ میلیون هکتار از

این اراضی بیابانی از ماسه‌های روان تشکیل شده که ۵ میلیون هکتار از آنرا ماسه‌های روان

تشکیل می‌دهند. (صادقی، ۱۳۷۹: ۷۲)

ایران با ۲۵۰ میلیمتر بارندگی کمتر از یک سوم بارندگی جهانی را به خود اختصاص

می‌دهد. در کویر این میزان از ۵۰ میلیمتر هم بالاتر نمی‌رود. سهم سالانه آب قابل استحصال از هر

هکتار زمین در ایران برابر با حدود ۷۵۰ مترمکعب و حدود یک چهارم سهم آب متوسط قابل

بهره‌برداری از هر هکتار زمین در جهان و نشانگر میزان تبخیر واقعی کشور است. (همان)

بهره‌برداری‌ها.

- کاهش میزان برداشت از جنگل‌ها، به میزان ۵۰٪ برنامه پیش بینی شده

- توسعه مناطق حفاظت شده، پارک و ذخیره گاهها

- تدوین و اجرای طرح ملی توسعه جنگل‌های ایران در سطح ۴/۵ میلیون هکتار در قالب

احیاء جنگل‌های مخروطیه، توسعه جنگل و توسعه زراعت چوب در ۲۰ سال آینده پی‌گیری خواهد شد.

- تصویب قانون حفاظت از ذخیره گاههای جنگلی شامل گونه‌های نادر در حال انقراض

مورد تهدید و دارای صفات ژنتیکی برتر در سال ۱۳۷۱ و ابلاغ آن به دولت جهت اجرا

- افزایش سطح مناطق حفاظت شده جنگلی از ۵ درصد به ۱۰ درصد کل عرصه با تصویب

شورای عالی محیط‌زیست

- انجام یک دوه تحقیق ۵ ساله درباره وضعیت گونه‌های گیاهی در جنگل‌ها از نقطه نظر

خطر انقراض

- تهیه کتاب «گونه‌های در معرض خطر ایران»<sup>(۱)</sup>

## بیابان زدایی و مبارزه با بیابان‌زایی

از ۱۶۴ میلیون هکتار مساحت کشور، ۳۴ میلیون هکتار بیابان است، ۱۲ میلیون هکتار از

این اراضی بیابانی از ماسه‌های روان تشکیل شده که ۵ میلیون هکتار از آنرا ماسه‌های روان

تشکیل می‌دهند. (صادقی، ۱۳۷۹: ۷۲)

ایران با ۲۵۰ میلیمتر بارندگی کمتر از یک سوم بارندگی جهانی را به خود اختصاص

می‌دهد. در کویر این میزان از ۵۰ میلیمتر هم بالاتر نمی‌رود. سهم سالانه آب قابل استحصال از هر

هکتار زمین در ایران برابر با حدود ۷۵۰ مترمکعب و حدود یک چهارم سهم آب متوسط قابل

بهره‌برداری از هر هکتار زمین در جهان و نشانگر میزان تبخیر واقعی کشور است. (همان)

کشور ایران مبارزه با بیابان زایی را از سال ۱۳۳۴ با اتخاذ سیاست «تثبیت ماسه‌های روان فعال» آغاز کرد که مراکز تجمع انسانی مانند شهر و روستاها و مراکز اقتصادی نظیر مزارع، باغ‌ها، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، راه‌ها و فرودگاه‌ها را تهدید می‌کرد. این سیاست همچنان، خصوصاً از زمان دولت هاشمی رفسنجانی، پی‌گیری می‌گردد.

برنامه مبارزه با بیابان زایی و کنترل «حرکت ماسه‌های روان» در ایران در قالب ۴ پروژه عمده نهال‌کاری، بذرکاری، بذریاشی و مالچ پاشی به اجرا گذاشته شده است در این میان، پروژه نهال بارقم محافظه‌گاران ۶۵ درصد و پروژه بذرکاری و بذریاشی با توجه به دوره‌های خشکسالی ۱۰ درصد موفقیت داشته‌اند.

در نتیجه نهال‌کاری و بذرکاری، بیش از  $1/6$  میلیون هکتار جنگل دست کاشت در مناطق بیابانی به وجود آمده است. مضافاً حدود  $2/5$  میلیون هکتار از مناطق بیابانی در اثر اجرای پروژه؛ حفاظت و قرق فرصت احیاء بدست آورد، پوشش گیاهی بهبود یافته و روند بیابان‌زایی در آنها متوقف شده است. بنابراین جمعاً بیش از ۴ میلیون هکتار از اراضی بیابانی بر اثر اجرای این برنامه احیا و یا روند بیابان‌زایی در آنها متوقف شده است. در مجموع برنامه مبارزه با بیابان‌زایی، پروژه‌های نهال‌کاری تپه‌های ماسه و توسعه مناطق حفاظت شده و قرق‌ها از جمله طرح‌های موفق بوده‌اند، زیرا مطابق توصیه کارشناسان بوده‌اند، اما طرح‌هایی همچون طرح «جنات» و طرح حرم تا حرم که تاکنون موجب صرف میلیون‌ها تومان اعتبار شده‌اند هیچگونه موفق نشده‌اند و در حالیکه در اطراف آن بیابان با سرعت بی‌امانی در حال پیشروی است، عدم کار زیربنایی و علمی و هزینه بسیار برای چند درخت کردن خطا خواهد بود (یاس نو، ۱۷ فروردین ۱۳۸۲: شماره ۲۷ صفحه ۸)

- محورهای برنامه‌های دولت در مبارزه با بیابان‌زایی

- تجربه طولانی ایران در مبارزه با بیابان‌زایی، در روندی تکاملی از رویکردهای تثبیت

بیولوژیکی با فیزیکی و شیمیایی تپه‌های ماسه‌ای فعال به اتخاذ رویکردهای علمی و تدابیر تحقیقاتی نو تبدیل شده است.

- اجرای طرح‌های ملی تحقیقاتی شامل «تعیین قلمرو بیابان‌های کشور» شناسایی عوامل بیابان‌زا» و «منشأ یا بی‌مسه‌های روان»  
 - توجه به موضوع «استفاده بهینه و پایدار از آب و نقش مثبت و منفی آن در بیابان‌زایی» و اجرای طرح ملی استفاده از آب ناشی از سیلاب‌های فصلی برای احیای مناطق خشک و بیابانی  
 - اجرای طرح‌های ملی شناسایی مناطق بیابانی کشور، بررسی گونه‌های نادر و در حال انقراض گیاهی، تعیین جوامع گیاهی، مناطق حفاظت شده در بیابان‌ها، بررسی پتانسیل گیاهان دارویی مناطق بیابانی، و جمع‌آوری و شناسایی بذر گیاهان مقام به خشکی و نگهداری آنها در بانک ژن منابع طبیعی کشور. (مخدوم، مجنونیان، ۱۳۷۱: ۲۵)

### توسعه پایدار کوهستان

وجود دو رشته کوه البرز و زاگرس، عمدتاً در شمال و غرب ایران و کوه‌های پراکنده در سایر نقاط کشور برای ایران که در ناحیه‌ای خشک قرار دارد بسیار حیاتی و پراهمیت است.  
 این کوه‌ها ۷۰ درصد از مجموع ۴۰۰ میلیارد مترمکعب آب برف و باران را دریافت می‌کنند، ۳۰ درصد باقیمانده نیز به نحوی تحت تأثیر آب و هوایی متأثر از وجود این مجموعه پستی و بلندی قرار دارد. حیات انسانی و اقتصادی در سراسر کشور به طور کلی به مجموعه دریافت از آبخیزها، جویبارها و رودهای سرچشمه گرفته از این کوهستان‌ها وابستگی شدید دارد و خواهد داشت.

این کوهستان‌ها، از حیث تنوع و تعداد گونه‌های گیاهی بسیار غنی هستند و ۸۰۰۰ گونه گیاهی شناخته شده موید این امر است. ضمن آنکه تنوع رویشگاهی مجموعه‌ای وسیع از جانوران اعم پستانداران، خزندگان و پرندگان را نیز شکل داده است. (مجنونیان، ۱۳۷۸: ۳)  
 آثار فرهنگی بازمانده از تمدن‌های کهن در نقاط کوهستانی ایران نشانی از تنوع جوامع انسانی موجود با فرهنگ‌ها، گویش‌ها و رفتارهای مختلف و روستاها، شهرها و جوامع عشایری پراکنده در این کوهستان‌هاست.



تمامی عوامل یاد شده عرصه‌های قابل مطالعه‌ای هستند که متأسفانه بدلیل سرمایه‌گذاری ناچیز در امر مطالعه و تحقق، هیچ یک به دقت بررسی نشده است. سایر فعالیت‌های اقتصادی متأثر از عرصه کوهستان نظیر کشاورزی، باغبانی، گردشگری و کوهنوردی نیز قابلیت‌های لازم را برای بررسی و مطالعه دارند.

#### کارهای انجام شده جهت توسعه پایدار کوهستان

مهمترین کاری که باید در این زمینه در ایران انجام گیرد، آبخیزداری است، زیرا باعث ذخیره و مهار آب و جلوگیری از سیلاب، و موجب ایجاد اکوسیست‌ها در درون این مناطق و جلوگیری از فرسایش می‌شود پیشرفته‌ای همچون فرانسه در حدود ۸۰ سال پیش تمام کشور خود زیر پوشش آبخیزداری اما متأسفانه در ایران تا بعد از جنگ توجه و توانی برای اجرای این کار عظیم و حیاتی وجود نداشت از آن زمان به بعد دولت نسبتاً توجه خاصی به اجرای آبخیزداری در سطح کشور نموده است که در نتیجه تعداد ۷۱۳۸ عملیات آبخیزداری در ۲۲۴۰ روستای کشور جمعاً ۱۰ میلیون هکتار از مساحت کشور تحت پوشش این طرح قرار گرفته است. (محرّم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۶۰)

#### راهبردهای اصلی دولت در این زمینه

##### ۱- راهبرد برقراری تعادل میان دام و مرتع

معروف است که شاه ایران در سال ۱۳۵۵ به کشورهای عربی و پاکستان بدلیل اثرات تخریبی گله‌های بز در ایران، پیشنهاد نموده بود که گله‌های بز مجانی به این کشورها بخشیده شود. مراتع که عمدتاً در مناطق کوهستانی قرار دارند، بر اثر فشار فزاینده دام روند تخریب و فرسایش روزافزونی به خود گرفته‌اند، در این ارتباط طرح ۱۰ ساله‌ای از سوی دولت ایران در حال اجراست که رسیدن اهداف زیر را در نظر دارد.

الف) کاهش حداقل ۳۰ درصد دام در مراتع کوهستانی، و کنترل تعداد و زمان ورود دام به

مراتع

ب) تبدیل دام‌های سبک به دام‌های سنگین و حرکت به سمت دامداری متمرکز  
پ) تکیه بر افزایش تولید علوفه از طریق توجه به زراعت گیاهان علوفه‌ای در بخش

کشاورزی

### ۲- راهبرد استفاده از سوخت فسیلی به جای بوته‌های بیابانی و چوب جنگل‌ها

در اثر پی‌گیری و اجرای طرح ملی انتقال گاز و توسعه شبکه ملی برق‌رسانی روند بوته‌کشی و برداشت چوب به عنوان سوخت کاهش یافته است، ولی متأسفانه هنوز پاره‌ای روستاهای درو افتاده در مناطق کوهستانی این کار ادامه دارد.

### ۳- راهبرد اسکان عشایر

دامداری عشایری و چوپانی به عنوان یک سیستم تولیدی قدیمی و چند صدساله، همچنان در ایران به حیات خود ادامه می‌دهد، قبایل عشایر نمادی زنده و باقیمانده از فرهنگ گذشته کشور هستند.

در سال‌های اخیر به علت افزایش جمعیت تبدیل مراتع قشلاقی به مزارع و دشواری در سرویس‌رسانی به جمعیتی در حال کوچ و حرکت، دولت طرفی دراز مدت برای اسکان آنان بین مراتع بیلاقی و قشلاقی در دست اجراء و پی‌گیری دارد.

### کشاورزی پایدار

افزایش سریع جمعیت، افزایش تقاضا برای مواد غذایی، همراه با سطح پایین فن‌آوری تولید محصولات کشاورزی و دامی و صنایع وابسته روستایی در کشور و توأم شدن آن با شرایط دشوار زیست محیطی کمبود آب، محدودیت اراضی و سرمایه‌گذاری ناکافی، روند تخریب منابع پایه را تشدید نموده است. در دهه‌های اخیر بیش از ۶۰ درصد جنگل‌های ایران در معرض نابودی قرار گرفته است و تبدیل اراضی سالانه بالغ بر ۴۰۰ هزار هکتار از اراضی حاصلخیز کشور

را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد، یعنی کشاورزی صرفاً معطوف به تولید غذا و بدون رفع اثرات تخریبی آن به منابع طبیعی نیز می‌تواند در تقابل محیط‌زیست و حیات گیاهی قرار گیرد پس پایداری کشاورزی نیز امری حیاتی است.

تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه کشاورزی در گذشته که عمدتاً با هدف حداکثر بهره‌برداری از منابع باید برای تأمین نیازهای مقطعی و کوتاه مدت بوده، موجب بهره‌برداری بیش از ظرفیت از منابع و کاهش توان تولیدی آن شده است.

هر ساله می‌توان از مراتع کشور حدود ۱۰ میلیون تن علوفه برداشت نمود ولی متأسفانه بر اثر چرای بی‌رویه دام، میزان برداشت در حال حاضر به سالانه ۱۵ میلیون تن رسیده است و حتی سالانه ۵/۴ میلیون تن مترمکعب بوته‌های مرتعی جهت تأمین انرژی به صورت غیرمجاز برداشت و مصرف می‌شود. (مخدوم، مجنونیان، ۱۳۷۱: ۱۹)

وسعت مراتع طی دو دهه اخیر ثابت مانده اگر چه از کیفیت آن در بعضی موارد کاسته شده است. بهره‌برداری از منابع آب بدون رعایت ملاحظات زیست‌محیطی موجب آلودگی‌های فیزیکی، شیمیایی و حتی در برخی مناطق آلودگی‌های بیولوژیکی جریان‌ها و منابع گردیده که ادامه آن علاوه بر تشدید آلودگی خاک، اکوسیستم‌های تالابی کشور و ذخایر منابع زیرزمینی را با مشکلات خواهد ساخت. ما هر روزه در مطبوعات مبنی بر آلودگی منابع زیرزمینی آب در تهران می‌خوانیم آلودگی خاک باعث کاهش عملکرد و پایین آمدن کیفیت محصولات کشاورزی شده و نهایتاً امنیت غذایی و توسعه پایدار کشور را با بحران جدی مواجه خواهد ساخت، فرسایش سالانه خاک سالانه در ایران حدود ۱/۵ تا ۲ میلیارد تن برآورده می‌شود (همان: ۵۳) که بخشی مربوط به فرسایش اراضی کشاورزی و بخشی هم در سطح جنگل‌ها و مراتع صورت می‌گیرد.

هدف اصلی اجرای برنامه توسعه پایدار در بخش کشاورزی مقابله با مشکلات پیش گفته و بویژه حفاظت از منابع پایه آب و خاک، حفاظت از منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری انجام مطالعات جامع و پژوهش‌های توسعه پایدار کشاورزی و تقویت مشارکت روستاییان زنان و جوانان در اجرای برنامه‌ها تبلیغ و اعلام می‌شود.

اهم اقداماتی که در راستای کشاورزی پایدار صورت گرفته را می‌توان به شرح زیر خلاصه

نمود: (محرم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۷۰ و ۷۱)

از کل مساحت کشور، حدود ۱۵۲ میلیون هکتار زیر پوشش مطالعات احیا و توسعه کشاورزی و منابع طبیعی قرار گرفته و گزارشات در ۲۵ زمینه مطالعات به شرح زیر ارائه گردیده است: (همان) که به بدلیل تنگی جا از ذکر جزئیات آن خودداری می‌کنیم.

با اجرای طرح‌ها و پروژه‌های تأمین آب و بهبود توسعه آبیاری کشور امکان استحصال و تأمین ۹۶۸۸/۰۵۲ میلیون متر مکعب آب، علاوه بر مصارف فعلی آب کشاورزی فراهم شده که در اختیار فعالیت‌های زراعی و باغی قرار می‌گیرد، و راندمان آبیاری از ۳۸/۰۸ درصد در وضع موجود به ۴۱/۵۳ درصد در آخر برنامه سوم توسعه کشور خواهد رسید که در نتیجه آن سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی از ۷۹۱۷۴۷۵ هکتار به ۸۸۵۰۵۷۱ هکتار خواهد رسید. استراتژی‌های بلندمدت توسعه پایدار کشاورزی در ایران. (محرم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۷۰ و ۷۱)

- حفظ بهترین زمین‌های قابل کشت برای کشاورزی

- کاهش پیامدهای کشاورزی در زمین‌های حاشیه‌ای

- توسعه و بکارگیری سیستم‌های کشاورزی تلفیقی

- افزایش تولید و پایداری کشاورزی، در سرزمین‌های خشک

- کنترل استفاده از مواد شیمیایی کشاورزی

- حفظ منابع ژنتیک دامی و گیاهی

- جلوگیری از ورود غیرمجاز محصولات دامی و کشاورزی به کشور

- اصلاح بذر و اصلاح نژاد تولید محصولات دامی و زراعی متناسب با شرایط اقلیمی

اکولوژیکی کشور.

- ساماندهی امور کوچ بر مبنای تعادل دام و مرتع، الزامات زیست‌محیطی، اجتماعی و

اقتصادی (چنانکه قبلاً توضیح دادیم)

- شناسایی زیست بوم‌ها و کانون‌های توسعه مناطق عشایری

- اصلاح ساختار نظام بهره‌برداری از منابع و کاهش ضایعات محصولات کشاورزی
- توسعه صنایع پیشین و پسین (جانبی) سازگار با توسعه پایدار در جهت تکمیل زنجیره تولید و اصلاح و توسعه نظام صادرات محصولات دارای مزیت نسبی.

## تنوع زیستی ایران

از آنجا که تنوع زیستی امروزه از ارکان مهم محیط زیست به شمار می‌رود، فصل پانزدهم دستور کار ۲۱ تحت عنوان حفاظت از تنوع زیستی خواهان تقویت همکاری دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، منطقه و سازمان‌های غیردولتی در کنار بخش خصوصی در جهت اجرای مفاد کنوانسیون تنوع زیستی شده است.

ایران از گذشته‌های دور بصورت چهارراهی طبیعی مهاجرت گیاهان، جانوران و انسان‌ها را از شرق به غرب میسر نموده است. بدین دلیل تنوع شگفت حیاتی کشور کم‌نظیر و بسیار غنی است (نجفی، ۱۳۷۹: ۱)

نتیجه این مهاجرت‌ها اقامت زاد آوری‌های پی‌درپی در قرون و اعصار، حضور بیش از ۵۰۰ گونه پرنده، ۱۶۰ گونه پستاندار، صدها نوع ماهی، دوزیست و خزنده در ایران امروز است. خوشبختانه تجربه سال‌های اخیر نشان داده که هر چند گاهی گونه و یا زیرگونه‌ای به این فهرست غرورآفرین حیاتی افزوده شده است. (همان: ۲)

تنوع گونه‌های گیاهان ایران به مراتب اعجاب‌انگیزتر از جانوران است. اعداد و ارقام کاملاً محتاطانه انواع گیاهان را در ایران ۸۲۰۰ گونه برآورد نموده است در حالیکه ارقام ۷۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ گونه نیز پیشنهاد گردیده‌اند و در مجموع ۲۰ درصد این گیاهان بومی و خاص ایران بوده و در هیچ نقطه دیگری از جهان یافت نمی‌شود. (همان)

با این وجود ایران به لحاظ واقع شدن در منطقه خشک و نیمه‌خشک جهان تنوع زیستی و بطور کل محیط زیست آسیب‌پذیر دارد. (انقراض شیرزبان ایرانی<sup>(۱)</sup> و ببر مازندران<sup>(۲)</sup>) از دفتر

طبیعت با عظمت ایران مؤید این نکته است). (همان)

در سال ۱۳۷۵ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تنوع زیستی تصویب و الزامات ناشی از آن پذیرفته شده و اجرای طرح تدوین استراتژی و برنامه عمومی ملی حفاظت از تنوع زیستی با مساعدت‌های مالی و فنی IUCN GEE, UNDP از سال ۱۳۷۷ در ایران آغاز و با تشکیل دبیرخانه طرح در حوزه معاونت و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط‌زیست، وظایف و فعالیت‌های تصریح شده در سند طرح و به انجام رسیده است. (فتیحی، ۱۳۸۱: ۱۰۷)

به منظور حفظ تنوع زیستی در پهنه جغرافیایی ایران، مناطق چهارگانه با عنوان «پارک ملی» «پناهگاه حیات وحش» «منطقه حفاظت شده» و «اثر طبیعی ملی» تعیین شده است. (همان) براساس استانداردهای جهانی این فضاها می‌بایست دست کم ۱۰٪ کل خاک هر کشور را شامل شود در حال حاضر حدود ۵/۴ درصد از کل خاک کشور معادل ۸/۸ میلیون هکتار در قالب مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست هستند.

### مواد شیمیایی زائد و خطرناک و جامد

در کشور ایران که بیش از ۴۵ درصد جمعیت آن در ۸۵۰ شهر زندگی می‌کنند روزانه ۳۲ هزار تن و سالانه حدود ۱۲ میلیون تن مواد زائد خانگی تولید می‌شود. (محرم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۰۹) بخش اعظم صنایع، کارگاهها و مراکز تولید مواد زائد سمی و غیرسمی نیز در محدوده و حریم همین شهرها قرار دارند که روزانه چندین هزار تن مواد زائد تولیدی خود را به همراه مواد زائد بیمارستانی، توأمآ و به شیوه‌های گوناگون در محیط دفع می‌کنند. وظیفه دستگاههای مسئول در کشور جلوگیری از گسترش و به حداقل رساندن تولید این مواد زائد و کنترل آنها به طریقی که به بهداشت و محیط زیست زیان وارد نسازد می‌باشد. طی دهه اخیر با توجه به سیاست‌های حمایتی دولت (در قالب برنامه‌های توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پنجساله) و مشارکت دستگاههای ذیربط فعالیت‌های آموزشی تحولات قابل توجهی به این امر اختصاص یافته است اما این مدیریت هنوز از قانونمندی‌های لازم برخوردار نیست بررسی‌ها نشان می‌دهد سیستم اصلی دفع نهایی زباله در بسیاری شهرها به صورت تلبار در خارج از شهرهاست و در روستاها نیز مواد زائد بی‌آنکه برای جمع‌آوری، دفع و دفن بهداشتی آنها برنامه‌ای باشد در محیط رها شده و موجبات آلودگی منابع آب، خاک، و هوا را فراهم می‌سازند.

البته طی سال‌های اخیر بر تعداد شهرهایی که زباله را نسبتاً به صورت مطلوبی دفن می‌کنند، افزوده شده است. به طوری که میزان از ۲/۵ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۵/۶ درصد در سال ۱۳۶۹ و سرانجام با رشدی سریع به ۲۵/۳ درصد ۱۳۷۳ رسیده است. (کهرم، ۱۳۷۴: ۱۷) پسماندهای صنعتی و خانگی از پیامدهای انقلاب صنعتی، رشد، و تکامل تکنولوژی افزایش بی‌رویه جمعیت، تمایل روزافزون به شهرنشینی و افزایش سریع جمعیت شهرهاست. رشد روزافزون جمعیت شهری ایران به همراه ایجاد مراکز جمعیتی جدید فقدان و ضعف سیاستگذاری و تداوم تخلیه مواد زائد از جمله عوامل بحران‌زایی است که محیط‌زیست طبیعی و کیفیت بهداشت و سلامت جامعه و آدمیان را در معرض خطر قرار داده است. ارزیابی‌های نامناسب برای تعیین محل دفن پسماندهای شهری، حرکت شیرابه و ایجاد آلودگی آبهای زیرزمینی یکی از پیامدهای منفی زیست‌محیطی در اثر بحرانی بود نظام مدیریت مواد زائد کشوری است.

به رغم پیشینه درخشان ایران در احداث کانال‌های فاضلاب حجام و توالت و جایگاه‌های تجمع پسماند در قصرها، عبادتگاهها، و ابنیه تاریخی که بر بسیاری از کشورهای اروپایی سبقت داشته و ابتدای آن به صدر اسلام و تعالیم مؤکد بهداشتی آن می‌رسد، تمهیدات جدید برنامه ریزی سیستم جمع‌آوری محل دفع پسماندهای شهری که از سال ۱۳۶۴ آغاز شد (همان: ۵۲) متأسفانه باید گفت که سیستم‌های مدیریت و مدیریت پسماندهای شهری در ایران در مراحل اولیه تکامل قرار دارند هنوز کلیتی به نام سیستم مدیریت در اکثر شهرهای ایران وجود ندارد.

براساس آمار موجود از حدود ۱۱ هزار کارگاه صنعتی عمده و متوسط ماهانه حدود ۱۱۵ هزار تن و از مجموع ۲۲۶۳ کارگاه صنعتی بزرگ حدود ۸۲۱۵ تن پسماندهای جامد صنعتی تولید می شود که متأسفانه غالب این پسماندها بدون هرگونه عملیات خنثی سازی به دفن در محیط تخلیه می شود. (همان ۵۳)

وضعیت کشور از لحاظ کمپوست هم مناسب نیست با توجه به میزان فراوان مواد آلی در پسماندهای شهری می توان کودهای آلی تهیه و جایگزین کودهای شیمیایی کرد اما متأسفانه از این تکنولوژی برای کاهش مشکلات زیست محیطی در کشور استفاده نشده است.

اقدامات قابل ذکر درباره مدیریت مواد فوق الذکر:

- تدوین قانون پسماندها، که در مرحله تصویب قرار دارد.

- جداسازی و بازیابی زباله در مبدأ

- از ۹۰۰ کیلوگرم زباله های بیمارستانی که هر روز در کشور تولید می شوند، ۳۲ درصد به

همراه زباله های خانگی و صنعتی جمع آوری و دفع می شود و ۶۸ درصد باقیمانده به صورت بهداشتی دفع می شود. (همان)

روغن های کارکرده

از مقدار ۶۰۰ تا ۵۰۰ میلیون لیتر انواع روغن های روانکار در ایران ۲۰ درصد آن پس از

مصرف بار دیگر تصفیه می شود. بقیه سوزانده می شود، و یا به صورت خام به محیط زیست وارد می شود.

متأسفانه هر سال مقادیر عظیمی مواد زائد خطرناک حاصل از توسعه صنایع آهن و فولاد،

مس، آلومینیوم و کلاهی کشور به محیط زیست رها می گردد.

### قانون جرائم زیست محیطی

براساس قانون تصویب شده واحدهای تولیدی موظف اند مشخصات خود را با ضوابط

زیست محیطی و کاهش آلودگی ها انطباق دهند. افراد متخلف از آن جریمه می شوند. (قوام،



(۲: ۱۳۷۵)

تشکیل کمیته فرعی مواد زائد خطرناک در سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان شاخه‌ای از کمیته ملی توسعه پایدار در سال ۱۳۷۲ ایجاد شده است. (فتحی، ۱۳۸۰: ۲۹)

تهیه و تدوین قانون پسماندها شامل انواع پسماندهای شهری، کشاورزی، بیمارستانی و صنعتی که در حال حاضر در کمیسیون زیربنایی دولت در دست بررسی است.

تهیه و تدوین سیاست‌های بازیافت کشور در کمیته بازیافت شورای عالی الگوی مصرف.

تهیه دستورالعمل بازیافت پلاستیک و کاغذ در کمیته بازیافت شورای عالی الگوی مصرف.

تهیه و تدوین آدماهای بازیافت پلاستیک جهت تهیه استاندارد ملی کشور با همکاری مؤسسه استاندارد تحقیقات صنعتی

همکاری با کنوانسیون‌های بین‌المللی ذی‌ربط مانند بازل (مدیریت حمل و نقل برون‌مرزی پسماندهای ویژه)، PIC (محدودیت و ممنوعیت استفاده از برخی مواد شیمیایی خطرناک). در این زمینه مواد مشمول کنوانسیون بازل در مقررات صادرات و واردات گنجانیده شده است که اکنون مراحل قانونی خود را طی می‌کند. (محرم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۱۹)

حضور فعال در جریان تدوین و امضای کنوانسیون مواد آلاینده پایدار POPs با تهیه راهنمای پسماندهای بیمارستانی.

اجرای پروژه طرح جامع بازیافت و امحای مواد زاید جامد شهری در سال ۱۳۷۸ نشان

می‌دهد:

میزان جمعیت بهره‌مند از خدمات شهری در سال ۱۳۷۸ ۳۹۶۴۸۷۳۲ نفر است میانگین تولید زباله خانگی ۳۱۸۷۷ تن در روز و میانگین سالانه تولید زباله بیمارستانی ۴۵۰ تن در سال و میانگین سالانه تولید زباله‌های صنعتی در سال ۱۳۷۹، ۲۴۴۸ تن تخمین زده شده است. علاوه بر این میانگین درصد اجزای تشکیل دهنده زباله شهری به ترتیب آهن ۳/۲۴، شیشه ۴/۲۴، کاغذ ۱۰/۹۲، پلاستیک ۱۰/۲۸، پارچه ۴/۰۸، چوب ۵/۵۲ و میزان مواد فسادپذیر ۶۲/۶۴ بوده

است. (همان: ۱۲۰)

## زنان و توسعه پایدار

زنان در ایران نیمی از جمعیت و نیمی از نیروی کار مملکت را تشکیل می‌دهند ولی نقش آنان در پیشرفت و توسعه مدرن اجتماع، تا بحال متناسب با وزن جمعیتی آنان نبوده است و این امر بیش از آنکه مولود آموزه‌های مذهبی باشد مولود تاریخ و فرهنگ این کشور بوده است. زیرا بر طبق ایدئولوژی اسلامی زن و مرد هر دو یکسان آفریده شده‌اند.

با آنکه بیش از ۳۰ سال از فعالیت‌های حفاظت محیط‌زیست در ایران و جهان می‌گذرد، توجه جدی به حضور زنان در عرصه حفاظت محیط‌زیست ایران تنها به یک دهه قبل برمی‌گردد. تجزیه و تحلیل نقش زنان نشان می‌دهد که زنان در طول تاریخ نقش مهمی را در بخش کشاورزی، دامداری و صنایع دستی سنتی، ایفا نموده‌اند. و نیز تمام این فعالیت‌ها را در کنار شغل اصلی اکثریت زنان یعنی خانه‌داری و نگه‌داری از شوهر و فرزندان خود انجام داده‌اند و تصویری که در جهان مدرن زنان از خود به عنوان جنس دوم دارند و مطرح می‌کنند هیچگاه مطرح نبوده است و نظام سنتی اقتضائات خود را داشته لذا باید مطابق همان متن و شرایط تفسیر گردد.

زنان ایلات مهاجر نیز چنین موقعیتی در جامعه خود داشته‌اند و فعالیت آنان حتی بنظر ناظرانی که برای اولین بار با این مردم روبرو می‌شوند چشم‌گیر است، در این ایلات بیننده پیش از آنکه از کار مردان و فعالیت اقتصادی آنان آشنا شود، زنان را در نقش‌های گوناگون از تهیه غذا و بافتن گلیم و دوشیدن شیر گرفته تا تهیه هیزم و درست کردن لبنیات و بالاخره گرداندن خانه خود در ایل را مشاهده می‌کند. این زنان ستون اصلی اقتصادی خانه و اجتماع خود می‌باشند، در این جامعه مشاهده می‌شود که هسته‌های اولیه حفاظت از محیط‌زیست و برداشت پایدار از محیط زیست به عهده زنان می‌باشد. نقش زنان روستایی از این حیث در پایداری محیط‌زیست اهمیت دارد که اکثر در دامان طبیعت تولیدکننده هستند.

با آنکه مانعی برای پیشرفت و ترقی زنان و درخشیدن آنان در صحنه‌های مختلف

اجتماعی، از نظر قانونی وجود ندارد و از جنبه‌هایی تشویق هم می‌شوند، متأسفانه سهم بانوان در توسعه یا اندک است و یا آنکه هنوز هم جدی تلقی نمی‌گردد، این امر بدلیل برداشت‌های سنتی و مسائل پیچیده روانی و اجتماعی است که از قرون و اعصار گذشته به ارث رسیده است در این میان خود زنان شاید نسبت به توانایی‌ها و قابلیت‌های خود و موفقیت‌هایی که برای آنان در صحنه اجتماع موجود است (اخیراً درصد دانشجویان دختر از پسر در دانشگاه بیشتر شده است) آگاهی نداشته باشند. شاید از این نظر آموزش زنان نسبت به حقوق و اختیارات قانونی‌شان، راهگشای بروز استعدادها و مشارکت آنان در امر توسعه و زندگی اجتماعی باشد.

درست است که در کشور ما بجز اصل پنجاهم قانون اساسی که صریحاً حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه‌ای عمومی تلقی نموده و نیز برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که در آن به موضوع مشارکت مردم در برنامه‌های محیط زیست اشاره گردید، قوانینی خاص مشارکت زنان در این زمینه وجود ندارد. اما در سال‌های اخیر گام‌هایی در این زمینه برداشته شده است که می‌توان به سازمان‌یابی گروه‌هایی از زنان هوادار محیط‌زیست در قالب تشکل‌های زیست‌محیطی غیردولتی اشاره کرد.

از دیگر اقدامات انجام شده تدوین برنامه‌ای با عنوان «عزم ملی برای حفاظت از محیط‌زیست» با ۶ کمیته تخصصی و ۲ کمیته عمومی می‌باشد که یکی از کمیته‌های عمومی آن به مشارکت مردم اختصاص یافته است. در این کمیته زنان به عنوان یکی از گروه‌های مهم اجتماعی مؤثر بر محیط زیست معرفی گردیده و بر استفاده از توان بالقوه آنان در راستای حفظ محیط‌زیست تأکید گردیده است. (سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۷۶، چکیده برنامه عزم ملی برای حفاظت از محیط زیست، تهران)

همچنین می‌توان به دستاوردهای مهم زیر در القای مشارکت زنان در توسعه پایدار و محیط

زیست یاد کرد: (محرم‌نژاد، ۱۳۷۸: ۱۲۸ و ۱۲۸)

تشکیل دفتر ترویج و توسعه فعالیت‌های زنان روستایی در سال ۱۳۷۲ در وزارت کشاورزی و

دفتر امور زنان در وزات جهاد سازندگی در سال ۱۳۷۵ به منظور ارائه آموزش‌های زیست

محیطی و حفظ و احیای منابع طبیعی به زنان روستایی (که با ادغام دو وزارتخانه این دو نیز در یکدیگر ادغام و به فعالیت خود مشغول‌اند)

انتخاب یک زن به عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست برای نخستین بار

عضویت دو زن در شورای عالی حفاظت محیط‌زیست به ریاست رئیس‌جمهور

افزایش تعداد کارشناسان زن در سازمان حفاظت محیط‌زیست و دانشگاهها

تشویق مشارکت مردمی که منتج به تشکیل ۴۰ تشکل غیردولتی در فعالیت‌های توسعه‌ای شده است به همراه تشکیل پیش از ۱۱۰ تعاونی زنان روستایی از سال ۱۳۷۲ در وزارت کشاورزی، که حامی اهداف زیست‌محیطی نیز هستند.

افزایش تعداد باسوادان زن از ۳۵/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۵/۲ درصد در سال ۱۳۷۶ و کسب مقام اول یونسکو در این زمینه.

گسترش شبکه‌های بهداشت و دسترسی به خدمات درمانی از جمله پیشگیری از حاملگی که به کنترل جمعیت و کاهش رشد آن از ۳/۹ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱/۴ در سال ۱۳۷۷ رسید. الحاق رسمی به کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان طبق موافقت هیئت جمهوری اسلامی ایران که هم‌اکنون در انتظار کسب آرای نمایندگان در صحن علنی است و موارد دیگر.

### سازمان‌های غیردولتی (NGOS)

سازمان‌های غیردولتی، نهادهایی خودجوش‌اند که به صورت نیروهای آگاه، ناظر امدادگر، یا پشتیبان قانون و عدالت ظاهر می‌شود و نقش ارتباطی بین مردم و دولت را ایفا می‌کنند.

مطابق تعریف «شورای عالی اداری» (مصوبه شماره ۱۲/۲۵۱ مورخ ۱۷/۱۲/۷۸)

تشکل‌های غیردولتی تشکیلات و مؤسسه‌های مردمی خوانده شده‌اند که داوطلبانه و برای

مقاصد غیرسیاسی و غیرانتفاعی ایجاد می‌شوند. (امینی، ۱۳۷۸: ۲۹)

## الف) سابقه جنبش محیط‌زیست و سازمان‌های غیردولتی در ایران

جنبش محیط‌زیست در ایران فی الواقع از اواسط دهه ۷۰ شکل گرفته اما هنوز آرمان‌های کلی خود را باز نیافته است لیکن با توجه به بافت تشکیل دهنده آن بیشتر طبقه متوسط شهرنشین هستند، به نظر می‌رسد در نهایت مسائل مربوط به آلودگی و حفاظت از طبیعت به اجزاء غالب این جنبش تبدیل شود.

اولین سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی ایران از سال ۱۳۴۹ فعالیت خود را آغاز کرد که در واقع گروهی از مردم روستای اشکدز یزد بودند که به منظور مقابله با هجوم شن‌های روان این شکل را تشکیل دادند.

پس از انقلاب به دلیل حوادث مهمی همچون جنگ روند ایجاد سازمان‌ها غیردولتی زیست محیطی تا ۱۳۷۰ متوقف شد. در اوایل این سال به تدریج چهار الی پنج سازمان غیردولتی زیست محیطی در کشور تشکیل شد. از آن زمان به بعد خصوصاً پس از جنبش مدنی دوم خرداد در سال ۱۳۷۶ و تشکیل دولت توسط اصلاح طلبان این روند شکل باشتاب‌تری به خود گرفته است. بطوریکه تنها در بخش محیط‌زیست در سال ۱۳۸۰ به ۳۳۰ شکل رسیده است بطور کلی آمار شماره شکل‌های غیردولتی در سال ۱۳۸۰ به شرح زیر گزارش گردیده است. (محرّم‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

۳۳۰ شکل	۱- شکل‌های غیردولتی زیست محیطی
۲۷۰ شکل	۲- شکل‌های غیردولتی زنان
۶۰۰ شکل	۳- شکل‌های غیردولتی جوانان
۵۰۰ شکل	۴- شکل‌های غیردولتی بهداشت
۵۰ شکل	۵- شکل‌های غیردولتی کودکان
۵ شکل	۶- شکل‌های غیردولتی علوم تکنولوژی محیط‌زیست
۱۷۵۵ شکل	جمع

البته در همین جا باید افزود که مطابق برخی مطالعات کارشناسان و صاحب‌نظران عملاً

حتی نصف تعداد تشکل‌هایی که منابع رسمی اعلام می‌کنند، فعالیت ندارند (امینی، ۱۳۷۹: ۲۷)

## مشکلات سازمان‌های غیردولتی

سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی ایران در عمر کوتاه خود با مشکلات و موانع زیاد پیچیده و دشواری رو به رو بوده‌اند که پیشرفت آنها را بسیار کند ساخته و آنها از ایفای نقش واقعی خود باز داشته است، بطور کلی می‌توان این مشکلات را در ۶ مورد تفصیل و تبیین نمود.

### الف) مشکلات سیاسی

اولین و شاید مهمترین مشکل سازمان‌های غیردولتی سیاسی است یعنی اینکه در این کشور همواره قدرت سیاسی و اقتصادی در دست حکومت‌ها بوده و مردم و نهادهای مردمی هیچ جایگاه مناسبی نداشته‌اند (زیباکلام، ۱۳۷۷: ۱۷)

### ب) مشکلات قانونی، حقوقی و ثبتی

یکی از مشکلات حقوقی نبود تعریف مشخص و ثابت از «سازمان غیردولتی است» این مسئله خود سرآغاز دیگر گرفتاری‌های حقوقی و قانونی است و باعث سردرگمی حقوقی است و باعث سردرگمی ارگانهای مسئول ثبت و ارائه مجوز، ارگان‌های نظارت کننده خود تشکل‌هاست. و به علاوه این قوانین کمتر به روز هستند.

### پ) مشکلات اداری و دیوانسالارانه

نظام بیمار اداری و مراحل طولانی کاغذ بازی بوروکراتیک که در همه اداره‌ها و تشکیلات دولتی کشور وجود دارد، سازمان‌های غیردولتی را نیز مانند دیگر مراجعان نظام اداری دچار سرگردانی و فرسودگی کرده است.

**ت) مشکلات اقتصادی**

سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیط ایران می‌توانند از چهارراه به تأمین بودجه خود بپردازند اول از طریق حق عضویت اعضا و کمک‌های مردمی دوم از طریق فعالیت‌های درآمدزا مثل فعالیت‌های پژوهشی سوم از راه دریافت کمک‌های دولتی و چهارم دریافت کمک و گرفتن پروژه از سازمان‌های بین‌المللی اما واقعیت این است که هر یک از این راهها خطرات و موانع جدی ویژه خود را دارد که مثلاً در تأمین بودجه از طریق کمک‌های دولتی، مسئله ناسازگاری با ماهیت سازمان غیردولتی وجود دارد. بویژه اگر سازمان غیردولتی بخواهد همه یا بخش زیادی از بودجه خود را از طریق دولت تأمین کند، مسلماً دیگر به آن سازمان نمی‌توان صفت غیردولتی داد و اساساً نقض غرض می‌شود. در این حالت همیشه این خطر بزرگ وجود دارد که کمک‌های دولتی را به سمت و سوی مورد نظر دولت سوق دهد و لبه تیز شمشیر انتقاد این سازمان‌ها را کند نماید. (امینی، ۱۳۷۸: ۳۱)

**ث) مشکلات اجتماعی**

مشکل عمده سازمان‌های غیردولتی در این حوزه عبارت است از ناآشنا بودن مردم یا نداشتن فرهنگ کارجمعی و گروهی. اگرچه مشارکت به سبک سنتی و در حوزه عشیره‌ای و قبیله‌ای و فامیلی در ایران ریشه‌های طولانی دارد، لیکن مشارکت به سبک نوین و در بیرون از چارچوب قبیله‌ای و در چارچوب نهادهای مدنی هنوز در ایران پانگرفته است. (پیران، پرویز، «شوراها ماشین تخریب حکومت نیستند» (روزنامه صبح امروز، شماره ۳۹، ۱۰ بهمن ۱۳۷۷)

این واقعیت امروز، خود را به صورت بی‌تفاوتی یا بی‌علاقگی درصد بزرگی از مردم نسبت به کارهای اجتماعی نشان می‌دهد به علاوه آن دسته از مردم که خود را علاقه‌مند به کارها نشان می‌دهند، از پختگی لازم برخوردار نیستند و تفاوت‌های کارجمعی و فردی را به اندازه کافی تشخیص نمی‌دهند.

### ج) مشکلات داخلی

مشکلات داخلی سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به طور عمده شامل مسائل مدیریتی و نیز روابط بین افراد و تشکل‌ها می‌باشد.

کارهای مربوط به محیط‌زیست که در ایران اکثراً فرهنگی و آموزشی هستند، به لحاظ ماهیتشان دیربازده‌اند و در کوتاه مدت نمی‌توان متوجه نتایج آنها شد و این مسئله‌ای است که بسیاری از اعضا را با این پندار یأس‌آور روبه‌رو می‌کند که در سازمان کار مهمی انجام نمی‌شود و این کارها همه اتلاف وقت و انرژی است. طبیعی و بدیهی است که پیامد این حالت و تفکر می‌تواند انفعال اعضا یا خارج شدن از سازمان غیردولتی باشد.

به طور کلی برای رفع این مشکلات این سازمان‌ها باید سعی کنند «اثربخشی<sup>(۱)</sup>» «کارایی» سازمان خود را بهبود بخشند. برای افزایش اثربخشی باید فعالیت‌های «تعیین هدف» «سیاست‌گذاری» و «برنامه‌ریزی» به درستی و با دقت و ظرفیت‌های لازم انجام شود. در افزایش کارایی نیز باید روی چهار محور اساسی کار شود: (۱) مشارکت (۲) مدیریت (۳) جذب و نگهداری عضو (۴) بسترسازی.

### همکاری‌های بین‌المللی

با مطالعه میزان همکاری بین‌المللی ایران در رابطه با مسائل زیست‌محیطی به راحتی می‌توان فهمید که برخلاف انفعال سیاسی سیاست خارجی، تلاش‌های بین‌المللی در این زمینه چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، فعال‌تر و پویاتر بوده است. چنانچه نقش تاریخی ایران در شکل‌گیری و تصویب کنوانسیون بسیار مهم رامسر در سال ۱۹۷۱ شهرت عمومی دارد.

(مجنونیان، ۱۳۷۸: ۲۳۰)

همچنین جمهوری اسلامی ایران در پیشبرد مذاکرات کنوانسیون کیوتو که کشورهای در حال توسعه نقش مؤثری در آن داشتند و کنوانسیون جنگل‌ها و کنوانسیون‌های محیط‌زیست



دریای خزر که این هنوز در حال بررسی است نقش محوری و مؤثر داشته است. اکنون جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ذیل را امضا نموده و در آنها عضویت دارد: (کهرم،

(۱۳۷۴: ۱۱۹)

- کنوانسیون رامسر (در رابطه با تالاب‌های بین‌المللی)

- کنوانسیون تنوع زیستی

- کنوانسیون وین

- پروتکل مونترال که چنانکه گفتیم ایران در سال ۱۳۷۹ مقام اول را در اجرای مفاد آن مربوط

به کاهش آلوزن‌ها در میان کشورهای آسیایی احراز نموده است

- کنوانسیون تغییرات آب و هوایی

- کنوانسیون منابع طبیعی

- کنوانسیون گونه‌های در حال انقراض

- کنوانسیون بازل

- سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط‌زیست دریایی

جمهوری اسلامی ایران به عنوان رئیس گروه ۷۷ در فراهم نمودن جمهوری اسلامی ایران

به عنوان رئیس گروه ۷۷ در فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای توافق در خصوص جنبه‌های عملی

و اجرایی پروتکل کیوتو در مذاکرات بن و مراکش نقش مهمی داشت.

ایران کنوانسیون تنوع زیستی را امضا نموده و مورد تصویب قرار داده است. اولین و دومین

گزارش ملی نیز در مورد تنوع زیستی به این کنوانسیون تسلیم شده است ایران همچنین پروتکل

آیمنی زیستی «کارتاهنا» را امضا کرده است و نیز کنوانسیون استکهلم در زمینه آلاینده‌های پایدار

را امضا کرده و به تصویب رسانده است.

ایران و صندوق تسهیلات جهانی زیست محیطی در حال اجرای چندین پروژه مشترک در

مورد حفاظت از تنوع زیستی می‌باشند. پروژه توانمندسازی ایران در مورد کنوانسیون تنوع زیستی

تکمیل شده است و پروژه‌ای نیز برای حفاظت از پوزیلنگ آسیایی در حال انجام است. مراحل

اولیه پروژه راهبردی مدیریت تالاب‌ها، تکمیل شده و مراحل اجرایی آن برای چهار تالاب در حال انجام است.

ایران همچنین با بانک جهانی پروژه مشترکی را در خصوص توسعه راهبردهای کشاورزی تدوین و تکمیل نموده است.

این مطالعه شامل دو تحقیق در مورد مدیریت جامع تالاب‌های شادگان و ارومیه است که تکمیل شده و آماده اجرا می‌باشد. پروژه‌های مشترک دیگر در خصوص مدیریت انرژی، مدیریت پسماندها، آلودگی هوا و ظرفیت‌سازی نیز با بانک جهانی در حال انجام است.

ایران گزارش ملی جامعی در خصوص تالاب‌ها برای برنامه بشر و کره مسکونی و کنوانسیون رامسر ارائه کرده است و اخیراً ۵ تالاب جدید نیز به مناطق تحت نظر شرکت سوئدی (SWECO) و شرکت ژاپنی جایکا (JICA) به طور مشترک به همراه دانشمندان ایرانی در حال انجام سه پروژه تحقیقی در خصوص وضعیت و راهبردهای مبارزه با آلودگی هوای تهران هستند که نتایج این تحقیقات به تهیه یک برنامه جامع برای بهبود کیفیت هوا در کلان شهر تهران می‌انجامد.

در سطح همکاری‌های دو جانبه یادداشت تفاهات مشترکی با کشورهای عربستان، عمان، مراکش، فرانسه، آرمستان، نروژ، سوئد، هلند، اتریش، مجارستان و آلمان در خصوص همکاری‌های مشترک، تبادل اطلاعات تخصصی و زیست‌محیطی به امضا رسیده و در حال اجرا می‌باشد.

سمینار بین‌المللی محیط‌زیست مذهب و فرهنگ با همکاری برنامه محیط‌زیست ملل متحد سال ۱۳۸۰ در تهران برگزار شد. در همین سال یک کارگاه آموزشی برای اعضای اکو در خصوص مدیریت مواد زائد در تهران برگزار شد. متعاقب آن اولین جلسه وزرای محیط‌زیست اکو در آذرماه ۱۳۸۱ مطابق با اکتبر ۲۰۰۲ در تهران برگزار شد.

در حوزه خلیج فارس ایران عضو فعال سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط‌زیست دریایی خلیج فارس (ROPME) است. راپمی دوگشت دریایی تحقیقاتی موفق در تابستان سال ۲۰۰۰

و ۲۰۰۱ به ریاست ایران انجام داده است.

### بررسی وضع موجود مواد زاید جامد شهری در پایتخت کشور

جمعیت تهران براساس سرشماری سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۶/۴۷۵/۵۲۷ نفر بوده است. (مطبوعات و رسانه‌ها معمولاً بین ۸ تا ۱۲ را بیان می‌کنند و این بدان علت است که همیشه چند میلیون مسافر در تهران وجود دارد) جمعیت زیر پوشش خدمات شهری زباله در سال ۱۳۷۸، ۹۳۸۲۲۵۱ نفر ذکر شده است براساس گزارش سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران، متوسط زباله شهر تهران در فصل بهار ۵۴۷۶ فصل تابستان ۵۷۸۲، فصل پاییز ۵۸۴۸، و فصل زمستان ۵۳۹۵ تن است.

حدود ۹۰ درصد از زباله شهری به روش نیمه مکانیزه و بقیه به روشی صنعتی جمع‌آوری می‌شود جمع‌آوری زباله در تهران به بخش خصوصی واگذار شده است.

زباله شهری تهران مرکب از کاغذ و زائدات ۰.۸٪ پلاستیک گرما نرم ۱/۵۰ درصد پلاستیک گرما سخت ۰/۰۸ درصد و میزان پسماندهای غذایی ۶۹/۵۳ درصد است. زباله‌های شهری تنها در یک محل در نزدیکی شهر دفن می‌شود و مواد بازیافتی خشک مانند کاغذ، مقوا، پلاستیکی، نان، خشک، شیشه و فلزات موجود در این زباله با روش‌های بهداشتی و غیربهداشتی بازیافت می‌شوند. (محرم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۲۱)

### جمع‌بندی

چنانکه گفتیم توجه به محیط زیست در ایران از سابقه‌ای تاریخی برخوردار بوده و لزوم احترام به آن در فرهنگ گفتاری و نوشتاری به اشکال مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. ارزش‌های فرهنگی به ویژه ملهم از تعالیم مذهبی همواره بر به‌کارگیری تدبیر آدمی در مواجهه با ثروت‌های طبیعی تأکید داشته است.

و هم از این روست که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش از اصل پنجاهم که

حفاظت از محیط‌زیست را یک وظیفه همگانی داشته و هرگونه فعالیت مخرب آن را ممنوع اعلام می‌کند، در اصل چهل و پنجم سرمایه‌های طبیعی کشور را به عنوان «انفال» معرفی کرده است<sup>(۱)</sup>. در این اصل با استناد به آیه نخست از سوره انفال در قرآن مجید، انتساب مالکیت مناطقی چون بیشه‌های طبیعی، دریاها، رودخانه‌ها، کوهها، دره‌ها و جنگل‌ها به خدا و رسول در واقع مذموم دانستن و گناه دانستن تخریب سرمایه‌های طبیعی و ملی کشور است. امروزه بدلیل تداوم سلطه اصول رایج توسعه در دهه‌های گذشته بسیاری از قواعد نهادین تعامل میان انسان و بسترهای طبیعی حیات در درون مرزهای جغرافیایی ایران، مختل شده و این روند بر رفتارهای اقتصادی، اجتماعی ایرانیان نیز تأثیر گذاشته است.

واقعیت این است که امروزه ایران شاهد دو موج مهم از تغییرات درون‌زا و برون‌زا در حوزه محیط‌زیست و مباحث نظری و علمی آنست. (مباحث فصل اول در واقع محرک‌های اصلی برونزایی آن در ایران بوده‌اند) یعنی رویکرد بین‌المللی به حل معضلات زیست‌محیطی و پویایی تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در درون مرزها به گسترش مطالباتی منجر شده که پاسخگویی به آنها مستلزم چاره‌اندیشی زیربنایی و برنامه‌ریزی‌های ساختاری در سطوح ملی و منطقه‌ای است که می‌تواند حوزه فعالیت ما باشد.

دو برابر شدن جمعیت در کمتر از سه دهه و افزایش شهرنشینی از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۱ درصد در سال ۱۳۷۵ (۷ : UNDP) ضمن نامتعادل کردن میانگین توزیع جمعیت موجب افزایش مشکلات ناشی از الگوی زندگی و گسترش بی‌رویه مناطق شهری در فضایی نامتناسب و فعالیت با مفهوم «توسعه پایدار و متوازن» شده است. در این میان عارضه تاریخی بخشی‌نگری و یکسویه‌نگری در عملکرد دستگاههای اجرایی، خود بر دامنه این قبیل مشکلات

1- قانون اساسی اصل چهل و پنجم : «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوهها، دره‌ها جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک از قانون معین می‌کند».

افزوده است. بخشی‌نگری که به شکل ناهماهنگی‌های مختلف در هدایت سیاست‌های راهبردی بروز یافته آثار محدودیت‌های اعتباری برای واکنش سریع در مقابل ضایعات زیست‌محیطی را تشدید می‌کند.

در دهه‌های اخیر، بسیاری از شاخص‌های مهم اقتصادی و اجتماعی در ایران با دگرگونی‌های مهمی روبه‌رو بوده‌اند که این دگرگونی‌ها الزماً بر روند مثبت یا مطلوب برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار استوار نبوده و در بسیاری موارد موجب افزایش تقاضای کل (مصرف‌زدگی) نسبت به کالاها و خدمات حاصل از محیط‌های طبیعی شده‌اند. از اینرو تشدید تخریب عرصه‌های طبیعی، انباشت پسماندهای حاصل از فعالیت‌های مختلف در محیط، افزایش سرعت تغییر در کاربری ارضی و ... از بارزترین نشانه‌های گسترش فشار بر منابع طبیعی کشور است.

از طرف واقعیت‌های<sup>(۱)</sup> آمارها حکایت از آن دارند که طی سه دهه گذشته تعداد دام در مراتع ۳ برابر، برداشت چوب از جنگل بیش از ۱/۵ برابر، فرسایش خاک ۲/۵ برابر و مصرف آبهای زیرزمینی ۲ برابر شده است. بنابراین ملاحظه نابودی ۳۰ درصد از کل منابع خاک در اثر بیابان‌زایی که به منزله حذف بسیاری از استعدادهای مورد نیاز براب بقای انسان است. (تخریب ۳۳ درصد از پوشش جنگلی و ۲۸ درصد از مراتع، تولید سالانه حدود یک میلیارد مترمکعب پساب خام صنعتی، ۱۴ میلیون تن زباله، ۲/۲ میلیون تن هوای آلوده (فقط در سطح شهر تهران) و رهاشدن مقادیر متناهی پسماندهای خطرناک در طبیعت (فتحی، ۱۳۸۱: ۲۱) زنگ خطر را برای بقای حیات اجتماعی ما در قلمرو این سرزمین به صدا در آورده‌اند.

چنین وضعیتی بر این واقعیت صحنه می‌گذارد که بهره‌برداری مستمر از مواهب طبیعی فقط با رعایت «تعادل در طبیعت» ممکن بوده و این امر باید به عنوان یک وظیفه همگانی در جامعه شناخته شود. از همین‌رو، امروز نگاه به مقوله توسعه با توجه به روند تحولات و چالش‌های موجود زیست‌محیطی، از برخوردهای بازدارنده، کلاسیک و قانونی صرف به سوی جلب



بهره

# فصل سوم

دوم

بررسی و مطالعه موردی برنامه سوم توسعه کشور از نظر گاه زیست محیطی

## مفهوم برنامه و برنامه‌ریزی (به عنوان مسأله بهینه‌سازی تحت محدودیت‌ها)

برنامه<sup>(۱)</sup> بطور کلی نمایش منظم و با رعایت سلسله مراتب فعالیت‌های مربوط به یک رشته تصمیمات منظم و مرتبط برحسب دوره‌های زمانی مختلف است. به عبارت دیگر برنامه‌گاه نامه تصمیمات منظم براساس سلسله مراتب عملیات است.

از طرفی برنامه توسعه ملی<sup>(۲)</sup> سندی است حاوی مجموعه‌ای از اهداف و بیان استراتژی‌ها، سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و سازماندهی لازم برای نیل به اهداف تعیین شده که مدیریت اقتصادی، اجتماعی کشور برای توسعه اقتصادی، اجتماعی تدوین می‌کند، منظور از تدوین برنامه توسعه، تشخیص و تعیین استراتژی‌ها و سیاست‌هایی است که به بهترین وجه راه دستیابی به هدف‌های کلی اقتصادی و اجتماعی را هموار می‌سازد. پس می‌توان گفت دو عنصر مهم در تهیه برنامه توسعه ملی عبارت است از انجام‌پذیری و سازگاری و برنامه‌ریزی فرآیندی است هوشمندانه که طی آن مدیریت یک نظام اهداف نظام را برای زمان موردنظر تعیین و راهبردها و چاره‌جویی‌های تصمیم‌گیری برای نیل به اهداف تعیین شده را با توجه به محدودیت‌های موجود و قابل پیش‌بینی در طی برنامه مشخص می‌کند. (مستندات برنامه سوم، ۱۳۷۸: جلد اول، ۴۸ و ۴۹)

در این تعریف چند مفهوم مهم گنجانده شده است که نیاز به توضیح بیشتر دارد:

۱- برنامه‌ریزی یک جریان مستمر است نه یک عمل مقطعی و یا یک سند تدوین شده برنامه‌ریزی یک مجموعه‌ای از فعل و انفعالات پیچیده در زمینه جمع‌آوری، انتخاب، بررسی و قضاوت، تعیین اولویت‌ها و ابتکار راهبردها و شیوه‌های تصمیم‌گیری است که دستیابی به اهداف مورد نظر را میسر می‌شود.

۲- برنامه‌ریزی یک امر آگاهانه و دارای عزم و قصد است. هر چند که تصادف و شانس و احتمالات ممکن است توسط برنامه‌ریز در نظر گرفته شود اما جریان برنامه‌ریزی انتخاب منطقی اصولی شقوق مختلف کار و سیاست‌های اقتصادی گوناگون بمنظور تحقق اهداف تعیین شده



است.

۳- برنامه‌ریزی مشخص کردن و تنظیم یک سلسله فعالیت‌ها و اقدامات است که قرار است برای تحقق اهداف برنامه در آینده صورت پذیرند، این سلسله فعالیت‌ها بایستی از یک طرف با یکدیگر هماهنگ باشند و از نظر دیگر متناسب با اهداف برنامه‌ریزی شده باشند.

۴- برنامه‌ریزی چنانکه آمد در واقع بهینه‌سازی تابع هدف مدیران برنامه ریز مشروط به محدودیت‌های منابع تکنولوژی و قوانین و مقررات است.

فرآیند انتخاب یک برنامه اجرایی طبیعتاً معادل است با حل یک مسئله ریاضی (از نوع بهینه‌سازی تحت محدودیت‌ها). و بهترین گزینه آن است که تابع هدف مورد نظری را به حداکثر مطلوب سوق دهد. دنیای واقعی پر از محدودیت‌هاست از اینروست که برنامه‌ریزی عبارت است از یافتن بهترین گزینه امکان‌پذیر و بهترین گزینه امکان‌پذیر نیز آنست که ضمن تابع هم باشد. (همان : ۶)

این تلقی از برنامه‌ریزی حتی برای عموم نیز ملموس و قابل درک است، چنین مسایلی در زمره مسائل روزمره اقتصادی در سطح اقتصاد خرد قرار دارند.

برنامه‌ریزی در سطح یک کشور نیز به همین قیاس یک مسئله بهینه‌سازی تحت محدودیت را شکل می‌دهد که در آن یک مجموعه از اهداف از طریق تعداد زیادی گزینه‌های تصمیم‌گیری قابل تعقیب هستند. بدیهی است کلیت برنامه باید از یک طرف با توجه به منابع و محدودیت‌ها امکان‌پذیر و قابل اجرا و از طرف دیگر دارای سازگاری درونی باشد. پس بطور خلاصه برنامه‌ریزی مترادف با یافتن مجموعه‌ای از تصمیمات امکان‌پذیر و قابل اجرا در طول برنامه برای دستیابی به والاترین هدف ممکن.

در همین جا لازم است تذکر دهیم که مطابق فرض ما برنامه مشخص برای توسعه کشور یک امر مطلوب و یک فرض مسلم و علمی تلقی می‌گردد، وگرنه پاره‌ای از متفکران برنامه‌ریزی را از اساس نفی می‌نمایند و صرف برنامه‌ریزی را ایجاد قالب و انجماد و تصلب تلقی می‌نمایند، که مخالف ذات پویای و نظم خودجوش پدیده‌هاست به لحاظ فلسفی و هستی‌شناسانه پوپروهایک

به این اصل اعتقاد دارند همچنان که کارشناس و صاحب نظران امور توسعه در ایران آقای دکتر حسین عظیمی نیز بر این عقیده هستند. به نظر وی «مشکلات بسیاری در امر برنامه ریزی در ایران وجود دارد اما به رغم تمام آنها نباید ارزش برنامه ریزی را زیر سؤال برد (همشهری، ۱۳۸۰: ۹) مطابق همین خط استدلال مکتب مدیریتی اقتضائی<sup>(۱)</sup> نیز برخلاف شیوه مدیریت مقتدرانه<sup>(۲)</sup> و متمرکز (که در دهه ۶۰ و ۷۰ مکتب مسلط بود) مدعی است که مدیریت منابع تولید و انسان ها را نمی توان مطابق اصول و قواعد از پیش تعیین شده و متصلب به طرز موفقی انجام داد، بلکه باید متناسب با شرایط و اوضاع و احوال خاص موارد و موضوعات ویژه را مدیریت نمود، یعنی اساساً ویژگی هر امری یگانگی و منحصر به فرد بودن<sup>(۳)</sup> آنست لذا از قواعد خاص خود پیروی می کند. نمی توان برای امور یگانه بی شمار قواعد و قوانین مشخص تدوین نمود.

پس از تذکار مکاتب فوق در اینجا لازم است به مفهوم تابع هدف و محدودیت ها که پیش از این بیان کردیم، اشاره ای شود، محدودیت هایی که سطح قابل دستیابی از تابع هدف را محدودی می نمایند حداقل در دو دسته قابل طبقه بندی هستند محدودیت منابع و محدودیت تولید طبق گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی مانعی غیر از محدودیت های فوق شامل محدودیت قوانین و مقررات بازنده ترین محدودیت ها در برنامه ریزی سوم توسعه بوده است. (گزارش مرحله اول، برنامه، فعالیت های نظام برنامه ریزی، برنامه سوم ... ۱۳۷۷: ۷)

اما اگر محدودیت قوانین و مقررات و تناقض موجود میان آنها برای پیشبرد برنامه سوم توسعه شامل اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صادق باشد، برعکس برای مسائل زیست محیطی و بخش آن اینچنین نیست، چنانکه قبلاً گفتیم قوانین و مقررات موجود برای حفظ محیط زیست حتی از بسیاری کشورهای پیشرفته تر از ایران نیز غنی تر است، و مشکل در اینجا بیشتر در زمینه اجراست نه نسخ قوانین کهنه و ایجاد مقررات نوین.

1- Contingency Management

2- Authoritative Management

3- Unigeness

## مرور تاریخی برنامه‌ریزی توسعه در ایران و محیط زیست

کوشش برای صنعتی کردن<sup>(۱)</sup> و مدرنیزه شدن ایران به اوایل دهه ۱۳۰۰ شمسی (۱۹۰۰ میلادی) برمی‌گردد. در دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۱) سیاست‌های توسعه اقتصادی دولت، آنچه را که امروز از اصطلاح برنامه‌ریزی توسعه فهمیده می‌شود تشکیل نمی‌داد. این سیاست‌ها شامل بعضی از برنامه‌های محدود سرمایه‌گذاری در بخش دولتی بدون اهمیت قابل توجهی به بخش خصوصی بود. (عظیمی، ۱۳۷۴: ۳۷۲ و ۳۷۳) طی سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۲۰ به طور متوسط ۳۳ درصد از بودجه به ارتش اختصاص یافت و این در حالی بود که آموزش و پرورش فقط چهار درصد از بودجه را به خود اختصاص می‌داد. بخاطر ایجاد امنیت جاده‌سازی در این دوره بیشترین بودجه را می‌بلعید.

### - اولین برنامه توسعه (۱۳۳۴-۱۳۲۸)

این برنامه هفت ساله بود، که بخش خصوصی در محاسبات آن وارد نشده بود، برنامه متشکل از تعدادی پروژه‌های زیربنایی بود که باید توسط سازمان برنامه که جدیداً تأسیس شده بود، به اجرا درمی‌آمد.

### - دومین برنامه توسعه (۱۳۴۱-۱۳۳۵)

طبق برنامه دوم کلیه تخصیص‌ها در بخش کشاورزی منحصر به سه سد بزرگ کرج سفیدرود و دز می‌باشد. تخصیصات بخش صنعت، در ساختمان و مدرن کردن کارخانجات شکر، پارچه و سیمان متمرکز بود برنامه سرمایه‌گذاری براساس رویکرد «پروژه‌ای پس از پروژه دیگر» آماده می‌شد. تأمین مالی پروژه‌ها از درآمد نفت بود، درآمدهای نفتی بین سه سازمان تقسیم می‌شد. سازمان برنامه، وزارت دارایی (مالیه) و شرکت ملی نفت ایران، البته حدود ۸۰ درصد از این درآمد در سازمان برنامه متمرکز بود.

برنامه براساس تجزیه و تحلیل اقتصادی و استفاده از ابزاری چون نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری‌های یا تجزیه و تحلیل هزینه فایده قرار نداشت به همین دلیل برنامه دوم دارای مشکل درونی و ذاتی بود، اقتصاددان آمریکایی، Looney از این دیدگاه برنامه دوم را یک فاجعه تلقی کرده است. (Looney, 1982 : 21)

### سومین برنامه توسعه (۱۳۴۲-۱۳۴۶)

اولین برنامه جامعه توسعه برنامه سوم است. دوره برنامه سوم را باید به دو دوره دروه تقسیم کرد: ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶. دوره اول که دوران یک رکود بود در ترکیب با سیاست‌های تثبیت اوایل دهه ۱۳۴۰ منجر به ایجاد تراز پرداخت‌های مطلوبی گشت با ادامه وضعیت بهبود و رونق اقتصادی هم سرمایه‌گذاری و هم واردات افزایش یافت. دستیابی به نرخ رشدی معادل ۶ درصد در سال تکیه اولیه برنامه سوم بود که به علت افزایش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی به ۸ درصد در سال رسید (مهدوی، ۱۳۸۰: ۹ و ۱۰).

### چهارمین برنامه توسعه (۱۳۴۷-۱۳۵۱)

چهارمین برنامه توسعه برخلاف برنامه سوم که هدف کلی نداشت مشتمل بر چند هدف کلی بود. این اهداف کلی عبارت بودند از، ۱- افزایش رشد اقتصادی از طریق افزایش نسبی سهم صنعت ارتقای بهره‌وری سرمایه و معرفی تکنیک‌های پیشرفته تولید ۲- توزیع عادلانه‌تر درآمد ۳- تنوع صادرات و کاهش وابستگی به کشورهای خارجی ۴- تقویت نظام اجرایی از طریق شیوه‌های پیشرفته مدیریت

مشکلات اصلی این برنامه عبارت بودند از: فقدان آمار عدم وجود مبنایی برای سازگاری و هماهنگی اجزای برنامه، کمبود پروژه‌های مشخص، و عدم اطمینان در مورد دسترسی به وجوه لازم جهت پرداخت هزینه‌های برنامه.

## پنجمین برنامه توسعه (۱۳۵۲-۱۳۵۶)

پنجمین برنامه توسعه ایران حجم کل سرمایه‌گذاری را بالغ بر ۲۴۶۱ ریال (۳۶/۴ میلیارد دلار) مربوط به بخش عمومی، و ۱۳/۵ میلیارد دلار به بخش خصوصی می‌شد، تصمیمات متخذ به وسیله اوپک در اکتبر و دسامبر ۱۹۷۳ موجب شد که درآمد حاصل از هر شبکه نفت ایران عملاً چهار برابر گردد. بنابراین تخمین درآمدهای بخش نفت در برنامه پنجم پس از تجدیدنظر رقم جدید ۹۸/۲ میلیارد دلار را نشان می‌داد، به همین علت بود که دولت علاقمند شد، به نحوی مخارج خود را تنظیم کند که امکان سرمایه‌گذاری در خارج از کشور را پیدا کند.

اهداف کلی برنامه عبارت بودند از: افزایش استاندارد زندگی و درآمدها، نیل به رشد متعادل با حداقل تورم، تقویت خدمات اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست، توزیع عادلانه‌تر منابع انسانی، گسترش علم، دانش و تکنولوژی، افزایش تولید داخلی و واردانه صنعتی سرمایه‌گذاری مازاد ارز در خارج از کشور به منظور ایجاد منابع جدید ثروت جهت دوران بعد از نفت و حفاظت و ارتقاء فرهنگ و میراث ملی. (همان: ۱۲)

چنانکه ملاحظه می‌کنیم برای نخستین بار بود که دولت حفاظت از محیط‌زیست را مشخصاً و مصرحاً از اهداف خود بیان داشت، به علاوه با ایده سرمایه‌گذاری ارز جهت ایجاد منابع جدید ثروت غیرنفتی در دوران بعد در واقع برای نخستین بار است که عدالت زیست‌محیطی از نوع بین نسلی آن تلویحاً مدنظر قرار گرفته است.

## ششمین برنامه توسعه (۱۳۵۷-۱۳۶۱)

در سال ۱۳۵۵ برنامه پنجم تجدیدنظر شده، عملاً به هیچ عنوان دنبال نمی‌شد. نگرانی از مسائل آتی منجر به تهیه سریع برنامه ششم توسعه شد. تخمین درآمدهای دولت ۱۲۰ میلیارد دلار زده شده بود در حالی که تقاضا برای وجوه به مراتب بیشتر بود یعنی بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار بود. در این شرایط بود که شاه تصمیم خود را اینگونه اعلام کرد که ایران از این پس براساس برنامه‌های پنجساله توسعه عمل نخواهد کرد بلکه راهبردهای ۱۰ ساله و ۲۵ ساله را در پیش

خواهد گرفت.

### - اولین برنامه توسعه پس از انقلاب (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

هنوز چیزی از انقلاب نگذشته بود جنگ عراق علیه ایران تحمیل شد جنگ از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۷ به مدت هشت سال به طول انجامید همزمان اقتصاد ایران چندضربه دیگر غیر از جنگ متحمل شد، این ضربه‌ها شامل تحریم تجاری و مالی جمهوری اسلامی ایران از آن سوی مرزها سقوط قیمت جهانی نفت به عنوان منبع اصلی عایدات ارزی و درآمدهای عمومی، هجوم آوارگان و مهاجران، و چند فاجعه شدید طبیعی می شد به علاوه بسیاری از نخبگان سیاسی و اقتصادی صاحبان فن و کارفرمایان نیز از کشور خارج شدند مبالغ عظیمی از سرمایه نیز به خارج از کشور انتقال یافت. بدین سان دولت از توانایی تهیه تدوین و اجرای برنامه توسعه بازماند، و تنها سیاست‌های کنترلی را در مورد قیمت‌ها، توزیع و تجارت خارجی اعمال نمود چنانکه گفتیم جنگ به نحو سلبی اثرات مخرب عظیمی بر محیط زیست ایران و کل منطقه برجای نهاد.

پس از پایان جنگ یک راهبرد در قالب برنامه پنجساله اول اقتصادی اجتماعی و فرهنگی تدوین شد. این برنامه که سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ را دربرمی‌گرفت، برنامه پنجساله با هدف بازسازی مدیریت اقتصادی، در مسیری متفاوت با وضعیت جنگی با اهدافی خصوصی سازی، تولید، تعدیل اقتصادی، تهیه شد، که گرایش آن به سمت ایجاد وضعیتی جدید مبتنی بر مکانیسم اقتصاد بازار بود.

فصل نخست و مقدماتی برنامه به صراحت اشعار می‌دارد که «چنانچه نقش بخش خصوصی در اقتصاد ایران بیش از این مورد غفلت قرارگیرد وضعیت اقتصاد ایران بدتر از آنچه هست خواهد شد». (برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۷۲: ۷-۱)

همچنین عبارت ذیل در راستای تأکید بر سرمایه‌گذاری خصوصی آمده است: «فقط از چنین طریقی امکان بسیج منابع بیکار به سمت تولید خواهد بود. (همان)

اهداف کلی برنامه اول در طول عمر پنجساله آن به شرح ذیل است: رشد سالانه ۸/۱٪

درصدی تولید ناخالص داخلی، کاهش کسر بودجه عمومی از ۲/۴۶ میلیارد در سال ۱۳۶۷ به ۹۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲، کاهش نرخ بیکاری از ۱۵/۹ درصد به ۱۳/۴ درصد، انجام امور بازسازی و کنارگذاردن کنترل‌های اقتصادی، اصلاح ساختار پولی و کنترل تورم، جایگزینی واردات در کنار تشویق صادرات، کنترل رشد جمعیت. (نیلی، ۱۳۷۶: ۵۷)

چنانکه می‌بینیم به غیر از کنترل جمعیت که هدف مستقیم از تعقیب آن نیز کمک به اقتصاد کشور بوده است در این برنامه نیز علیرغم تبعات و خسارات عظیم ناشی از جنگ هشت ساله بر طبیعت محیط زیست و طبیعت دارای اهمیت و جایگاهی نبوده است.

### - دومین برنامه توسعه پس از انقلاب (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

برنامه دوم نیز در ادامه برنامه اول و بر مبنای چند محور اساسی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های برنامه را تدوین و سازماندهی کرد. این محورها عبارتند از: رفع عدم تعادل‌های تاریخی و پرسابقه مانند عدم تعادل در منابع و مصارف بودجه، پس‌انداز سرمایه‌گذاری و تجارب خارجی، تغییر ساختار اقتصادی، منطقی شدن قیمت‌ها، کاهش ابعاد بخش دولتی، توسعه استانداردهای مدیریت، توسعه نظام تأمین اجتماعی به توجه به محیط‌زیست. (مستندات برنامه دوم، جلد سوم، ص ۲)

توجه به محیط‌زیست در این برنامه برای اولین بار، به صورت اسمی صورت گرفته است در طول اجرای این برنامه تا دوره بعد از خرداد ۱۳۷۶ اهتمام جدی و عملی به محیط‌زیست نشد. اهم اهداف کلی برنامه دوم عبارت بودند از: رشد سالانه معادل ۵/۱ درصد، کسری بودجه معادل ۸۷۵ میلیارد ریال مجموعاً و طی برنامه ایجاد بالغ بر ۲ میلیون فرصت شغلی، ادامه اصلاح ساختار پولی و کنترل تورم، کاهش تصدی و انحصارات دولتی و تأکید بر اتمام طرح‌های نیمه تمام. (همان)

## نتایج

ارزیابی دوره جنگ پس از انقلاب بدون نظریه چند و چون و اقتضائات خود جنگ میسر نیست.

در مورد برنامه‌های پیش از انقلاب می‌توان اذعان نمود که برنامه‌های توسعه رژیم سابق و بعد از انقلاب باناکامی مواجه شد این قضاوت ما به لحاظ برنامه و کلاً اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و گرنه به لحاظ زیست‌محیطی چنانکه نشان دادیم کمترین توجهی به حفظ محیط‌زیست و اراده جهت تحقق قوانین نیز وجود نداشت.

در سراسر برنامه‌های توسعه رژیم سابق به خواسته‌ها و سلائق و کلاً مشارکت مردم بی‌توجهی شد این برنامه‌ها از رشد متوازی برخوردار نبود و توزیع درآمد و تثبیت اقتصادی جایی در برنامه‌ها نداشت. درآمدهای نفتی به گونه‌ای که اقتصاد را و خصوصاً بخش کشاورزی را بهبود و توسعه دهد مصرف نمی‌شد، هزینه نظامی بالا بود، و حتی مابقی درآمدهای نفتی به بخش‌های صنعت اختصاص داده نمی‌شد. تا به نوبه خود به تقاضای داخلی یا بین‌المللی منجر شود، برای صنایع طراحی شده هم ارزیابی بازار نشده بود. (مهدوی، ۱۳۸۰: ۲۲) در عوض درآمدهای نفتی موجب گردید که ایران واردکننده خالص محصولات کشاورزی در دهه ۱۳۵۰ و در حد هشدار دهنده‌ای واردکننده نامحدود مواد غذایی باشد. (Looney, 1982: 40)

برنامه پنج ساله اول مصوب نیمه دوم سال ۱۳۶۸ در شرایطی تهیه شد که کشور پس از یک جنگ ویرانگر هشت ساله با حدود یک هزار میلیارد دلار خسارت مواجه بود. اقتصاد همچنان تک محصولی بود و نفت بر ساختار اقتصادی و سیاسی اثرات سویی گذاشته بود.

برنامه دوم توسعه برخلاف برنامه اول که تقریباً در مورد درآمدها بی‌پروا تنظیم شده بود، که همین هم باعث ریخت و پاش‌های نابجایی در مملکت گشت، محتاطانه و براساس حداقل درآمدها تنظیم شد. در یک نگاه کلی محورهای برنامه دوم عبارت بودند از توسعه صادرات عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی متوسط اما پایدار ۵/۶ درصد، کاهش تورم و بدهی‌های خارجی.



در طول تمام این برنامه‌ها نه تنها از عنوان «توسعه پایدار» خبری نیست بلکه از معنا و مفهوم آن که به یک معنا متقدمتر از خود عنوان «توسعه پایدار» نیز هست خبری نیست، چنانکه عدالت اجتماعی و کاهش بنیادی فاصله فقیر و غنی نیز بطور مشهود، حاصل نشده است و برنامه‌های توسعه در فقرزدایی به عنوان اولین و مهمترین هدفشان نیز چندان موفقیتی حاصل نموده‌اند، تفصیل و شواهد مدعای فوق را متعاقباً خواهیم آورد، پیش از آنکه به اصل موضوع، یعنی قانون برنامه توسعه سوم و جایگاه محیط‌زیست در آن پردازیم به مشکلات اصلی نظامهای برنامه‌ریزی کشور در دو دهه اخیر اشاره مختصری می‌نماییم تا از منظری وسیع‌تر به برنامه سوم پردازیم.

(۱) به رغم پنجاه سال سابقه برنامه‌ریزی راهبرد مشخصی برفرآیند برنامه‌ریزی حاکم نبوده به طوری که نوع برنامه‌ها از نظر جامعیت، نگرش‌های منطقه‌ای، بخشی عمیق و حد تفصیل، مشخص نبوده است این موارد، باید به روشنی در نظام بلند مدت برنامه‌ریزی صراحت داشته باشد و به عنوان یک الزام قانونی دستورکار برنامه‌ریزان و مجریان برنامه در هر مقطع برنامه‌ریزی قرارگیرد تا برنامه به تبع نگرش‌های شخصی و تغییر در مدیریت‌های سیاستی و اقتصادی کشور از مسیر خود انحراف نیابد. (عظیمی)، در نتیجه برنامه به صورت انبوهی از ارقام و اعداد درآمده و حفظ سازگاری بین انبوه اطلاعات بسیار دشوار و حتی غیرممکن بوده است ضمن آنکه تحقق کمیات مورد نظر برنامه در گرو تحقق منابع پیش‌بینی شده طی سال‌های برنامه است که به دلیل عدم قطعیت زیاد در حصول منابع مالی کشور تحت تأثیر تغییرات قیمت جهانی نفت به طور معمول فاصله چشمگیری بین هدف‌های برنامه و عملکرد آن به وجود می‌آید.

همچنین در دهه‌های اخیر، اغلب مفهوم برنامه‌ریزی را به مثابه تخصیص بودجه پنجساله با رقابت بخش‌ها برای اخذ منابع بیشتر پنداشته‌اند (مستندات برنامه سوم توسعه، جلد اول، ص ۱۱)

(۲) از مهمترین ویژگی‌های مشترک برنامه‌های قبل، فقدان برنامه‌های عملیاتی رهنمودها و سیاست‌های کلی برنامه است، به طوری که سیاست‌ها و جهت‌گیریهایی اصلی برنامه، نه در زمان فرآیند تهیه و نه هنگام اجرای برنامه‌ها، فرصت عملیاتی شدن نیافتند، در نتیجه تخصیص منابع

در این برنامه‌ها ارتباط دقیق و حساب شده‌ای با سیاست‌های کلی برنامه‌ها نداشته‌اند. این امر باعث شده که سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی کشور در خارج از چارچوب نگرش برنامه‌ای در سال‌های اخیر دستخوش تغییرات زیاد می‌شود. (همان)

بنابراین اهمیت برنامه سوم در این است که جهت عملیاتی کردن سیاست‌های برنامه بخش خاصی را با توجه بیشتر تدوین کرده است، این بخش در واقع مهمترین بخش برنامه است. (۳) موفقیت هر برنامه در گرو تعهدی است که ارکان نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور برای ایجاد چنین تعهدی لازم است که ارکان نظام بر مجموعه‌ای از جهت‌گیری‌های کلی توافق داشته باشند و دست کم در سطح رسمی از گفتمان و حاکمیت دوگانه بپرهیزند. بنابراین داشتن مجموعه‌ای از رهنمودهای کلی از سوی مقام رهبری، برای تنظیم برنامه توسعه و نیز تلاش در جهت تدوین برنامه‌های عملیاتی متناسب با رهنمودهای مزبور در تصویب و اجرای موفقیت‌آمیز هر برنامه امری ضروری است رهنمودهای مقام رهبری به کمک شورای تشخیص مصلحت تدوین و به تأیید وی رسید است و بر اساس آن برنامه سوم تفصیل شده است.

(۴) در برنامه‌های گذشته، پس از تدوین و تصویب هر برنامه فعالیت نظام برنامه ریزی خاتمه می‌یافت بنابراین به رغم تحولات اقتصادی غیرقابل پیش‌بینی، اعمال تغییرات لازم در برنامه ممکن نمی‌بود زیرا در قانون برنامه چنین اصلاحاتی پیش‌بینی نشده بود. بدین رو نظام برنامه‌ریزی سوم به نحوی طراحی شده است که اولاً مجلس شورای اسلامی از طریق بررسی و تصویب هدف‌ها، جهت‌گیری‌ها و خط‌مشی‌ها و سیاست‌های اصلی برنامه نظارت خود بر عملکرد قوه اجرایی را اعمال کند. ثانیاً انعطاف‌پذیری کافی برای اصلاح برنامه‌های بخشی منطقه‌ای در دل سیاست‌های تصویب شده برای تحقق هدف‌های برنامه وجود داشته باشد. (همان، ۱۲)

(۵) برنامه سندی ملی است که پیامدهای مترتب بر آن همه بخش‌های دولتی تعاونی و خصوصی را تحت تأثیر قرار دهد. چنین سندی علی‌الاصول باید حداکثر بهره را از بنیه علمی و تجربی کشور ببرد. سند برنامه ایران نیز در واقع حاصل تلاش صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران

برنامه ریزی کشور است. خوشبختانه در تدوین برنامه سوم بدلائیل تحولاتی که پس از دوم خرداد در سطح حاکمیت و دولت ایجاد گردید از استوانه های علمی پژوهش کشور استفاده قابل قبول گردید.

## بررسی شکلی جایگاه محیط زیست در دل و دامنه برنامه و قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی

(الف) در مجموع براساس پیشنهاد ارائه شده برنامه سوم در سه مرحله برشمرده به شرح زیر تهیه و تنظیم گردید.

### مرحله اول

- (۱) بررسی عملکرد گذشته، تبیین وضع موجود مشکلات و تنگناها و نقاط قوت و ضعف ساختاری و عملکردی.
- (۲) تهیه چشم انداز بلند مدت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، با نگرش های آمایشی و ساخت دغدغه و چالش های آینده.
- (۳) ارائه گزینه های مختلف و پیشنهاد گزینه مطلوب.
- (۴) رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه

### مرحله دوم

- (۱) تدوین برنامه های عملیاتی رهنمودهای کلی برنامه
- (۲) تدوین سیاست های اقتصاد کلان و سیاست های استراتژیک بخشی
- (۳) تهیه طرح پایه آمایش سرزمین
- (۴) تهیه چارچوب های تمرکز زدایی و تفویض اختیار، از مرکز به استان ها
- (۵) نهایی نمودن تصویر روند مطلوب

## مرحله سوم

## تدوین لایحه برنامه سوم توسعه

رهنمودهای کلی برنامه توسط شوراهای برنامه ریزی فرابخشی تهیه و به تنظیم و تصویب هیأت وزیران رسید از میان این رهنمودهای کلی برخی که با تعریف سیاست کلی انطباق داشت از سوی دولت تقدیم رهبری گردید مقام رهبری پس از اخذ نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام و بازبینی سیاست های پیشنهادی سیاست های کلی برنامه سوم را ابلاغ نمودند. (لایحه برنامه سوم توسعه کشور، پیوست شماره یک، ۲)

رهنمودهای مزبور شامل چهار فصل تحت عناوین ۱- اقتصادی ۲- فرهنگی ۳- اجتماعی، سیاسی، دفاعی، امنیتی و ۴- آمایش سرزمین، توازن منطقه ای و محیط زیست می گردند. رهنمودهای کلی ۴۹ بند را تشکیل می دهند که از این تعداد ۱۰ بند آن مربوط به فصل چهارم یعنی آمایش سرزمین، توازن منطقه ای و محیط زیست می گردد. که بخش قابل ملاحظه ایست. همینطور در حین تدوین لایحه سوم از ۷ شورای فرابخشی یک شورا تحت عنوان آمایش سرزمین و محیط زیست تشکیل شده که اعضای آن عبارت بودند از:

- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست

- وزیر مسکن و شهرسازی

- معاون وزارت جهادسازندگی و رئیس سازمان جنگل ها و مراتع

- معاون وزارت صنایع

- رئیس سازمان نقشه برداری کشور

- معاون طرح و برنامه وزارت دفاع

- مسئول کمیته طرح پایه آمایش سرزمین، مدیرکل دفتر آمایش و برنامه ریزی منطقه ای سازمان

برنامه و بودجه

- مسئول کمیته سیاست های زیست محیطی، معاون سازمان حفاظت محیط زیست. - سه نفر

از صاحب نظران استاد دانشگاه، تشکل های صنفی و تخصصی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن،

معادن، اتحادیه‌ها و صنوف، (با احتساب دست کم یک نفر از بخش خصوصی) به تشخیص و انتخاب شورا

- نمایندگان دستگاه‌های دیگر حسب مورد و براساس دعوت رئیس شورا.

جهت تدوین سیاست‌های فرابخشی، مطابق مکانیزم برنامه ریزی برنامه سوم، تحت هر یک از شوراهای فرابخشی کمیته‌هایی را موظف به مطالعه و بررسی نمود که تحت شورای آمایش سرزمین تو از منطقه‌ای و محیط زیست سه کمیته زیر تشکیل گردیده است.

(۱) کمیته طرح پایه آمایش سرزمین

(۲) کمیته نهادسازی و توسعه و توازن منطقه‌ای

(۳) کمیته سیاست‌های زیست محیطی

از این میان وظایف کمیته اخیر یعنی کمیته سیاست‌های زیست محیطی عبارتند از:

(۱) بررسی روند گرایش‌های زیست محیطی و نقد و تحلیل سیاست‌ها و عملکردهای آن

(۲) تحلیل مشکلات و تنگناها

(۳) تدوین رهنمودهای کلی برنامه با تأکید بر:

- نهادی کردن ملاحظات زیست محیطی در فرآیند توسعه

- مردمی کردن فرآیند حفاظت از محیط زیست

- تدوین و بکارگیری استانداردهای زیست محیطی در مراحل طرحی، اجرا و

بهره‌برداری

- اصلاح نظام‌های بهره‌برداری در جهت صیانت و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی.

۴- تهیه و تنظیم راهکارهای اجرایی و عملیاتی کردن رهنمودهای کلی برنامه با تکیه بر

اصلاحات نهادی و سازمانی و زمانبندی اقدامات اجرایی.

در واقع حاصل مطالعات و فعالیت‌های کمیته در سند برنامه سوم فصل ۱۵ ویژه

سیاست‌های زیست محیطی آمده است. که همین مطالعات در واقع مستندات بخش

زیست محیطی قانون برنامه سوم توسعه قرار گرفته است.

در نهایت قانون برنامه سوم مشتمل بر سه بخش شامل بخش اول حوزه‌های (۱۲ فصل) فرابخشی، بخش دوم، امور بخشی (۱۳ فصل) و بخش سوم اجرا و نظارت (ذیل یک فصل) تهیه و تدوین گردید که فصل دوازدهم حوزه‌های فرابخشی آن ویژه سیاست‌های زیست‌محیطی است. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۲) در جلسه علنی مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی (دوره پنجم) با اصلاحاتی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ به تأیید شورای نگهبان رسید که در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی ریاست وقت مجلس علی‌اکبر ناطق‌نوری آنرا جهت اجرا به رئیس جمهور محمد خاتمی ابلاغ نمود و اکنون بیش از سه سال از زمان شروع اجرای آن می‌گذرد.

همانگونه که در فصل اول مطرح نمودیم در مباحث توسعه پایدار عمدتاً تلاش بر این است که میان دو محور متضاد هم یعنی ضرورت رفع فقر و ناداری و حفظ طبیعت و منابع محیط‌زیست یک پل سازگاری ایجاد نمایند، تا در جهت رفع نیازها به عنوان اصلی‌ترین وظیفه توسعه هم با فقر مبارزه گردد و هم منابع و طبیعت که مصرف آن ناچاراً برای زدودن فقر لازم است در تعادل نگه داشته شود، از این رو لازم است به عنوان یکی از اهداف برنامه توسعه سوم برای رفع فقر به تبیین مختصر این پدیده در برنامه سوم نیز بپردازیم.

## - فقر و توزیع درآمد در ایران

اینکه از نظرگاه بحث فلسفی، فقر و محرومیت زمانی حادث می‌شود که زمان احساس نیاز مقدم بر زمان ارضای نیاز باشد شاید بیشتر یک مسئله روانشناختی باشد. در عین حال به نظر می‌رسد که مجموعه نیازهای انسان‌ها به صورت بالقوه مجموعه‌ایست باز و بی‌نهایت. لذا هیچگاه انسان‌ها با شرایطی مواجه نخواهند شد که احساس نیاز تازه‌ای نکنند، یا احساس و ارضای نیاز آنان همزمان باشد، به این اعتبار جامعه انسانی همیشه فقیر خواهد بود، در این وضعیت ممکن است اندازه‌گیری مقدار فقر، کاری عبث جلوه‌گر شود، ولی چنین نیست، چراکه نوع فقر براساس سطوح نیاز در مراحل مختلف توسعه، متحول می‌شود و می‌توان براساس تقدم

زمانی احساس نیاز در رفتار انسانی رده بندی ویژه‌ای از سطوح فقر را در اختیار داشت و در بحث‌های عملی به این طبقه بندی‌ها تکیه کرد. (عظیمی، ۱۳۷۴: ۱۹۸)

اولین بند رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه توصیه مقام رهبری به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور چنین مقرر می‌کند: تمرکز دادن همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه‌ی اقتصادی به سمت و سوی «عدالت اجتماعی» و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات رفیع محرومیت از قشرهای کم درآمد. (لایحه برنامه سوم پیوست شماره یک، ۵)

در همین راستا دکتر محمد طبیبیان که در مطالعات و آماده سازی تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیری تعیین کننده داشته است، تحقیق مفصلی را با همکاران خود در این زمینه رهبری کرده است که یافته‌ها و تحلیل‌های آن مستند برنامه سوم بوده است.

مطابق تحقیق فوق‌الذکر در کشور ما ۱۰ درصد ثروتمندترین اقشار درآمدی حدود ۳۰ درصد از کل مصرف جامعه را به خود اختصاص می‌دهند، این سهم برای ۱۰ درصد فقیرترین حدود ۱/۶ درصد است. یعنی ده درصد بالاترین سطح درآمدی خانوارها بیش از ۲۰ برابر فقیرترین خانوارها مصرف می‌کنند این رقم در مقایسه بین‌المللی هم وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهد، زیرا سهم پایین‌ترین ده درصد در بسیاری از کشورها از ۲/۵ درصد پایین‌تر است. (طبیبیان، ۱۳۷۹: ۱۰)

سطح زندگی در مناطق روستایی همیشه پایین‌تر از سطح زندگی در مناطق شهری و حدوداً بین ۶۰ تا ۷۰ درصد آن بوده است این اختلاف پیوسته در همین حدود باقی مانده است سهم مصرف ده درصد فقیرترین اقشار روستایی ۱/۵ درصد و ده درصد فقیرترین اقشار شهری حدود ۲/۲ درصد است.

نیز طی سال‌های مختلف حدود ۱۴ درصد از خانوارهای جامعه شهری و ۲۲ درصد از خانوارهای روستایی در زیر خط فقر قرار داشته‌اند، درصد خانوارهای شهری زیر خط فقر بین سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ و خانوارهای روستایی تا سال ۱۳۶۸ افزایش داشته لکن از آن به بعد کاهش یافته است. (همان: ۱۴) ملاحظه می‌شود که در دوره‌های اجرای برنامه‌های اصلاحات

طبق همین گزارش رابطه منفی بین تولید و فقر وجود دارد. یعنی با رشد ارزش افزوده بخش‌های حتی وضع خانوارهای فقیری که سرپرست آنها در آن بخش فعالیت می‌کند بهبود می‌یابد، همانگونه که مشاهده می‌کنیم در اینجا ضرورت رفع نیاز فقر آشکارا در مقابل حفظ طبیعت قرار می‌گیرد. زیرا برای ایجاد ارزش افزوده برکالاها باید هر چه بیشتر از منابع محیط‌زیست برای امر تولید بهره‌برداری نمود.

### - منطق و ذهنیت اقتصادی حاکم بر برنامه سوم توسعه

به لحاظ تبارشناسی نیروهای تصمیم‌گیر حیطه اقتصادی دولت در رأس و صدر آن آقای هاشمی رفسنجانی از زمان تدوین برنامه اول توسعه تهیه، تدوین و قبل از آن مطالعات برنامه بطور کلی در دست صاحب‌نظران استاتید و احزاب و نیروهای مدرن بوده است. اساساً تمام صاحب‌نظران اقتصادی درمان بیماری اقتصادی ایران را در رهایی از مناسبات سنتی و روی آوردن به اقتضائات اقتصادی مدرن می‌دانسته‌اند.

برنامه دوم اقتصادی ظهور ناب ضرورت روی آوردن به یک اقتصاد مدرن بود. که با مانیفیست سیاسی - اقتصادی کارگزاران جور درمی‌آمد و مشخص می‌شد. حتی علمای اقتصادی صاحب نفوذی چون مسعود نیلی، محمد طیبیان و مرحوم حسین عظیمی، آشکارا تغذیه‌کننده فکری این احزاب با پدرخواندگی هاشمی رفسنجانی مجری برنامه اول و دوم توسعه بوده‌اند.

بازرترین خصوصیات ذهنیت اقتصادی کارگزاران سازندگی ایران تأکید بر تولید و کارآفرینی، بهره‌وری رقابتی کردن و خصوصی کردن اقتصاد مدیریت عملی و مدرن، عدم اتخاذ مواضع رادیکال نافرجام، عملگرایی تبعی دانستن عدالت اجتماعی به عنوان نتیجه طبیعی جامعه و فور است محمدصادق جنان صفت تحلیلگر اقتصادی روزنامه همشهری که بیش از ۹ سال ارگان غیررسمی مرام این حزب بوده است در همه جا دلیل متقدم بودن تولید بر عدالت و توزیع ثروت این مثال ساده را می‌زند که قبل از اینکه دعوا روی تقسیم کیک باشد باید اساساً کیکی بزرگ و درخور موجود باشد. (اگر اغنیا هم بر این کیک مسلط باشند صدقه سری هست تا



اقتصادی همراه با افزایش تولید ملی سطح فقر نیز روند کاهشی داشته و با توقف آن روند کاهش متوقف یا کند شده است. درصد خانوارهای زیر خط فقر برای سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ مجدداً افزایش یافته لکن در سال ۱۳۷۶ کاهش ناچیزی را نشان می‌دهد.

به لحاظ شغلی، کارکنان دولت در تمام دهک‌های درآمدی پراکنده هستند، لکن تراکم آنها در دهک‌های بالایی فزاینده است و بیشتر در دهک‌های هشتم، نهم و دهم متمرکز هستند حقوق بگیران بخش خصوصی بیشتر در دهک‌های کم درآمد (دهک سوم و دوم) متمرکز هستند. این امر نشانه ضعف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ضعف بازار کار بخش خصوصی است و دلیل تلاش قابل ملاحظه برای یافتن و اشتغال به شغل دولتی را توضیح می‌دهد، پس برخلاف تفکر رایج کارکنان بخش دولتی بیشتر در دهک‌های مرفه جامعه متراکم هستند.

در بین مرفه‌ترین اقشار مردم تراکم مشاغل مدیریتی دولتی قانون‌گذاران و مقامات عالی رتبه و مدیران بخش دولتی از سایر دهک‌ها بیشتر است که این می‌تواند غیرمستقیم حاکی از سوء استفاده از رانت ثروت و قدرت توسط دولتیان باشد بر این خصوصیت عدم کارایی بخش دولت را نیز بیفزاییم و بیاد بیاوریم.

یک بعد قابل توجه فقر در کشور بعد جغرافیایی آن و توزیع جغرافیایی ثروت است. متوسط سطح زندگی شهری در تهران که بالاترین است حدود ۲/۲۶ برابر مناطق شهری زنجان است که در بین مناطق شهری در پایین‌ترین رده قرار دارد. سطح زندگی در روستاهای اردبیل دو برابر سطح زندگی روستاهای سیستان و بلوچستان است که از این نظر در پایین‌ترین سطح قرار دارد. سطح زندگی در مناطق شهری تهران ۳ برابر مناطق روستایی سیستان و بلوچستان است. (همان: ۲۰ و ۲۱)

سیاست‌های تعدیل در دوره هاشمی اگر چه اندکی بدلیل افزایش تولید باعث بهبود وضعیت توزیع درآمد شده و یک سوم فقیرترین اقشار جامعه با اعمال این سیاست‌ها به نحو بارز وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند اما به لحاظ زیست‌محیطی به دلیل بی‌توجهی تا آن زمان نیز تخریب‌ها بالا بوده است.

مرکز اطلاعات و مدارک علمی  
تهران

به فقرا برسد اشاره به قضیه تراوش کردن در سرمایه داری)

کارگزاران اگرچه در تدوین و اجرای برنامه دوم نقش کلیدی داشتند اما در برنامه سوم تلاش خود را بکارگرفتند تا دست کم همچنان دز تهیه و تدوین برنامه سوم آراء و نظرات خود را اعمال کنند زیرا با حاکمیت جناح چپ بر دولت بیم آن داشتند که چپگرایی در اقتصاد باز هم سکه رایج شود، چنانکه ستاری فر، در آغاز علیه آنان موضع گرفت. چپ سنتی هنوز هم با کارگزاران در لیبرالیسم اقتصادی افتراق نظر دارد. به دلیل غلبه و غلظت گفتمان اقتصاد بازار، چپ سنتی نتوانست نظرات خود را در تدوین برنامه سوم اعمال نماید زیرا اشتراک حزب حاکم بعد از دوره کارگزاران یعنی حزب مشارکت با نظرات اقتصادی آن حزب بیشتر از آموزه‌ها و سیاست‌های قدیمی‌تر و منسوخ‌تر چپ سنتی بود. از اینرو می‌توان برنامه سوم را ادامه سامان یافته‌تر همان برنامه دوم اقتصادی اجتماعی و فرهنگی دانست که در مان اقتصاد ایران به عنوان یک کشور عقب مانده یا در حال توسعه را در اصلاح ساختارها، خصوصی کردن و رقابتی کردن اقتصاد، دستیابی به رشد سریع اقتصادی تقویت مالکیت خصوصی بر منابع یا دست‌کم جهت‌دار کردن و هدف‌دار کردن یارانه‌ها (یارانه‌هایی که محیط‌زیست سهم اندک و ناچیزی از آن دارد) حاکمیت اقتصاد بازار، توسعه صادرات غیرنفتی جهت رهایی از عارضه تک محصولی و سیطره نفت بر اقتصاد کشور می‌دانسته است.

بند ۴ رهنمودهای کلی توصیه رهبری برای جهت‌دهی به برنامه سوم نیز «توجه به ضرورت تولید و سرمایه‌گذاری‌های تولیدی» را مورد تأکید قرار می‌دهد. (لایحه برنامه سوم، پیوست شماره یک، ۵)

در بخش حوزه‌های فرابخشی قانون برنامه سوم فصل چهارم مختص «تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی» است. در تمام هشت ماده این فصل دولت موظف شده است تا ضمن حفظ و اعمال وظایف حاکمیتی خود در اقتصاد، از تصدی‌گری بکاهد و بخش خصوصی را در اکثر امور دخالت و مشارکت دهد.

در زمینه رشد اقتصادی و تأکید برنامه بر آن اساساً پرسش برنامه‌ریزان این بود که «آیا رشد

اقتصادی سال‌های آتی ایران همسویی با رشد ۳/۵ درصد کل اقتصاد جهان رشد ۵/۳ درصدی اقتصادهای در حال توسعه، و رشد ۲/۹ درصدی خاورمیانه و شمال آفریقا را خواهد داشت» (گزارش برنامه سوم، ۱۳۷۷: ۲۳) چنانکه بعداً محقق گشت رشد اقتصاد حتی رقمی بیش از میزان کشورهای در حال توسعه را نشان داد، حتی رقم رشد توسعه اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۱ بیش از ۶ درصد را نشان می‌داد.

البته باید خاطر نشان کردن که تأکید بر خصوصی سازی اقتصاد ایران در واقع با استناد اصل ۴۳ قانون اساسی که فعالیت‌های اقتصادی کشور را شامل سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی است صورت می‌گیرد. براساس نرم‌های بین‌المللی در واقع نظام اقتصادی ایران مخلوطی از نظام اقتصادی سرمایه‌داری و نظام اقتصادی دولتی که دولت در آن به غایت فربه است، در عین حال بخش خصوصی نیز دارای فعالیت وسیع و متنوعی است، می‌باشد. لذا می‌توان آن را نظام مختلط<sup>(۱)</sup> دانست.

با این حال بدلیل عدم کارایی دولت و غلبه گفتمان جهانی شدن اقتصاد بازار، سرمایه داری می‌رود تا در تمام ارکان نظام ایران حاکم گردد «هر چند با مقاومت‌هایی به دلیل ضعف تاریخی و ساختاری بخش خصوصی روبرو است، اما چون ایران یک کشور در حال توسعه است، حرص و ولع بسیاری برای توسعه با رشد بالای ۶ درصد دارد، که این خود باعث تخریب و مصرف هر چه بیشتر طبیعت و محیط زیست می‌شود. نمونه بارز و تحقق کامل مکانیسم بازار آمریکاست که علاوه بر مصرف بیش از ۱/۳ منابع انرژی جهان توسط ۵٪ جمعیت جهانی آن بدلیل وفور استفاده از ظروف یکبار مصرف که براحتی زمین و طبیعت و محیط را آلوده می‌کنند «جامعه یک‌بار مصرف<sup>(۲)</sup>» خوانده شده است امروزه ولعی که در اقتصاد ایران بسوی صنایع بسته‌بندی نشان می‌دهد، جهت حرکت اقتصاد ایران و تأثیر آن بر محیط زیست را نشان می‌دهد. با یک نگرش برنامه سوم و روند مدرنیته در ایران (همچون اغلب نقاط جهان) و در نظر آوردن سه دیدگاه

زیست محیطی که در پایان فصل اول بطور مفصل آنها را شرح دادیم، روشن است که ایران بسوی مکتب زیست محیطی اقتصاد بازار در پیش است هر چند حرکت به سوی اقتصاد بازار و تبعات آن اعلام نشده است و تلاش بر این است که بدلیل ضرورت هایی مستتر گردد. و تنها از حیث اقتصادی خصوصاً رفع فقر و حوائج اولیه به آن پرداخته می شود. چنانکه در شرح مراحل تدوین برنامه سوم گفتیم اولین وظیفه کمیته سیاست های زیست محیطی، بررسی روند گرایش های زیست محیطی و نقد و تحلیل سیاست ها و عملکردهای آن بوده است، که به دلیل کلیت این وظیفه و موضوع لازم است به ارزیابی این سیاست ها پردازیم.

### مبانی و مستندات سیاست ها و قوانین زیست محیطی برنامه سوم توسعه

مطابق سند برنامه سوم فصل ۱۵ فعالیت هایی که بیشترین سهم را در تخریب روندهای زیست محیطی دارند به شرح زیر می باشد :

#### جمعیت

از عوامل مهم و مؤثر در روندهای زیست محیطی تعداد و رشد جمعیت انسانی مستقر در زیست بوم ها (اکوسیستم ها) می باشد. زیرا هر زیست بومی، در هر وضعیتی ظرفیت تحمل معینی دارد. افزایش سریع جمعیت همراه با بهره برداری غیرپایدار از منابع و وارد نمودن آلودگی متناسب با مصرف غیرپایدار روندهای تخریبی را بر محیط زیست تحمیل نموده است. رشد جمعیت که از سال ۱۲۷۰ الی ۱۳۳۰ طی ۶۰ سال دو برابر گردید، در مقاطع بعدی در هر ۲۶ سال دو برابر شده است. (مستندات برنامه سوم، جلد سوم، ۱۳۷۷: ۷) چنین رشد جمعیتی در حالی صورت می گیرد که بعضی از منابع مورد استفاده تراز منفی نشان می دهند، همچون، جنگل، مراتع و آب استقرار متمرکز و نامتعادل جمعیت در بعضی از مناطق کشور (تهران، اصفهان، مشهد، تبریز...) همراه با تولید، مصرف و دورریز ناهنجار، و انتقال آلاینده های گوناگون در محیط های زیست انسانی و طبیعی، روندهای زیست محیطی را در روالی منفی قرار داد. و چشم انداز

نامساعدی در چرخه حیاتی زیست‌بوم‌های یاد شده بوجود آورده است، تعداد و درصد جمعیت شهرهای ۲۵۰ هزار نفر به بالا در سال ۱۳۶۵ به ترتیب ۱۶ شهر و ۵۲ درصد جمعیت شهری کل کشور بود. اما پس از ده سال این متغیرها به ۲۳ شهر و ۵۵ درصد جمعیت شهری کشور تغییر وضعیت یافت (سند برنامه سوم، ۱۳۷۸: ۳۰۸). این وضعیت حاکی از روند افزایشی و روبه‌تمرکز جمعیت در زیست‌بوم‌ها می‌باشد. بروز آلودگی هوا، آب و حتی شلوغی حاکی از آنست که با لطمه‌زدن به ظرفیت تحمل زیست‌بوم‌ها شهری توان خودپالایی آنها بشدت کاهش یافته است.

### کشاورزی

رشد روزافزون جمعیت موجب نیاز بیشتر به غذا گردیده و این خود موجب گسترش تولیدات کشاورزی و تأثیرات سوء بر خاک شده است، بکارگیری کشت عمقی موجب کاربرد وسیع نهاده‌های کشاورزی بویژه افزایش استفاده از سموم و انواع کودهای شیمیایی گشته است. چنین استفاده‌ای علاوه بر آلوده‌سازی رودخانه‌ها، دریاها و خاک باعث فرسایش ژنتیکی و انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی نیز می‌شود. چنین فرآیندهایی تعادل‌های زیست‌بومی را به تدریج برهم می‌زند، و پیامدهای خطرناکی را بر انسان وارد می‌کند اینگونه مواد اغلب سالیان طولانی در محیط باقی می‌ماند. بطور نمونه «د. د. ت» ۲۵ سال در طبیعت باقی می‌ماند، و از طریق وارد شدن به زنجیره‌های غذایی، عوارض خطرناکی برای جانداران بطور عام و انسان بطور اخص پدید می‌آورد. به لحاظ علمی نیز باید توجه کرد که اینگونه مواد، بویژه سموم پس از چندی اثر چندانی ندارند، زیرا آفات به آن مصونیت می‌یابند، و در بلندمدت باعث کاهش تولید می‌گردند. مصرف آفت‌کش‌ها در ایران روند صعودی نگران‌کننده‌ای را داشته در حالیکه مصرف آفت‌کش در خلال همین مدت در کشورهای توسعه یافته با استفاده از روش‌های دیگر روند نزولی یافته است. در حال حاضر مبارزه بیولوژیک با مهندسی ژنتیک برای بوجود آوردن گونه‌های مقاوم در برابر آفات راهکار مؤثری می‌باشد. (همان: ۳۰۹)

در ارتباط با مصرف کودهای شیمیایی، طبق اطلاعات موجود واردات کود شیمیایی در

کشور از ۵ هزار تن در سال ۱۳۲۵ به ۲/۲ میلیون تن در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است

### - برنامه سوم و توسعه پایدار کشاورزی

تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه کشاورزی در گذشته که عمدتاً با هدف حداکثر بهره برداری از منابع پایه برای تأمین نیازهای مقطعی و کوتاه مدت بوده موجب بهره برداری بیش از ظرفیت از منابع و کاهش توان تولیدی آنها شده است. در برنامه سوم توسعه کشور بر احیاء توسعه و ظرفیت‌سازی این منابع تأکید شده است.

هدف اصلی اجرای برنامه توسعه پایدار در بخش کشاورزی مقابله با مشکلات پیش‌گفته و بویژه حفاظت از منابع پایه آب و خاک حفاظت از منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری انجام مطالعات جامع و پژوهش‌های توسعه پایدار کشاورزی و تقویت مشارکت روستاییان زنان و جوانان در اجرای برنامه هاست.

با اجرای طرح‌ها و پروژه‌های تأمین آب، بهبود توسعه آبیاری امکان استحصال و تأمین ۹۶۸۸/۰۵۲ میلیون مترمکعب آب علاوه بر مصارف فعلی آب کشاورزی فراهم شد که در اختیار فعالیت‌های زراعی و باغی قرار می‌گیرد و راندمان آبیاری از ۳۸/۰۸ درصد در وضع موجود به ۴۱/۵۳ درصد در آخر برنامه سوم توسعه خواهد رسید که در نتیجه آن سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی از ۷۹۱۷۴۷۵ هکتار به ۸۸۵۰۵۷۱ هکتار خواهد رسید. (محرّم‌نژاد، ۱۳۸۱: ۶۸)

در طول برنامه سوم توسعه مقداری از سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی دیم کاهش یافته و به اراضی آبی تبدیل خواهد شد.

همچنین مطابق برنامه انجام عملیات مبارزه بیولوژیک از ۲۱/۶۱ هزار هکتار در سال ۱۳۷۶ به ۱۶۴ هزار هکتار در سال ۱۳۸۰ رسیده است.

بطور خلاصه در برنامه سوم توسعه موضوع پایداری کشاورزی با رویکردهای راهبردی زیر مورد توجه قرار گرفته است. (همان، ۷۲)

- بهره‌برداری از منابع طبیعی باید براساس توان بالقوه منابع صورت گیرد.
- تعادل دام و مرتع خروج از جنگل، تأمین علوفه و سوخت بویژه تأکید بر ارتقاء مشارکت مردم در برنامه‌ریزی تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌ها
- ضرورت ارزیابی زیست‌محیطی پروژه‌های بزرگ تولید
- تلفیق امور آب و کشاورزی
- پیش‌بینی اعتبارات مورد نیاز برای اجرای طرح‌های توسعه منابع آب و خاک، کشاورزی و منابع طبیعی و بودجه سالانه دولت.
- اجرای سیاست‌های صرفه‌جویی و هدایت مصرف‌کنندگان، کنترل و مهار هزنا‌بهای سطحی و افزایش راندمان آبیاری
- واگذاری عرصه‌های منابع طبیعی

### صنعت

یکی از مخاطره‌آمیزترین فعالیت‌ها برای محیط‌زیست، صنعت ناپایدار می‌باشد متأسفانه در ارتباط با وضعیت صنعت نفت از نظر آلودگی‌های زیست‌محیطی اطلاعات لازم وجود ندارد و تنها مرجع موجود سرشماری عمومی صنعت و معدن در سال ۱۳۷۳ می‌باشد. براساس آمار موجود حدود ۱۳۲۴۸ کارگاه صنعتی متوسط و بزرگ سالانه ۸۰۰ میلیون مترمکعب آب مصرف می‌کنند که بخش عمده آن بصورت فاضلاب در محیط تخلیه می‌شود. بخش اعظم این واحدها یا فاقد تصفیه‌اند، یا دارای واحدهای تصفیه می‌باشند اما به دلایل گوناگون فنی، اقتصادی و فرسودگی، اکثراً از آنها استفاده نمی‌شود. بعنوان مثال، براساس سرشماری یاد شده از مجموع ۱۰۹۸۵ کارگاه متوسط (۱۰ تا ۴۹ کارکن) ۵۲۳ کارگاه (۳۳ درصد) دارای سیستم خنثی‌سازی فاضلاب است. همچنین از ۲۲۶۳ کارگاه صنعتی بزرگ (۵۰ کارکن و بیشتر) ۷۷۶ کارگاه دارای پساب‌های صنعتی بوده که از این تعداد ۳۳۴ واحد دارای، سیستم تصفیه فاضلاب و ۳۰۳ واحد دارای سیستم خنثی‌سازی می‌باشد. ورود این حجم از پساب‌های صنعتی که فاقد استانداردهای

لازم هستند، مشکلات زیست محیطی گوناگونی را در کشور بوجود آورده است (مستندات برنامه سوم، جلد دوم، ۱۳۷۷: ۳۱۰) مطابق همین سند در سال ۱۳۷۳ از ۱۰۹۸۵ کارگاه صنعتی ماهانه ۱۱۵ هزار تن و از مجموع ۲۲۶۳ کارگاه صنعتی ۸۲۱۵ تن پسماندهای جامد تولید گردیده است که اکثر این مواد به شیوه دفن در محیط تخلیه شده‌اند.

مباحثی را که در فقرات فوق به تفصیل اشاره نمودیم عمدتاً گزارش کمیته سیاست‌های زیست محیطی است که بنابه وظیفه‌ای که قبلاً گفتیم موظف به بررسی روند گرایش‌های زیست محیطی و نقد و تحلیل‌ها سیاست‌ها و عملکردهای آن بوده است که اتفاقاً آنها را تحت عنوان، «بررسی روندها، گرایش‌ها، شناخت و تبیین وضع موجود» آورده است. این بررسی بیشتر درون‌نگر و درون‌سیستمی و جزئی نگر بوده است چنانکه به هیچ یک از مباحث کلان شاید آگاهانه اشاره‌ای نکرده است. یعنی نگاه آن به مسائل و مشکلات زیست محیطی اغلب از درون بوده نه بیرون، لذا هیچ سیاست رادیکال و بنیادی را تجویز نمی‌کند. بطور اساسی، از حیث نهادی سیاسی، سیستمی و رویکردی به مسائل محیط‌زیستی برخلاف عنوان وظیفه، نپرداخته است، یعنی دچار یک نوع آگاهی شیزوفرنیک و چندپاره است و اختلاطی مسائل را بررسی کرده بدون آن که به مسبب‌الاسباب نهادی و سیاسی سیستم موجود بپردازد. بالاتر از ارائه انبوهی ارقام و آمار و ترجمان دردها و مشکلات زیست محیطی بررسی کلان سیستم است که متأسفانه در این زمینه، به شکل بومی در ایران حتی نهادهای مدنی طرفدار محیط‌زیست هیچگونه راه کار و اتخاذ موضعی رادیکال و صاحب سبک صورت نگرفته است و هیچگونه سنت و مکتبی نیز پا نگرفته یا ارائه نشده است.

## اثرات فعالیت‌ها و آلاینده‌ها بر منابع طبیعی، طبق مستندات برنامه سوم

### آب و محیط‌زیست دریایی

ایران از زمره کشورهای کم‌آب جهان محسوب می‌شود البته شمال و غرب آن از نزولات جوی نسبتاً خوبی برخوردار است، لیکن نزولات در سطح کشور بسیار ناهمگن است. لذا آب



یکی از منابع مهم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی به حساب می آید. علیرغم کمبود نسبی آب در کشور در خلال دهه های اخیر افزایش جمعیت رشد شهری صنعتی و کشاورزی از یک سو و نبود مدیریت جامع بهره برداری از آب و مصرف آن از سوی دیگر باعث گردیده تا از یک طرف با مشکل دسترسی به آب و از طرف دیگر با آلودگی آن مواجه شویم، با توجه به افزایش چشمگیر مصرف انواع و کودهای شیمیایی در خلال سه دهه اخیر (چنانکه اشاره کردیم) و رود این گونه مواد به آبهای سطحی و زیرزمینی از کیفیت آنها کاسته و برآلودگی شان افزوده شده است. البته در کنار این روند می بایست ورود، فاضلاب های شهری و صنعتی را به منابع آبی و کشور اضافه نمود، متأسفانه بدلیل فقدان یا در دسترس نبودن آمار و اطلاعات آبهای آلوده در یک زیست بوم نمی توان تحلیل مناسبی از کیفیت آن بیان کرد.

بالا بودن BODS<sup>(۱)</sup> در بعضی از رودخانه های داخل کشور نشانه ای از شرایط نامناسب زیست محیطی آنها می باشد. هرچه میزان آلودگی آنها بیشتر می شود از ظرفیت تحمل آن کاسته و نتیجتاً قدرت خود پالایی آنها نیز رو به تحلیل می گذارد.

همانطور که در مورد فعالیت های صنعتی ذکر شد، تعداد اندکی از آنها دارای سیستم تصفیه فاضلاب می باشند. در شهرها نیز علیرغم اینکه ۹۵ درصد جمعیت آنها تحت پوشش شبکه آب قرار گرفته اند لیکن درصد بسیار کمتری (کمتر از ۱۱/۵) تحت پوشش سیستم فاضلاب قرار دارند که نشان دهنده از دست رفتن، آب و آلوده شدن آبهای زیرزمینی و سطحی کشور است.

طبق گزارش مندرج در فصل ۱۵ سند برنامه سوم توسعه در مورد محیط زیست دریایی (خزر، عمان، خلیج فارس) علاوه بر پساب های صنعتی، شهری، کشاورزی، اثرات فرسایش خاک، می بایست اثرات زیست محیطی چاههای نفت تردد کشتی ها و دیگر فعالیت های کشورهای ساحلی را نیز اضافه نمود بطور مثال در خلیج فارس افزون بر فعالیت های مرتبط با نفت، جنگ هشت ساله عراق علیه ایران و حمله به کویت آثار تخریبی زیست محیطی قابل ملاحظه ای برجای گذارده است. صنایع مستقر در حوزه خلیج فارس و حمله به کویت آثار

تخریبی زیست محیطی قابل ملاحظه‌ای ای بر جای گذارده است. صنایع مستقر در حوزه دریایی خزر سالانه ۷۵ میلیون متر مکعب آب، حدود ۵۰ میلیون متر مکعب فاضلاب را تولید و روانه محیط زیست می‌کنند. که حدود ۳۰ میلیون متر آن با آلاینده‌ی زیاد و بدون هرگونه تصفیه‌ای وارد محیط و دریا می‌شود، همچنین سالانه حدود ۳۰۰ میلیون متر مکعب از فاضلاب تصفیه نشده شهرها پس از تخلیه به رودخانه‌ها راهی دریای خزر می‌شود. (همان : ۳۱۰)

با توجه به پساب‌ها و دیگر آلاینده‌هایی که دیگر کشورهای ساحلی وارد می‌کنند و برداشت غیرپایدار ماهی ظرفیت تحمل محیط‌های دریایی کشور رو به نقصان گذارده و خود پالایی آنها کاهش یافته است.

### دستاوردهای دولت در جهت مبارزه با مسائل محیط زیست دریایی

«دفتر محیط زیست دریایی» با گذار از مسیر تحول و تکامل تحت نظارت مستقیم معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان مرجع ملی کشور در ROPME و برنامه زیست محیطی دریایی خزر فعالیت می‌کند مطابق یک گزارش دستاوردهای این دفتر در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دولت که در راستای اهداف دستور کار ۲۱ می‌باشد به قرار زیر است :

- تنظیم و اجرای طرح مطالعات محیط زیست دریایی مشتمل بر اقیانوس‌نگاری خلیج فارس و دریای عمان، اقیانوس‌نگاری دریای خزر، بررسی مناطق حساس ساحلی خلیج فارس و دریایی عمان، و بررسی آبسنگ‌های مرجانی خلیج فارس

- راه‌اندازی ایستگاههای مطالعاتی و ایستگاههای تحقیقاتی دریایی چالوس، ساری، و بندر انزلی و ایستگاههای هرمز و چابهار لازم است توضیح داده شود که ایستگاهها و آزمایشگاههای یاد شده امکانات برداشت، آماده سازی، نمونه‌ها و اندازه‌گیری پارامترها شیمیایی، فیزیکی و بیولوژیک و میکروبی دارد.

- اجرای بیش از ۴۰ مطالعه متمرکز بر محیط زیست ساحلی و دریایی برای شناخت بهتر

تنوع گونه‌ای و اکوسیستمی، آلاینده‌ها و حساسیت‌های زیست محیطی با هدف اتخاذ رویکرد مناسب در حفظ محیط زیست دریایی. (خالدی، ۱۳۷۸: ۲۵۶)

چنانکه می‌بینیم تمام این اقدامات و تا اکنون که چند سال از اجرای برنامه سوم توسعه کشوری می‌گذرد ناچیز و بیشتر برای خارج شدن از جهل مرکب نسبت به قضایا و آسیب‌شناسی فجایع است که ضروری و پیش‌نیاز عمل است اما هیچ کفایتی ندارد. البته این بخاطر نویا بودن مطالعات محیط زیست دریایی کشور و کمبود مطالعاتی و همچنین دولتی بودن اعتبار مطالعات دریایی و وجود تشریفات اداری سنگین برای استفاده از آن است.

## هوا

آلودگی هوا از جمله پیامدهای زیست محیطی رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ است که ناشی از عوامل عمده‌ای از قبیل افزایش جمعیت و تغییر الگوی مصرف (افزایش تعداد خودرو خصوصاً خودروهای شخصی، غیراستاندارد بودن خروجی اگزوز اتومبیل‌ها، غیراستاندارد بودن سوخت، قرار گرفتن کارخانجات و نیروگاهها در اطراف شهرها و غیراستاندارد بودن خروجی دودکش‌ها می‌باشد.

این آلودگی فشار قابل توجهی را بر محیط وارد ساخته و اثرات سویی بر انسان‌ها، حیوانات گیاهان و ساختمان‌ها برجای می‌گذارد. بویژه در مناطقی چون تهران و اراک که ظرفیت تحمل محدودی دارد و خود پالایی آنها اندک می‌باشد و در صورت ادامه کم‌توجهی به پیامدهای منفی آنها خسارت زیست محیطی و اقتصادی هنگفتی را تحمل خواهد کرد. (سند برنامه سوم، پیوست شماره ۲: ۱۳۷۸: ۱۳۱۳) از جمله این موارد می‌توان به افزایش مرگ و میر ناشی از بیماری‌های تنفسی منتج از آلودگی هوا اشاره نمود که در شهر تهران سالانه حدود ۳-۴ هزار نفر برآورد گردیده است. (همان) در آمریکا این رقم سالانه ۶۰۰۰۰ نفر اعلام شده است.

تخریب لایه ازن نیز یک مشکل مشترک زیست محیطی جهانی و ترمیم آن مستلزم تشریک مساعی کلیه کشورهاست. تخریب لایه ازن به طیفی گسترده و ناشناخته از بیماری‌ها منجر

می شود. (آفتاب سوختگی، سرطان پوست، و آب مروارید و ...) و به محصولات کشاورزی، آبریزان و سایر جانوران نیز آسیب های جبران ناپذیر وارد می سازد.

کشور ایران به عنوان یکی از امضاکنندگان پروتکل مونترال جهت حذف مواد مخرب لایه ازن با همکاری سازمان ملل از ابتدای برنامه دوم چند پروژه را به اجرا گذارده است که برخی عبارتند از:

- شناسایی واحدهای مصرف کننده مخرب لایه ازن
- دریافت منابع مالی لازم از صندوق چند جانبه پروتکل مونترال
- به انجام رساندن اولین تعهد دولت در برابر پروتکل مبنی بر تثبیت میزان فریون ها در سال ۱۳۷۷ و بر مبنای متوسط مصرف
- جذب مبلغ ۳۰ میلیون دلار برای تجهیز صنایع سردسازی به فن آوری های جدید که در حال حاضر به تولید محصولات جدید با مواد سازگار با لایه ازن فعالیت می کنند. (محرم نژاد، ۱۳۸۱: ۳۳)
- کمبود منابع مالی برای اجرای طرح های پرهزینه، همکاری غیرفعال واحدهای تولیدی به دلایل ناکافی بودن آگاهی های فنی آنها از کمبودها و موانع عمده اجرای طرح های مربوط به لایه ازن است.

### خاک

یکی از منابع مهم محیطی خاک است - که معمولاً توجه لازم به آن نمی شود - پوشش گیاهی مبنی بر خاک می باشد لذا حفاظت از آن بسیار حائز اهمیت است. حفاظت خاک از دو جنبه جلوگیری از فرسایش و آلودگی آن مطرح می شود. براساس برآوردهای انجام شده فرسایش خاک کشور در سال ۱۳۵۵ معادل یک میلیارد تن بود که ده سال بعد به ۱/۵ میلیارد تن و در سال ۱۳۷۵ به ۲/۵ میلیارد تن افزایش یافته است. این امر در حالی پدیدار شده که تشکیل یک سانتی متر خاک بنابر شرایط، بین ۱۰۰ تا ۷۰۰ سال بطول می انجامد، چنین فرسایشی باعث

می شود تا امکانات دیگر نیز دچار لطمه و خسارت شوند، بطور نمونه تجمع رسوبات در پشت سدها عمر مفید آنها را شدیداً کاهش می دهد. (سند برنامه سوم، پیوست شماره: ۲، ۱۳۷۸: ۳۱۴)

یکی از مشکلاتی که بر خاک به عنوان یک منبعی محیطی تحمیل شده آلودگی آن می باشد، متأسفانه در این زمینه بررسی کمی انجام شده است و اطلاعات لازم وجود ندارد.

### جنگل و مراتع

نقشی که جنگل ها و مراتع در تلطیف هوا، جلوگیری از فرسایش خاک، حیات وحش و ... و بطور کلی در چرخه حیات آنها می کنند بسیار اساسی است از نظر اقتصادی علاوه بر استفاده های مستقیم، از جنگل ها، می بایست به جنبه های دیگر نیز اشاره نمود، به عنوان مثال هر هکتار جنگل قادر به تثبیت سالانه ۱۰۰ تن دی اکسید کربن (مهمترین گاز گلخانه ای) است در حالیکه بطور متوسط انتشار هر تن کربن ۷۸ فرانک به محیط زیست خسارت وارد می کند. این امر در رابطه با افزایش سطح آب دریا ناشی از گرم شدن زمین برای هر تن دی اکسید کربن ۱۸۰۰ فرانک محاسبه شده است. (با این محاسبات مستقیم نرخ گذاری بر طبیعت، دستگاه منطقی اقتصاد بازار جهت فهم نحوه ورود سند برنامه سوم به مسائل زیست محیطی یادآور شویم). با توجه به اینکه جنگل ها و مراتع تولید کننده ۶۰ درصد اکسیژن کره زمین و مامن نیمی از گونه های حیاتی جهان است اهمیت آن بیشتر مشخص می شود. متأسفانه در چند دهه گذشته کشور ما شاهد تخریب بی رویه جنگل ها و مراتع بوده که در دو دهه اخیر نه تنها کاهش نیافته بلکه شدت هم یافته است. بطوریکه طبق آخرین آمار ارائه شده جنگل های کشور از ۱۸ میلیون هکتار در خلال سه دهه گذشته کاهش یافته و در این مدت جنگل های شمال کشور از ۳/۴ میلیون هکتار به ۱/۹ میلیون هکتار کمتر شده است.

مراتع کشور نیز روند مشابهی را نشان می دهد، بطوریکه در خلال سه دهه ۱۲۶ میلیون هکتار به ۹۰ میلیون هکتار کاهش یافته است، میزان تولید علوفه خشک برای تأمین غذای حدود ۱۶ رأس دام کفایت می کند، در حالیکه طبق آخرین برآورد حدود ۶۰ میلیون رأس دام (بیش از

چهار برابر تحمل) از این مراتع استفاده می کنند.

در نتیجه کاهش شدید پوشش گیاهی و بی توجهی به روند تخریب جنگل ها و مراتع از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰، ۴۰۰ سیل مهم در کشور گزارش شده که خسارات جانی و مالی در پی داشته است. (سند برنامه سوم پیوست شماره، ۲، ۱۳۷۸: ۳۱۴)

پذیرش سیاست توسعه «اراضی کشاورزی» در اجرای برنامه «خودگامی مواد غذایی» بی آنکه به محدودیت های آبی و بهره وری پایین تولید در واحد سطح در قبال آب مصرف شده روند افت سطح آب های زیرزمینی و شور شدن منابع آب توجه شود، تخریب اکوسیستم های بیابانی را تسریع و برنامه مبارزه با بیابان زایی را با مشکلات پیچیده مواجه کرده است. (محرم نژاد، ۱۳۸۱: ۵۴)

ایجاد سدهای بزرگ در راستای اجرای «برنامه خودکفایی مواد غذایی» اگر چه از موفقیت های توسعه ای کشور محسوب می شوند آثار نامطلوب زیست محیطی مانند کاهش روند طبیعی آب به ویژه در نقاط بیابانی کشور و شور شدن اراضی را در پی داشته است. (همان)

## تنوع زیستی

تنوع زیستی از ناشناخته ترین و اساسی ترین منابع محیطی کشور است که در پایداری حیات طبیعی نقش بنیادی دارد. اولین برداشتی که از تنوع زیستی می شود به گونه های گیاهی و جانوری مربوط می شود اما در واقع تنوع در سطح ژن و زیست بوم نیز مطرح است که برای حفظ سیستم های حمایت کننده حیات کره زمین اساسی است. بیشترین ارزش تنوع زیستی در حال حاضر در کشاورزی می باشد. در خاک گستره وسیعی از موجودات از قارچ ها گرفته تا باکتری ها چرخه ماده غذایی و حاصلخیزی را تأمین می کنند که محصولات نیاز دارند. در حالیکه حشرات پرنده و گونه های دیگر نیز ضمن انجام خدمات اصلی کرده افشانی یا کاستن از جمعیت آفات در حفاظت از محصولات کشاورزی نقش مهمی ایفاء می کنند. در قرن گذشته بدلیل سیاست ها و فعالیت های غیرمعقول، فرسایش در منابع ژنتیکی مورد نیاز برای کشاورزی پدید آمده است. با متجانس تر شدن منابع غذایی جهان این منابع نسبت به آفات و بیماری ها آسیب پذیرتر شده اند.

از انواع محصولات مهم غذایی فقط سه محصول برنج، گندم و ذرت حدود ۶۰ درصد کالری غذایی جهان را تشکیل می دهند، افزون بر این از زمان انقلاب سبز برای بالا بردن میزان محصولات کشاورزی، استفاده فراوان از کود و سم گران قیمت موجب کاهش تنوع زیستی شده است. ساده کردن تنوع محیط، بطور نمونه تکیه بر یک نوع محصول، زمینه آسیب پذیری را فراهم نموده است. (همان: ۳۱۷)

عواملی که باعث انقراض تنوع زیستی می شوند عبارتند از تخریب زیستگاههای گونه ها، جنگل زدایی، تخریب تالابها، شخم زدن مراتع و غیره. زیست بومهای دریایی به توجه خاصی برای حراست از تنوع زیستی نیاز دارند زیرا تقریباً نیمی از سلسله های حیوانی کره زمین را شامل می شوند برداشت بیش از حد، آلودگی، توسعه ساحلی و وارد کردن گونه های غیربومی به تنوع زیستی دریایی صدمه می رسند.

کشور ما یکی از مناطقی است که از تنوع زیستی چشمگیری برخوردار بوده ولی به دلایل گوناگون روند تخریب نیز سیر صعودی را نشان می دهد، که در صورت تداوم، جبران مسئله با توجه به ماهیت آن غیرممکن خواهد بود.

### ب) تحلیل مشکلات و نارسایی ها

بخش عمده ای از روندها و گرایش های زیست محیطی یاد شده مطابق احصاء سند برنامه سوم به دلیل مشکلات و نارسایی های زیر است. (همان: ۱۳۱۹)

- سطح پایین آگاهی، و دانش زیست محیطی عمومی، (مردم و مسئولان).

- کمبود اطلاعات و شناخت از وضعیت محیط زیست کشور (زیست بومها).

- بهره برداری بی رویه

- الگوهای تولید و مصرف ناسازگاری با محیط زیست

- استقرار نامناسب فعالیت های اقتصادی

- کم رنگ بودن ملاحظات زیست محیطی در سیاست ها و برنامه های کلان، بخشی و منطقه ای

- ضعف در اجرای قوانین و مقررات زیست محیطی
- نامشخص بودن استانداردهای زیست محیطی
- نامشخص بودن کاربری ارضی
- تمرکز جمعیت در چند زیست بوم
- ضعف مدیریت و تشکیلات
- نامشخص بودن سیاست های کاری
- کمبود متخصص در سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان های ذی ربط
- کمبود اعتبارات
- ضعف در بهره گیری از مشارکت های مردمی
- ضعف هماهنگی بین دستگاه های اجرایی ذی ربط

با توجه به مشکلات و نارسایی های فوق طبیعی است که توجه سیاسی و اداری در دو سطح کلان و اجرایی محدود و ضعیف می باشد و در نتیجه از نظر تعیین سیاست ها و بکارگیری توان دستگاه های ذیربط به ضعفی و نقصانی اساسی در محیط زیست کشور دچار باشیم به همین دلیل هر چند کمبود امکانات (اعتبارات، نیروی متخصص، تجهیزات، ...) نقش مؤثری دارد لیکن چنانچه مقدمات کار آماده نباشد، حتی با وجود امکانات نیز نمی توان بخشی از مشکلات یاد شده در بالا را رفع نمود.

### - خطوط اصلی ساختاری، نهادی و سیاستی

با عنایت به روندهای نامناسب زیست محیطی از دو رویکرد پیش گیری، و مداوا، گرایش عمده به سوی رویکرد پیشگیری است و با توجه به این رویکرد در برنامه سوم خطوط اصلی زیر طرح شده اند: (همان: ۳۲۱)

- حفاظت و احیاء محیط زیست
- ارتقاء آگاهی و دانش زیست محیطی و جلب مشارکت مردمی



- ایجاد جایگاه مناسب برای محیط زیست، در برنامه های کلان و منطقه ای توسعه
- افزایش بهره وری از مواد و انرژی در فرآیند تولید
- هماهنگی و همکاری دستگاه های مرتبط با محیط زیست و توسعه پایدار

## ۲- رهنمودهای کلی

### الف) رهنمودهای کلی هیأت وزیران

۱- آمایش سرزمین به عنوان چارچوب بلند مدت در برنامه ریزی ها، از انعطاف پذیری و پویایی لازم متناسب با شرایط متغیر، برخوردار بوده مبتنی بر اصول زیر باشد:

- ۱- ملاحظات امنیتی
- ۱-۲- کارایی و بازدهی اقتصادی
- ۱-۳- وحدت و یکپارچگی سرزمین
- ۱-۴- تعادل های منطقه ای
- ۱-۵- حفاظت محیط زیست و حراست میراث فرهنگی
- ۶-۱- تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور
- ۷-۱- مدیریت سرزمین

۲- از ایجاد شهرهای جدید به جز در مواردی که مراکز زیست موجود قابلیت توسعه و پذیرش جمعیت مورد نیاز را نداشته باشند، پرهیز گردیده و برای شهرهای اقماری موجود پیرامون کلان شهرهای کشور کارکرد و عملکردی تعریف می شود.

۳- در کلیه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی اصول زیست محیطی زیر مراعات می شود:

- ۳-۱- میزان بهره برداری از منابع تجدید شونده متناسب با توان باز تولید آنها باشد.
- ۳-۲- از آلودگی ها و ضایعات در فرآیند تولید کلیه فعالیت ها کاسته شود
- ۳-۳- حفاظت و بهره برداری از زیست بوم ها به نحوی باشد که تعادل های زیست محیطی

برقرار بماند.

**ب) رهنمودهای کلی ستاد مصوب برنامه**

- ۱- در توزیع جمعیت و فعالیت در سرزمین امکان برقراری شرایط زیستی مناسب و ایجاد جامعه امن برای عموم افراد جامعه و فعالیت‌ها فراهم می‌گردد.
- ۲- شبکه واجد سلسله مراتب مراکز زیست با توجه به نقش و ویژگی‌های شهرهای دارای عملکرد فراملی و منطقه‌ای ایجاد می‌گردد.
- ۳- اسکان جنگل‌نشینان و اسکان خودجوش عشایری در محیط‌های عشایری و روستایی از طریق مکانیابی، تجهیز و تأمین شرایط مناسب برای زیست و فعالیت، ساماندهی می‌گردد.
- ۴- در اختصاص دادن منابع برای حفظ محیط‌زیست، اصلاح یا رفع حوزه‌های بحرانی در زیست بوم‌های شهری، آبی و خشکی در اولویت قرار می‌گیرند.
- ۵- ملاحظات زیست محیطی و ارزش اقتصادی منابع طبیعی (خصوصی و اجتماعی) در فرآیند تصمیم‌گیری توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور، مدنظر قرار می‌گیرد.
- ۶- به ارتقاء آگاهی و دانش زیست محیطی مردم، با توجه به ارزش‌های دینی، جلب مشارکت آنان تأکید می‌گردد.
- ۷- سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در جهت توسعه مشارکت‌های مردمی مورد تشویق و حمایت دولت قرار می‌گیرند.
- ۸- قوانین، مقررات و استانداردهای زیست محیطی، تکمیل و اجرای آنها با استفاده از سازوکارهای اجباری و تشویقی (حسب مورد) با تأکید بر انگیزش‌های اقتصادی و در نظر گرفتن ظرفیت تحمل زیست بوم‌ها تقویت و تحکیم می‌گردد.

**۳- سیاست‌های اجرایی در ارتباط با (حفظ) محیط زیست در برنامه سوم**

سیاست‌های اجرایی مورد توصیه برنامه سوم شامل دو قسمت می‌گردد، قسمت اول شامل آندسته از سیاست‌های اجرایی کلی‌تر و جامع‌تری است که در واقع فصل دوازدهم حوزه‌های فرابخشی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳) را تشکیل می دهد که ما متعاقباً به آن نیز خواهیم پرداخت، اما بخش دوم سیاست های اجرایی راهکارهای اجرایی برنامه سوم است که شامل موارد ذیل می گردد: (همان، ۳۲۴، ۳۲۵)

۱- در تدوین برنامه های آمایش سرزمین و منطقه ای، ارزیابی توان طبیعی منابع محیط زیست به عنوان پیش نیاز برای توزیع فعالیت ها و تخصیص فضای مناسب مدنظر قرار می گیرد.

۲- هرگونه تصمیم گیری و برنامه ریزی در راستای استقرار و توزیع جغرافیایی جمعیت با رعایت ملاحظات و معیارهای محیط زیست و بررسی اثرات ایجاد این مراکز بر منابع محیط زیست و بررسی اثرات ایجاد این مراکز بر منابع محیط زیست و ظرفیت قابل تحمل محیط صورت خواهد گرفت.

۳- در سیاست های مربوط به انرژی کاهش آلودگی ناشی از مصرف سوخت های فسیلی مدنظر قرار می گیرد.

۴- سازمان حفاظت محیط زیست موظف است با همکاری وزارتخانه های صنایع، معادن و فلزات و جهاد کشاورزی با توجه به موقعیت و ظرفیت قابل تحمل محیط هر استان و سایر شرایط زیست محیطی محدوده های کلی و با مناطق مجاز برای احداث صنایع و بهره برداری از معادن را مورد بررسی قرار داده و نقاط مناسب را تعیین و به تصویب هیأت وزیران برساند. احداث صنایع صرفاً در مناطق مذکور بر اساس ضوابط استقرار صنایع مصوب هیأت وزیران مجاز بوده و در خارج از این مناطق ممنوع می باشد، تعیین مناطق مجاز مانع از رعایت سایر قوانین و مقررات زیست محیطی و کنترل آلودگی نخواهد بود.

۵- در برنامه سوم اقدامات زیر به منظور کاهش شرایط بحرانی زیست محیطی به عمل خواهد آمد:

الف) نسبت به کاهش آلودگی هوای شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز، اهواز و اراک اقدامات زیر انجام می گیرد.

۱- وزارت صنایع و سازمان حفاظت محیط زیست مکلفند با همکاری وزارت کشور و سازمان برنامه و بودجه طرح جایگزینی و بهینه سازی خودروهایی فرسوده را با توجه به اولویت و میزان آلودگی هوای شهرهای بزرگ ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری طی شش ماه از تاریخ تصویب قانون برنامه سوم تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسانند طرح مذکور باید در برگیرنده اولویت های مکانی و زمانی سیاست های جایگزینی و برنامه زمانبندی و نحوه اجرای طرح و منابع مالی آن باشد.

۲- وزارت نفت برنامه زمانبندی شده گازرسانی به نیروگاهها و کارخانهها و کارگاهها را با اولویت شهرهای تهران، اراک، تبریز و اصفهان تهیه و به اجرا درآورد.

ب) وزارت صنایع موظف است با همکاری وزارتخانه های نیرو، کشور، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست طرح ایجاد سیستم های جمع آوری، تصفیه، بازیافت و دفع فاضلابها و پسماندها را در نقاطی که از این جهت در شرایط بحرانی قرار دارند و سلامت ساکنان آن در معرض خطر قرار دارد با توجه به اولویت آنها تا پایان سال اول برنامه تدوین و به تصویب شورای عالی محیط زیست برسانند.

پ) دولت در طول برنامه تدابیری را اتخاذ می کند تا آلودگی فوری کارخانه هایی که در مناطق بحرانی قرار دارند و به تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست دفع آلودگی آنها از ضرورت و فوریت برخوردار است میسر گردد.

۶- سازمان حفاظت محیط زیست موظف است در جهت برنامه ریزی های زیست محیطی و کنترل منابع آلاینده یا تخریب کننده منابع محیط زیست نسبت به ایجاد نظام اطلاع رسانی زیست محیطی و شناسایی روند اثرگذاری فعالیت های عمرانی، صنعتی و معدنی در محیط زیست در طول برنامه اقدام کند

۷- سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی موظفند طرح جامع حفاظت از جنگل ها و عرصه های جنگلی و چگونگی بهره برداری از آنها را تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسانند.

## مواد قانونی بخش دوم سیاست‌های اجرایی

چنانکه گفتیم عصاره سیاست‌های محیط‌زیستی در فصل دوازدهم قانون برنامه سوم توسعه آمده است. فصل دوازدهم در واقع تحقق قانونی برنامه سوم می‌باشد. از اینرو لازم است که عیناً ذکر شود. این فصل از قانون شامل دو ماده است که به دلیل مشتمل بودن بر بندهای متعدد و کلی و مجمل بودن در واقع تمام حوزه‌های محیط‌زیستی را می‌پوشاند.

ماده ۱۰۴ «به منظور حفاظت از محیط‌زیست و بهره‌گیری پایدار از منابع طبیعی کشور اجرای موارد زیر الزامی است :

الف) بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور باید بر اساس توان بالقوه منابع صورت گیرد. بدین منظور دولت موظف است ضمن حفظ روند رشد تولیدات و بهره‌برداری پایدار از منابع با اجرای طرح‌هایی از قبیل «تعادل دام و مرتع»، «خروج دام از جنگل» و «تأمین علوفه دام و سوخت جنگل‌نشینان، عشایر و روستاییان، حفظ و حراست از منابع پایه و ذخائر ژنتیکی، هماهنگی در مدیریت یکپارچه منابع پایه و نهادینه کردن مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجراء» ترتیبی اتخاذ نماید که تعادل محیط‌زیست نیز حفظ شود. (قانون برنامه سوم، ۱۳۷۷)

آیین‌نامه اجرایی این نیز مشتمل بر ضوابط زیست محیطی موردنظر، با پیشنهاد مشترک سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزارت جهاد کشاورزی به تصویب وزیران خواهد رسید.

ب) به منظور تقویت و پشتیبانی از «سازمان‌های غیردولتی حامی محیط‌زیست و منابع طبیعی» کمک‌های مالی اشخاص حقیقی و حقوقی به این سازمان‌ها به عنوان هزینه قابل قبول تلقی می‌شود. این کمک‌ها که به حساب خاصی در خزانه واریز می‌گردد، دریافت و براساس آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه و سازمان حفاظت محیط‌زیست و جهاد کشاورزی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد و مشتمل بر حداکثر کمک‌ها و نحوه اعطای آنهاست، در اختیار این سازمان‌ها قرار خواهد گرفت» (همان)

ج) به منظور کاهش عوامل آلوده‌کننده محیط‌زیست بالاخص در مورد منابع طبیعی و منابع آب کشور، واحدهای تولیدی موظفند برای تطبیق مشخصات فنی خود با ضوابط

محیط زیست و کاهش آلودگی ها اقدام کنند. هزینه های انجام شده در این مورد به عنوان هزینه های قابل قبول واحدها منظور می گردد.

از واحدهایی که از انجام این امر خودداری نمایند و فعالیت های آنها باعث آلودگی و تخریب محیط زیست گردد. جریمه متناسب با خسارت وارده اخذ و به درآمد عمومی واریز می گردد تا در قالب لوایح سنواتی برای اجرای طرح های سالم سازی محیط زیست هزینه گردد. آیین نامه این بند مشتمل بر مبلغ و چگونگی اخذ جریمه و نحوه هزینه آن به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست به تصویب هیأت وزیران می رسد. (همان)

بند «ب» ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه در واقع حمایتی غیرمستقیم به سازمان های غیردولتی زیست محیطی است که در فصل قبل تقریباً بطور مفصل بدان پرداختیم.

اما بحث جرائم زیست محیطی که در بند «ج» ماده قانونی فوق آمده به شکلی هزینه های اقتصادی را بر واحدهای تولیدی تحمیل می کند تا آنها در نهایت به جای پرداخت جرائم به رفع اساسی مشکلات زیست محیطی تشویق شوند. دکتر یوسف حجت معاون سازمان حفاظت محیط زیست در تفسیر این بند اضافه می کند «البته هزینه هایی که در این راستا انجام می شود هزینه های مالیاتی است تا حفاظت محیط زیست را وارد محاسبات واحدهای صنعتی کنیم» (برنامه، شماره ۱۵، شعبه ۱۳۸۱/۱۲/۲۴ : ص ۷)

آیین نامه اجرایی این بند در آخر سال ۱۳۷۹ به تصویب هیأت وزیران رسید که با جداول مفصلی که دارد. چگونگی محاسبه جرائم زیست محیطی را مشخص می کند. روش کار به این شکل است که به واحد صنعتی مراجعه می شود و جریمه براساس تعرفه های تعیین شده در آیین نامه اندازه گیری می شود، و به آن اعلام می شود و یک مهلت کارشناسی و حساب شده برای رفع مشکلات مشخص می شود که اگر در این مدت به رفع این مسائل نپردازند اخذ جریمه آغاز خواهد شد.

ویژگی مهم آیین نامه این است که در صورت بی تفاوتی واحد تولیدی جریمه بطور تصاعدی بالا خواهد رفت زیرا اگر جریمه ثابت باشد واحد صنعتی سوددهی تولید بالا را به

استمرار پرداخت جریمه ترجیح می دهد.

این آیین نامه به وسیله سازمان حفاظت از محیط زیست از ابتدای سال ۱۳۸۰ اجرا شده است و تاکنون قریب یک میلیارد تومان جریمه زیست محیطی اخذ شده است. (همان)

در قانون تصریح شده است که جرائم اخذ شده از واحدهای تولیدی در قالب بودجه های سالیانه به سازمان حفاظت محیط زیست برگردانده شود.

بند دال ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم: «دولت مکلف است در طول برنامه سوم نسبت به کاهش میزان آلودگی هوای شهرهای تهران، مشهد، تبریز، اهواز، اراک، شیراز و اصفهان در حد استانداردهای بهداشت جهانی اقدام نماید، آیین نامه اجرایی این بند همان آیین نامه اجرایی تبصره (۸۲) قانون برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ می باشد (قانون برنامه سوم ۱۳۷۷)

شورای عالی محیط زیست به استناد بند فوق برای کاهش آلودگی هوا تردد اتوبوس ها و مینی بوس های گازوئیلی را از تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱ ممنوع کرده است تا کلیه خودرو مجبور به گازسوز کردن شوند. یعنی سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان یک اهرام اجرایی جهت اجرای این مصوبه از اعطای مجوز جهت شماره گذاری خودروها خودداری می ورزد.

به استناد بند «د» طبق همین مصوبه تردد اتوبوس های دیزلی در شهرهای بزرگ مشهد، تبریز، اهواز، اراک، شیراز و اصفهان از تاریخ ۱۳۸۶/۱/۱ و مینی بوس های دیزلی از تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱ ممنوع خواهد بود. (برنامه، ۱۳۸۱: ۷)

این در حال است که تعداد کل اتوبوس های شرکت واحد نسبت به کل خودروهای سطح شهر تهران ۰/۰۳ درصد است سهم شان به طور متوسط در آلودگی هوای تهران، ۳ درصد است. (خالدی، ۱۳۷۹: ۲۵۹) تنها دلیل تأکید بر گازسوز کردن اتوبوس ها و مینی بوس های دیزلی شاید چشمگیر بودن آنها و تردد شان در مناطق شلوغ و پررفت آمد بوده است.

ه) به منظور جلوگیری از آلودگی و ساماندهی ساحل دریای خزر، دولت موظف است

نسبت به آزادسازی حریم دریا اقدام نماید» (قانون برنامه سوم: ۱۳۷۷)

می توان گفت دولت در این زمینه هیچ موفقیتی نداشته است، زیرا ساخت و سازهای بی رویه و حتی فروش خودسرانه، زمین در حریم دریایی خزر همچنان ادامه دارد. این درحالیستکه طبق مقررات شورای عالی شهرسازی مسئول نظارت بر کلیه ساخت و سازهای کشور است و لذا مسئول اجرای این بند ماده ۱۰۴ می باشد.

(و) برای تشویق انتقال واحدهای تولیدی و صنعتی مستقر در داخل محدوده شهرهای کشور تمهیدات زیر اتخاذ می گردد.

۱- تغییر کاربری عرصه و اعیان کارخانجات طبق شهرداریها و با توافق مالکین حقیقی و حقوقی امکان پذیر خواهد بود.

۲- وزارتخانه های نفت نیرو و پست تلگراف و تلفن موظفند نسبت به خرید حق الامتیاز و حق الاشتراک و سایر امتیازات مربوط به انشعاب گاز، آب، برق و تلفن محل قبلی واحد مربوطه به قیمت عادلانه روز و یا انتقال امتیازات یاد شده، به متقاضیانی که صاحب امتیاز معرفی می نماید در اسرع وقت و بدون مطالبه وجه اقدام نمایند.

(ز) به منظور کاهش آلودگی هوا در تهران بزرگ موارد ذیل در طی سال اول برنامه انجام می گیرد.

۱- کلیه وزارتخانه ها، مؤسسات، شرکت های دولتی و دستگاههای اجرایی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می کنند موظفند نسبت به رفع عیوب منجر به تولید آلودگی خودروهای خود (از هر نوعی که باشند) اقدام نمایند.

۲- شهرداری تهران موظف است خودرو و اتوبوس های دچار نقص فنی منجر به سوخت بد خود را تعمیر و اصلاح نماید.

۳- سالیانه مبلغ بیست میلیارد (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست قرار می گیرد تا منحصراً مصروف کمک به بخشی از هزینه موتور سیکلت ها و سواری های شخصی دارای نقص فنی شود که آلودگی ایجاد می کنند و متقاضی کمک هستند.

۵- از سال دوم برنامه سوم آلوده سازی هوا توسط موتور سیکلت ها و خودروها (از هر نوع



که باشند) جرم محسوب می شود و متخلف (راننده) به جزای نقدی پانصد هزار (۵۰۰۰۰۰) ریال در هر نوبت محکوم می شود نوبت بعدی احتساب تخلف حداقل گذشت یک هفته قبل از ارتکاب جرم می باشد. (قانون برنامه سوم: ۱۳۷۷)

ماده ۱۰۵- کلیه طرح ها و پروژه های بزرگ تولیدی و خدماتی باید پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات امکان سنجی و مکانیابی براساس ضوابط شورای عالی حفاظت محیط زیست و مصوب هیأت وزیران مورد ارزیابی زیست محیطی قرار گیرد، رعایت نتایج ارزیابی توسط مجریان طرح ها و پروژه های مذکور الزامی است. نظارت بر حسن اجرای این ماده بر عهده سازمان برنامه و بودجه است.

تبصره: سازمان حفاظت و محیط زیست موظف است راهکارهای عملی و اجرایی پروژه های عمرانی و اشتغال زایی در مناطق حفاظت شده را به طریقی فراهم نماید که ضمن رعایت مسائل زیست محیطی، طرح های توسعه عمرانی متوقف نگردد (همان)

در پایان تشریح سیاست های زیست محیطی ذکر یک نکته و مطرح یک مسئله ضروری ایست و آن اینکه یکی از موضوعات اصلی در تدوین سیاست های زیست محیطی عنایت و ملاحظه «عدالت زیست محیطی» است. مسئله عدالت با محیط زیست و در محیط زیست<sup>(۱)</sup> در دو سطح می تواند مطرح گردد ۱- اینکه چه کسی از چه میزان طبیعت و محیط زیست و به چه دلیل برخوردار است ۲- سطح دوم رفتار عادلانه انسان در مقابل کل زیست محیط است، یکی عدالت میان ما در برخورداری از محیط زیست به عنوان یک باید اخلاقی زیست محیطی است و دیگر عدالت انسان در رفتار متقابلانه با طبیعت و محیط زیست است. (Low and Gleeson, 1998 : 2)

با نگاه به برنامه سوم، متأسفانه کمتر به معنای اولی عدالت زیست محیطی یعنی عدالت میان انسان ها و مناطق در برخورداری از محیط زیست، پرداخته شده است و اساساً این پرسش

مطرح و شناسایی<sup>(۱)</sup> نشده است تا به آن پاسخ روشنی داده شود و اگر در مواردی اشاراتی به لحاظ محتوی شده باشد مکتون و مستتر است.

عدالت چنانکه در اجتماع مشمول و موضوع منازعات سختی بوده است و عدالت اجتماعی چراغ راهمای (مفاد بند اول رهنمودهای کلی مقام رهبری به برنامه سوم: لایحه برنامه سوم، پیوست شماره ۱: ۵) کلیه تصمیم سازیها در نظام قلمداد شده است، در مباحث زیست محیطی میان ملل و افراد و مناطق و در واقعیات و برنامه های توسعه ایران خصوصاً در تعیین محل پروژه های اقتصادی بسیار جای مباحثه دارد. فقدان و غیبت این موضوع که حتی در عبارتی مختصر هم در قانون و برنامه سوم توسعه کشور نیامده است، یک نقص خواهد بود.

### جمع بندی

در ایران اساساً مفهوم برنامه ریزی حتی میان نخبگان جامعه موضوع تشتت آراء و نابسامانی بوده است و اساساً فهم مشترک و اجماع در مقدمات و مؤخرات برنامه ریزی حاصل نشده است چنانکه تلاش و تأکید بر لاغرکردن دولت و فاصله گرفتن از اتاتیسزم ریشه دار و تنومند از سوی برخی از توسعه پردازان بمعنی لیبرالیزم محض و ناروایی برنامه ریزی به مفهوم «هایکی» آن تلقی شده است در صورتیکه وارد بودن اشکال و ایراد بر برنامه ریزی متمرکز بمعنی عدم ضرورت برنامه ریزی های چندساله برای اداره کشور نیست. با این حال اگر اختلافی در اصول برنامه ریزی باشد اختلاف در شدت و ضعف است، زیرا ساختار اقتصادی اجتماعی، ایران اساساً پذیرای نقش اساسی دولت و بخش خصوصی است، چنانکه اصل ۴۳ قانون اساسی امکان بسط و توسعه سه بخش دولتی، خصوص و تعاونی را مجاز دانسته و توصیه نموده است.

تکثر ذاتی و بالقوه موجود در مناسبات اقتصادی، اجتماعی<sup>(۲)</sup> کشور زمینه پذیرش، و سرایت آن در مسایل و مکاتب زیست محیطی ایران نیز گردیده است، با کاربست<sup>(۳)</sup> و تطبیق سه

- 1- Recognition
- 3- Applymt

- 2- Socio-Economic

دسترسى به این مدرک بر پایه آیین نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان نامه ها، و رساله های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۱۹۵۹۲۹/۱۹۵۹۲۹/۱۹۵۹۲۹) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مکتب زیست‌محیطی عمده شامل اقتصاد بازار، نوسازی بوم‌شناسی و سوسیالیسم، بر مفاد و مستندات برنامه سوم توسعه این حقیقت بهتر قابل فهم است. نقش و سهمی که این برنامه برای دولت و مصوبات آیین‌نامه‌ای حاصل از آن اختیارات به رسمیت شناخته است در واقع ادامه همان روند باستانی قوت و هیمنه دولت در ایران و بطور کلی شرق بوده است در واقع اغلب دلسوزان و حتی برنامه‌ریزان بخش محیط‌زیست و مسائل آن به دولت چشم دوخته‌اند که این نشان از جامع‌القوا بودن دولت و سرایت «دولت‌گرایی» به این بخش از مسائل جدید ایران و برنامه‌های آن یعنی مسائل و سیاست‌های زیست‌محیطی است.

همچنین با عنایت به مندرجات و گزاره‌های برنامه سوم در خصوص استفاده از فن‌آوری‌های جدید و آسیب‌شناسی مسائل زیست‌محیطی در عدم استفاده از تکنولوژی‌های مناسب و تأکید بر استفاده از فن‌آوری‌های سازگار با محیط<sup>(۱)</sup> زیست می‌توان دریافت که گرایش به تکنولوژی سبز و سبزتر کردن سرمایه داری که در ذیل مکتب محیط‌زیست‌گرایی نوسازی به آن پرداختیم تا چه حد بر ذهن برنامه‌ریزان به برنامه سوم و مندرجات آن چیرگی داشته است.

با این حال چنانکه در طول این فصل گفتیم جالبترین و بیشترین تأکید برنامه‌گرایش آشکار به اقتصاد بازار است. بدنبال عدم کفایت و کارایی دولت در انجام امور تقریباً اغلب اقتصاددانان و نظریه‌پردازان ایران به این نتیجه رسیده‌اند که بخش خصوصی کارآمدتر و مفیدتر خواهد بود لذا درمان دردهای مزمن اقتصادی و اجتماعی ایران را در ضعف تولید به شیوه سرمایه‌داری دانسته‌اند. از اینرو در مسائل زیست‌محیطی نیز دولت تلاش داشته است تا علاوه بر تشویق انجمن‌های زیست‌محیطی جامعه مدنی که از ارکان جامعه سرمایه‌داری به شمار می‌روند، سمت و سوی این مسائل را بسوی بخش خصوصی و مکانیزم بازار هدایت کند، علاوه بر مستندات و مفادی که ذکر و شرح شد بهترین دلیل مدعای ما فرازی از مصاحبه معاون سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد «... البته هزینه‌هایی که در این راستا انجام می‌شود هزینه‌های مالیاتی است تا حفاظت محیط‌زیست را وارد محاسبات واحدهای صنعتی کنیم» (برنامه، ۱۳۸۲: ۷)

بی گمان سیطره و غلبه جهانی گفتمان سرمایه داری و اقتصاد بازار، (تا حدی که امروز در آمریکا سخن از ایجاد پلیس خصوصی و دادگاه خصوصی می رود) که ایران خواهی نخواهی بشدت در معرض بادهای آن قرار گرفته است، در نقش بستن این سیاست ها بر ذهن و زبان تصمیم گیران کشور بی تأثیر نیست البته باید خاطر نشان کرد که نمونه ثابت هیچکدام از مکاتب آرمانی زیست محیطی که در مقدمه ذکر و شرح دادیم، در هیچ جای دنیا اجرا نمی شود، و در عالم واقعی معمولاً ترکیبی از سه مکتب معیار یافت می شود در اینجا نیز سخن در شدت و ضعف و ذومراتب بودن امر است.

\* \* \*

## نتیجه‌گیری

همانگونه که مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ نهضت محیط زیست گرای عالم‌گیر شده، گرچه در ابتدا خاستگاه اروپایی و پورژوایی داشت جهانگیر شدن دغدغه‌های زیست‌محیطی در واقع ابتداءً بدلیل هشدار دانشمندان نسبت به تبعات توسعه ناموزون، و تشدید روند بهره‌برداری‌های بشر از طبیعت و منابع آن بود اما علت اصلی آنرا باید در تأثیر اطلاع‌رسانی وسیع رسانه‌ها دانست.

بدنبال انتشار اخبار فجایع زیست‌محیطی که عمدتاً حاصل صد سال اخیر اعلام شده بود، به تدریج در محافل علمی علمای توسعه‌تردیدهای جدی در مورد ابزار، وسیله و غایت توسعه بمفهوم کلاسیک دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ صورت گرفت و انسان در محور مباحث آن قرار گرفت و تلاش‌های علمی و عملی زیادی انجام شد تا در پارادایم‌های بعدی توسعه طبیعت و مسائل زیست‌محیطی شأن و منزلتی در خور داشته باشد.

مباحث مربوط به توسعه از این لحاظ که قدیمی‌تر از اعلام جهانی فجایع زیست‌محیطی بودند طبیعتاً جایگاهی برای رعایت مسائل زیست‌محیطی در دستگاه منطقی خود قابل نبودند، توسعه و ایده‌های مربوطه آن بطور خاص از سال ۱۹۴۵ مورد تأیید و تدوین واقع گردید، که عمدتاً دارای مفهومی اقتصادی از نوع کلاسیک با تأکید بر رشد سریع اقتصادی بود، رشد اقتصادی ملت‌ها که در تولید سرانه ملی (GNP) نشان داده می‌شود همه‌جا معیاری برای سنجش توسعه یافتگی و برخورداری از رفاه و تنعم به عنوان یک ارزش بود.

اما بزودی پروژه‌های توسعه از نوع متقدم آن دچار بحران و بن‌بست شدند. بتدریج کاستی‌های آن از جمله فقر و فجایع زیست‌محیطی منتج از اجرای آن چهره‌گریه و بی‌رحم خود را نشان دادند، و در توسعه کلاسیک انسان نوین بخشی از طبیعت که صلاح و خیر او در هماهنگی و توازن با طبیعت باشد، تلقی نمی‌شد، بلکه آشکارا در مقابل عفریت نفرین شده طبیعت بکر قرار می‌گرفت که تسخیر و نفوذ در آن قدرت نامحدود بشر را از طریق ره آورد تکنولوژی اثبات می‌کند. شبکه در هم تنیده تکنولوژی که اینک نظامات انسانی را تعیین می‌نمود انسان را نیز مغلوب و

مقهور خود نمود و انسان این خالق تکنولوژی خود در دام وی گرفتار آمد زیرا اساس و غایت زندگی و آسایش انسان را نشانه رفته بود.

از دیاد جنگ و خون‌ریزی بی سابقه، تخریب و به یغما رفتن منابع طبیعت و محیط‌زیست همگی ارمغان توسعه ناهمگون انسان بی بهره از خرد اما مسلح به تکنولوژی بود. با اینحال توسعه و ترقی راهی انگاشته شد که انسان‌ها مشتاقاً یا تقدیراً باید طی کنند، اگر چه سنت در مقابل توسعه هیچیک از تبعات فوق را نداشت اما بازگشت به آن هنوز هم تجویز نشده است.

انسان متجدد زمین و طبیعت بی دفاع را بسان بدکاره و فاحشه‌ای تلقی کرد که باید هر چه بیشتر بصورت سادیستی و مازوخیستی از آن یک طرفه مقطعی و برای لذت آنی بهره‌برداری کند هر چند این لذت منقطع و بی دوام باشد. زمین تنگ و کوچک و سوخته نتیجه آن توسعه‌ای شد که نوید کارآمدی اقتصادی، گسترش ظرفیت بهره‌وری و تولیدی اقتصاد ملی، پیشرفت تکنولوژیکی و کاهش فقر، نابرابری و بیکاری را می‌داد.

بدنبال وقوع بحران در مدل کلاسیک توسعه، عدم کفایت معیار GNP در توضیح واقعیات جوامع، عدم مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، فقر فزاینده، فجایع زیست‌محیطی، عدم توجه به زنان، تلاش‌هایی در سطح تئوریک عملی صورت گرفت که به «شکل‌گیری مفهوم توسعه پایدار» منجر گردید. تقریباً از آغاز دهه ۱۹۷۰ مفروضات و مدعیات توسعه کلاسیک مورد تردید جدی قرار گرفتند یا پرتوافکنی‌هایی که بر تلقی‌های ایدئولوژیک و اقتدارگرایانه صورت گرفت بزودی افسانه امیدهای واهی که توسعه به مردمان نوید می‌داد بر ملاگشت و در سال‌های دهه ۱۹۸۰ یادارایم‌های توسعه از تسلط گفتمانی فرو غلتیدند و به بن‌بست رسیدند. برخی از پژوهشگران این تغییر گفتمانی را «ظهور دورانی جدید» دانستند دورانی که از تحلیل‌های یک سویه و تک عاملی، تعمیم‌های بی‌مورد و فرضیه‌های انتزاعی فارغ از زمان و مکان و واقعیت‌های ملموس خبری نیست و از فرهنگ، اقتصاد، محیط‌زیست و سیاست، اجتماع و اخلاق و طبیعت و جز آن باید به صورت یکپارچه (Integrated) سخن گفت و بسان اجزاء یک اندام در کنار هم قرار گیرند. حتی آنچه ذیل عنوان توسعه یافتگی و توسعه انجام گرفته بود با عنوان بد توسعه یافتگی

(Maldevelopment) مورد طرد و طعن قرار گرفت.

مناظره عظیمی چه در حوزه عمومی و چه در محافل تخصصی بر سر ابزارها، اهداف، غایات و مجریان طرح توسعه، و مقصد، کاروان عظیم بشری، صورت گرفت که بخش ملاحظه‌ای از آن شامل محیط‌زیست و محیط‌زیست‌گرایی بود که بدلیل اندراج علایق جهانی به نهضت فراملیتی و جهانی تبدیل شد بدنبال نشر آگاهی‌های مربوطه به عمق فاجعه و بحران زیست محیطی، گرایش و دغدغه عمومی برای حفظ محیط‌زیست از غارت بنام توسعه به یک گفتمان تعیین‌کننده تبدیل گشت.

یکی دیگر از جبهه‌هایی که برای حمله به توسعه کلاسیک گشوده شد پوچی ادعای اقتصاددانان کلاسیک مبنی بر خصلت ذاتی کانون‌های تولید ثروت به سرریز شدن و تراوش کردن و رفع طبیعی فقر بود. اما چنانکه نشان دادیم رشد شکاف فزاینده میان فقرا و اغنیا در جهان بی‌سابقه بود.

بر این اساس و در نتیجه این مناظره مفهوم «توسعه پایدار» زاییده شد. از دهه ۱۹۸۰ دیگر توسعه به عنوان مفهوم چندبعدی، ذوجانب و جامع‌الاطرف با توجه به پایداری فرمولبندی و تعریف شد، و اجلاس‌های عظیمی در سطح جهانی با هدف بسط و ترویج این مفهوم برگزار گردید. هدف اصلی این اجلاس‌ها پرداختن همزمان به محور متقابل فقر و محیط‌زیست یعنی کاهش فقر و حفظ استانداردهای زیست‌محیطی بود، بطور خلاصه توسعه پایدار دارای مشخصات زیر اعلام گردید.

- در توسعه پایدار انسان مرکز توجه است و انسان‌ها، هماهنگ، با طبیعت، شایسته حیاتی، توأم با سلامت و سازندگی هستند.

- توسعه حقیقی است که باید بصورت مساوی، نسل‌های کنونی و آینده از آن برخوردار باشند.

- حفاظت از محیط‌زیست جزء تفکیک‌ناپذیر (Integral Part) توسعه است و نباید

جدداً مورد بررسی قرار گیرد.

- همگان در یک حرکت جمعی، باید از سلامت و تمامیت نظام (Integrity) نظام طبیعی کره زمین حراست نمایند.

- با توجه به سهم متفاوت در آلودگی محیط‌زیست کشورها، مسئولیت مشترک ولی متفاوتی در این زمینه دارند.

در زمانه‌ای که بوی وجود آخرالزمان دارد همانگونه که می‌بینیم «توسعه پایدار» اکسیروار خواهان و مدعی رفع تناقض‌ها و ناسازگاری‌هایست که تاکنون بشر از قبل مدرنیته و توسعه و ترقی بدان به عنوان عوارض (ذاتی) مبتلاگشته است عوارضی که علیرغم عدم مطلوبیت، احتمالاً تقدیریت دارند، بدین دلیل می‌گوییم عوارض ذاتی که توسعه پایدار با مضمون توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را تأمین کند بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در برآوردن نیازهای‌یشان به مخاطره افکند، همزمان از دو مبارزه حکایت دارد.

۱- مبارزه با کسانی که براساس سنت کلاسیک توسعه را بدون توجه به بوم‌مداری دنبال می‌کنند

۲- مبارزه با آنان که با دیدگاهی رادیکال هرگونه دخل و تصرف در طبیعت را ممنوع می‌کنند، البته دخل و تصرف در طبیعت خواه‌ناخواه عوارضی دارد.

با این چارچوب، تئوریک در فصل مفصل دوم با حفظ معنای مثبت توسعه پایدار به عنوان یک آرمان و انطباق و کاربست (Applyment) آن بر اوضاع و احوال مسائل زیست‌محیطی ایران، عمق فاجعه و عدم پایداری در سیر صحنه تاریخی و عرصه جغرافیایی ایران در موضوعات مختلف بطور طبقه‌بندی شده، مستند و آماری نشان داده‌ایم هر چند این اطلاعات و گزارش‌ها، محتوی و معرف تلاش‌های دولت بنا به وظیفه خود در جهت حفظ و توسعه استانداردهای زیست‌محیطی و کاهش اثرات امواج انقراض و نابودی طبیعت نیز بوده است.

علیرغم سابقه تاریخی توجه به محیط‌زیست در ایران و مترقی بودن قانون اساسی در این زمینه با اصول پنجاهم و چهل و پنجم، که حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه‌ای عمومی قلمداد می‌نماید، و فعالیت‌های اقتصادی تخریب‌کننده محیط‌زیست را ممنوع و مالکیت منابع طبیعی را



عمومی و جزو انفال می‌کند، امروزه از جنبه‌های زیادی روند تخریب تشدید یافته است. بدلیل تداوم سلطه توسعه رایج در دهه‌های گذشته بسیاری از قوانین نهادین تعامل میان انسان و بسترهای طبیعی حیات در درون مرزهای جغرافیایی ایران، مختل شده و این روند بر رفتارهای اقتصادی، اجتماعی ایرانیان نیز تأثیر گذاشته است.

دو برابر شدن جمعیت در کمتر از سه دهه و افزایش شهرنشینی از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۶۱ درصد در سال ۱۳۷۵ ضمن نامتعادل کردن جمعیت موجب افزایش و مشکلات ناشی از الگوی زندگی و گسترش بی‌رویه مناطق شهری در فضایی و مغایر با مفهوم «توسعه پایدار و متوازن» شده است در این میان عارضه تاریخی بخشی‌نگری و یک‌سویه‌نگری در عملکرد دستگاه‌های اجرایی خود بر دامنه این قبیل مشکلات افزوده است.

در دهه‌های اخیر، بسیاری از شاخص‌های مهم اقتصادی و اجتماعی در ایران با دگرگونی‌های مهمی روبه‌رو بوده‌اند که این دگرگونی‌ها الزاماً بر روند مثبت با مطلوب برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار استوار نبوده و در اغلب موارد موجب افزایش تقاضای کل (مصرف‌زدگی) نسبت به کالاها و خدمات حاصل از محیط‌های طبیعی شده است. طی سه دهه تعداد دام در مراتع سه برابر، برداشت چوب از جنگل ۱/۵ برابر، فرسایش خاک ۲/۵ برابر و مصرف آب‌های زیرزمینی ۲ برابر شده است. ۳۰ درصد از کل منابع خاک در اثر بیابان‌زایی که به منزله حذف بسیاری از استعدادهای مورد نیاز برای حیات و بقای انسان است و ۳۳ درصد از پوشش جنگلی و ۲۸ درصد از مراتع تخریب شده‌اند و حاصل تولید حدود یک میلیارد مترمکعب پساب خام صنعتی، ۱۴ میلیون تن زباله، ۲/۲ میلیون تن هوای آلوده (فقط در تهران) بوده است. از اینرو تخریب عرصه‌های طبیعی، انباشت پسماندهای حاصل از فعالیت‌های مختلف در محیط، افزایش سرعت تغییر در کاربری ارضی، و ... از روشن‌ترین و ملموس‌ترین نشانه‌های گسترش حجم فشار بر منابع طبیعی کشور است.

در فصل آخر سه رویکرد اصلی نهادی سیاسی زیست‌محیطی از آنها به عنوان سنجه و معیار جهت‌یابی برنامه سوم توسعه کشور بهره‌برده‌ایم و نشان دادیم در ایران و همچنین مکانیزم

برنامه سوم از سه منظر به مسائل نگرسته می‌شود و هر کدام قوت قدیمی یا تازگی و دلربایی گفتمان خود را در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور مشخصاً بروز داده‌اند. به لحاظ نهادی و سیاسی نفس اتاتیسم و دولت‌گرایی در ساختار اقتصادی اجتماعی و همینطور تقویت و تولید آن در نهادها و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مربوط به محیط‌زیست حکایت از جایگاه این دیدگاه در نحوه نگرش به مسائل زیست‌محیطی است. همچنین بدلیل موفقیت‌هایی که در بعضی از کشورهای اسکاندیناوی در تداوم سرانه درآمد بالا و حفظ همزمان محیط‌زیست گرایش به سوی اکومدرنیسم در میان پاره‌ای از سیاست‌های زیست‌محیطی به راحتی مشخص است. حال آنکه چنانکه گفتیم این موفقیت‌ها در تکنولوژی سبز تاکتیکی و پرهزینه بوده است. کامیابی کشورهای اسکاندیناوی در اقتصاد بخاطر رشد عظیم بخش خدمات آنهاست، نه تحول در شیوه تولید آنها و همچنین به قیمت صدور بسیاری از مواد زاید خطرناک به کشورهای جهان سوم حاصل شده است.

در عین حال توجه و تأکید اصلی برنامه سوم در بخش اقتصاد، حاکم کردن روابط بازاری در اغلب حوزه‌ها کاهش تصدی‌گری دولت و منحصر کردن نقش دولت به انجام وظایف حاکمیتی خود، و واگذاری امور به بخش خصوصی بوده است. اتخاذ سیاست‌هایی در جهت تحقق این اهداف آشکارا حکایت از دلربایی مکانیزم بازار و مکتب محیط‌زیست‌گرایی بازار در نزد برنامه‌ریزان کشور بوده است که سوای این حوزه در همه‌جا از خصوصی سازی دفاع می‌کنند. گفتیم که بهترین حجت موجه در اثبات این مدعا این فقره از فرازهای یوسف حجت معاون سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌باشد که گفت: «... البته هزینه‌هایی (هزینه‌های اقتصادی بر واحدهای تولیدی) که در این راستا انجام شود. هزینه‌های مالیاتی است تا حفاظت محیط‌زیست را وارد محاسبات واحدهای صنعتی بکنیم»

چنانکه گفته‌ایم بن مایه و بنیاد تفکر اقتصاد بازار در ارتباط با محیط‌زیست مبین این نکته است که نباید محیط‌زیست را به عنوان یک ارزش مطلق و مقدس تلقی نمود، که به هر قیمت و هزینه‌ای باید حفظ گردد، بلکه اگر ارزش بازاری دارد پس خودبه‌خود حفظ خواهد شد. وارد

کردن طبیعت به عنوان سرمایه و کالایی کردن آن در مناسبات سرمایه‌داری مستلزم پولی کردن و قیمت‌گذاری منابع زیست‌محیطی است. اما به لحاظ حصر عقلی در سرمایه‌داری با منطق پویای درونی خود اگر توسعه پایدار بخواهد تحقق کامل پیدا کند آنگاه فقر بیداد خواهد کرد و اگر همین‌طور لجام گسیخته تا نهایت منطقی خویش برود بیش از پیش مایه تشدید بحران زیست‌محیطی و عمیق‌تر شدن فاصله فقر و اغنیاء در جهان خواهد بود.

همانگونه که گفتیم آمریکا به عنوان عینی این نظام بیشترین فشار را بر منابع زمین و طبیعت وارد می‌سازد و حتی با تحریک کارتل‌های نفتی آن بود که بزرگترین امید جهان در اجلاس توسعه پایدار ژوهانسبورگ به شکست انجامید

بطور خلاصه بشریت با سیطرهٔ مدرنیته و سرمایه‌داری از حیث محیط‌زیستی در یک سناریوی تراژیک قرار گرفته که نقطه‌های امید و موفقیت‌ها در جهت حفظ طبیعت اندکند و ناکامی‌ها زیاد از طرفی هم با وجود نهادها و حاکمیت‌های سیاسی موجود امیدی به تغییر رادیکال در اوضاع جهان (و از جمله ایران) نمی‌باشد و شاید هایدگر راست می‌گفت که مدرنیته را در تقدیر ما می‌دانست و دجال آخرالزمان کمر به نابودی طبیعت و محیط‌زیست بسته است.

اینک ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه با جمعیت جوان و جویای کار جهت رفع فقر، بیکاری و اشتغال حداقل به رشد ۶ درصدی در اقتصاد نیاز دارد، یعنی تأمین امکانات رفاهی جمعیتی که طی ۳۰ سال دو برابر شده است مستلزم افزایش، کارخانه‌ها، راه‌ها، سدها، نیروگاهها و مزارع و غیره است که سوخت و ماده و سرمایه اولیه این صنایع و پروژه‌ها طبیعت و منابع آن است، از این رو تناقضی که در جای جای این مقال گوشزد کرده‌ایم در مورد ایرن به شکل خاصی بروز می‌کند. چنانکه شواهد نشان می‌دهد ما بطور همزمان نتوانسته هم در جهت کاهش فقر و بیکاری قدم برداریم و هم منابع محیط‌زیست را به شیوه تجدیدپذیری مورد استفاده قرار دهیم، هرچند تلاش‌هایی در این دو محور صورت گرفته است اما این تلاش‌های برای طبیعت غنی و متنوع و کم‌نظیر ایران، ناچیز و اغلب نقش مسکن داشته و مذبحخانه بوده است تا پیشگیرانه و درمانگر.

اکنون پرسش اساسی که بعد از این طول و تفصیل خود را می‌نمایاند این است که چه باید کرد و پیشنهاد و راهکار مناسب چه خواهد بود؟! اگر چه روزبه‌روز دیدگاه‌های مخالف با رشد اقتصادی صرف طیف وسیعتری را تشکیل می‌دهد اما از این میان برای حل مشکل و بحران به شیوه تجویزی (Normative) در سطح کلان نهادی و سیاسی تنها سه راه قابل شناسایی است که ما ضمن قبول اهمیت دولت در جامعه ایران و نقش بهره‌وری و کارآمدی در نظام سرمایه‌داری تقویت و گسترش راه جامعه مدنی را پیش از دو راه دیگر برای ایران مورد تأکید و توصیه قرار می‌دهیم. از اینرو با قرار دادن جامعه مدنی به عنوان قاعده و پایه راه‌های سه‌گانه تلفیقی از فعالیت‌های لازم در سه عرصه ضروری است هر چند اکثر کارشناسان با یک سو نگرانی تنها تقویت جامعه مدنی را برای حل بحران توصیه می‌کنند:

## ۱- راه بازار

طرفداران راه بازار بهترین راه دستیابی به هدف (غلبه بر فقر و دستیابی به توسعه پایدار) با چهار قاعده اصلی زیر ممکن می‌دانند:

(الف) وسائل تولید (با وسائل تولیدی می‌توان کالا و خدمات تولید کرد) شامل، کار، منابع طبیعی، و محیط‌زیست فن‌آوری و سرمایه و تجهیزات در اختیار بخش خصوصی باشد.  
 (ب) بازارهایی باید موجود باشند که در آنها وسائل تولید کالا و خدمات تولید شده آزادانه خرید و فروش شوند.

(پ) اجرای قانون توسط دولت باید وجود داشته باشد تا قراردادهای تجاری را ضمانت کرده و محیطی سالم برای روابط بازرگانی بین افرادی که با هم آشنایی ندارند ایجاد کند.

(ت) تجارت در سطوح ملی، محلی و بین‌المللی باید عاری از محدودیت باشد.  
 تنها دلربایی این راه کارآفرینی و خلاقیت آنست یعنی وسائل تولید را به گونه‌ای گردهم می‌آورد که منجر به تولید کالا و خدمات شود که در جهت کاهش فقر ضروری است اما با حاکم کردن جامعه مدنی و افکار عمومی باید سعی شود از تبعاتی که پیش از این گفتیم جانبی

(Sideeffect) آن است جلوگیری کرد.

## ۲- راه دولتی

نهایت منطقی راه دولتی و مدیریت دولتی در آراء مارکس ولنین آمده است که تحقق عینی آنرا نیز باید در رژیم شوروی کمونیستی سابق جستجو کرد. دولت‌گرایی یا اتاتیسم بدلائیل ناکارآمدی اقتصادی که دارد امروزه همه جا طرد می‌گردد، اما هنوز هم دولت مدرن نقش‌های عظیمی را در جامعه ایفا می‌کند، گو اینکه به لحاظ تجربی و تاریخی نیز تاکنون جامعه بی‌دولت وجود نداشته است. از تکنولوژی سیاسی و دولت به عنوان وسیله کاربرد زور مشروع برای رفع کژی و ناراستی در جامعه بیشترین استفاده را می‌توان برد، در ایران احکام قضایی زیادی است که در آنها با پیگیری دولت، محاکم قضایی از فجایع زیست‌محیطی جلوگیری کرده‌اند که نمونه بارز آن جلوگیری از تخریب پارک سرخه حصار، تهران توسط عده‌ای سودجو در همین چند ماه اخیر بوده است.

## ۳- راه جامعه مدنی و تقویت NGOها

را جامعه مدنی به سوی توسعه پایدار بر توسعه اجتماعی تأکید دارد. بدین معنی که مردم نسبت به دیگران چگونه عمل می‌کنند این راه ممکن است شامل جنبه‌های مهم سیاسی و اقتصادی نیز باشد اما حرکت‌ها از پایین م، مردمی و خودجوش است. منظور ما از جامعه مدنی فضایی بین دولت و فرد است که در آن سرشت‌ها و استعداد‌های پوشیده و نهفته انسان‌ها شکوفا می‌شود و فرد را اجتماعی و دولت را انسانی می‌سازد.

احتمالاً بهترین راه برای نمایان ساختن قوت جامعه مدنی بیان مصداق‌هایش است در سال ۱۹۷۳ گروهی از مردم تنگدست در کشور هند برای جلوگیری از قطع درختان توسط یک شرکت چوب‌بری هر یک خود را به درختی در منطقه مورد تعرض شرکت بستند این اقدام جمعی توجه افکار عمومی را جلب و کمک کرد تا برخی از حکومت‌ها و ادار شوند سیاست خود را

نسبت به توسعه در ارتباط با جنگل‌های ملی مورد تجدیدنظر قرار دهند.

متأسفانه در ایران به دلیل عدم انسجام قوی تشکل‌های غیردولتی (NGOS) و سنگینی سایه دولت در همه‌جا حضور این سازمان‌ها تاکنون فقط جنبه سمبولیک و نمادین داشته‌است اما امید می‌رود با رشد آگاهی‌ها و کاهش تصدی‌گری‌های دولت این تشکل‌ها با انگیزه‌های قوی که دارند، نقش مؤثری در زمینه حل مشکل ایفا نمایند.

«والحمدلله من قبل و من بعد»

## فهرست منابع فارسی

- ابتکار؛ تقی. ۱۳۸۰. برگزیده‌های مقالات، تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- ازکیا؛ مصطفی. ۱۳۷۷. جامعه‌شناسی توسعه تهران: نشر کلمه.
- امینی؛ فرهاد. ۱۳۷۸. «مشکلات سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در ایران (۱)» تهران: نشریه صلح سبز. شماره هفتم.
- امینی؛ فرهاد. ۱۳۷۸. «مشکلات سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در ایران (۲)» تهران: نشریه صلح سبز. شماره هشتم و نهم در یک جلد.
- اولریش، اوتر. ۱۳۷۶. «فن‌آوری و تهدید حیات در سطح کره زمین» ترجمه ناصر موفقان. رهیافت. باران، پل. ۱۳۵۹. اقتصاد سیاسی رشد، ترجمه کاوه آزادمنش. تهران: انتشارات خوارزمی.
- باطنی، محمدرضا. ۱۳۷۴. ساختارگشتاری زیان. تهران: نشر آگاه.
- برونل، سیلوی. کلود، فرانسیون. ۱۹۹۸. «جهنم نابرابری‌ها» لوموند (۱۹ اکتبر ۱۹۹۸)
- ترجمه شهین فرامرزی راد، رویدادهای ایران و جهان (اداره کل مطبوعات خارجی) ۱۳۷۷/۵/۱۹.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۲ برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوست شماره ۱ تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- بشیریه. حسین. ۱۳۷۹. درآمدی بر جامعه‌شناسی تجدد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- بنده، ژروم. ۱۹۹۸ آیا آماده قدم گذاشتن به قرن بیست و یکم هستیم لوموند، ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۸
- ترجمه شهین فرامرزی راد. رویدادهای ایران و جهان (اداره کل مطبوعات خارجی) ۱۳۷۷/۵/۱۹.
- تودارو، مایکل. ۱۳۶۶. توسعه اقتصادی در جهان سوم و ترجمه غلامعلی فرجادی تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- حجازی؛ علی. ۱۳۴۰. «تحقیقی درباره تاریخچه چوب» کرج: نشریه شماره ۳۱، دانشکده کشاورزی کرج.

- خاوری؛ حسن، ۱۳۶۵. «جنگل و نقش آن در زندگی بشر» اهواز: انتشارات دانشگاه چمران.
- خالدی؛ شهریار. ۱۳۷۹. بحران‌ها و اختلاف‌ها و آلودگی‌های محیطی ایران. تهران: انتشارات سهراب.
- دابسون، آندرو. ۱۳۷۷. فلسفه و اندیشه سبزها، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات آگاه.
- درینگ؛ آلن. ۱۳۷۴. چقدر کافیسست؟ ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دورژه؛ موریس. ۱۳۷۶. جامعه‌شناسی سیاسی ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیوب؛ اس. اس. ۱۳۷۷. نوسازی و توسعه در جستجوی قالب‌های بدیل ترجمه سید احمد موثقی، تهران: نشر قومس.
- رامونه؛ اینیاسی. ۱۹۹۸ «راهبردهای گرسنگی» (لوموند دیپلماتیک اکتبر ۱۹۹۸) ترجمه شهین فرامرزی راد. رویدادهای ایران و جهان (اداره کل مطبوعات خارجی) شماره ۱۳۷۷/۱۷/۲۴
- رحمانی؛ فریده. ۱۳۷۲. «توسعه پایدار از تئوری تا عمل» (فشرده نتایج سمپوزیوم سوم لاهه) اطلاعات سیاسی - اقتصادی - شماره ۶۹-۷۰.
- روکس برو؛ یان. ۱۳۷۰. نظریه‌های توسعه نیافتگی. ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: نشر توسعه.
- زایتس؛ جان. ۱۳۸۰. مسائل جهانی، ترجمه عشرت فرودی، تهران: نشر فرهنگ و اندیشه.
- زرشناس؛ شهریار. ۱۳۷۷. توسعه، تهران: انتشارات کتاب صبح.
- زیباکلام؛ صادق. ۱۳۷۷. ما چگونه ما شدیم، تهران: نشر روزنه.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۸. سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳). پیوست شماره ۲ لایحه برنامه جلد اول. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- شاحیدر؛ عبدالکریم. ۱۳۷۳. شکار و صید در حقوق ایران. تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- شایگان، داریوش. ۱۳۶۸. بت‌های ذهنی و خاطره ازلی. تهران: انتشارات امیرکبیر.



- شوماخر، ارنست. ۱۳۶۰. کوچک زیباست؛ ترجمه علی رامین. تهران: انتشارات سروش.
- صادقی گویا، علی. ۱۳۷۶. ایران سبز. تهران: انتشارات ایران سبز.
- ضیبیان، محمد و همکاران. ۱۳۷۶. فقر و توزیع درآمد در ایران. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مؤسسه عالی پژوهش برنامه‌ریزی و توسعه.
- عظیمی، حسین. ۱۳۷۸. ایران امروز در آینه مباحث توسعه، تهران: دفتر نشر فرهنگ انقلاب اسلامی.
- عظیمی، حسین. ۱۳۷۴. مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی.
- علیخانی، عباسعلی. ۱۳۷۶. جامعه مدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- فاضل، جواد. ۱۳۵۱. نهج البلاغه تهران: انتشارات بی‌نا.
- فتحی، هوشنگ. ۱۳۸۱. سازمان حفاظت محیط‌زیست، دوران اصلاحات ۱۳۸۰-۱۳۷۶. تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- فطرس، محمد حسن. ۱۳۷۴. توسعه پایدار: جمعیت، فقر و محیط‌زیست. (گزارش سمینار منطقه‌ای اثرات متقابل جمعیت و محیط‌زیست) تهران: ۱۴-۱۲ آذرماه ۱۳۷۴.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۰. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
- کاتوزیان محمد علی همایون. ۱۳۶۹. اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایین سلسله پهلوی ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- کیومر، اسماعیل. ۱۳۷۴. گزارش ملی توسعه پایدار. تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- گریفین، کیث. ۱۳۷۵، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین رادفر و محمد حسین ملکی تهران: نشر نی.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۷. گزارش مرحله اول فعالیت‌های نظام برنامه‌ریزی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۰. گزارش عملکرد دولت (از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰) تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۹. گزارش نظارت سال اول اجرای برنامه سوم توسعه، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۸. لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور پیوست شماره ۱ و ۲ تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- مجنونیان، هنریک. ۱۳۷۸. راهبردها و معاهدات جهانی حفاظت از طبیعت و منابع زنده، (جلد اول). تهران: سازمان حفاظت و محیط‌زیست.
- محرم نژاد، ناصر. ۱۳۸۱. گزارش ملی توسعه پایدار جهت ارائه به اجلاس سران توسعه پایدار ژوهانسبورگ ۲۰۰۲، تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- مخدوم، مجید و مجنونیان، هنریک: ۱۳۷۱، گزارش ملی توسعه پایدار جهت ارائه به کنفرانس محیط‌زیست و توسعه ملل متحد ریودوژانیو ۱۹۹۲. تهران: سازمان حفاظت و محیط‌زیست.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۸ مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) جلد اول و سوم تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۳ مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور ۱۳۷۷-۱۳۷۳. جلد دوم، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- مهدوی، ابوالقاسم. ۱۳۸۰. راهبردهای کلان رشد اقتصادی ایران. تهران: مؤسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی.
- موثقی، احمد. ۱۳۷۱. توسعه (پلی کیپی) تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- مور، برینگتون. ۱۳۶۹. ریشه‌های اجتماعی، دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر دانشگاهی.
- میکسل، ریموندا. ۱۳۷۶. توسعه اقتصادی و محیط‌زیست مقایسه بین اقتصاد توسعه سنتی و توسعه پایدار، ترجمه علیرضا اریاب، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- نجفی، انوشیروان. ۱۳۷۹، قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تنوع زیستی، تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست تهران.

نصر، سید حسین. ۱۳۷۹. انسان و طبیعت. بحران معنوی انسان متجدد، ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

نصیری. حسین. ۱۳۷۹. توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم تهران: فرهنگ و اندیشه.

نیلی؛ مسعود، ۱۳۷۶. اقتصاد ایران، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی توسعه.

وات؛ کنت، ۱۳۷۴، مبانی محیط زیست، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

ویلنوز؛ کلود. ۱۳۷۰. «شهروند و محیط زیست» پیام یونسکو، شماره ۲۵۸.

\_\_\_\_\_ ۱۳۸۱. همشهری، (۴/شهریور/۱۳۸۱) شماره ۲۸۲۱.

\_\_\_\_\_ ۱۳۸۲ یاس نو.

یخکشی علی، ۱۳۷۹، درک گفتگوی تمدن ها، مازندران: انتشارات دانشگاه مازندران.

یخکشی علی. ۱۳۸۱. شناخت، حفاظت و بهسازی محیط زیست ایران، تهران: انتشاران دانشگاه تهران.

## فهرست منابع انگلیسی

- Barnett, Tony. 1991. *Sociology and Development*. London and New York : Routledge.
- Elliott, Jennifer A. 1994. *An Introduction to Sustainable Development, The Developing world*, London and New York : Routledge
- George, Vic. 1988. *Wealth, Poverty and Starvation*, New York : St. Martins Press.
- Jacobs. M. 1991. *The Green Economy*, London : Pluto-press.
- Looney, Robert. E. 1982. *Economic Origins of Iranian Revolution*, New York : Pergamons Press.
- Low Nicholas and Bleeson Grendan, 1998. *Justic Society and Nature : an Exploration of Political ecology* London (New York) : Routledg.
- Munn, R. E. 1993. "Toward Sustainable Development : an Environmental Perspective" *Development (Journal of SID)* Vol. 2. No. 3.
- Robberts. J. Timmons and Hite Amy. 2000. "From Modernization to Globalization" New York : Black Well.
- Soto, Alvaro. 1992 "The Global Environment : A Southern Perspective" *Internationa Journal of Environment and Development*. No. 4. Autumn.
- UNDP. 1999. *Human Development Of Islamic Republic of Iran*.
- UNDP. 1998. *Human Development Report* New York : Oxford University Press.
- UNDP. 1997. *Educating for Sustainable Future. The Ssaloniki*. UNESCO/the Governmen of Greece.

UNESCO. 1996. a. Our Creative Diversity, Report of the world Commission on Culture and Development. Paris : UNESCO Publication.

United Nations. 1994. Eearth Summith, Agenda 21, The United Nations Programe of Action From Rio, New York : U.N. Publication.

United Nations Report, Human Development, 1992.

United Nations. 1992. b. Year Book of 1992. Volume 48.

Webster, Andrew. 1991. Introduction to the Sociology of Development, London : Macmillan, Second Edition.

نشانی اینترنتی

[www.iucn.org](http://www.iucn.org)

[www.Cenesta.org](http://www.Cenesta.org)

۴۸۷۹۳